



Cultural Manifestation In The Analysis Of Social Studies And The Shared Semantic Structure Of Ferdowsi's Shahnameh And Iranian Garden Architecture with A Focus On Greimasian Theory

Narges Aboutaleb¹, Ali Asgharzadeh^{2*}, Vajihe Torkamani Barandozi³, Amir Hashem Poormafi⁴

(Received Date: 2024/08/23 - Accepted Date: 2024/12/30)

Abstract

The studies in the social and cultural domain reveal that Ferdowsi's Shahnameh and the Iranian Garden, as key symbols of Iranian culture and civilization, share values, beliefs, and semantic structures shaped over centuries. This research employs Greimas' theoretical framework and social and cultural methods to explore the semantic structure of these two elements. Greimas' semi-structuralist model emphasizes narrative analysis and the recognition of semantic systems, facilitating a comparative examination of the narrative structure of the Shahnameh and the architecture of the Iranian Garden. The study adopts a descriptive-analytical approach to investigate this inquiry, utilizing concepts such as deep and surface structures, actants, and actions to analyze shared principles, including binary oppositions, heroic patterns, and natural symbolisms in these phenomena. The findings indicate that both the Iranian Garden and Ferdowsi's Shahnameh represent spaces of Iranian identity and culture, possessing shared semantic narratives. Through their complex interconnection of nature, mythology, and history, they contribute to the reproduction and transmission of Iran's cultural and social values. Additionally, this study emphasizes that social analyses and cultural interpretations based on Greimasian theory can serve as effective tools for a deeper understanding of fundamental concepts in Iranian classical literary and artistic texts. This is significant for preserving and enhancing Iran's cultural and identity heritage, enriching interdisciplinary research in this field.

Keywords: Ferdowsi's Shahnameh, Iranian Garden Architecture, Iranian Culture, Manifestation Of Social & Cultural Studies, Greimasian Theory.

* This Article Is Extracted From The Doctoral Thesis Of 'Narges Aboutaleb', Titled "*Narrative Structures In The Architecture Of The Persian Garden And Tragic Literature Of Ferdosi's Shahnameh*", Under The Supervision Of 'Dr. Ali Asgharzadeh', & Advisory Of 'Dr. Vajihe Torkamani Barandozi', & 'Dr. Amir Hashem Poormafi',

¹Ph.D. Student In Architecture, Department Of Architecture, Chalous Branch, Islamic Azad University, Chalous, Iran. eng.n.abt63@gmail.com

² Assistant Professor of Architecture Department, Chalous Branch, Islamic Azad University, Chalous, Iran. (Corresponding Author): ali.asgharzadeh@iauc.ac.ir

³ Assistant Professor Of Persian Language And Literature Department, Chalus Branch, Islamic Azad University, chalus, Iran. v.Torkamani@iaue.ac.ir

⁴ Assistant Professor Of Archeology Department, Chalus Branch, Islamic Azad University, Chalus, Iran. hashempoomafi.amir@gmail.com

تبلور فرهنگ در بررسی مطالعات اجتماعی ساختار معنایی مشترک روایت‌های شاهنامه فردوسی و معماری باغ ایرانی با محوریت اجتماع نظریه گرماس

نرگس ابوطالب^۱، علی اصغرزاده^{۲*}، وجیهه ترکمانی باراندوزی^۳، امیر هاشم پورماfi^۴

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰)

چکیده

تبلور مطالعات در حوزه اجتماعی و فرهنگی گویای آن است که شاهنامه فردوسی و معماری باغ ایرانی به عنوان ۲ نماد برجسته فرهنگ و تمدن ایرانی، حامل ارزش‌ها، باورها و ساختارهای معنایی مشترکی هستند که در طول قرون مختلف به صورت هم‌افزا در تاریخ و فرهنگ ایرانی شکل گرفته‌اند. در این پژوهش با استفاده از چارچوب نظری گرماس و روش‌های مطالعات اجتماعی و فرهنگی، به‌واکاوی ساختار معنایی این ۲ عنصر پرداخته شده است. نظریه گرماس به عنوان یک مدل نیمه‌ساختارگرا، باتاکید بر تحلیل روایت و بازشناسی نظام‌های معنایی، امکان بررسی تطبیقی میان ساختار روایی شاهنامه و معماری باغ ایرانی را فراهم می‌آورد. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی به این تفحص پرداخته و از مفاهیم کلیدی همچون ساختارهای ژرف و سطحی، کُنشگران و افعال، به‌بررسی نحوه تبلور اصول مشترکی نظیر؛ تقابل‌های ۲ گانه، الگوهای قهرمانی و نمادپردازی‌های طبیعی در این ۲ پدیده براساس مستندات مکتوب در ارائه یک تجزیه و تحلیل کیفی-کمی برخوردار است. نتایج حاکی از آن است که معماری باغ ایرانی و شاهنامه فردوسی، هر ۲ به‌عنوان فضای بازنمایی‌کننده هویت و فرهنگ ایرانی، دارای روایت‌های معنایی مشترکی هستند که در پیوندی پیچیده میان طبیعت، اسطوره و تاریخ، به بازتولید و انتقال ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی ایران پرداخته‌اند. در نتیجه، این مطالعه همچنین تأکید دارد که تحلیل‌های اجتماعی و تبیینات فرهنگی از منظر نظریه گرماس، می‌تواند ابزار مؤثری برای فهم بهتر و عمیق‌تر از مفاهیم بنیادین موجود در متون ادبی و هنری کلاسیک اجتماع ایران ارائه دهد. این امر به‌ویژه در راستای حفظ و ارتقای میراث فرهنگی و هویتی ایران، حائز اهمیت است و می‌تواند به غنای پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در این زمینه کمک شایانی کند.

واژگان کلیدی: شاهنامه فردوسی، معماری باغ ایرانی، فرهنگ ایرانی، تبلور مطالعات اجتماعی و فرهنگی، نظریه گرماس.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «نرگس ابوطالب»، با عنوان «خوانش ساختار روایی در معماری باغ ایرانی و داستان‌های تراژیک شاهنامه فردوسی»، است که به راهنمایی «دکتر علی اصغرزاده»، و مشاوره «دکتر وجیهه ترکمانی باراندوزی»، و «دکتر امیر هاشم پورماfi»، استخراج شده است.

eng.n.abt63@gmail.com

ali.asgharzadeh@iauc.ac.ir

v.Torkamani@iaue.ac.ir

hashempoormafi.amir@gmail.com

۱ دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

۲* استادیار گروه معماری، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران. (نویسنده مسئول):

۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

۴ استادیار گروه باستان‌شناسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

۱- مقدمه/ بیان مسأله

در تبیین تبلور مطالعات اجتماعی و فرهنگی شاهنامه فردوسی، به عنوان یکی از مهمترین آثار حماسی جهان، نه تنها در ادبیات فارسی بلکه در فرهنگ و هویت ایرانی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد (علامی، حیدری، ۱۳۹۶: ۱۱۸). این اثر بی‌نظیر، که با تلفیق تاریخ، اسطوره و حماسه خلق شده است، انعکاسی از اندیشه‌ها، ارزش‌ها و باورهای جامعه ایران باستان است (فرزین، ۱۳۹۳: ۱۳-۸). از آنجا که روایت‌های شاهنامه به گونه‌ای هنری و پیچیده تدوین شده‌اند، تحلیل و تفسیر آن‌ها از منظرهای مختلف همواره مورد توجه محققان قرار گرفته است (حقایق، سجودی، ۱۳۹۴: ۱۲-۵). در این راستا، یکی از رویکردهای نوین و مهم در مطالعه شاهنامه، می‌تواند بررسی ساختارهای معنایی و روایی آن با استفاده از نظریه‌های نوین ادبی، به ویژه نظریه گرماس تطبیق گردد. چشم‌انداز گرماس، که بر مبنای تحلیل ساختاری و معنایی روایت‌ها شکل گرفته‌اند، ابزارهای تحلیلی مؤثری را برای درک عمق معانی و ساختارهای پنهان در متون ادبی ارائه می‌دهند. به طوری که، با تمرکز بر عملکرد عناصر روایی و نقش‌های معنایی آن‌ها، به تحلیل دقیق‌تر و جامع‌تری از متن کمک می‌کنند (قنبری عبدالملکی، فیروزیان پوراصفهانی، ۱۳۹۹: ۳۳۱-۳۲۰). به کارگیری این رویکرد در واکاوی شاهنامه می‌تواند به کشف لایه‌های پیچیده‌تر معنایی و روایی این اثر کمک کند و زوایای جدیدی از تحلیل‌های اجتماعی و فرهنگی آن‌را نمایان سازد (هو سنگی، ۱۴۰۲: ۹۹-۷۹). باغ ایرانی نیز به سان یکی از وجوه برجسته هنر و فرهنگ ایرانی (فاطمی، ۱۴۰۱: ۱۹-۶)، از دیرباز تا به امروز، همواره مورد توجه محققان قرار داشته است. این باغ‌ها نه تنها به عنوان فضاهای زیبایی؛ شناسی-شناختی بلکه به مثابه نمادی از جهان‌بینی و تفکر ایرانیان در دوره‌های مختلف تاریخی مورد بررسی قرار گرفته‌اند (براتی، آل‌هاشمی، میناتورسجادی، ۱۴۰۱: ۱۵-۶). باغ ایرانی، با ساختار هندسی خاص و تلفیق عناصر طبیعی و معنوی، یک فضای نمادین است که می‌تواند بازتاب‌دهنده جهان‌بینی ایرانی و حتی ساختارهای اجتماعی و فرهنگی این سرزمین باشد (عزیزی قهرودی، عسگری، ۱۴۰۱: ۵۶-۴۵). بررسی ساختار معنایی مشترک میان روایت‌های شاهنامه و باغ ایرانی از منظر نظریه گرماس، فرصتی است برای کشف نقاط تلاقی و هم‌پوشانی در این ۲ عنصر مهم فرهنگی. تحلیل این اشتراکات می‌تواند به درک عمیق‌تری از روابط معنایی و اجتماعی در فرهنگ ایرانی کمک کند و نشان دهد که چگونه این عناصر در گذر زمان توانسته‌اند به طور هم‌زمان به حفظ و انتقال هویت ایرانی بپردازند (ایروانی، حسینی، ۱۴۰۲: ۱۵-۱). تبلور مطالعات اجتماعی و فرهنگی از طریق تحلیل ساختارهای معنایی، ابزاری قدرتمند برای فهم و چگونگی پژوهش‌ها، تبیینات، سندیت و هویت‌های اجتماعی در آثار هنری و ادبی ارائه می‌دهند (احمدی، ۱۳۹۹: ۱۵۰). این گونه مطالعات، به ویژه در مورد شاهنامه فردوسی و باغ ایرانی، می‌توانند به روشن‌تر شدن روابط میان عناصر مختلف فرهنگی و چگونگی شکل‌گیری و حفظ آن‌ها در اجتماع طی زمان کمک کنند.

به طور مشخص، پژوهش مورد واکاوی با اهداف تحلیل و شناسایی ساختارهای معنایی مشترک در روایت‌های شاهنامه فردوسی و باغ ایرانی، بر اساس نظریه گرماس، به دنبال پاسخ به این پرسش‌ها است:

چگونه می‌توان با استفاده از نظریه گرماس به تحلیل ساختارهای معنایی مشترک در روایت‌های شاهنامه فردوسی و باغ ایرانی پرداخت؟ - این ساختارهای معنایی چگونه در انتقال معانی و مفاهیم اجتماعی-فرهنگی نقش دارند؟ در پاسخ به این پرسش‌ها، تحقیق حاضر بر این فرضیه مستقر می‌باشد که روایت‌های شاهنامه فردوسی و باغ ایرانی دارای ساختارهای معنایی مشترکی هستند که می‌توان با بهره‌گیری از نظریه گرماس به کشف و تحلیل آن‌ها پرداخت. به نظر می‌رسد این ساختارهای معنایی در انتقال معانی و مفاهیم فرهنگی ایرانی نقش به‌سزایی دارند و به شناخت بهتر از چگونگی پیوند میان ادبیات و هنر در ایران کمک می‌کنند. در این خصوص، الگوهای چارچوب تحلیلی که با رویکرد نظریه گرماس و بر پایه مطالعات اجتماعی و فرهنگی طراحی می‌شوند، می‌توانند به‌عنوان ابزاری کارآمد در شناخت و تحلیل مفاهیم فرهنگی مورد استفاده قرار گیرند. این پژوهش باهدف طراحی چنین الگوهای تحلیلی، سعی دارد تا با تبیین واکاوی عناصر معنایی مؤثر در روایت‌های شاهنامه و باغ ایرانی، به کشف ساختارهای مشترک میان این ۲ پردازد و راهکارهایی را ارائه دهد که به‌درک عمیق‌تر از فرهنگ ایرانی منجر شود. با توجه به اینکه شاهنامه و باغ ایرانی هر ۲ از عناصر برجسته فرهنگ ایرانی محسوب می‌شوند، واکاوی دقیق این ساختارها و استفاده از یافته‌های این جستار می‌تواند به‌بهبود و تعمیق شناخت از هویت فرهنگی ایرانیان کمک کند. بدین ترتیب، پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا با بهره‌گیری از مفاهیم و نظریه‌های موجود در حوزه‌های مطالعات اجتماعی و فرهنگی و ادبی، چارچوبی جامع و کاربردی برای تحلیل و تبیین ساختارهای معنایی مشترک در فرهنگ ایرانی فراهم آورد.

۲- تدارکات پژوهش - (مبانی نظری / پیشینه پژوهش)

۲-۱- مبانی نظری

❖ **نظریه گرماس و تحلیل فرهنگی:** آلزیر ژولین گرماس^۱ به‌عنوان یکی از معروف‌ترین نظریه‌پردازان در حوزه نشانه‌شناسی شناخته می‌شود. گرماس، بر این باور است که معناها در ساختارهای روایی از طریق تقابل‌های ۲گانه و ساختارهای پیچیده به‌وجود می‌آیند. او با ابداع مربع معنایی - "Semiotic Square"، روشی برای واکاوی این تقابل‌ها ارائه داد که به‌درک بهتر ساختارهای معنایی در متون کمک می‌کند (Greimas, 1983: 56-66). یکی از مهمترین مفاهیم گرماس، مدل کُنشگر - "Actantial Model" است. در این مدل، هر روایت به‌عنوان یک ساختار عملکردی متشکل از ۶ کُنشگر اصلی تحلیل می‌شود. فرستنده، گیرنده، قهرمان، مخالف، یاریگر، و شیء موردطلب. این مدل به تحلیل ساختارهای داستانی و اجتماعی کمک می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه این کُنشگران در قالب روایت‌ها به‌ایجاد معنا می‌پردازند (Greimas, 1966: 25). به‌طور خاص نظریه گرماس، به‌طور گسترده‌ای در مطالعات فرهنگی و اجتماعی به‌کار رفته است. محققان از مدل‌های او برای تحلیل متون ادبی، رسانه‌ای، و حتی

پدیده‌های اجتماعی بهره برده‌اند. برای نمونه، در تحلیل روایات تاریخی، ساختارهای معنایی مطرح شده توسط گرماس، به فهم بهتر از چگونگی شکل‌گیری و تثبیت هویت‌های فرهنگی کمک می‌کند (Floch, 2001: 77).

❖ **شاهنامه فردوسی و تحلیل‌های اجتماعی و فرهنگی:** شاهنامه فردوسی، به مثابه یکی از بنیادی‌ترین متون حماسی ایران، همواره مورد توجه کاوشگران بوده است. تحلیل‌های اجتماعی و فرهنگی این اثر نشان می‌دهد که شاهنامه نه تنها یک اثر ادبی است بلکه نمادی از مقاومت فرهنگی در برابر تحولات سیاسی و اجتماعی دوران است. این تحلیل‌ها به بررسی چگونگی بازتاب وقایع تاریخی و اسطوره‌های ملی در این اثر پرداخته‌اند (Davis, 2016: 45-69). اسطوره‌ها و نمادهای شاهنامه نقش کلیدی در بازتاب ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه ایرانی دارند. به مانند مفهوم «پهلوانی»، و شخصیت‌هایی همچون رستم که نماد قدرت، شجاعت و وفاداری هستند و نشان‌دهنده ایده‌آل‌های اجتماعی دوران فردوسی می‌باشند. این اسطوره‌ها بازتاب‌دهنده تمایلات جمعی و ارزش‌های فرهنگی جامعه‌ای هستند در برابر مهاجمان خارجی و تغییرات سیاسی ایستادگی کرده‌اند (Ghandeharion, Mousavi, 2019: 146-150). شاهنامه به طور عمیقی فرهنگ و هویت ایرانی را بازتاب می‌دهد. فردوسی، با استفاده از روایت‌های حماسی و تاریخی، تلاش کرده است که فرهنگ ایرانی را در برابر تهدیدات مختلف حفظ کند. این متن حماسی، در واقع تصویری از جامعه‌ای است که با تأکید بر ارزش‌های ملی و فرهنگی خود، به دنبال حفظ هویت و استقلال خود بوده است (Hillmann, 2021: 50).

❖ **باغ ایرانی و ساختار معنایی آن:** باغ ایرانی ریشه در نمادهای فرهنگی و اجتماعی در تاریخ ایران است. این باغ‌ها نه تنها مکان‌هایی برای لذت بردن از طبیعت بوده‌اند، بلکه به عنوان نمادی از بهشت و هماهنگی بین انسان و طبیعت در فرهنگ ایرانی شناخته می‌شوند. از دیدگاه تاریخی، باغ ایرانی انعکاس مفهوم‌هایی نظیر: عدالت، نظم و تعادل است که از اصول بنیادین فرهنگ ایرانی به شمار می‌رود (Mahmoudi, Farahani, Motamed, Jamei, 2016: 1-9). در تبیین باغ ایرانی، تمام عناصر طراحی به گونه‌ای سازمان‌دهی شده‌اند که یک ترکیب هماهنگ و متوازن را به وجود آورده‌اند. این باغ‌ها اغلب دارای ۴ بخش اصلی هستند که به طور متقارن تقسیم شده‌اند. این الگوی ۴بخشی که به «۴باغ»، معروف است، بازتابی از جهان بینی ایرانی است که در آن، جهان به عنوان یک کلیت هماهنگ در نظر گرفته می‌شود (همان). باغ ایرانی به عنوان یک نماد فرهنگی، نشان‌دهنده ارتباط عمیق میان انسان و طبیعت در فرهنگ ایرانی است. این باغ‌ها، با طراحی دقیق و اصولی خود، تصویری از بهشت موعود را ارائه می‌دهند که نه تنها مکانی برای آرامش جسمی، بلکه فضایی برای تعالی روحی نیز فراهم می‌کند. این مفهوم از باغ در بسیاری از متون ادبی و هنری ایران، از جمله در شاهنامه، مورد استفاده قرار گرفته است (Amani Beni et al. 2021: 1-29).



❖ **ارتباط بین شاهنامه و باغ ایرانی:** شاهنامه و باغ ایرانی هر ۲ نمادهایی از فرهنگ و هویت ایرانی هستند که در قالب‌های متفاوت به بیان ارزش‌ها و مفاهیم مشابه می‌پردازند. در هر ۲، تأکید بر نظم، عدالت، و تعادل به عنوان اصول بنیادین قابل مشاهده است. به عنوان نمونه، همان‌طور که در شاهنامه مفهوم عدالت در داستان‌های پهلوانان و پادشاهان مطرح می‌شود، در باغ ایرانی نیز این مفهوم از طریق طراحی متقارن و هماهنگ باغ بیان می‌شود (Yusoff Abbas, Nafisi, Nafisi, 2016: 510-515). یکی از مفاهیم مشترک بین شاهنامه و باغ ایرانی، ایده‌آل‌سازی فضا و زمان است. در شاهنامه، روایت‌های حماسی در فضایی آرمانی و خارج از زمان واقعی رخ می‌دهد، که این ایده در طراحی باغ ایرانی نیز مشاهده می‌شود؛ جایی که فضا به گونه‌ای طراحی شده که تصویر یک بهشت زمینی را به ذهن متبادر کند. این شباهت‌ها نشان‌دهنده یک درک مشترک فرهنگی از جهان است که هم در ادبیات و هم در هنرهای بصری ایران یافت می‌شود. به طور خاص، شاهنامه و باغ ایرانی در شکل‌دهی و تثبیت هویت فرهنگی ایرانیان نقش مهمی داشته‌اند. شاهنامه به عنوان یک متن ادبی، با روایت داستان‌های حماسی و تاریخی، هویت ملی را تقویت کرده است؛ در حالی که باغ ایرانی، به عنوان یک فضای فیزیکی، نمادی از این هویت را در دنیای واقعی به نمایش گذاشته است. این ۲ نماد فرهنگی با بازتاب و تقویت ارزش‌های مشترک، به حفظ و انتقال هویت ایرانی در طول تاریخ کمک کرده‌اند (ورمقانی، ۱۳۹۶: ۳۷-۱۱).

❖ **مطالعات تطبیقی در فرهنگ و اجتماع:** تبیین مطالعات تطبیقی در فرهنگ و اجتماع، به بررسی چگونگی انتقال و بازنمایی مفاهیم فرهنگی در قالب‌های مختلف می‌پردازد. این مطالعات به ویژه در تحلیل ساختارهای معنایی مشترک میان متون ادبی و آثار هنری از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. به عنوان نمونه، تطبیق میان ساختارهای معنایی شاهنامه و باغ ایرانی می‌تواند به روشن‌تر شدن شباهت‌های فرهنگی و اجتماعی موجود در این ۲ زمینه کمک کند. رویکردهای مختلفی در تحلیل فرهنگ و اجتماع وجود دارد که هر یک از آن‌ها به شیوه‌ای خاص به تفتیش مفاهیم فرهنگی می‌پردازند. به مثابه، رویکرد ساختارگرایی به دنبال کشف ساختارهای پنهان در متون و آثار فرهنگی است، در حالی که رویکرد تفسیری بر تفسیر معنای این ساختارها در زمینه‌های خاص تأکید می‌کند (ورمقانی، پاکزاد، ۱۴۰۱: ۱۰۰-۸۲). استفاده از نظریه‌های نشانه‌شناسی به مانند نظریه گرماس در این زمینه‌ها می‌تواند به درک عمیق‌تر از چگونگی شکل‌گیری و انتقال معنا کمک کند.

لـ محقق بر این باور است که در چارچوب نظریه گرماس، مطالعه تطبیقی ساختارهای معنایی می‌تواند به کشف چگونگی عملکرد معانی در متون مختلف منجر شود. طوری که برپایه (جدول ۱)، می‌توان مروری تخصصی بر مبانی نظری پژوهش داشت. در این جدول، به طور ویژه به مفاهیم کلیدی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی کاربردهای نظری و تحلیل‌های تطبیقی مرتبط با نظریه گرماس، شاهنامه، باغ ایرانی و مطالعات تطبیقی پرداخته شده است. این ساختار به منظور ایجاد ارتباطی منسجم بین مفاهیم نظری و موضوعات عملی جستار حاضر طراحی شده است.

جدول ۱: مروری تخصصی بر مبانی نظری پژوهش حاضر - (مأخذ: استنباط نگارندگان، ۱۴۰۳)

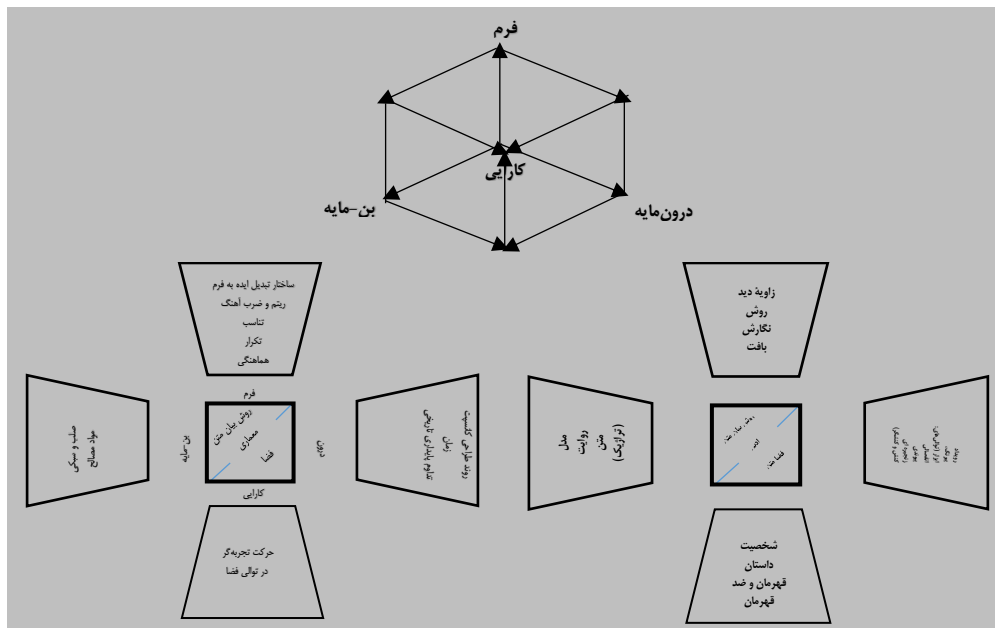
ردیف	آیتمها	موضوعات اصلی	استنباط جزئیات تخصصی
۱	نظریه گرماس و تحلیل فرهنگی	معرفی نظریه گرماس	نظریه نشانه‌شناسی گرماس، با تمرکز بر مربع معنایی و مدل کشگر عشقی، به تحلیل تقابل‌های ۲ تایی و ساختارهای روایی در متون می‌پردازد و در مطالعات فرهنگی نقش بنیادینی دارد.
		کاربرد نظریه در مطالعات اجتماعی و فرهنگی	نظریه گرماس، در تحلیل متون ادبی و اجتماعی، به‌ویژه در کشف ساختارهای معنایی پنهان و تحلیل روایات حماسی و تاریخی، نقش مهمی در فهم فرهنگی و اجتماعی دارد.
۲	شاهنامه فردوسی و تحلیل‌های اجتماعی و فرهنگی	تحلیل‌های قبلی از شاهنامه	تحلیل تاریخی-فرهنگی شاهنامه بازتاب وقایع و ارزش‌های اجتماعی را نشان می‌دهد و به‌عنوان نماد مقاومت فرهنگی مطرح می‌شود. نقد فرهنگی آن به بررسی نقش اسطوره‌ها و داستان‌های پهلوانی در تثبیت هویت ایرانی می‌پردازد.
		تحلیل اسطوره‌ها و نمادها	تحلیل اسطوره‌شناسی شاهنامه به‌واسطه نمادها و شخصیت‌های پهلوانی به‌مانند رستم، و تأثیر آن‌ها بر ارزش‌های فرهنگی می‌پردازد و تأثیرات اجتماعی این اسطوره‌ها را بر ایده‌آل‌های اجتماعی ایران بررسی می‌کند.
۳	باغ ایرانی و ساختار معنایی آن	تحلیل تاریخی و فرهنگی	مطالعات، تاریخ هنر باغ ایرانی به‌عنوان نماد هماهنگی انسان و طبیعت و تحلیل مفاهیم نظم و تعادل را بررسی می‌کند. باغ همچنین به‌عنوان فضای با مناهاهی فرهنگی و اجتماعی عمیق تحلیل می‌شود.
		باغ ایرانی به‌عنوان نماد فرهنگی	تحلیل ساختار ۴بخشی باغ ایرانی و ارتباط آن با جهان بینی هماهنگ ایرانی و تأثیر آن بر عدالت و نظم، همچنین، بررسی تجلی باغ ایرانی به‌عنوان نماد فرهنگی در ادبیات و هنر.
۴	ارتباط بین شاهنامه و باغ ایرانی	تحلیل تطبیقی ساختارهای معنایی	تحلیل تطبیقی ساختارهای معنایی شاهنامه و باغ ایرانی با تأکید بر مفاهیم نظم، عدالت، و تعادل، و بررسی شباهت‌های فرهنگی و آرمان‌گرایی در هر ۲ حوزه.
		نقش مفاهیم در هویت فرهنگی	بررسی نقش شاهنامه و باغ ایرانی در شکل‌دهی و تقویت هویت فرهنگی ایرانیان، و تحلیل نمادهای مشترک که به تثبیت و انتقال این هویت کمک می‌کنند.
۵	مطالعات تطبیقی در فرهنگ و اجتماع	مروار مطالعات تطبیقی	بررسی تطبیقی در کشف شباهت‌های فرهنگی میان شاهنامه و باغ ایرانی، و تحلیل روش‌های تطبیقی به‌مانند ساختارگرایی و نشانه‌شناسی با مدل‌های گرماس.
		تطبیق رویکردها با نظریه گرماس	تبیین نظریه گرماس برای تحلیل ساختارهای معنایی متون و تطبیق آن‌ها با رویکردهای دیگر، و بررسی تأثیر مدل‌های گرماس در درک پیچیدگی‌های معنایی در مطالعات اجتماعی و فرهنگی.

برای بررسی ساختار معنایی مشترک روایت‌های شاهنامه فردوسی و باغ ایرانی مبتنی بر نظریه گرماس، می‌توان به اندیشه‌ها و نظریات مطرح‌شده در حوزه‌های مرتبط اشاره کرد از جمله: *ژولیا کریستوا*^۱ با گسترش و بسط نظریه‌های نشانه‌شناسی و بینامتنیت، به بررسی ارتباط میان متن‌ها و فضای فرهنگی-اجتماعی می‌پردازد (Kristeva, 1980: 50-89). دیدگاه‌های او در زمینه تحلیل متون ادبی و فرهنگی، به‌ویژه در زمینه معناشناسی و بینامتنیت، می‌تواند به‌درک ساختارهای مشترک میان شاهنامه و باغ ایرانی کمک کند. *رولان بارت*^۲ یکی از پیش‌روان نشانه‌شناسی مدرن است که با آثارش در حوزه تحلیل نشانه‌های فرهنگی و اجتماعی، به‌ویژه در «اسطوره‌شناسی‌ها»، مفاهیمی را معرفی می‌کند (Barthes, 1957:32-63). که می‌توانند به تحلیل فرهنگی و اجتماعی شاهنامه و باغ ایرانی در چارچوب نظریه گرماس کمک کنند. *پیر بوردیو*^۳ با نظریات خود در مورد سرمایه فرهنگی و میدان‌های فرهنگی، به بررسی چگونگی تعامل قدرت و معنا در فرهنگ می‌پردازد (Bourdieu, 1984: 303). نظریات او در زمینه ساختارهای اجتماعی و فرهنگی می‌تواند به‌درک روابط و ساختارهای معنایی مشترک در شاهنامه و باغ ایرانی کمک کند. *در واکاوی آثریتر ژولین گرماس*، به‌عنوان بنیان‌گذار نظریه کشگر، گرماس با ارائه مدل‌های نشانه‌شناسی و ساختارگرایی، چارچوبی نظری برای تحلیل‌های ساختاری از متون ادبی و فرهنگی فراهم کرد (Greimas, 1966: 86).

نظریهٔ او به‌ویژه در تحلیل داستان‌های حماسی و نمادهای فرهنگی، همچون شاهنامه و باغ‌ایرانی، می‌تواند بسیار مؤثر واقع گردد. / محمدعلی/ اسلامی ندوشن^۵ به‌عنوان یک پژوهشگر برجسته در زمینهٔ ادبیات فارسی و فرهنگ‌ایرانی، تحلیل‌های عمیقی دربارهٔ شاهنامه و ارزش‌های فرهنگی آن ارائه داده است. نظرات او در تبیین هویت فرهنگی ایرانی و ارتباط آن با شاهنامه می‌تواند به تحلیل ساختارهای معنایی کمک کند (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۶: ۷۹-۶۶). / و نیز محمد دبده/ معمار دبده^۶ در نظریهٔ خود با عنوان «فضا-معنا در بازنمایی هویت ایرانی»، در رابطه با شاهنامه و معماری باغ‌ایرانی هر ۲ به‌عنوان ساختارهای فرهنگی و هنری، با استفاده از عناصر فضایی و مکانی، نظیر: میدان نبرد، باغ، یا کاخ‌ها، به بازنمایی ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی در فرهنگ ایرانی می‌پردازند. این فضاها نه تنها زمینه‌ساز وقوع حوادث و داستان‌ها هستند، بلکه خود به‌صورت نمادین، حامل معانی فرهنگی و هویتی‌اند. در این نظریه، فضاهای فیزیکی و معنایی به‌عنوان بستری برای تجلی مفاهیم فرهنگی، به‌مثابهٔ نظم، عدالت و مقاومت در برابر تغییرات اجتماعی، تحلیل می‌شوند. دبده، با بهره‌گیری از رویکردهای نشانه‌شناسی ساختاری گرماس، پیشنهاد می‌کند که این فضاها به‌نوعی کنشگر-«Actant»، تبدیل می‌شوند که نقش فعالی در روایت و همچنین در تثبیت هویت فرهنگی ایفاء می‌کنند. معماری باغ‌ایرانی به‌عنوان یک فضای فیزیکی نمادین، نه تنها محل استراحت و تفریح، بلکه یک مدل ایده‌آل از نظم و تعادل جهانی است که با شاهنامه به‌عنوان یک متن آرمانی از نظم و مقاومت فرهنگی هم‌خوانی دارد (دبده، ۱۴۰۰: ۱۰۵-۹۹). / در این نگاه، هویت ایرانی از طریق این فضاها و روایت‌ها تثبیت و منتقل می‌شود. دبده معتقد است که مطالعهٔ تطبیقی شاهنامه و معماری باغ‌ایرانی از منظر نظریهٔ فضا-معنا، می‌تواند ابعاد جدیدی از چگونگی شکل‌گیری و انتقال هویت فرهنگی در طول تاریخ ایران را روشن کند. این نظریه به‌طور خاص، در تحلیل تطبیقی و بررسی ساختارهای معنایی و نشانه‌شناسی شاهنامه و معماری باغ‌ایرانی، با توجه به بستری‌های تبلور اجتماعی و فرهنگی مختلف، کمک می‌کند تا بهتر بفهمیم چگونه این ۲ نماد فرهنگی به تثبیت و بازنمایی هویت ملی ایرانیان کمک کرده‌اند.

❖ **تدقیق محقق در بررسی مفهوم روایت‌شناسی در حوزه‌های ادبیات، معماری و نظریه‌پردازی:** روایت‌شناسی به‌عنوان مفهومی که در حوزه‌های ادبیات، معماری و نظریه‌پردازی به‌کار می‌رود، به تحلیل و بررسی ساختارها و عناصر روایتی می‌پردازد که در این حوزه‌ها بهره گرفته شده‌اند. طوری که می‌توان دیگرام تطبیقی تبلور فرهنگ در خوانش ساختارروایی در معماری باغ‌ایرانی و داستان‌های تراژیک شاهنامه را برپایهٔ (شکل ۱)، منظور داشت. در / ادبیات؛ روایت به‌معنای بازگویی رشته‌ای از حوادث واقعی یا خیالی است که به‌صورت یکپارچه در کنارهم قرار می‌گیرند تا داستانی را شکل دهند. ساختارگرایان در این حوزه به‌دنبال کشف روابط علت و معلول بین این حوادث هستند و از ساختارهای روایتی برای تجزیه و تحلیل ادبیات بهره می‌گیرند. به‌عنوان مثال، در آثار تراژیک به‌مانند «شاهنامه»، یک ساختار روایتی تکرار می‌شود که در آن رویدادها با آغاز، میانه و پایان مشخص کنارهم قرار گرفته و انسجامی را شکل می‌دهند که به خواننده امکان درک مفاهیم عمیق‌تری از داستان‌ها را می‌دهد. در معماری؛ نیز روایت‌شناسی به شکل

خاصی مطرح می‌شود و فضاها به‌عنوان عنا صر روایتی دیده می‌شوند که با حرکت و تجربه انسان‌ها در طول زمان معنا پیدا می‌کنند. معماری و ادبیات هر ۲ از ابزارهایی استفاده می‌کنند که با استفاده از آن‌ها، جهان‌های جدیدی ساخته می‌شود. فضاهای معماری به‌منظور «متن‌های روایی»، تعریف می‌شوند که مخاطب در تعامل با آن‌ها، داستانی را تجربه می‌کند. در این فرایند، فضاها تنها محیط‌های فیزیکی نیستند بلکه از طریق روایت فضایی، امکان شناخت کامل از محیط را برای مخاطب فراهم می‌کنند. در نظریه پردازی، روایت، مفاهیم کلیدی به‌مثابه توالی رخدادها، رابطه علت و معلولی و ساختارهای فضایی بررسی می‌شوند. به‌عنوان مثال، معماری ایرانی با بهره‌گیری از مفاهیم روایتی، فضاهایی را خلق می‌کند که هم تعامل انسان با طبیعت و هم مفهوم زیبایی‌شناسی را در خود جای می‌دهد. باغ ایرانی نمونه‌ای است که در آن ساختارهای روایتی به‌وضوح دیده می‌شود، چراکه این فضاها به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که داستانی درباره تعامل بین انسان و طبیعت را بازگو کنند. به این ترتیب، روایت شناسی در هر یک از این حوزه‌ها به شناخت عمیق‌تری از ساختارهای معنا کمک می‌کند (ابوطالب، ۱۳۹۸: ۶-۴).



شکل ۱: دیاگرام تطبیقی تبلور فرهنگ در خوانش ساختار روایی در معماری باغ ایرانی و داستان‌های ترازیک شاهنامه فردوسی- (مأخذ: ابوطالب، ۱۳۹۸)

۲-۲- پیشینه پژوهش

باب وارسی پیشینه پژوهش حاضر، می‌توان منابع تحقیقاتی موردتبیین مرتبط با تحلیل ساختار معنایی مشترک روایت‌های شاهنامه فردوسی و معماری باغ ایرانی را با مطالعاتی که براساس اجتماع نظریه‌کنندگان محور گرماس انجام شده‌اند، شناسایی و تحلیل کرد. این تحلیل‌ها نشان‌دهنده توجه عمیق محققان به



پیوندهای نهفته میان متون ادبی و هنرهای بصری در تبیین مطالعات اجتماعی فرهنگ ایرانی است. به‌طور مشخص، در این بخش به‌برخی از پژوهش‌های انجام‌گرفته پرداخته شده است. برای دسترسی به مطالعات بررسی‌شده و درک جامع‌تر از ارتباطات میان این ۲ پدیده، یک برآیند حاصل از پژوهش‌های پیشین، برپایه (جدول ۲)، ارائه شده است که نتایج آن با پژوهش حاضر مقایسه گردیده است.

حسین پروین^۷ و حشمت‌الله متدین^۸ (۱۴۰۱): در پژوهش خود با عنوان «خوانش باغ ایرانی در مینیاتور، با تأکید بر مینیاتورهای شاهنامه بایسنقری»؛ به بررسی تأثیرات باغ سازی ایرانی بر هنر مینیاتور پرداخته‌اند. کمالینکه این تحقیق بر اهمیت باغ سازی به‌عنوان یکی از نمودهای هنری و فرهنگی در ایران تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که این هنر از دوران پیش از اسلام تا دوران اسلامی ادامه داشته و به‌تکامل رسیده است. به‌طور خاص، آنان به چگونگی تجلی باغ ایرانی در مینیاتورهای شاهنامه بایسنقری پرداخته‌اند. این انتخاب به‌دلیل ارتباط عمیق این مینیاتورها با شاهنامه فردوسی، تصویرگری آن‌ها در یک دوره زمانی مشخص و همچنین یکنواختی در ترسیم و در دسترس بودن مجموعه صورت گرفته است. یافته‌های این پژوهش به‌ویژه بر نقش هنرمند نگارگر در ارائه برداشت خاص از باغ ایرانی تأکید دارند. تحلیل نشان می‌دهد که هنرمند در مینیاتورها، عناصر باغ را به‌طور گزینشی و با توجه به جزئیات دقیق و فضای کلی باغ به‌تصویر کشیده است. بدین سان، مینیاتور به‌عنوان نمایشی از باغ ایرانی، به‌نوعی گزینش و بازنمایی عناصر طبیعت محسوب می‌شود که به‌دقت و هنرمندانه در این آثار به‌تصویر درآمده است (پروین، متدین، ۱۴۰۱: ۱۹-۶). فضل‌الله حسنونند^۹ در پژوهش خود به‌اتفاق آراء با عنوان «ارتباط اجتماعی خردمندان؛ بازتعریف مفهوم ارتباط در فرهنگ ایرانی مبتنی بر شاهنامه فردوسی»؛ به تحلیل و بازتعریف مفهوم ارتباط در فرهنگ ایرانی براساس شاهنامه فردوسی پرداخته شده است. این نگرش به‌طور بنیادی و با رویکرد کیفی مبتنی بر روش داده‌بنیاد انجام شده و هدف آن بازتعریف مفهوم ارتباط اجتماعی خردمندان است. در این پژوهش، بیت‌های شاهنامه فردوسی به‌عنوان واحد تحلیل انتخاب شدند و اعتبار الگوی طراحی شده از طریق نمونه‌گیری هدفمند و نظر صاحب‌نظران و پژوهشگران تأیید گردیده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ارتباط اجتماعی خردمندان در شاهنامه فردوسی شامل ۷ خرده مؤلفه اصلی است: ۱. همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگران، ۲. گفتار سازنده و اثربخش در ارتباطات بین فردی، ۳. ارتباط رشدگرا و متعادل با افراد نیک، ۴. درک ارزش‌ها و جایگاه خانواده، ۵. کمک‌رسانی و کمک‌طلبی زبانی و عملی، ۶. شجاعت و جرات‌مندی در بیان نظر و عمل درست، و ۷. دغدغه‌مندی و آگاهی اجتماعی. در نتیجه، پژوهش حاکی از آن است که به‌منظور توسعه ابزارهای معتبر و بسته‌های آموزشی برای مهارت‌های ارتباط خردمندان، تمرکز بر ابعاد شناسایی شده در این مطالعه مورد توجه قرار گیرد (حسونند و دیگران ۱۴۰۱: ۳۶-۲۵). محمدعلی محمودی^{۱۰} و فاطمه ثواب^{۱۱} در کتاب خود با عنوان «ساختار روایی و معنایی متون ادبی (نشانه‌شناسی روایی گریماس)»؛ به‌وارسی ساختارهای روایی و معنایی متون ادبی با استفاده از روش‌های نشانه‌شناسی گریماس نگریسته‌اند. آنان با تحلیل این ساختارها، توانستند به‌درک عمیق‌تری از معانی و روایات درون متون ادبی دست‌یابند.

آن‌ها تلاش می‌کنند تا با تبیین نظریه‌های نشانه‌شناسی، روابط پیچیده میان عناصر مختلف داستانی و معنایی را شنا سایی کرده و تأثیرات آن‌ها بر کلیت متن را تحلیل کنند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که نشانه‌شناسی گریماس به‌عنوان یک ابزار تحلیلی مؤثر، می‌تواند به کشف لایه‌های پنهان معنا و روایات در متون ادبی کمک کند. آنان براین باورند که استفاده از این رویکرد می‌تواند به‌فهم بهتری از ساختارهای روایی و معنایی در ادبیات منجر شود و نشان می‌دهد که چگونه عناصر مختلف داستانی و معنایی با یکدیگر تعامل دارند و تأثیرات متقابل آن‌ها چگونه به شکل‌گیری معنای کلی متن کمک می‌کند (محمودی، ثواب، ۱۴۰۱: ۱۸-۱۲۴). الهام سعادت^{۱۲} و محسن محمدی‌فشارکی^{۱۳} در مطالعه خود باعنوان «واکاوی مفهوم انسان‌شناسانه وطن در شاهنامه (براساس تحلیل ساختارهای مکان)»؛ به تفتیش مفهوم وطن از منظر انسان‌شناسی پرداخته‌اند. این تحقیق تأکید می‌کند که پناهگاه یکی از کهن‌الگوهای بنیادین بشر است که در مفهوم وطن تجلی می‌یابد و به‌عنوان کالبدی برای ظهور جهان‌بینی و ساختار اجتماعی مردمان با ویژگی‌های فرهنگی، سیاسی، زبانی و تاریخی مشترک عمل می‌کند. به‌طورویژه آنان به تحلیل ۲ مؤلفه اصلی برای تعریف وطن پرداخته‌اند: ۱. اصالت مرز و ۲. آنچه درون مرزها، قرار دارد. این ۲ مؤلفه به‌مثابه؛ زمین، حکومت، و دشمن هستند که هر کدام به‌نوبه خود در شکل‌گیری مفهوم وطن سهم دارند و بسته به الگوی هر دوران تاریخی، اهمیت متفاوتی پیدا می‌کنند. در شاهنامه، ایران و ایرانشهر به‌عنوان وطن‌های اصلی مطرح شده‌اند، اما آمیختگی مکان‌های واقعی و فراواقعی، حکومت‌های اسطوره‌ای و تاریخی و دشمنان مختلف، تشخیص دقیق مفهوم وطن را پیچیده می‌کند. مکان به‌عنوان مهمترین مؤلفه برای تعریف وطن در نظر گرفته شده است. این پژوهش با تقسیم‌بندی، توصیف و تحلیل مکان‌های شاهنامه، به‌این نتیجه می‌رسد که وطن در شاهنامه، مفهومی ذهنی و جمعی است که شامل حوزه‌ای تمدنی می‌شود. به‌بیانی، وطن به مجموعه‌ای از شهرها و مردمان اطلاق می‌شود که بایکدیگر در اجتماع ارتباط دارند و تحت نظر یک حکومت مرکزی قدرتمند که از آسیب‌های دشمنان محافظت می‌کند، قرار دارند (سعادت، محمدی‌فشارکی، ۱۳۹۹: ۱۷۷-۱۵۵). حسین سلطان‌زاده^{۱۴} در کتاب خود باعنوان «معماری و شهرسازی ایران به روایت شاهنامه فردوسی»؛ به‌موشکافی معماری و شهرسازی دوران پیش از اسلام براساس شاهنامه پرداخته است. وی، بیان می‌کند که معماری - هنری است تحت‌تأثیر عوامل مختلفی از جمله: اقلیم، جغرافیا، مصالح و فرهنگ قرار دارد و شکل‌گیری هر فضای معماری به‌این عوامل وابسته است. به‌طورخاص سلطان‌زاده، به‌بررسی مفهوم «فرهنگ معماری»، پرداخته و تأکید می‌کند که این فرهنگ، ریشه در تاریخ سرزمین دارد و درطول زمان به‌طورمشخص تجلی یافته است. او همچنین به‌اهمیت طرح ۴ ایوانی در معماری ایرانی اشاره کرده و بررسی می‌کند که چگونه این طرح در بناهای مختلف به‌کار رفته است. وی منابع معماری ایرانی را به ۲ دسته تقسیم می‌کند: ۱. بناهای برجای مانده و ۲. متون ادبی، تاریخی و سفرنامه‌ها. به‌دلیل محدودیت منابع مادی، شاهنامه فردوسی به‌عنوان منبع مهم و معتبر برای بررسی معماری پیش از اسلام معرفی می‌شود. و نیز به تحلیل واژه‌های معماری در شاهنامه به‌مانند آنگیر، آتشکده،

و ایوان و همچنین به‌چگونگی استفاده از فضاهایی چون باغ‌ها و کاخ‌ها در این اثر پرداخته است. وی بر آن باور است که شاهنامه اطلاعات مفیدی درباره معماری و شهرسازی دوران پیش از اسلام ارائه می‌دهد و می‌تواند به‌درک بهتر روند توسعه معماری ایرانی در دوره‌های بعدی کمک کند (سلطان‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۰۵-۱۰۶).

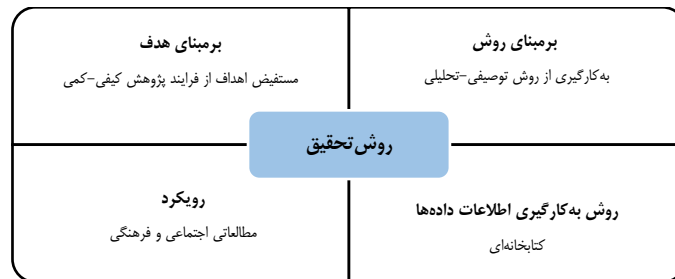
جدول ۲: مقایسه مطالعات پیشین منطبق بر پژوهش حاضر - (مأخذ: استنباط نگارندگان، ۱۴۰۳)

محققان حوزه مطالعه	برآیند نتایج در پژوهش حاضر
حسین پروین و حشمت‌الله متدین کلمات کلیدی تحلی باغ ایرانی در مینیاتور-تأثیر باغ‌سازی ایرانی بر نگارگری-تصویرگری شاهنامه بایستغری	پژوهش پروین و متدین، می‌تواند به فراهم‌آوری زمینه‌های عملی و تحلیلی برای مقاله حاضر کمک کند و تحلیل‌های معنایی و اجتماعی مربوط به باغ ایرانی و شاهنامه را از جنبه‌های هنری و فرهنگی غنی‌تر کند.
فضل‌الله حسنونند و دیگران کلمات کلیدی ارتباط اجتماعی خردمندانه-شاهنامه، فردوسی-تحلیل کیفی داده‌بنیاد	واکاوی حسنونند و دیگران، می‌تواند به مسیر پژوهش حاضر در مورد ساختار معنایی شاهنامه و باغ ایرانی کمک کند. با فراهم‌آوردن درک عمیق‌تری از ابعاد اجتماعی و فرهنگی شاهنامه، که به تحلیل تعاملات فرهنگی و معنایی میان روایت‌های شاهنامه و طراحی باغ‌ها افزوده می‌شود.
محمدعلی محمودی و فاطمه ثواب کلمات کلیدی نشانه‌شناسی گرماس-ساختار روایی-تحلیل معنایی	برآیند محمودی و ثواب، درباره نشانه‌شناسی گرماس می‌تواند در واکاوی موردتیین با ارائه ابزارهای تحلیلی برای بررسی ساختار معنایی و روایی میان شاهنامه فردوسی و باغ ایرانی مؤثر واقع گردد. این رویکرد می‌تواند به کشف لایه‌های معنایی و تعاملات پیچیده میان عناصر مختلف در هر ۲ متن کمک کرده و تحلیل جامع‌تری از ارتباطات فرهنگی و اجتماعی را ممکن سازد.
الهام سعادت و محسن محمدی فشارکی کلمات کلیدی مفهوم وطن-ساختارهای مکان-شاهنامه فردوسی	تفحص سعادت و محمدی فشارکی، درباره مفهوم وطن در شاهنامه می‌تواند به جستار حاضر با ارائه بینش‌هایی درباره نقش مکان و مفهوم وطن در روایت‌های شاهنامه و باغ‌های ایرانی مطلوب عمل نماید. تحلیل‌های آنان از مؤلفه‌های مکان و وطن می‌تواند به‌درک بهتر تعاملات معنایی و ساختاری میان این ۲ زمینه کمک کرده و به تحلیل جامع‌تر از ابعاد فرهنگی و اجتماعی در چارچوب نظریه گرماس افزوده شود.
حسین سلطان‌زاده کلمات کلیدی معماری و شهرسازی-شاهنامه فردوسی-فرهنگ معماری	مطالعه سلطان‌زاده، به‌منایه ارائه تحلیل‌های دقیق از معماری و طراحی فضاها در شاهنامه می‌تواند نمربخش باشد. این تحلیل‌ها به‌درک عمیق‌تری از مفاهیم فضایی و فرهنگی در روایت‌های شاهنامه و باغ‌های ایرانی با استفاده از نظریه گرماس کمک می‌کند.

۳- روش پژوهش

شیوه مطالعاتی پژوهش حاضر از نوع روش تحقیق توصیفی-تحلیلی، بهره‌مند است و به‌بررسی ساختار معنایی مشترک روایت‌های شاهنامه فردوسی و باغ ایرانی با تأکید بر نظریه گرماس می‌پردازد. این تحقیق با استفاده از ۲ پارادایم عمده کیفی و کمی انجام شده است. در بخش کیفی، تحقیق به تحلیل عمیق و توصیفی متن‌های شاهنامه و باغ ایرانی می‌پردازد. داده‌ها از طریق مطالعه و تحلیل منابع کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده و با استفاده از روش‌های تحلیل محتوای کیفی به بررسی ابعاد معنایی، فرهنگی و اجتماعی این متون پرداخته شده است. این بخش به‌درک عمیق‌تری از ساختار معنایی مشترک و روابط فرهنگی میان ۲ متن کمک کرده و با تبیین نظریه گرماس، ساختارهای معنایی و مفاهیم فرهنگی بررسی شده‌اند. در بخش کیفی، داده‌های مربوط به ساختارهای معنایی و فرهنگی با به‌کارگیری از روش‌های آماری تحلیل شده‌اند. این تحلیل‌ها به شناسایی الگوها، روابط و روندهای آماری میان داده‌های جمع‌آوری شده پرداخته و نتایج کمی به تأیید و تقویت یافته‌های کیفی کمک کرده‌اند. این بخش به ارزیابی دقیق و مقایسه داده‌ها به‌منظور تقویت درک ساختار معنایی مشترک و بررسی صحت نتایج کیفی پرداخته است. به‌طور کلی، این پژوهش با ترکیب رویکردهای کیفی و کمی به‌بررسی و تحلیل ساختار معنایی مشترک میان روایت‌های

شاهنامه و باغ ایرانی پرداخته و با استفاده از تحلیل‌های جامع، به درک بهتر ابعاد اجتماعی و فرهنگی این متون کمک کرده است. به منظور درک بیشتر می‌توان برپایه (شکل ۲)، فرایند مسیر پژوهش را مدنظر داشت.



شکل ۲: مسیر روش پژوهش حاضر - (مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳)

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- بررسی تقابل‌های ۲گانه در ساختارهای روایی شاهنامه و باغ ایرانی

تقابل‌های ۲گانه به‌عنوان آغازهای پایه در روایت‌های شاهنامه و طراحی باغ ایرانی، نقش مهمی در بیان مفاهیم پیچیده فرهنگی و فلسفی دارند. در شاهنامه، این تقابل‌ها همچون نبردهای میان خیر و شر، نور و تاریکی، زندگی و مرگ، به‌عنوان محور اصلی روایت عمل می‌کنند و به داستان‌ها عمق و معنا می‌بخشند. این تقابل‌ها اغلب در قالب مبارزات قهرمانان با نیروهای شیطانی یا طبیعت‌های سرکش تجلی می‌یابند و به‌تبلور مفاهیم اخلاقی و انسانی کمک می‌کنند. در باغ ایرانی، تقابل‌های ۲گانه به‌صورت طراحی‌های هندسی و فضایی ظاهر می‌شوند که هماهنگی و تعادل میان عناصر مختلف را به‌نمایش می‌گذارند. برای نمونه، تقارن میان فضای سبز و معماری، یا جریان آب و درختان، نشان‌دهنده تضاد و درعین حال تکامل میان طبیعت و فرهنگ است. این تقابل‌ها در طراحی باغ، حس آرامش و تعادل را القاء می‌کنند و نمادی از تلاش برای ایجاد هماهنگی در دل تضادها هستند. این تقابل‌ها همچنین در هر ۲ اثر به‌عنوان ابزاری برای تفسیر و فهم جهان عمل می‌کنند. در شاهنامه، تقابل‌های ۲گانه به خواننده کمک می‌کنند تا مبارزات درونی و بیرونی قهرمانان را درک کند و به جست‌وجوی معنای عمیق‌تری در روایات بپردازد. در باغ ایرانی، این تقابل‌ها به بازدیدکنندگان کمک می‌کنند تا از طریق تجربه فضایی، به درک بهتر از طبیعت و تعاملات پیچیده میان عناصر مختلف آن برسند.

۴-۲- نقش الگوهای قهرمانی در انتقال ارزش‌های فرهنگی

الگوهای قهرمانی در شاهنامه و باغ ایرانی به‌عنوان نمادهایی از ارزش‌ها و فضایل فرهنگی، نقش کلیدی در حفظ و انتقال این ارزش‌ها به نسل‌های بعدی ایفاء می‌کنند. در شاهنامه، قهرمانانی به‌مانند رستم، سهراب و کی‌خسرو به‌سان تجسمات آرمانی فضایل انسانی به‌مثابه شجاعت، وفاداری و عدالت به‌تصویر کشیده می‌شوند. این شخصیت‌ها نه تنها در داستان‌ها بلکه در ذهنیت فرهنگی ایرانیان جایگاه ویژه‌ای دارند

و به جهت الگوهای اخلاقی برای جامعه عمل می‌کنند. باغ ایرانی، هرچند به صورت غیرمستقیم، بازتاب‌دهنده همان ارزش‌ها و الگوهای قهرمانی است. طراحی باغ‌ها اغلب با نمادهایی که به قهرمانان و داستان‌های شاهنامه اشاره دارند، آمیخته شده است. این نمادها می‌توانند به شکل محورهای معمارانه، نقوش فرش‌های کاشته‌شده، یا حتی ترکیب‌بندی فضاهای سبز و حوض‌ها ظاهر شوند. به این ترتیب، بازدیدکنندگان باغ به طور ناخودآگاه با ارزش‌های قهرمانی و فرهنگی که شاهنامه ترویج می‌کند، ارتباط برقرار می‌کنند. نقش این الگوهای قهرمانی در هر ۲ اثر، انتقال یک پیوستار فرهنگی و اخلاقی به نسل‌های بعدی است. درحالی‌که شاهنامه این ارزش‌ها را از طریق روایت‌های ادبی و داستان‌های حماسی منتقل می‌کند، باغ ایرانی با خلق فضاهایی که این مفاهیم را به صورت بصری و فضایی بازتاب می‌دهند، این روند را تکمیل می‌کند. این هم‌افزایی میان ادبیات و معماری، به تقویت و تثبیت هویت فرهنگی ایرانیان کمک می‌کند.

۳-۴- بازنمایی طبیعت در شاهنامه و باغ ایرانی

بازنمایی طبیعت در شاهنامه و باغ ایرانی، نه تنها به سان یک عنصر زیبایی‌شناسانه، بلکه به عنوان نمادی از مفاهیم عمیق‌تر فرهنگی و فلسفی در فرهنگ ایرانی محسوب می‌شود. در شاهنامه، طبیعت به عنوان یک نیروی زنده و فعال در جهان داستانی عمل می‌کند. بسیاری از روایت‌ها و رویدادهای مهم در شاهنامه در پس‌زمینه‌ای طبیعی رخ می‌دهند که به مانند بستری برای نمایش قهرمانی‌ها و تحولات داستانی عمل می‌کند. از سوی دیگر، باغ ایرانی تلاشی است برای ایجاد یک نسخه کوچک از طبیعت ایده‌آل، که در آن عناصر طبیعی از جمله: آب، گیاهان و سنگ‌ها به طور هنرمندانه‌ای ترکیب شده‌اند تا یک فضای سپند و آرامش‌بخش ایجاد شود. این باغ‌ها با بهره‌گیری از اصول معماری و طراحی خاص، به گونه‌ای طراحی شده‌اند که طبیعت را نه به عنوان یک عنصر وحشی و غیرقابل کنترل، بلکه به سبب فضایی قابل مدیریت و هماهنگ با فرهنگ انسانی به نمایش می‌گذارند. در هر ۲ اثر، طبیعت همچون یک عنصر فرهنگی بازتاب‌دهنده ارتباط از سان با جهان اطرافش است. در شاهنامه، طبیعت به عنوان عنصر متعادل‌کننده در داستان‌ها حضور دارد که می‌تواند هم یاری‌گر و هم تهدیدکننده باشد. در باغ ایرانی، طبیعت شبیه یک بخش از طراحی معماری، نشان‌دهنده تلاش انسان برای ایجاد هماهنگی و تعادل با محیط اطرافش است. این بازنمایی‌های متفاوت اما مکمل، نشان‌دهنده نقش مهم طبیعت در فرهنگ و هنر ایرانی هستند.

۴-۴- تحلیل ساختارهای معنایی مشترک در شاهنامه و باغ ایرانی

ساختارهای معنایی مشترک میان شاهنامه و باغ ایرانی نشان‌دهنده وجود ارتباطات عمیق فرهنگی میان این ۲ عنصر برجسته هنر و ادبیات ایرانی است. این ساختارها به وسیله استفاده از نمادها، الگوهای روایتی و تصاویر بصری در هر ۲ اثر به خوبی قابل مشاهده هستند. یکی از این ساختارهای معنایی، تأکید بر مفاهیم چون: عدالت، عشق و مرگ است که به صورت نمادین و داستانی در شاهنامه و به صورت طراحی‌های فضایی و نمادهای معمارانه در باغ ایرانی متبلور می‌شوند. در شاهنامه، این ساختارهای معنایی از طریق

داستان‌های پیچیده و شخصیت‌های چندبعدی ایجاد می‌شوند که مفاهیم اخلاقی، اجتماعی و فلسفی را به مخاطب منتقل می‌کنند. این داستان‌ها، از طریق به‌کار بست نمادها و الگوهای تکرار شونده، به‌عنوان یک کد فرهنگی عمل می‌کنند که به مخاطبان ایرانی اجازه می‌دهند تا به‌صورت مشترک با معانی و پیام‌های عمیق‌تر در ارتباط باشند. باغ ایرانی نیز با بهره‌گیری از همین ساختارهای معنایی، فضاهایی را خلق می‌کند که به‌طور غیرمستقیم بازتاب‌دهنده همان مفاهیم موجود در شاهنامه هستند. برای نمونه، محورهای اصلی باغ‌ها و استفاده از تقارن، به‌نوعی بازتاب‌دهنده تلاش برای ایجاد عدالت و تعادل در جهان است. همچنین، استفاده از آب و گیاهان به‌عنوان عناصر حیاتی باغ، به بیان مفاهیم مرتبط با زندگی و تجدید حیات می‌پردازد. این هم‌پوشانی معنایی، نشان‌دهنده تعامل عمیق میان ادبیات و معماری در فرهنگ ایرانی است.

۴-۵- نقش باغ ایرانی و شاهنامه در تقویت هویت ملی

شاهنامه و باغ ایرانی تمثیلی متمایز از فرهنگ ایرانی، نقش مهمی در تقویت و حفظ هویت ملی ایرانیان ایفاء می‌کنند. شاهنامه با روایت داستان‌های حماسی و ملی، هویت ایرانی را در برابر تغییرات اجتماعی و تاریخی محافظت کرده است. این اثر ادبی با تجسم ایده‌آل‌های فرهنگی و اخلاقی ایرانیان، به آن‌ها امکان می‌دهد تا هویت خود را در برابر تهدیدات و تحولات مختلف حفظ کنند. باغ ایرانی نیز به‌عنوان یک فضای نمادین و هنری، نقشی مشابه در حفظ هویت فرهنگی ایفاء می‌کند. طراحی‌های بی‌همتای این باغ‌ها، که از اصول معماری و هنری ویژه‌ای پیروی می‌کنند، بازتاب‌دهنده فرهنگ و تاریخ ایران هستند. باغ ایرانی به‌عنوان فضایی که تعادل میان طبیعت و معماری را به‌نمایش می‌گذارد، به یک نماد فرهنگی تبدیل شده است که همچنان مورد احترام و توجه قرار دارد. این اثر، با هم‌افزایی میان روایت‌های حماسی و طراحی‌های فضایی، به‌طور مشترک به تقویت و تثبیت هویت ملی ایرانیان کمک کرده‌اند. شاهنامه با تأکید بر داستان‌های قهرمانی و ارزش‌های اخلاقی و به‌طور خاص، باغ ایرانی با ایجاد فضاهایی که این مفاهیم را به‌صورت بصری و فضایی تجسم می‌بخشند، هر ۲ به تداوم هویت فرهنگی ایرانیان در طول تاریخ یاری رسانده‌اند.

۴-۶- تحلیل تطبیقی بینش‌های اسطوره‌ای در شاهنامه و باغ ایرانی

در شاهنامه، اسطوره‌ها و داستان‌های حماسی به‌عنوان پایه‌ای برای بسیاری از مفاهیم و ارزش‌های فرهنگی استفاده می‌شوند. این اسطوره‌ها نه تنها به شکل روایت‌های داستانی، بلکه منظری از نمادهایی قدرت، شجاعت و خرد، در خدمت بیان ایده‌آل‌های فرهنگی ایرانیان قرار می‌گیرند. هر داستان و شخصیت اسطوره‌ای در شاهنامه دارای لایه‌های متعددی از معناست که به تفسیر و فهم عمیق‌تر فرهنگ ایرانی کمک می‌کند. باغ ایرانی نیز از این بینش‌های اسطوره‌ای بهره‌برداری می‌کند، اما به شیوه‌ای غیرمستقیم‌تر. طراحی باغ ایرانی، که به‌شدت تحت تأثیر نمادگرایی و فلسفه‌های اسطوره‌ای ایرانی قرار دارد، محیطی را خلق می‌کند که بازدیدکننده را به تأمل در مورد جایگاه انسان در جهان و ارتباط او با نیروهای طبیعی و

فوق طبیعی دعوت می‌کند. برای نمونه، عناصر طبیعی به مانند آب، درختان و کوه‌ها در طراحی باغ‌ها به گونه‌ای به کار گرفته می‌شوند که بازتاب‌دهنده مفاهیم اسطوره‌ای به مثابه جاودانگی، تولد دوباره و پیوند میان انسان و طبیعت باشند. این بینش‌های اسطوره‌ای در هر ۲ اثر، به عنوان ابزاری برای بازتاب و تقویت هویت فرهنگی ایرانیان عمل می‌کنند. درحالی که شاهنامه به طور ستقیم از طریق داستان‌های اسطوره‌ای این مفاهیم را منتقل می‌کند، باغ‌ایرانی از طریق تجربه فضایی و نمادین، بازدیدکنندگان را به درک عمیق‌تری از این مفاهیم دعوت می‌کند. این تعامل و هم‌افزایی میان شاهنامه و باغ‌ایرانی، نشان‌دهنده یک درک مشترک از جهان و جایگاه انسان در آن است که در طول قرون به حفظ و تقویت هویت ملی ایرانیان کمک کرده است.

۴-۷- بررسی ارتباط معماری باغ‌ایرانی با مفاهیم اسطوره‌ای و روایات شاهنامه

معماری باغ‌ایرانی به طور عمیقی با مفاهیم اسطوره‌ای و روایات شاهنامه درهم آمیخته است. باغ‌ایرانی با طراحی‌های بی‌همتا و تبیین نمادهای طبیعی، تلاش می‌کند تا یک فضای سپید و اسطوره‌ای را بازآفرینی کند. این طراحی‌ها، که اغلب مبتنی بر تقارن و هندسه مقدس هستند، بازتاب‌دهنده مفاهیم اسطوره‌ای به مانند نظم کیهانی، تعادل میان نیروهای متضاد و بازتاب بهشت بر روی زمین می‌باشند. روایات شاهنامه، که اغلب در بسترهای طبیعی به سان کوه‌ها، جنگل‌ها و رودخانه‌ها رخ می‌دهند، در طراحی باغ‌ایرانی بازتاب یافته‌اند. برای نمونه، عناصر آب و گیاهان در باغ‌ها می‌توانند به نوعی بازتاب‌دهنده روایت‌های مرتبط با زندگی و مرگ و همچنین مبارزات میان خیر و شر باشند که در شاهنامه به طور گسترده‌ای مورد بحث قرار گرفته‌اند. این بازتاب‌ها به گونه‌ای انجام می‌شوند که هر بخش از باغ به یک سمبول یا داستان اسطوره‌ای اشاره دارد. معماری باغ‌ایرانی همچنین تلاش می‌کند تا از طریق فضا سازی‌های خاص و تبیین عناصر طبیعی، بازدیدکننده را به نوعی تجربه معنوی دعوت کند که در آن بتواند به درک عمیق‌تری از مفاهیم اسطوره‌ای و فرهنگی دست یابد. بدین سان؛ باغ‌ایرانی به عنوان یک فضای معمارانه، نه تنها بازتاب‌دهنده مفاهیم اسطوره‌ای است، بلکه به طور فعالی در بازآفرینی این مفاهیم و تقویت ارتباطات فرهنگی نقش دارد.

۴-۷-۱- تبیین کهن‌الگو (اسطوره‌شناسی)؛ در معماری باغ‌ایرانی

کهن‌الگو یا اسطوره باغ در تمدن‌ها و فرهنگ‌های مختلف همواره جایگاهی ویژه و محوری داشته است. باغ به عنوان فضایی ساخته شده توسط انسان که طبیعت را به نظم درمی‌آورد، از گذشته‌های دور نمادی از بهشت، آسایش و پیوند با عناصر طبیعی بوده است. در فرهنگ ایرانی نیز باغ به منظور عنصری نمادین، همواره جلوه‌ای از آرمان شهر و بهشت زمینی بوده است. ایرانیان باستان باغ‌های خود را نه تنها برای بهره‌وری از طبیعت بلکه به عنوان بازتابی از کمال و هماهنگی میان انسان و جهان پیرامونشان می‌ساختند. یکی از ویژگی‌های اصلی کهن‌الگوی باغ‌ایرانی، تقارن و نظم است. این نظم هندسی بازتابی از تلاش انسان برای ایجاد تعادل میان دنیای مادی و معنوی بود. در طراحی این باغ‌ها، از تقارن‌های ۴بخشی استفاده می‌شد که نشان‌دهنده ۴ عنصر اساسی طبیعت: آب، خاک، هوا و آتش بود. این تقسیم‌بندی فضایی، هم‌زمان

نشان‌دهنده تلاشی برای بازتاب کمال و وحدت بود که در ادیان و فلسفه‌های مختلف نیز دیده می‌شد. علاوه بر این، عنصر آب به‌عنوان نماد زندگی و باروری در باغ‌های ایرانی جایگاه ویژه‌ای داشت. جریان‌های آب در باغ‌ها نه تنها زیبایی طبیعی را به‌وجود می‌آورد بلکه نمادی از جریان زندگی و پیوندی میان جهان‌های مادی و معنوی بود. در برخی فرهنگ‌ها، باغ به‌سان دروازه‌ای به عالم بالا نیز تلقی می‌شد، جایی که انسان می‌توانست در آن به آرامش و رضایت برسد (یمینی، علی‌محمدی، بذرافکن، ۱۳۹۹: ۲۸-۱۷). وجوه کهن‌الگوی باغ‌های ایرانی، در زمینه فرهنگ و معماری ایرانی، به‌عنوان نمادی از هماهنگی و رابطه ایده‌آل بین انسان و طبیعت مطرح می‌شود. این باغ‌ها نه تنها مکانی زیبا برای آرامش و تفریح هستند، بلکه به‌عنوان بازتابی از نظم کیهانی و ارتباط انسان با جهان هستی عمل می‌کنند. در باغ‌های ایرانی عناصر نمادینی به‌مانند آب (نمایان‌گر زندگی)، گیاهان (نشانه رشد و زایش) و الگوهای هندسی منظم (نمایان‌گر تعادل و هماهنگی)، به‌کار رفته است. ساختار این باغ‌ها معمولاً به صورت «۴باغ»، طراحی می‌شود، به‌گونه‌ای که فضا به ۴بخش تقسیم می‌گردد و این ۴بخش نمادی از ۴عنصر اصلی طبیعت یا ۴فصل سال است. به‌طور مشخص، این الگو در معماری ایرانی به صورت مدولار دیده می‌شود و نشان‌دهنده پیوند عمیق میان مفاهیم مادی و معنوی در فرهنگ و هنر ایرانی است (یمینی، علی‌محمدی، بذرافکن، ۱۴۰۱: ۱۶-۵).

۴-۷-۲- کهن‌الگو و روایات‌شناسی تاریخی باغ‌های اسطوره‌ای

باغ‌های اسطوره‌ای همواره نقشی برجسته در فرهنگ‌های کهن ایفاء کرده‌اند و به‌سان نمادی از بهشت و نظم کیهانی در بسیاری از اسطوره‌ها و روایت‌های فرهنگی ظاهر شده‌اند. این باغ‌ها در باورهای اسطوره‌ای، محلی برای تجلی پیوند میان زمین و آسمان، انسان و خداوند و نماد هماهنگی میان طبیعت و فرهنگ هستند. از کهن‌الگوهای اصلی باغ در اسطوره‌ها می‌توان به باغ‌های عدن، ارم و الحمراء اشاره کرد که هر کدام نماد بهشتی گمشده یا وعده‌ای الهی هستند. معماری این باغ‌ها غالباً شامل: عناصر سمبلیک و نمادینی بوده است که مفهوم توازن و جاودانگی را القاء می‌کردند. این ویژگی‌ها همگی به‌نوعی بیان‌گر تلاش انسان برای دستیابی به یک حالت ایده‌آل و بازنمایی از بهشت گمشده هستند. در روایات‌شناسی باغ‌های اسطوره‌ای، باغ‌ها نه تنها به‌جهت فضایی فیزیکی بلکه به‌سان عرصه‌ای نمادین برای بیان پیچیدگی‌های زندگی و مرگ، فنا و بقاء تلقی می‌شوند. از طریق عناصر باغ به‌مانند آب، درخت، مسیرها و ساختارهای فضایی، اسطوره‌های مرتبط با تولد، مرگ و بازگشت به زندگی بازگو می‌شوند. این کهن‌الگوهای باغ‌ها به‌عنوان الگویی ماندگار در بسیاری از فرهنگ‌های باستانی حضور داشته‌اند و نقش مهمی در شکل‌دهی به فضاهای شهری و معماری آن دوران ایفاء کرده‌اند (اصغرزاده، ۱۴۰۱). از منظر روایات‌شناسی، باغ‌های اسطوره‌ای همچنین به‌عنوان تجلی یک کهن‌الگو از جهان آرمانی دیده می‌شوند. آن‌ها نمادی از نظم کیهانی و تعادل میان نیروهای متضاد طبیعت و فرهنگ هستند. این ویژگی‌ها به‌ویژه در دوران‌های مختلف و از جمله در باغ‌های دوران اسلامی، به شکل‌گیری نوع خاصی از معماری منجر شد که ترکیبی از عناصر طبیعی و معنوی را در کنار هم به‌نمایش می‌گذاشت و این سنت در معماری معاصر نیز به شیوه‌های

مختلفی بازتاب پیدا کرده است (محمدی، اصغرزاده، ۱۳۹۶: ۸۰-۷۱). برای ارائهٔ تحقیق‌نهایی یافته‌های پژوهش، می‌توان برپایهٔ (شکل ۳)، موارد موردواکوی را با تبیین ژرف و سازمان‌دهی شده ارائه داد. به‌طورمشخص این شکل، بینش‌های اصلی را درارتباطبا تقابل‌های ۲گانه، الگوهای قهرمانی، بازنمایی طبیعت، ساختارهای معنایی، تقویت هویت ملی، بینش‌های اسطوره‌ای و ارتباط معماری باغ‌ایرانی با مفاهیم اسطوره‌ای و شاهنامه را بازنمایی می‌کند.



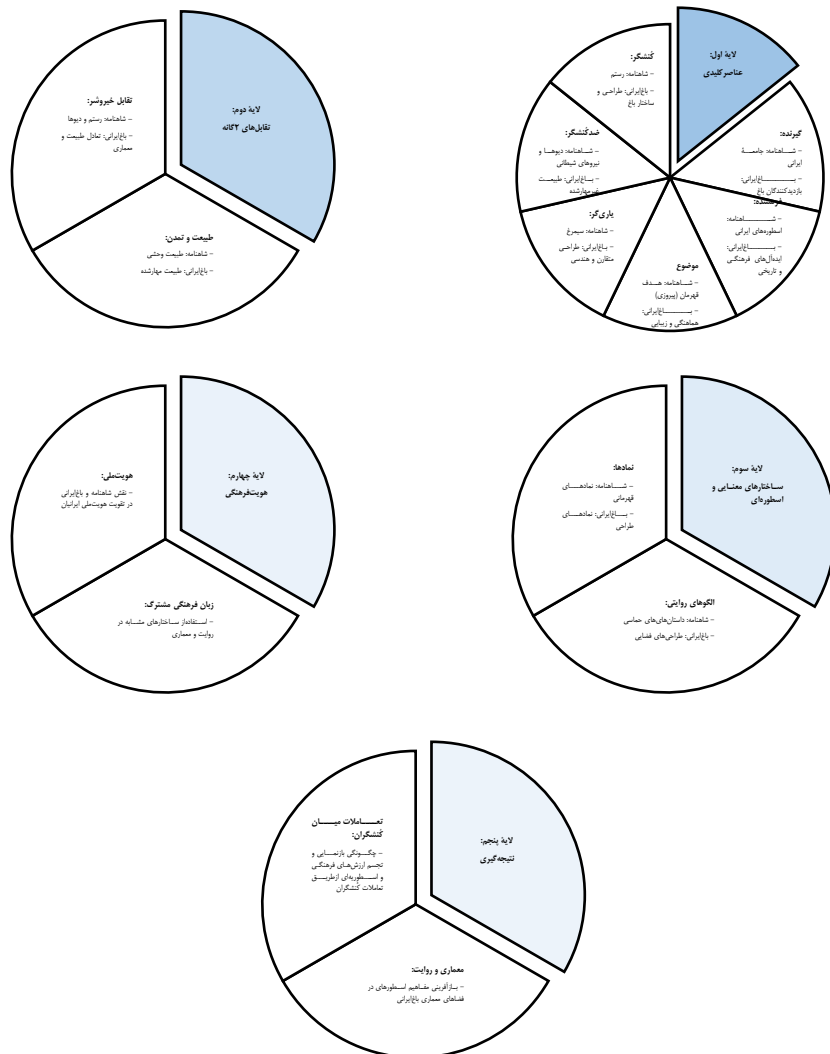
شکل ۳: تدقیق‌نهایی یافته‌های پژوهش حاضر- (مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳)

۵- بحث

به‌طورخاص دراین پژوهش، تحلیل ساختارهای روایی شاهنامه و باغ‌ایرانی با استفاده از نظریهٔ کُنشگر- (ان)، گرماس نشان داد که این ۲ اثر، به‌رغم تفاوت‌های ظاهری، ساختارهای روایی مشابهی را به‌کار می‌گیرند. براساس نظریهٔ گرماس، می‌توان شاهنامه و باغ‌ایرانی را به‌عنوان روایت‌هایی دانست که در آن‌ها کُنشگران مختلفی در تعامل بایکدیگر برای دستیابی به اهداف مشخصی عمل می‌کنند. دراین چارچوب، شاهنامه به‌عنوان یک حماسهٔ ملی، از کُنشگرانی نظیر: قهرمان (همچون رستم)، ضدکُنشگر (همچون دیوها و نیروهای شیطانی)، و یاری‌گران (همچون سیمرغ)، بهره می‌برد. این کُنشگران در تعامل بایکدیگر، به‌خلق داستان‌هایی می‌پردازند که هویت فرهنگی و ارزش‌های ملی را تقویت می‌کنند. -/- در بررسی تقابل‌های ۲گانه در شاهنامه و باغ‌ایرانی، می‌توان از مفهوم تقابل‌های کُنشگران استفاده کرد. به‌عنوان نمونه، در

شاهنامه، تقابل بین قهرمانان و ضدقهرمانان یکی از ارکان اصلی روایت است. این تقابل‌ها، که به شکلی نمادین بین نیروهای خیر و شر شکل می‌گیرد، در باغ ایرانی نیز به صورت نمادین بازتاب یافته است. طراحی‌های متقارن و هندسی باغ‌ها، که نشان‌دهنده تلاش برای ایجاد تعادل و هماهنگی میان نیروهای متضاد است، به نوعی بیان گر همان تقابل‌های ۲گانه در ساختارهای روایی شاهنامه می‌باشند. این تقابل‌ها نه تنها به عنوان عناصر زیبایی‌شناختی در باغ‌های ایرانی مورد استفاده قرار گرفته‌اند، بلکه به عنوان نمادی از فلسفه زندگی ایرانیان در ارتباط با طبیعت و فرهنگ نیز عمل می‌کنند. -/ - نقش الگوهای قهرمانی در انتقال ارزش‌های فرهنگی را نیز می‌توان بر اساس نظریه گرماس تحلیل کرد. در این راستا، قهرمانان شاهنامه، که به عنوان کنشگرانی فعال در مقابل ضدکنشگران عمل می‌کنند، وظیفه‌ای مهم در حفظ و انتقال ارزش‌های فرهنگی برعهده دارند. این قهرمانان با انجام کنش‌های قهرمانانه، همواره در تلاشند تا مانع از دستیابی ضدکنشگران به اهداف شرورانه شوند و ارزش‌های مثبت فرهنگی به مانند شجاعت، وفاداری و عدالت را ترویج دهند. در باغ ایرانی نیز، این الگوهای قهرمانی به طور غیرمستقیم در طراحی باغ‌ها حضور دارند. به عنوان نمونه، طراحی‌های خاصی که نمادهایی از قدرت و استقامت را در خود جای داده‌اند، به نوعی اشاره به همان الگوهای قهرمانی دارند که در شاهنامه مطرح شده‌اند. -/ - بازنمایی طبیعت در شاهنامه و باغ ایرانی نیز از منظر نظریه گرماس قابل تحلیل است. در این تحلیل، طبیعت به عنوان یک کنشگر در روایت‌ها ظاهر می‌شود که با سایر کنشگران (به مانند انسان‌ها، حیوانات و حتی نیروهای ماورایی)، در تعامل است. در شاهنامه، طبیعت گاه به عنوان حامی قهرمانان عمل می‌کند و گاه به عنوان چالشی که باید بر آن غلبه کرد. در باغ ایرانی نیز، طبیعت به عنوان یک کنشگر کلیدی حضور دارد که با سایر عناصر معماری در تعامل است تا یک فضای معنوی و هماهنگ را ایجاد کند. این کنشگران طبیعی در باغ ایرانی، همانند شاهنامه، به خلق یک تجربی معنوی و فرهنگی می‌پردازند که در آن طبیعت و فرهنگ به عنوان ۲ نیروی مکمل در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. -/ - ساختارهای معنایی مشترک میان شاهنامه و باغ ایرانی نیز بر اساس نظریه گرماس نشان می‌دهند که این ۲ اثر از یک چارچوب روایی مشابه استفاده می‌کنند. این ساختارها، که در قالب تقابل‌های ۲گانه، تعامل کنشگران مختلف، و روایت‌های پیچیده بازتاب می‌یابند، به نوعی نشان‌دهنده یک زبان فرهنگی مشترک میان شاهنامه و باغ ایرانی هستند. این زبان مشترک، به کمک نمادها و الگوهای معنایی مشابه، به تقویت هویت فرهنگی ایرانیان کمک می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه این ۲ اثر، هر یک به نوبه خود، به حفظ و تقویت فرهنگ ایرانی پرداخته‌اند. -/ - در نهایت، ارتباط معماری باغ ایرانی با مفاهیم اسطوره‌ای و روایات شاهنامه بر اساس نظریه گرماس می‌تواند به عنوان یک تعامل پیچیده میان کنشگران مختلف تحلیل شود. در این تحلیل، عناصر مختلف باغ ایرانی (به مانند آب، درختان، و فضاهای باز)، به عنوان کنشگران روایتی عمل می‌کنند که با مفاهیم اسطوره‌ای و داستان‌های شاهنامه در تعامل هستند. این تعاملات، که به طور نمادین در طراحی و ساختار باغ‌های ایرانی بازتاب یافته‌اند، به نوعی بازآفرینی داستان‌های شاهنامه در یک فضای معماری است. این فضاهای معماری نه تنها به عنوان مکان‌هایی زیبا و

آرامش بخش، بلکه به عنوان عرصه‌هایی برای تجربه و بازآفرینی مفاهیم فرهنگی و اسطوره‌ای عمل می‌کنند. به طور مشخص می‌توان برپایه (شکل ۴)، دیاگرام تصویری در تبیین بحث پژوهش می‌توان مدنظر داشت.



تبیین واکاوی مطالعات اجتماعی و فرهنگی در بررسی ساختار معنایی مشترک روایت‌های شاهنامه فردوسی و باغ ایرانی مبتنی بر اجتماع نظریه گرماس

شکل ۴: دیاگرام تصویری مورد پژوهی حاضر - (نگارندگان، ۱۴۰۳)



۱- افزایش همکاری‌های بین‌المللی با مراکز تحقیقاتی و دانشگاه‌های خارجی برای تبادل دانش، به‌کارگیری روش‌های جدید پژوهشی و دسترسی به منابع علمی تازه در زمینه مطالعات فرهنگی و تاریخی ایران.

← گسترش مطالعات تجربی در بازسازی و احیای باغ‌های تاریخی؛

۱- اجرای مطالعات تجربی بیشتر در زمینه بازسازی و احیای باغ‌های ایرانی با استفاده از بررسی‌های دقیق تاریخی و فناوری‌های نوین به منظور حفظ اصالت این فضاها.

← تحلیل بیشتر نقش عناصر طبیعی در انتقال مفاهیم فرهنگی؛

۱- انجام تحقیقات عمیق‌تر بر روی نقش عناصر طبیعی و نمادپردازی‌های محیطی در باغ‌های ایرانی و متون ادبی کلاسیک به‌مانند شاهنامه، جهت شناخت تأثیر محیط طبیعی بر انتقال مفاهیم فرهنگی.

← ایجاد برنامه‌های آموزشی تخصصی برای تحلیل‌های فرهنگی؛

۱- طراحی و برگزاری دوره‌ها و برنامه‌های آموزشی تخصصی در دانشگاه‌ها که بر تحلیل ساختارهای معنایی در ادبیات و هنر ایرانی با استفاده از نظریه‌های مدرن متمرکز باشد، به منظور تربیت متخصصان در این زمینه.

۷- پی‌نوشت‌ها

1. Algirdas Julien Greimas
2. Julia Kristeva
3. Roland Barthes
4. Pierre Bourdieu
5. Mohammad-Ali Eslami Nodooshan
6. Mohammad Dabdabeh/Dabdabeh Architect
7. Hossein Parvin
8. Heshmatollah Motedayen
9. Fazlollah hasanvand
10. Mohammad-Ali Mahmoodi
11. Fatemeh Savab
12. Elham Saadat
13. Mohsen Mohammadi Fesharaki
14. Hossein Soltanzadeh

منابع

- ابوطالب، نرگس. ۱۳۹۸. *خوانش ساختار روایی در معماری باغ ایرانی و داستان‌های تراژیک شاهنامه فردوسی*، مازندران: احمدی، حسین. ۱۳۹۹. *از تاریخ فرهنگ تا تاریخ فرهنگی*، فصلنامه علمی پژوهشی-راهبرد فرهنگ، دوره ۱۳، شماره ۵۰، ۱۷۰-۱۴۳.
- اسلامی‌نوشن، محمدعلی. ۱۳۸۶. *ایران را از یاد نبریم به‌همراه: به دنبال سایه همای*، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات یزدان.

- اصغرزاده، علی. ۱۴۰۱. *برداشت معنایی؛ رواق هنر در خیابان ولیعصر (عج)*. تهران: رسانه معماری داخلی ایران: فضای نو.
- ایروانی، محمدرضا، حسینی، یحیی. ۱۴۰۲. *روایت‌شناسی داستان کشته‌شدن ایرج در شاهنامه براساس نظریه ساختگرای گریماس*، فصلنامه علمی پژوهشی-مطالعات زبان و ترجمان نظامی، دوره ۲، شماره ۴، ۳۲-۱.
- براتی، ناصر. آل‌هاشمی، آیدا. میناتورسجادی، آرمان. ۱۴۰۱. *جهان‌بینی ایرانیان و شکل‌گیری الگوی محوری باغ ایرانی*، فصلنامه علمی پژوهشی-منظر، دوره ۹، شماره ۴۱، ۱۵-۶.
- پروین، حسین. متدین، حشمت‌الله. ۱۴۰۱. *خوانش باغ ایرانی در مینیاتور، باتاکیدبر مینیاتورهای شاهنامه بایسنقری*، فصلنامه علمی پژوهشی-منظر، دوره ۱۴، شماره ۵۹، ۱۹-۶.
- حسنوند، فضل‌الله. و [دیگران]. ۱۴۰۱. *ارتباط اجتماعی خردمندان؛ بازتعریف مفهوم ارتباط در فرهنگ ایرانی مبتنی بر شاهنامه فردوسی*، دوفصلنامه علمی پژوهشی-شناخت اجتماعی، دوره ۱۱، شماره ۲۲، ۳۶-۲۵.
- حقایق، آذین. سجودی، فرزانه. ۱۳۹۴. *تحلیل معناشناختی ۲ نگاره از شاهنامه فردوسی براساس الگوی نشانه‌شناسی اجتماعی تصویر*، نشریه علمی پژوهشی-هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی، دوره ۲۰، شماره ۷، ۱۲-۵.
- دبده، محمد. ۱۴۰۰. *دست‌نوشته‌های از مجموعه آثار معمار دبده (فضا-معنا در بازنمایی هویت ایرانی)*، تهران: سعادت، الهام. محمدی فشارکی، محسن. ۱۳۹۹. *واکاوی مفهوم انسان‌شنا سانه وطن در شاهنامه (براساس تحلیل ساختارهای مکان)*، دوفصلنامه علمی پژوهشی-پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، دوره ۱۰، شماره ۲؛ (پیاپی ۲۰)، ۱۵۵-۱۷۷.
- سلطان‌زاده، حسین. ۱۳۹۶. *معماری و شهرسازی ایران به روایت شاهنامه فردوسی*، ویراستار: بابک مختار، چاپ‌اول، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- عزیزی‌قهرودی، مهرداد. عسگری، علی. ۱۴۰۱. *پدیدارشناسی باغ ایرانی براساس نظریه روان‌شناختی ادراک گشتالت (نمونه موردی: باغ سازده‌ماهان)*، نشریه علمی پژوهشی-هنر و تمدن شرق، دوره ۱۰، شماره ۳۵، ۵۶-۴۵.
- علامی، ذوالفقار. حیدری، آرزو. ۱۳۹۶. *بررسی گفتمان روایی در شاهنامه فردوسی*، فصلنامه علمی پژوهشی-پژوهشنامه ادب حماسی، دوره ۱۳، شماره ۱؛ (پیاپی ۳۳)، ۱۳۵-۱۱۵.
- فاطمی، مهدی. ۱۴۰۱. *انعطاف‌پذیری، ویژگی بارز باغ ایرانی برای بهره‌گیری از آن در دوره معاصر*، فصلنامه علمی پژوهشی-منظر، دوره ۱۴، شماره ۵۸، ۱۹-۶.
- فرزین، احمدعلی. ۱۳۹۳. *باغ بر بنیاد شاهنامه فردوسی*، فصلنامه علمی پژوهشی-منظر، دوره ۶، شماره ۲۷، ۱۳-۸.
- قنبری‌عبدالملکی، رضا. فیروزیان پوراصفهانی، آیلین. ۱۳۹۹. *بررسی تطبیقی آرای پراب با گرماس و برمون در باب روایت از منظر ساخت‌گرایی*، فصلنامه علمی پژوهشی-مطالعات زبانی و بلاغی، دوره ۱۱، شماره ۲۱، ۳۳۳-۳۰۱.
- محمدی، علی. اصغرزاده، علی. ۱۳۹۶. *پرسپکتیو شناختی و استعاره‌های زبانی در معماری معاصر ایران*، فصلنامه علمی پژوهشی-هویت شهر، دوره ۱۱، شماره ۳۱، ۸۰-۷۱.
- محمودی، محمدعلی. ثواب، فاطمه. ۱۴۰۱. *ساختار روایی و معنایی متون ادبی (نشانه‌شناسی روایی گریماس)*، چاپ‌اول، زاهدان: انتشارات دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- ورمقانی، حسنا. ۱۳۹۶. *خوانش تطبیقی مفاهیم عرفانی در شاهنامه فردوسی و معماری ایران*، فصلنامه علمی پژوهشی-عرفانیات در ادب فارسی، دوره ۸، شماره ۳۳، ۳۷-۱۱.

- ورمقانی، حسنا. پاکزاد، شادی. ۱۴۰۱. *خوانش تطبیقی ۲ نمود فرهنگی؛ شاهنامه فردوسی و معماری قرن ۵ هجری*، بانمركزبر خراسان بزرگ، فصلنامه علمی پژوهشی-اثر، دوره ۴۳، شماره ۱، ۸۲-۱۰۰.
- هوشنگی، مجید. ۱۴۰۲. *بررسی بینامتنی دلالت‌های بازآفرینی شاهنامه فردوسی در تاریخ نگاری جوینی*، دوفصلنامه علمی پژوهشی-تاریخ ادبیات، دوره ۱۶، شماره ۱؛ (پیاپی ۸۷/۱)، ۷۹-۹۹.
- یمینی، ستاره. علی محمدی، پریرسا. بذرافکن، کاوه. ۱۳۹۹. *تحلیل آثار معماری معاصر با رویکرد نقد اسطوره‌ای؛ انطباق طرح معماری پایانه بندری «یوکوهاما»*، با کهن‌الگوی باغ ایرانی، نشریه علمی پژوهشی-باغ‌نظر، دوره ۱۷، شماره ۸۶، ۱۷-۲۸.
- یمینی، ستاره. علی محمدی، پریرسا. بذرافکن، کاوه. ۱۴۰۱. *نقش تجربه زیسته طراحان در باززمایی کهن‌الگوهای معماری (نمونه موردی: آثار معماران ایرانی تحصیل‌کرده خارج از کشور)*، نشریه علمی پژوهشی-باغ‌نظر، دوره ۱۹، شماره ۱۱۱، ۵-۱۶.
- Amani Beni, Majid., et al. 2021. *Socio-Cultural Appropriateness Of The Use Of Historic Persian Gardens For Modern Urban Edible Gardens*, Journal Of Land, 11(38): 1-29.
- Barthes, Roland. 1957. *Mythologies*, Les Lettres Nouvelles Publisher, First Edition.
- Bourdieu, Pierre. 1984. *Distinction: A Social Critique Of The Judgement Of Taste*, USA: Harvard University Press Publisher, Illustrated Edition.
- Davis, Dick. 2016. *Shahnameh: The Persian Book Of Kings*, New York: Penguin Classics Publications, Third Edition.
- Floch, Jean-Marie. 2001. *Visual identities*, London; New York: Continuum Publications, First Edition.
- Ghandeharion, Azra. Mousavi Tekiyeh, Maryam-Sadat. 2019. *Ideology Behind The Covers Of The Bestselling Books In Iran: Female Narrators In War Literature*, Frontiers: A Journal of Women Studies, 40(1): 146-175.
- Greimas, Algirdas Julien. 1966. *Semantique Structurale: Recherche De Methode*, Paris: Éditions Larousse Publications, First Edition.
- Greimas, Algirdas Julien. 1983. *Structural Semantics: An Attempt At A Method*, London: University Of Nebraska Press Publications, First Edition.
- Hillmann, Michael Craig. 2021. *Ferdowsi's Shāhnāme Narratives As Epic Episodes: A Case Study*, USA.
- Kristeva, Julia. 1980. *Desire in Language: A Semiotic Approach To Literature And Art*, Editor: Leon Samuel Roudiez, New York: Columbia University Press Publisher, Third Edition.
- Mahmoudi Farahani, Leila. Motamed, Bahareh. Jamei, Elmira. 2016. *Persian Gardens: Meanings, Symbolism, And Design*, Journal Of Landscape Online 46(1): 1-19.
- Yusoff Abbas, Mohamed. Nafisi, Nazanin. Nafisi, Sara. 2016. *Persian Garden, Cultural Sustainability And Environmental Design Case Study Shazdeh Garden*, Journal Of Procedia-Social And Behavioral Sciences, 222(1): 510-517.



The Explanation Of The Global Impacts Of Regionalism Approach On The Structure Of Residential Quarters In Tehran Based On Social Changes And Cultural Values (Case Study: The Pahlavi Era)

Elham Shabani¹, Jamaluddin Soheili^{†*}, Kamal Rahbari Manesh[‡]*

(Received Date: 2025/01/04 - Accepted Date: 2025/02/19)

Abstract

Regionalism is an approach that resists the homogenization of building designs and disregard for local cultures, emphasizing the strengthening of regional values and respect for environmental features. During the Pahlavi II era, significant social, political, and economic changes occurred in Iran, which had profound cultural and spatial impacts on the urban structure of Tehran. These changes, including centralization, migration, and development policies, led to rapid population growth in Tehran, followed by a housing shortage and rising land prices. In this context, new residential quarters based on the regionalism approach emerged around Tehran, which had not been seen before in Tehran's history. This study aims to examine the impacts of the regionalism approach on the structure of these quarters, particularly in the case of the Shahrara, Tehran Villa, and Mehran residential areas. The research is conducted qualitatively using descriptive-analytical, field, and documentary methods. Data were collected through historical texts, analysis of forms, symbols, and spatial-temporal patterns in maps, as well as an examination of social and cultural relationships during the Pahlavi II era. The results of the research show that during the Pahlavi II era, the regionalism approach, as a global approach to building design, had a significant impact on the formation of both the physical and social structures of Tehran's residential quarters. Specifically, this period, with an emphasis on modernity and urban development, laid the foundation for major changes in the physical and social structure of Tehran's residential quarters.

Keywords: Regionalism, Pahlavi Era, Social Changes, Cultural Impacts, Residential Quarters Of Tehran.

* This Article Is Extracted from The Doctoral Thesis of 'Elham Shabani', Titled '*Explaining The Characteristics Of Regionalism In The Architecture Of Residential Complexes In Iran In The Second Pahlavi Era (Case Study Of Tehran)*', Under The Supervision Of 'Dr. Jamaluddin Soheili', & Advisory Of 'Dr. Kamal Rahbari Manesh'.

1. Ph.D.Student In Architecture, Department of Architecture, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.
elham.shabani27100@gmail.com

*2. Associate Professor Of Department Architecture, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.
(Corresponding Author): soheili@qiau.ac.ir

3. Assistant Professor Of Department Architecture, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.
pr.rhbari@yahoo.com

تبیین تأثیرات جهانی رویکرد منطقه‌گرایی در ساختار کوی‌های مسکونی تهران مبتنی بر تحولات اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی (مورد پژوهی: دوران پهلوی دوم)

الهام شعبانی^۱، جمال‌الدین سهیلی^{۲*}، کمال رهبری‌منش^۳

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۱)

چکیده

منطقه‌گرایی رویکردی است که در برابر یکسان‌سازی طراحی ابنیه‌ها و بی‌توجهی به فرهنگ‌های محلی مقاومت کرده و بر تقویت ارزش‌های منطقه‌ای و احترام به ویژگی‌های زیست‌محیطی تأکید دارد. در دوران پهلوی دوم، تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی گسترده‌ای در ایران رخ داد که تأثیرات فرهنگی و کالبدی عمیقی بر ساختار شهری تهران داشت. این تحولات، از جمله تمرکزگرایی، مهاجرت و سیاست‌های توسعه، منجر به رشد سریع جمعیت تهران و در پی آن، کمبود مسکن و افزایش قیمت زمین شد. در چنین شرایطی، کوی‌های مسکونی جدیدی براساس رویکرد منطقه‌گرایی در اطراف تهران شکل گرفت که پیش از این در تاریخ تهران دیده نمی‌شد. این پژوهش باهدف بررسی تأثیرات رویکرد منطقه‌گرایی بر ساختار این کوی‌ها، به‌ویژه در نمونه‌های کوی‌های مسکونی شهرآرا، تهران ویلا و مهران، انجام شده است. پژوهش حاضر به صورت کیفی و با استفاده از روش‌های توصیفی-تحلیلی، میدانی و اسنادی انجام شده است. داده‌ها از طریق متون تاریخی، تحلیل فرم‌ها، نمادها و الگوهای فضایی و زمانی در نقشه‌ها و همچنین بررسی روابط اجتماعی و فرهنگی در دوره پهلوی دوم جمع‌آوری شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که در دوران پهلوی دوم، رویکرد منطقه‌گرایی به‌عنوان یک رویکرد جهانی در طراحی ساختمان، تأثیر قابل توجهی بر شکل‌گیری ساختارهای کالبدی و اجتماعی کوی‌های مسکونی تهران داشته است. به‌طور خاص این دوره، با تأکید بر مدرنیته و توسعه شهری، زمینه‌ساز تغییرات عمده‌ای در ساختار کالبدی و اجتماعی کوی‌های مسکونی شهر تهران بود.

واژگان کلیدی: منطقه‌گرایی، دوران پهلوی دوم، تحولات اجتماعی، تأثیرات فرهنگی، کوی‌های مسکونی تهران.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «الهام شعبانی»، با عنوان «تبیین شاخصه‌های منطقه‌گرایی در معماری کوی‌های مسکونی ایران در دوره پهلوی دوم (مطالعه موردی شهر تهران)»، است که به راهنمایی «دکتر جمال‌الدین سهیلی»، و مشاوره «دکتر کمال رهبری‌منش»، استخراج شده است.

elham.shabani27100@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

soheili@qiau.ac.ir

۲. دانشیار گروه معماری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. (نویسنده مسئول):

pr.rhbari@yahoo.com

۳. استادیار گروه معماری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

۱- مقدمه

در دوران پهلوی دوم، تحولات گسترده‌ای در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران به وقوع پیوست. تمرکز روزافزون قدرت در ساختار حکومتی، جنگ جهانی دوم، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ خورشیدی، اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی و فرهنگی و افزایش تعاملات با غرب، از جمله این تحولات بودند که تأثیرات عمیقی بر ساختار جمعیتی، کالبدی و فرهنگی کشور به‌ویژه در تهران گذاشتند (Ghasemi, 2024: 85). در شهر تهران، تحولات ناشی از تمرکزگرایی، مهاجرت و سیاست‌های توسعه، موجب رشد سریع جمعیت پایتخت در دهه‌های ۱۳۱۰ تا ۵۰ خورشیدی شد. تمرکزگرایی در سیاست و اقتصاد در دوران پهلوی اول، باعث تبدیل تهران به مرکز تنظیم و هماهنگی امور دولتی شد، که منجر به فریه‌تر شدن دولت مرکزی و افزایش قابل توجه وسعت و جمعیت تهران گردید (Azadi, Delangizab, 2021: 5-15). با اشغال کشور توسط متفقین، بروز قحطی در برخی مناطق، تورم فزاینده، نبود امنیت و نیاز به خدمات شهری، مردم را به امید شرایط بهتر به شهرهای بزرگ، به‌ویژه تهران، جذب کرد (وحیدی‌راد، ۱۴۰۱: ۲۲۵). این مهاجرت به تهران شدت یافت و لغو قانون اخذ مجوز برای مهاجرت بین شهرها در اسفند ۱۳۲۱ خورشیدی، تسهیل‌کننده این روند بود. همچنین، سیاست‌های توسعه در دوره پهلوی دوم، به‌مانند قطبی‌سازی اقتصاد و رشد سرمایه‌داری نوظهور، تهران را به قطب اصلی فعالیت‌های عمرانی دولتی و خصوصی تبدیل کرد که منجر به ادامه روند مهاجرت و افزایش جمعیت در این شهر شد. شهر تهران در این سال‌ها رشد جمعیت بالای ۴ درصد را تجربه کرد. در پی این تحولات، کمبود شدید مسکن و گرانی زمین و خانه در دهه ۱۳۲۰ خورشیدی به‌مشکلی عمده تبدیل شد. روند کند تولید مسکن و ساخت‌وسازهای کوچک در تهران و حواشی آن نتوانست پاسخگوی نیازهای جمعیتی باشد. در این شرایط، رویکردی نوین برای رفع این مشکل به‌ویژه در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ خورشیدی شکل گرفت (Karimi, Boussauw, 2018: 270). طی این دهه‌ها، کوی‌هایی باتکیه بر الگوهای جدید ساختاری و سبک‌های نوین سکونت در تهران ساخته شدند. این کوی‌ها به تدریج به بافت شهری تهران پیوستند. کوی‌های چهارصد دستگاه، نارمک، نازی‌آباد، شهرآرا، تهران ویلا، کن، مهران و سیزده‌آبان نمونه‌هایی از این کوی‌ها بودند که ویژگی‌هایی چون احداث کوی مسکونی به صورت پروژه‌های مشخص، بهره‌گیری از اصول شهرسازی نوین، به‌کارگیری الگوهای تازه ساختمانی شامل واحدهای مسکونی تک‌خانواری و آپارتمان‌های کوتاه‌مرتبه و بهره‌گیری از روش‌های نوین ساخت را به‌طور بارز در خود داشتند.

به‌طور خاص، نگاه به منطقه‌گرایی، که به‌عنوان بخشی از گفتمان مدرنیته در آن دوران مطرح بود، در اولویت طرح‌های تحولات قرار گرفت (شعبانی، سهیلی، رهبری‌منش، کمال، ۱۴۰۳: ۲۰-۱). این تحقیق به دنبال استخراج مؤلفه‌ها و شاخصه‌های منطقه‌گرایی و بررسی بازتاب آن در ساختار کوی‌های مسکونی دوره پهلوی دوم در تهران است. موضوع اصلی پژوهش را تشکیل می‌دهد. از این رو، پرسش اصلی تحقیق بر ساختار و فرم کوی‌های مسکونی تهران اثرگذار بوده است. ضرورت انجام چنین پژوهش‌هایی که در حال

حاضر از مهمترین نیازهای حوزه معماری و شهرسازی و به‌ویژه تغییرات فرهنگی و تحولات اجتماعی ایران به‌این مسئله می‌پردازد که تا چه میزان اتخاذ مؤلفه‌ها و شاخصه‌های رویکرد منطقه‌گرایی در دوران معاصر محسوب می‌شود، باتوجه‌به رشد سریع جمعیت، افزایش شهرنشینی و نیازبه تأمین مسکن برای اقشار مختلف، بیش‌ازپیش احساس می‌شود. طوری که این موضوع اکنون به یکی از چالش‌برانگیزترین مباحث تئوریک، دانشگاهی و حتی مطالعات اجتماعی تبدیل شده است.

۲- تدارکات پژوهش (مبانی نظری/پیشینه تحقیق)

۲-۱- مبانی نظری

❖ **منطقه‌گرایی:** تبیین منطقه‌گرایی به‌تبع تعدد و سیرتحول در انواع رویکردهای این نظریه، طیف وسیعی را دربرمی‌گیرد، اما در نگاه کلی می‌توان اذعان داشت توجه‌به ویژگی‌های زیست‌بوم، مسائل اقلیمی، شرایط فرهنگی و اجتماعی و ارزش‌های محلی از نکات موردتوجه منطقه‌گرایی به‌حساب می‌آیند (روحی‌دهبینه، ۱۳۹۳: ۱۵۰). منطقه‌گرایی نظریه‌ای است که از مقاومت دربرابر صورتهای مختلفی از برتری‌جویی، جهانی‌سازی و یا ساختارهای استاندارد شده که تفاوت‌های بومی و فرهنگی را کاهش می‌دهند، حمایت می‌کند. این تئوری، روش‌ها و معیارهایی برای حفاظت، تجدیدحیات و در صورت نیاز، بازسازی زندگی در چارچوب ویژگی‌های منطقه را پیشنهاد می‌دهد (Zoghi Hosseini, Hashemi, 2023: 1-6). منطقه‌گرایی با مدرنیته تناقضی ندارد، بلکه گرایش به سبک بین‌المللی است. رویکرد اصلی منطقه‌گرایی آشتی دادن تأثیرات تمدن جهانی و خصوصیات و مشخصه‌های ویژه مکانی است. به‌عبارت‌دیگر، ازآنجا که انسان‌ها در عین تملک فرهنگ منطقه‌ای، وارث و به‌وجود آورنده فرهنگ جهانی است. منطقه‌گرایی هم به پیوندهای پیچیده انسانی مربوط می‌شود و هم به تعادل اکوسیستم و مسائل زیست‌محیطی. هدف منطقه‌گرایی، ایجاد تنوع درعین سودبردن از مزایای جهانی است (Cao, Mustafa, Hafizal Mohd Isa, 2024: 12).

❖ **کوی‌های مسکونی:** افزایش جمعیت، کمبود زمین و شیوه‌های فناوری نوین، طراحان را به ساخت مجتمع‌های مسکونی سوق داد (دبیده، ۱۴۰۰: ۶۵). ساخت کوی‌های مسکونی برای اقشار مختلف اجتماع از دوره پهلوی دوم آغاز شد. افزایش جمعیت و مهاجرت از روستاها به پایتخت در دهه ۱۳۲۰ شمسی با نمودهای متفاوتی از ظهور و تنوع فرهنگ و طبقات اجتماعی در سطح شهر تهران در ساختار مسکن مواجه می‌شویم. حاصل این مهاجرت‌ها، کمبود مسکن شهری، انزوای جمعیت روستایی و مشکل زاغه‌نشینی است. دولت برای رفع این معضل اقدام به ساخت کوی‌های مسکونی کرد اعم از کوی‌های چهارصد دستگاه، نارمک، نازی‌آباد، شهرآرا، تهران ویلا، کن، مهران و سیزده‌آبان (کامی‌شیرازی، سلطان‌زاده، حبیب، ۱۳۹۶: ۴۰).

❖ **تحولات محله در پهلوی اول و دوم: تحولات محله در دوره پهلوی اول (۱۳۲۰-۱۳۰۰ خورشیدی):** وقوع انقلاب مشروطیت در سال ۱۲۸۵ خورشیدی سپس تشکیل دولت اقتدارگرا و شبه‌مدرن پهلوی در سال ۱۳۰۴ خورشیدی باعث تحولات بسیاری در زندگی شهری گردید. در دوره رضاخان با تغییر شکل روابط اجتماعی و کاسته شدن از اهمیت عواملی به‌مانند محرمیت و خویشاوندی و پیدایش شهرنشینی به سبک غربی و رشد ماشینیزم، «بافت محله‌ها نیز تغییر کرده و از فرم بسته و فشرده به فضاهای شهری با تقسیم‌بندی مشخص‌تر و بازتر تغییر شکل دادند» (علی‌زاده، طرفداری، ۱۳۸۹: ۲۴-۲۵). با ورود تکنولوژی و خصوصاً رواج استفاده از اتومبیل، سیمای شهر و محلات آن تغییر کرد، شهر کم‌کم از فرم ارگانیک خود با کوچه‌های پرپیچ‌وخم و غیرهندسی خارج گردید و خیابان‌های منظم و شطرنجی جایگزین آن شد «در این دوره اغلب شهرها مهر پهلوی را که عبارت از دو خیابان متقاطع با یک میدان در وسط آن بود به چهره خود یافتند» (دبده و دیگران، ۱۴۰۳: ۲۱۵). با تصویب قوانینی همچون قانون بلدیّه (۱۳۰۹ خورشیدی)، قانون تعریض و توسعه معابر (۱۳۱۲ خورشیدی)، ابزارهای قانونی برای اجرای تغییرات کالبدی شهر نیز فراهم گردید. تحولات محله در دوره پهلوی دوم (۱۳۵۷-۱۳۲۰ خورشیدی): تغییرات کالبدی و اجتماعی شهرها باتکیه بر اعتبارات دولتی که از زمان حکومت رضاخان آغاز شده بود در دهه ۱۳۳۰ شمسی باروی کارآمدن محمدرضا پهلوی و با افزایش درآمدهای دولتی ناشی از صدور نفت با شدت بیشتری ادامه پیدا کرد. در این دوره با گسترش ارتباطات و مناسبات ایران با کشورهای غربی، تغییرات زیادی در سبک زندگی ایرانیان خصوصاً شهرنشینان ایجاد گردید. با توجه به سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کشور زمینه رشد برخی صنایع فراهم شد. تغییر بردارهای کشور و تغییرات وسیع در ساخت اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی موجب تحرک اقتصادی در شهرها شده و به تدریج خانواده‌هایی که از شرایط مادی بهتر برخوردار شده بودند، تصمیم به ترک محله‌های قدیمی و سکونت در مناطق نوساز شهر گرفتند. این امر موجب گردید تا محلات قدیمی و سنتی اعتبار و منزلت قبلی خود را از دست داده و محل سکونت افراد مهاجر یا طبقات کم‌درآمد شهر گردند. گفتنی است در این دوره درحاشیه شهرهای بزرگ به‌ویژه تهران برخی محله‌های غیررسمی و غیرقانونی نیز شکل گرفتند. که محل زندگی تهیدستان شهری بودند (احمدنژاد، باور، ضیابخش، ۱۴۰۲: ۱۰۸).

۲-۲- پیشینه تحقیق

فاطمه کریمی و کاظم منفردپور قصرالدشتی، در پژوهشی با عنوان «معماری و منطقه‌گرایی»، بر آن باورند منطقه‌گرایی رویکردی است که در مقابل یکسان‌سازی ساختاری و عدم توجه به فرهنگ و بستر فرهنگی استقامت به خرج داده و به دنبال تقویت ارزش‌های منطقه‌ای و احترام به ویژگی‌های محیط‌زیست می‌باشد. هدف از انجام این تحقیق شناخت بیشتر معماری و منطقه‌گرایی است (کریمی، منفردپور قصرالدشتی، ۱۴۰۲: ۹-۱). ذوقی حسینی و دیگران، در مطالعه‌ای با عنوان «منطقه‌گرایی پایدار: خوانش

رویکرد پایداری در متن معماری منطقه‌گرا»، معتقداند که معماری منطقه‌گرا وارد مرحله جدیدی از تحولات اجتماعی و توسعه روند تکاملی خود شده است که همانا منطقه‌گرایی پایدار می‌باشد (ذوقی حسینی و دیگران، ۱۴۰۲: ۴۰۲-۳۸۳). مهدیه مقدم‌کیا و رضا میرزایی، در جستار باعنوان «تبیین و ارزیابی شاخص‌های منطقه‌گرایی برای بهبود الگو سکونتگاهی ابنیه شهر مشهد»، پرداخته و راه‌حلی جهت بهبود الگوهای سکونتگاهی شهر مشهد با توجه به عوامل موثر در برخوردهای به‌مانند جنبش‌های اجتماعی در منطقه‌گرایی ارائه داده‌اند (مقدم‌کیا، میرزایی، ۱۴۰۱: ۱۹-۱). منصور یگانه، ناصر قنبری و محمدرضا بمانیان، در پژوهش خود باعنوان «بازشناسی معیارها و شاخص‌های زیست منطقه‌گرایی انتقادی در ساختمان‌های بلند ایران»، برآند توجه به شاخص‌های زیستی-کالبدی در قالب رویکرد زیست منطقه‌گرایی انتقادی می‌تواند نیازهای اجتماع معمارانه جامعه را از قبیل پاسخ‌گویی تحولات اجتماعی-فرهنگی، اقلیم و محیط‌زیست، توسعه پایدار، ارتقای حس مکان و خلق معماری با هویت و عدم تقلید و التقاط‌های سطحی نگرانه را برآورده سازد (یگانه، قنبری، بمانیان، ۱۳۹۸: ۱۳۶۵). تینا تجدد و سیدیحی اسلامی، در مقاله خود باعنوان «بررسی ضرورت منطقه‌گرایی انتقادی در توسعه معماری امروزی»، برآن‌باورند که دخالت منطقه‌گرایی انتقادی در بافت‌های تاریخی کمترین تأثیر و مانع از دیده منطقه‌گرایی انتقادی بوده و می‌توان با حفظ اصول فرهنگی و منطقه‌ای نگاهی جهانی داشت بدون اینکه سنت را به فراموشی سپرد (تجدد، اسلامی، ۱۳۹۸: ۳۲-۱۹). محمود فیض‌آبادی، در کاوشی باعنوان «کاربرد منطقه‌گرایی در معماری معاصر ایران با تحلیل معماری معاصر کشورهای اسلامی در حال توسعه»، به بررسی نکات و اصول مهم و راهکارهای کالبدی و فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی برای طراحی در منطقه را موردارزیابی قرار داده‌اند (فیض‌آبادی، ۱۳۹۵: ۱۳-۱). قادر بایزیدی و دیگران، در پژوهشی باعنوان «جهانی‌سازی و منطقه‌گرایی در معماری معاصر: تعامل یا تقابل»، معتقدند منطقه‌گرایی دیدگاهی تحلیل و انتقادی است که بر حفظ ویژگی‌های خاص مکان و برجسته نمودن تفاوت‌ها در تبیین تحولات و تعاملات اجتماع است (بایزیدی و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۰-۱۷). یا در مطالعه‌ای دیگر با عنوان «جستاری بر تبیین دیدگاه‌های منطقه‌گرایی و سیر تحول آن‌ها در معماری مسکونی»، برآند منطقه‌گرایی دیدگاهی تحلیلی و انتقادی است که با تأکید بر حفظ ویژگی‌ها و خصوصیات خاص مکان، برای هویت خاص توسعه منطقه در مقابل خصوصیات عام جهانی و تحولات اجتماعی-فرهنگی اولویت قائل است (بایزیدی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۸-۷).

۳- روش تحقیق

به‌طور مشخص، ماهیت و نوع پژوهش فوق منطبق بر اصول یک پژوهش کیفی است. طوری که پژوهشگران کیفی، پدیده‌ها را در شرایط طبیعی خود مطالعه می‌کنند، تلاش آن‌ها فهم یا تفسیر پدیده‌ها از نظر معانی موردنظر مردم است. تحقیق کیفی، شامل به‌کارگیری آگاهانه و گردآوری مجموعه‌ای از داده‌های تجربی است (نیازی، ۱۳۹۰: ۱۶۰). این پژوهش از لحاظ هدف تحقیق از نوع تحقیقات توصیفی-تحلیلی محسوب می‌شود. روش‌های گردآوری داده‌ها که شامل استفاده از منابعی همچون: منابع ذهنی و

نقلی (شنیده‌ها، مشاهدات و خاطرات اشخاص)، منابع تصویری و ترسیمی (عکس، نقشه، کروکی، نمودار)، منابع اسنادی (کتاب و تحقیقات موضوعی، مجلات، نشریات، خاطرات)، مدارک آرشیوی و همچنین بهره‌بردن از اطلاعات میدانی و مطالعه نمونه‌های موردی، مبناء و اساس گردآوری اطلاعات در پژوهش پیش‌رو است. جامعه آماری و نمونه این پژوهش ۳ کوی مسکونی در شهر تهران را دربرگرفت به‌مثابه: ۱. کوی شهرآرا؛ ۲. کوی تهران ویلا؛ و ۳. کوی مهران، می‌باشد که براساس اطلاعات مستند (تصویر، نقشه، اسناد و مدارک)، و همچنین عدم دخل و تصرف بیش‌ازحد در معماری و شهرسازی این مناطق به‌عنوان جامعه نمونه در این پژوهش انتخاب گردیدند. روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از روش‌های استنتاجی و کمک گرفتن از اطلاعات موجود به‌مانند تحلیل نقشه‌های قدیمی و شنا سایی الگوها پرداخته شد. برای استدلال و تحلیل استنتاجی در داده‌های موضوع پژوهش تحلیل اصلی مضمون با استفاده از متون تاریخی (مجلات، نشریات، عکس، نقشه، کروکی و نمودار) و تفسیر نمادها و فرم موجود بر روی ابنیه‌ها (موضوع اصلی پژوهش منطقه‌گرایی در کوی‌های مسکونی)، و همچنین الگوهای فضایی و زمانی در نقشه‌ها و همچنین ارتباط بین سبک‌های معماری لحاظ شده در کوی‌ها و شرایط اجتماعی-فرهنگی، (پهلوی دوم)، مورد واکاوی و بررسی قرار گرفت.

۴- تبیین گستره مطالعه مورد پژوهی

اساساً منطقه‌گرایی با پیش‌زمینه‌ای از تجربه مدرنیسم پدید آمد که در ۴ محدودۀ تاریخ‌گرایی؛ (بهره‌گیری از المان‌ها، سبک‌ها و الگوهای گذشته در طراحی و ابنیه‌های جدید)، منطقه‌گرایی؛ (تاکید بر ایجاد فضاها و ساختارهایی که با توجه به محلیت و محیط اطراف آن)، زمینه‌گرایی؛ (ساختار با تمرکز بر ارتباطات میان فضا و محیط آن با اطراف)، و سنت‌گرایی؛ (ساختار در تلاش برای ارتباط با گذشته، فرهنگ و تاریخ)، است. به‌طور خاص، اگر بخواهیم به‌صورت جامع این ۴ مفاهیم را مورد بررسی قرار دهیم قطعاً منطقه‌گرایی رویکردی جامع‌تر در مواجهه با فرهنگ، محیط زیست، اقلیم به‌ما می‌دهد. در مواجهه با تعریف منطقه‌گرایی که نظریه‌پردازان این عرصه افرادی همچون: رابرت ونچوری^۱ کیشو کوروکاو^۲ کریس آبل^۳ برنارد رودوفسکی^۴ و آموس راپوپورت^۵ به آن پرداخته‌اند همچون: تعامل مثبت بین جوامع بومی و فرایندهای توسعه، توجه به نیازها و دیدگاه‌های جوامع بومی، ارتباطات و تعاملات اجتماعی را تقویت کنند، هر فرد و هر جامعه‌ای دیدگاه منحصر به فردی دارد، ایجاد هماهنگی و تعامل میان ابنیه‌ها و محیط‌زیستی و انسانی، تفاوت‌های جغرافیایی، اجتماعی و اقتصادی می‌تواند بر توسعه مناطق و کشورها تأثیرگذار باشد. ارزش‌های بومی و سنتی به‌عنوان نمادهای تاریخ، ارتباط عمیق انسان با زمین و محیط‌زیست را نیز به‌تصویر می‌کشند،

¹ Robert Venturi

² Kisho Kurokawa

³ Chris Abell

⁴ Bernard Rudofsky

⁵ Amos Rapoport

استفاده از تکنولوژی و توانمندی‌های محلی، ایجاد ابنیه‌هایی که با فرهنگ و محیط اطراف هماهنگی داشته و ارتباط صمیمی با کاربران و جوامع مختلف را ایجاد می‌کنند، توأم ساختن فناوری تو سعه یافته و م صالح پیشرفته که قابلیت بالایی برای بیان سنت هر کشور دارند، استفاده از زبان و معماری گذشته، ایجاد تعامل بین گذشته و حال و منطقه‌گرایی، احیای مجدد خرده فرهنگ‌ها، و وسائل ارتباط جهانی به‌مانند تلویزیون و ماهواره برای تقویت هویت ملل به کار می‌روند. رویکردهایی که از منطقه‌گرایی در این پژوهش مورد تأکید قرار گرفته به ۱۰ دسته تقسیم می‌شود برپایه (جدول ۱)، عبارت‌انداز:

جدول ۱. گستره رویکردهای منطقه‌گرایی پژوهشی حاضر - (مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳)

ردیف	تشریح گستره رویکردهای منطقه‌گرایی
۱	غیر مدرن: (برطرف کردن نیازهای جامعه مدرن با استفاده از تکنولوژی و فناوری روز)؛
۲	بازتابنده: (محیط اطراف، موضوع نور در ساختمان، تأکید بر فضای باز و ارتباط بین داخل و بیرون و ارتباط بصری و فیزیکی بین ساکنان و محیط زیست)؛
۳	زیستی: (ساختمان‌ها و فضاها باید با محیط زیست اطراف هماهنگ باشند و تأثیر کمتری بر آن‌ها بگذارند. رویکرد این مفهوم تلاش برای مصرف بهینه منابع، بهره‌گیری از فناوری پایدار و ایجاد فضای سبز است)؛
۴	تعاملی: (ایجاد فضا با تأکید بر تعاملات و ارتباطات انسانی و اجتماعی میان ساکنین از طریق فضاهای مشترک و فضاهای عمومی)؛
۵	انتقادی: (منطقه‌گرایی انتقادی در معماری دیدگاه‌یست از جنس بازنگری به نقش معماری در جامعه، این رویکرد سعی دارد تا معماری را به‌عنوان یک وسیله‌ای برای انتقاد اجتماعی به‌صورتی که فضا منعکس‌کننده مسائل اجتماعی و فرهنگی روز باشد)؛
۶	نوین: (به‌منظور تعمیق و توسعه مفهوم منطقه‌گرایی از ابزارها و فنون معاصر استفاده می‌کند تا تلفیقی از سنت و مدرن به‌دست دهد)؛
۷	مدرن: (استفاده از فناوری‌های جدید برای هم‌راستا کردن نیازها و تغییرات جامعه در دوران مدرن و اساساً اصل انعطاف‌پذیری را پاسخ‌گوی نیاز هر جامعه می‌داند و بر اصولی چون: پایداری، کارایی انرژی در شرایط زندگی ساکنان استوار است)؛
۸	سبکی: (استفاده از سبک‌های خاص معماری در مناطق خاص، بیشتر برپایه و اساس هماهنگی بین فرهنگ، اقلیم و منطقه مورد نظر تأکید دارد)؛
۹	تکنولوژی: (بر نوآوری در ابنیه‌ها با رویکرد ایجاد فضاهایی با کارایی بالا، پایداری محیطی، استفاده بهینه از منابع و انرژی)؛
۱۰	کوبیستی: (تأکید بر اشکال و الگوهای هندسی و ترکیب آن‌ها برای دست‌یافتن به خواسته‌های خاص موضوع مورد طراحی)؛

در ادامه جامعه آماری و نمونه این پژوهش که کوی‌های مسکونی مورد مطالعه در شهر تهران را دربرمی‌گیرد شامل: کوی شه‌رآراء، کوی تهران‌ویلا و کوی مهران می‌باشد در تطبیق با رویکردهای منطقه‌گرایی که در (جدول ۱)، اشاره شد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

برپایه (جدول ۲)، کوی‌های مورد پژوهی شهر تهران براساس جزوه شماره ۲ سال ۱۳۵۱ شمسی تهیه شده توسط وزارت آبادانی و مسکن-دفتر مطالعات و معیارهای ساختمانی تنظیم شده است. که شامل عنوان کوی، سال احداث، محل قرارگیری در شهر تهران و همچنین ویژگی‌های کالبدی بناها مطرح شده است.

جدول ۲. موقعیت مکانی و ویژگی‌های کالبدی کوی‌های مورد پژوهی - (مأخذ: یافته‌های پژوهشی، ۱۴۰۳)

ردیف	زمان ساخت	نقشه کوی	تصویر
۱	دهه ۱۳۴۰ خورشیدی	کوی شهرآرا	
	وجود فضای سبز در محوطه و سایت کوی، استفاده از مصالح بومی، نوعی بافت خاص کرکهای با ایجاد سایه‌های روی سطح		
	شهرآرا محله‌ای در منطقه ۲ شهرداری تهران واقع در غرب تهران است که از جنوب به خیابان ستارخان، از شرق بزرگراه چمران، از غرب به بزرگراه شیخ فضل الله‌نوری و بوستان ستارخان و از شمال به جلال آل احمد محدود است.		
۲	دهه ۱۳۴۰ خورشیدی	کوی تهران ویلا	
	بناها به صورت ۱ و ۲ طبقه، وجود مرکز محله، استفاده از مصالح بومی از جمله آجر نما		
	محله تهران ویلا در خیابان ضلع شمالی ستارخان (تاج سابق)، در تهران بین شهرآرا و پاک شمالی از شرق و غرب و بین ستارخان و کوی نویسندگان از جنوب و شمال قرار گرفته است که بعد از ساخت پل ستارخان (تاج)، خیابان اصلی آن به ۲ نیم تقسیم شد.		
۳	دهه ۱۳۴۰ خورشیدی	کوی مهران	
	بناها به صورت ۱ و ۲ طبقه، طراحی درازتپا با تاریخ و تعامل با جهان امروز و توجه به مسائل فرهنگی، استفاده از مصالح بومی از جمله آجر نما.		
	این محله در منطقه ۵ شهر تهران قرار گرفته است و از شمال با بزرگراه حکیم، از شرق با بلوار اباندر و خیابان شالی، از جنوب با بزرگراه آیت‌الله کاشانی و از غرب با بزرگراه ستاری محدود شده است و با محله‌های فردوس، جنت‌آباد جنوبی، باغ فیض، اباندر مجاورت دارد.		

۵- یافته‌های پژوهشی

در پژوهش حاضر ۳ کوی مسکونی در شهر تهران بررسی شد که شامل: کوی شهرآرا، کوی تهران‌ویلا و مهران، برپایه (جدول ۳)، می‌باشد. در دوره پهلوی دوم، معماری ایران بادر نظر دشت تعاملات اجتماعی-فرهنگی به تناسب با منطقه‌گرایی محلی تغییرات زیادی کرد. معماران از عناصر سنتی و محلی الهام و با استفاده از آن‌ها ابنیه‌هایی با طراحی‌های مدرن و سنتی ترکیب می‌کردند. که می‌توان به کوی‌های مسکونی در تهران که الهام از معماری سنتی ایرانی داشتند اما با تلقیح نوآورانه از عناصر مدرن ترکیب شده بودند. این تلاقی بین مدرنیته و ارزش‌های محلی باعث ایجاد یک معماری نو در این دوره شد. در دوران پهلوی دوم در ایران، شکل‌گیری کوی‌های مسکونی تحت تأثیر عوامل و شاخص‌های مختلفی بود (زمینه‌هایی چون: ۱) سیاست‌های شهرسازی و امور مسکن: دولت در دوران پهلوی دوم سیاست‌هایی را در زمینه شهرسازی و مسکن اجرا کرد که می‌توانستند به شکل‌گیری کوی‌های مسکونی کمک کنند. ترویج ساخت‌وسازهای مسکونی و ایجاد نقاط مختلفی برای سکونت در شهرها و مناطق مختلف از جمله این سیاست‌ها بود. ۲) توسعه زیرساخت‌های شهری: ایجاد زیرساخت‌های شهری به‌مانند جاده‌ها، ارتباطات و سیستم حمل‌ونقل عمومی می‌توانست به شکل‌گیری کوی‌های مسکونی کمک کند. این امکانات زیرساختی تأثیر بزرگی بر میزان دسترسی و راحتی افراد به مناطق مسکونی داشته‌اند. ۳) توسعه اقتصادی: رشد و توسعه اقتصادی در برخی مناطق ممکن بوده که به شکل‌گیری کوی‌های مسکونی از طریق جذب افراد فعالیت‌های اقتصادی کمک کرده باشد. و ۴) تغییرات اجتماعی: تغییرات در ساختار خانواده، نیازهای اجتماعی و ترکیب جمعیت ممکن است به شکل‌گیری کوی‌های مسکونی تأثیر گذار باشند.

این شاخص‌ها به‌همراه سایر عوامل، در فرایند شکل‌گیری و توسعه کوی‌های مسکونی در دوران پهلوی دوم ایران نقش مهمی داشته‌اند. مطالعه و تحلیل موقعیت‌های شهری، توسعه زیرساخت‌های شهری به‌مانند آب، برق، گاز و فاضلاب و نیز تغییرات اقتصادی و اجتماعی در دوران پهلوی دوم، می‌تواند بهترین نگاهی به عوامل موثر در شکل‌گیری کوی‌های مسکونی از منظر منطقه‌گرایی ارائه دهد. علاوه بر این، فرهنگ و هویت منطقه‌ای همچنین نقش مهمی در ایجاد و تشکیل کوی‌های مسکونی ایفاء کرده است. اغلب کوی‌های مسکونی در ایران دارای فرهنگ، رسوم و ارزش‌های منحصر به فرد خود بوده‌اند که این امر می‌تواند به تداخل و هم‌زیستی اجتماعی در آن نواحی کمک کرده و به شکل‌گیری آن‌ها کمک نماید. نکته مهم دیگری که در شکل‌گیری کوی‌های مسکونی مؤثر بوده است، نقش و تأثیر توسعه شهرهای صنعتی و نیز سیاست‌های دولتی در ترویج این نوع سکونت‌ها می‌باشد. تحولات صنعتی و نیاز به ایجاد بسترهای مسکونی برای کارگران و افراد مهاجر به شهرها، به شکل‌گیری و توسعه کوی‌های مسکونی منجر شده است. به‌طور کلی، شکل‌گیری کوی‌های مسکونی در دوران پهلوی دوم ایران نتیجه‌ای از تأثیر چندین عامل تحولات اجتماعی، اقتصادی، تعاملات فرهنگی و سیاسی بوده است که همه‌باهم در تحول و توسعه شهرها و مناطق مسکونی ایران در آن دوره نقش داشته‌اند.

جدول ۱۰: تطبیق کوی‌های مور دپژوهی بر اساس شاخص‌های منطقه‌گرایی - (مأخذ: یافته‌های پژوهشی، ۱۴۰۳)

کوی شهر آرا	
کویبستی	اساساً طرح بلوک‌ها و واحدهای مسکونی در کوی شهر آرا براساس روند مدرنیته است و تقریباً از هرگونه مؤتلف‌های سنتی و فرم‌های کهن در بناها تهی می‌باشد.
تکنولوژی	ساختار به‌صورت دیوارهای آجری حمال و نمای ابنیه‌ها متشکل از آجرهای سفالی قرمز رنگ می‌باشد.
سبکی	توجه به حرکت و جریان هوا در داخل فضا با در نظر گرفتن فضای سبز در اطراف ابنیه‌ها. ایجاد سایه‌بان افقی در پنجره‌های جنوبی برای کاهش شدت تابش.
مدرن	توجه به فرهنگ و اصل محرمیت در چیدمان عرصه‌های داخلی بنا (اتاق خواب‌ها).
نوبین	توجه به حرکت و جریان هوا در داخل فضا با در نظر گرفتن فضای سبز در اطراف ابنیه‌ها. ایجاد سایه‌بان افقی در پنجره‌های جنوبی برای کاهش شدت تابش.
انتقادی	ارتباط بصری از طریق بالکن به فضای سبز، وجود فضای باز و خصوصی در واحدهای مسکونی ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ طبقه. در واحدهای دو طبقه فضای بزرگی با پنجره‌های فراوان روبه شمال محل خوبی برای اجتماع روزانه اعضای خانواده می‌باشد.
تعاملی	در طرح بلوک‌های مسکونی فضایی برای زندگی اجتماعی مردم در نظر گرفته نشده است.
زیستی	تقریباً در تمام واحدهای مسکونی و آپارتمانی، فضاها دارای نور مناسب هستند و در تابستان‌ها تاحدی می‌توان جریان هوا را در داخل خانه‌ها شدت داد. پنجره‌های جنوبی در واحدهای مسکونی ۲ طبقه دارای سایه‌بان افقی هستند البته در خانه‌های ۲، ۳ و ۴ طبقه پلکان‌های میانی گرم کردن خانه را در زمستان دچار مشکل می‌کند. در واحدهای آپارتمانی بالکن مشرف به فضای باز مشترک که به‌صورت فضای سبز تمییه شده باعث طراوت و خنکی هوا در محیط اطراف و داخل آپارتمان شده است.
بازتابنده	در واحدهای مسکونی ۱ طبقه و ۲ طبقه فضای باز خصوصی در متراژهای بین ۱۲۰ تا ۱۴۵ مترمربع وجود دارد و همچنین برای زندگی خصوصی اعضا (پدر و مادر)، در خانه‌های ۲ طبقه، اصل خلوت لحاظ شده است.
غیر مدرن	در طرح بلوک‌های مسکونی فضایی برای زندگی اجتماعی مردم در نظر گرفته نشده است. و حتی فضایی برای بازی بچه‌ها دور از خطر و سایل نقلیه و خیابان‌ها وجود ندارد.
کوی تهران ویلا	
کویبستی	تقسیم‌بندی نما با خطوط عمودی (۳ قسمت).
تکنولوژی	ساختار به‌صورت دیوارهای آجری حمال و نمای ساختمان‌ها متشکل از آجرهای سفالی قرمز رنگ می‌باشد.
سبکی	وجود مراکز پراکنده در نقاط مختلف سایت با کارکرد مرکز محله/فاقد فضای بازی بچه‌ها در بلوک‌ها.
مدرن	تقسیم‌بندی نما با خطوط عمودی (۳ قسمت).
نوبین	مراکز خرید طراحی شده در اطراف کوی، فضای زندگی اجتماعی ساکنین را تأمین کرده است.
انتقادی	نمای ساختمان‌ها متشکل از آجرهای سفالی قرمز رنگ می‌باشد. بناهای ۱ طبقه و دارای فضای باز خصوصی/خانه‌ها همکف با خیابان بوده و با پنجره‌های با ارتفاع ۱۳۰ سانتی‌متر دارای دید به خانه بوده و عدم وجود حریم شخصی در بنا را موجب می‌شود/بنا از لحاظ نور و تهویه هوا به دلیل ارتباط بین درها و پنجره‌ها در برهه‌های شمالی و جنوبی دارای شرایط خوبی است.
تعاملی	مراکز خرید طراحی شده در اطراف کوی، فضای زندگی اجتماعی ساکنین را تأمین کرده است. وجود مراکز پراکنده در نقاط مختلف سایت با کارکرد مرکز محله.
زیستی	بنا از لحاظ نور و تهویه هوا به دلیل ارتباط بین درها و پنجره‌ها در برهه‌های شمالی و جنوبی دارای شرایط خوبی است.
بازتابنده	بناهای ۱ طبقه و دارای فضای باز خصوصی/خانه‌ها همکف با خیابان بوده و با پنجره‌های با ارتفاع ۱۲۰ سانتی‌متر دارای دید به خانه بوده و عدم وجود حریم شخصی در بنا را موجب می‌شود/ وجود مراکز پراکنده در نقاط مختلف سایت با کارکرد مرکز محله.
کوی مهران	
کویبستی	اساساً طرح بلوک‌ها و واحدهای مسکونی در کوی مهران براساس روند مدرنیته است و تقریباً از هرگونه مؤتلف‌های سنتی و فرم‌های کهن در بناها تهی می‌باشد.
تکنولوژی	فاقد مؤلفه‌های مشروح شده در محث منطقه‌گرایی تکنولوژی می‌باشد.
سبکی	هیچ نوع از فضای سبز در محدوده کوی وجود ندارد/محلی برای زیست اجتماعی وجود ندارد.
مدرن	اساساً طرح بلوک‌ها و واحدهای مسکونی در کوی مهران براساس روند مدرنیته است و تقریباً از هرگونه مؤتلف‌های سنتی و فرم‌های کهن در بناها تهی می‌باشد.
نوبین	اساساً طرح بلوک‌ها و واحدهای مسکونی در کوی مهران براساس روند مدرنیته است و تقریباً از هرگونه مؤتلف‌های سنتی و فرم‌های کهن در بناها تهی می‌باشد.
انتقادی	خانه‌هایی که از شمال به خیابان فرعی راه دارند به لحاظ دید و حریم شخصی دارای مشکلاتی هستند/در این خانه‌ها فضاهای مرکزی نسبت به سایر فضاها بسیار بزرگ بوده و اتاق خواب‌ها کوچک و در بسیاری موارد فاقد نور مناسب و صحیح هستند/بعضی اتاق خواب‌ها به طرف شرق و یا غرب پنجره دارند و از لحاظ درجه حرارت و جریان هوا در تابستان نامناسب هستند.
تعاملی	هیچ نوع از فضای سبز در محدوده کوی وجود ندارد/ محلی برای زیست اجتماعی وجود ندارد.
زیستی	خانه‌هایی که از شمال به خیابان فرعی راه دارند به لحاظ دید و حریم شخصی دارای مشکلاتی هستند/در این خانه‌ها فضاهای مرکزی نسبت به سایر فضاها بسیار بزرگ بوده و اتاق خواب‌ها کوچک و در بسیاری موارد فاقد نور مناسب و صحیح هستند/بعضی اتاق خواب‌ها به طرف شرق و یا غرب پنجره دارند و از لحاظ درجه حرارت و جریان هوا در تابستان نامناسب هستند.
بازتابنده	بدون در نظر گرفتن عناصر فکری و اعتقادی همچون نوع جهانیتهی و باورهای اجتماعی.
غیر مدرن	هیچ نوع از فضای سبز در محدوده کوی وجود ندارد/محلی برای زیست اجتماعی وجود ندارد. شدت بی‌توجهی به کوی مهران تاحدی بوده که فاقد لوله‌کشی آب است و آب شرب از طریق تانکرها تأمین می‌شود.

۶- نتیجه‌گیری

حکومت نوگرایی پهلوی، با حمایت از فناوری و ساختارهای نوین و ترویج سبک‌های جدید زندگی به‌ویژه در میان طبقه متوسط جدید، زمینه‌ای مناسب برای شکل‌گیری و پذیرش کوی‌های مسکونی نوین ایجاد کرد. جامعه نوخواه آن زمان، تحت تأثیر آشنایی با فرهنگ و تمدن‌های دیگر، الگوی تازه‌ای از زندگی و معماری متناسب با آن را پذیرفت. در این شرایط، کوی‌های مسکونی مدرن به سرعت مقبولیت یافتند. معماران نوگرا نیز، بر اساس تجربیات شخصی و پشتیبانی دولت، معماری نوینی را توسعه دادند که جامعه آن‌را به‌عنوان نمادی از پیشرفت و روزآمدی تلقی می‌کرد. به‌همین دلیل، این کوی‌ها بر پای اصول معماری نوین طراحی و اجرا شدند. این روند نه تنها در کوی‌های مسکونی، بلکه در شهرک‌های میان‌رتبه و بلندمرتبه‌ای به‌مانند شهرک اکباتان در دهه‌های پایانی حکومت پهلوی نیز به چشم می‌خورد. شکل‌گیری این کوی‌ها به صورت تدریجی و متناسب با آمادگی اجتماعی صورت گرفت. در فرایند طراحی و ساخت این مناطق، مفاهیمی همچون آپارتمان‌نشینی، شهرک‌نشینی، و تیپ‌های ساختمانی هم‌سان به‌طور گسترده به کار گرفته شد و به‌عنوان نمادی از معماری مدرن و تطابق با نیازهای زمان معرفی شدند. در دوره پهلوی دوم، معماری ایران به تناسب با اصول منطقه‌گرایی محلی دچار تحولات چشمگیری شد. معماران با الهام از عناصر سنتی و بومی، طراحی‌هایی ارائه دادند که ترکیبی از معماری مدرن و ارزش‌های فرهنگی محلی را به‌نمایش می‌گذاشت. این ترکیب خلاقانه در ساخت کوی‌های مسکونی تهران به وضوح مشهود است. کوی‌هایی که با الهام از معماری سنتی ایرانی و تلفیق نوآورانه با عناصر مدرن، سبکی نوین را در عرصه سکونت رقم زدند. شکل‌گیری این کوی‌ها تحت تأثیر عوامل و شاخص‌های متعددی صورت گرفت که به‌طور کلی به‌مثابه (۱) سیاست‌های شهرسازی و امور مسکن؛ دولت پهلوی دوم با اجرای سیاست‌های نوین شهرسازی و ترویج ساخت‌وسازهای مسکونی، بستر شکل‌گیری کوی‌ها را فراهم کرد. این سیاست‌ها شامل ایجاد محله‌های جدید و گسترش سکونتگاه‌ها در شهرها و مناطق اطراف بود. (۲) توسعه زیرساخت‌های شهری؛ توسعه زیرساخت‌هایی به‌مانند جاده‌ها، سیستم حمل‌ونقل عمومی، و تأسیسات ارتباطی، دسترسی به مناطق مسکونی را تسهیل و انگیزه برای ساخت کوی‌های جدید را افزایش داد. (۳) توسعه اقتصادی؛ رشد اقتصادی کشور و تمرکز سرمایه‌گذاری‌ها در تهران و شهرهای بزرگ، جذب جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی را تسریع کرد و زمینه‌ساز احداث کوی‌های مسکونی شد. و (۴) تغییرات اجتماعی؛ تغییر در ساختار خانواده‌ها، نیازهای اجتماعی جدید، و دگرگونی ترکیب جمعیتی، به گسترش الگوهای سکونت و شکل‌گیری محله‌های مسکونی نوین منجر شد. طوری که تلاقی مدرنیته با ارزش‌های محلی، معماران دوره پهلوی دوم را به ایجاد سبکی نوآورانه هدایت کرد که ضمن حفظ ریشه‌های سنتی، نیازهای جامعه نوین را نیز برآورده می‌ساخت.

یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری کوی‌های مسکونی در دوران پهلوی دوم، نقش توسعه شهرهای صنعتی و سیاست‌های دولتی در ترویج این نوع سکونت‌ها بود. رشد سریع صنعتی‌سازی و نیازه فرام‌آوردن سکونتگاه‌های مناسب برای کارگران و مهاجرانی که به شهرها روی می‌آوردند، بستر مناسبی برای توسعه

این نوع کوی‌ها فراهم ساخت. این فرایند نه تنها پاسخگوی نیازهای مسکونی بود، بلکه در ارتقای سطح زندگی طبقات اجتماعی تأثیر به‌سزایی داشت. شکل‌گیری کوی‌های مسکونی در این دوران نتیجه‌ای از تأثیر متقابل عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بود که همگی در تحول و توسعه ساختار شهری و معماری ایران نقش ایفاء کردند. تحلیل این روند نشان می‌دهد که شاخص‌هایی به‌مانند بهینه‌سازی مصرف انرژی، ارتقای تعاملات اجتماعی میان ساکنان، توجه به فرهنگ و ارزش‌های خانوادگی، گسترش فضای سبز، و بهره‌گیری از تکنولوژی‌های نوین در طراحی و ساخت این کوی‌ها مورد توجه قرار گرفته‌اند. بررسی‌های دقیق‌تر حاکی از آن است که در کوی‌های مسکونی دوران پهلوی دوم، رویکردهای منطقه‌گرایانه غالباً در قالب سبک‌هایی نظیر منطقه‌گرایی تکنولوژیکی، مدرن، نوین، زیستی، سبکی، بازتابنده و انتقادی نمود یافته‌اند. این سبک‌ها تلاش داشتند تا علاوه بر انطباق با الزامات مدرنیته، ارزش‌های بومی و نیازهای معاصر جامعه ایرانی را نیز منعکس کنند. این تلفیق سبک‌های مختلف و شاخص‌های طراحی، نقش اساسی در شکل‌گیری معماری منطقه‌گرایانه کوی‌های مسکونی داشته و به‌عنوان یکی از محورهای کلیدی توسعه شهرها در دوره پهلوی دوم به‌شمار می‌رود.

منابع

- احمدنژاد، مرضیه‌سادات. باور، سیروس. ضیابخش، ندا. ۱۴۰۲. *مبانی تحولات در الگوی خانه‌های تهران؛ دوره‌های پهلوی اول، دوم و پس از انقلاب*، فصلنامه علمی پژوهشی-معماری و شهرسازی آرمان شهر، دوره ۱۶، شماره ۴۲، ۹۵-۱۰۷.
- بایزیدی، قادر. اعتصام، ایرج. حبیب، فرح. مختاباد امرئی، مصطفی. ۱۳۹۲. *جستاری بر تبیین دیدگاه‌های منطقه‌گرایی و مسیر تحول آن‌ها در معماری معاصر*، فصلنامه علمی پژوهشی-نقش جهان؛ مطالعات نظری و فناوری‌های نوین معماری و شهرسازی، دوره ۳، شماره ۱، ۷-۱۸.
- بایزیدی، قادر. اعتصام، ایرج. حبیب، فرح. مختاباد، امرئی. ۱۳۹۶. *جهانی‌سازی و منطقه‌گرایی در معماری معاصر: تعامل یا تقابل*، فصلنامه علمی پژوهشی-هویت‌شهر، دوره ۱۱، شماره ۳۱، سال ۱۱، ۱۷-۳۰.
- تجدد، تینا. سلامی، سیدیحیی. ۱۳۹۸. *بررسی ضرورت منطقه‌گرایی انتقادی در توسعه معماری امروزی*، فصلنامه علمی پژوهشی-مطالعات محیطی هفت‌حصار، دوره ۷، شماره ۲۸، ۱۹-۳۲.
- دبدبه، محمد. ۱۴۰۰. *طراحی براساس ادراک و رفتار انسانی*، انتشارات طحان گستر، چاپ اول، تهران.
- دبدبه، محمد. ثقفی‌اصل، آرش. باقری صیقلانی، بیتا. زینالی، محمد. ۱۴۰۳. *طراحی الگوی چارچوب تحلیلی در فراهم‌سازی شهر آینده‌نگر با رویکرد تبیینی؛ مبتنی بر محیط فرهنگی جامعه محور (گسترده واکاوی: کلان شهر تهران بزرگ)*، دوفصلنامه علمی پژوهشی-مطالعات بین‌رشته‌ای در تعالی معماری و شهرسازی، دوره ۳، شماره ۲، ۲۱۳-۲۳۵.



- ذوقی حسینی، الهه، دیبا، داراب. کامل‌نیا، حامد. مخابراتی، مصطفی. ۱۴۰۲. **منطقه‌گرایی یا پیدار: خوانش رویکرد یا پیداری در متن معماری منطقه‌گرا**، فصلنامه علمی پژوهشی-تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی (علوم جغرافیایی)، دوره ۲۳، شماره ۶۸، ۴۰۲-۳۸۳.
- روحی‌دهینه، مجید. ۱۳۹۳. **مفهوم‌سازی همگرایی و منطقه‌گرایی در روابط بین‌الملل از منظر سازه‌نگاری (مطالعه موردی: اتحادیه اروپا)**، فصلنامه علمی پژوهشی-پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره ۴، شماره ۱۳، ۱۵۵-۱۲۲.
- شعبانی، الهام، سهیلی، جمال‌الدین، رهبری منش، کمال. ۱۴۰۳. **تبیین شاخصه‌های منطقه‌گرایی در معماری کوی‌های مسکونی ایران در دوره پهلوی دوم (مطالعه موردی شهر تهران)**، فصلنامه علمی پژوهشی-معمار شهر، دوره ۳، شماره ۹، ۲۰-۱.
- علی‌زاده، محمدعلی. طرفداری، علی محمد. ۱۳۸۹. **تأثیر گفته‌های ملی‌گرایی بر تحولات اجتماعی و فرهنگی دوره پهلوی اول**، فصلنامه علمی پژوهشی-پژوهش‌نامه تاریخ، دوره ۵، شماره ۱۹، ۲۴-۱.
- فیض‌آبادی، محمود. ۱۳۹۵. **کاربرد منطقه‌گرایی در معماری معاصر ایران با تحلیل معماری معاصر کشورهای اسلامی در حال توسعه**، سومین کنگره بین‌المللی افق‌های جدید معماری و شهرسازی، تهران-ایران، ۱-۱۳.
- کامی‌شیرازی، سیده‌مهسا. سلطان‌زاده، حسین. حبیب، فرح. ۱۳۹۶. **نقش گروه‌های اجتماعی-فرهنگی در شکل‌گیری کوی‌های مسکونی دوره پهلوی دوم در تهران**، فصلنامه علمی پژوهشی-پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، دوره ۷، شماره ۲: (پیاپی ۱۴)، ۴۹-۲۵.
- کریمی، فاطمه. منفردپور قصرالدشتی، کاظم. ۱۴۰۲. **معماری و منطقه‌گرایی**، نوزدهمین کنفرانس ملی مهندسی عمران، معماری و شهرسازی، شیروان-ایران، ۹-۱.
- مقدم‌کیا، مهدیه. میرزایی، رضا. ۱۴۰۱. **تبیین و ارزیابی شاخص‌های منطقه‌گرایی برای بهبود الگو سکونتگاهی ابنیه شهر مشهد**، هشتمین کنگره سالانه بین‌المللی عمران، معماری و توسعه شهری، تهران-ایران، ۱۹-۱.
- نیازی، محسن. ۱۳۹۰. **روش‌های تحقیق تلفیقی، جنبش سوم روش‌شناختی در علوم اجتماعی**، فصلنامه علمی پژوهشی-مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۵، شماره ۲، ۱۸۱-۱۵۸.
- وحیدی‌راد، میکائیل. ۱۴۰۱. **سیاست کشاورزی ایران در دوره اشغال ایران در جنگ جهانی دوم**، دوفصلنامه علمی پژوهشی-تاریخ ایران، دوره ۱۵، شماره ۲: (پیاپی ۳۳)، ۲۴۴-۲۲۳.
- یگانه، منصور. قنبری، ناصر. بمانیان، محمدرضا. ۱۳۹۸. **بازشناسی معیارها و شاخص‌های زیست منطقه‌گرایی انتقادی در ساختمان‌های بلند ایران**، فصلنامه علمی پژوهشی-مطالعات علوم محیط‌زیست، دوره ۴، شماره ۲، ۱۳۶۳-۱۳۷۲.
- Azadi, Adbas. Delangizanb, Sohrab. Falahati, Ali. 2021. *The Role Of Governments In Iran Regional Development (Case Study: Tenth Government)*, Journal Of Iranian Economic Review, 25(1), 1-20. (In Persian)
- Cao, Zihao. Mustafa, Muhizam. Hafizal Mohd Isa, Mohd. 2024. *Traditional Regionalism Or Modern Minimalism? Unveiling The Psychological Impact Of*

- Architectural Styles In Sustainable Urban Planning*, Journal Of Sustainability, 16(5576). 1-20.
- Ghasemi, Behzad. Shahriary, Bahador. 2024. *Exploration Of The Reasons For The Collapse Of Pahlavi II Government (1320-1357 SH): An Analysis From The Perspective Of The Destabilizing State Theory*, Journal Of Contemporary Research On Islamic Revolution 6(20), 67-92. (In Persian)
 - Karimi, Nishtman. Boussauw, Kobe. 2018. *City Profile: Sanandaj, Iran*, Journal Of Cities, 72(B), 261-273.
 - Zoghi Hosseini, Elahe. Hashemi, Mahsa. Hajikazemi, Saeed. 2023. *Sustainable Regionalism In Architecture: A Framework Of Principles And Components*, Regenerative Cities: Infrastructure, Landscape, Buildings, And Technologies, 6(1), 1-6.



A Governance Model For Performance Management In The Social Security Organization; Focusing On Human Resource Development In Solving Social Issues In Iran

Hojjat.naderi¹, Yahya Dadash Karimi^{2*}, Farhad Nejad Irani³

(Received Date: 2025/01/21 - Accepted Date: 2025/02/22)

Abstract

This study aims to design a comprehensive model for governance of performance management in the Social Security Organization, emphasizing human resource development and its role in addressing social issues in Iran. Adopting a mixed-methods approach (qualitative-quantitative) with an applied-exploratory perspective, data were collected through semi-structured interviews and questionnaires. In the qualitative phase, 15 interviews with managers and employees of the organization were conducted using snowball sampling and based on the "theoretical saturation" principle, resulting in the initial governance model for performance management. Data analysis was performed using grounded theory. In the quantitative phase, the sample size was determined using Cochran's formula, and data from 351 questionnaires were analyzed using structural equation modeling and the partial least squares approach. The results revealed that causal conditions, the core category, strategies, intervening conditions, context, and outcomes form the main dimensions of the proposed model, significantly influencing individual, organizational, and social levels. Innovations of this study include developing a comprehensive model based on grounded theory, validating the model using structural equation modeling, and emphasizing the role of human resource development in addressing social challenges. This research can contribute to enhancing the efficiency and effectiveness of the Social Security Organization and improving the country's social issues.

Keywords: Performance Governance, Social Security Organization, Human Resource Development, Social Issues in Iran.

* This Article Is Extracted From The Doctoral Thesis Of 'Hojjat.naderi', Under The Supervision Of 'Dr. Yahya Dadash Karimi', & Advisory Of 'Dr. Farhad Nejad Irani'.

¹PhD Student In Management, Department Of Management, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran. hojjat.nader@yahoo.com

²Assistant Professor, Department Of Management, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran. (Corresponding Author: dadashkarimi2006@yahoo.com)

³Assistant Professor, Department Of Management, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran. farhadirani90@yahoo.com

طراحی الگوی حکمرانی مدیریت عملکرد در سازمان تأمین اجتماعی؛ با تأکید بر نقش توسعه منابع انسانی در حل مسائل اجتماعی ایران

حجت نادری^۱، یحیی داداش کریمی^۲، فرهاد نژاد ایرانی^۳
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۴)

چکیده

این پژوهش به دنبال طراحی مدلی جامع برای حکمرانی مدیریت عملکرد در سازمان تأمین اجتماعی است که بر توسعه منابع انسانی و نقش آن در حل مسائل اجتماعی ایران تأکید دارد. این مطالعه با استفاده از روش ترکیبی (کیفی-کمی)، و با رویکرد کاربردی-اکتشافی برخوردار است. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و پرسش‌نامه گردآوری شدند. در بخش کیفی، با انجام ۱۵ مصاحبه با مدیران و کارکنان سازمان به روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی و براساس اصل «اشباع نظری»، مدل اولیه حکمرانی مدیریت عملکرد تدوین گردید. تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از نظریه پردازی داده‌بنیاد صورت گرفت. در بخش کمی، حجم نمونه براساس فرمول کوکران تعیین شد و داده‌های گردآوری شده از ۳۵۱ پرسش‌نامه با بهره‌گیری از مدل‌سازی معادلات ساختاری و رویکرد حداقل مربعات جزئی تحلیل شد. نتایج پژوهش نشان داد که شرایط علی، مقوله محوری، راهبردها، شرایط مداخله‌گر، زمینه و پیامدها ابعاد اصلی مدل پیشنهادی را تشکیل می‌دهند و بر سطوح فردی، سازمانی و اجتماعی تأثیر به‌سزایی دارند. از نوآوری‌های این مطالعه می‌توان به طراحی مدلی جامع مبتنی بر نظریه پردازی داده‌بنیاد، ارزیابی اعتبار مدل با بهره‌مندی از مدل‌سازی معادلات ساختاری و تأکید بر نقش توسعه منابع انسانی در رفع چالش‌های اجتماعی اشاره کرد. این پژوهش می‌تواند به بهبود کارآمدی و اثرگذاری سازمان تأمین اجتماعی و ارتقای مسائل اجتماعی کشور کمک کند.

واژگان کلیدی: حکمرانی مدیریت، سازمان تأمین اجتماعی، توسعه منابع انسانی، مسائل اجتماعی ایران.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «حجت نادری»، به راهنمایی «دکتر یحیی داداش کریمی»، و مشاوره «دکتر فرهاد نژاد ایرانی»، استخراج شده است.

hojjat.nader@yahoo.com

dadashkarimi2006@yahoo.com

farhadirani90@yahoo.com

۱ دانشجوی دکتری تخصصی مدیریت، گروه مدیریت، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران.

۲ استادیار گروه مدیریت، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران. (نویسنده مسئول):

۳ استادیار گروه مدیریت، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران.

۱- مقدمه

مدیریت عملکرد در سازمان‌های دولتی از جمله سازمان تأمین اجتماعی ایران، عنصری حیاتی برای افزایش اثربخشی سازمانی و ارائه خدمات در حل مسائل اجتماعی شهروندان ایرانی است. در مواجهه با فشارهای فزاینده برای پاسخ‌گویی، کارایی و شفافیت، سازمان‌های بخش عمومی مجبور به اتخاذ چارچوب‌های ساختاری هستند که ارزیابی و ارتقای عملکرد کارکنان را در هم‌سویی با اهداف کلان سازمانی تسهیل می‌کند. تحقیقات نشان می‌دهد که سیستم‌های مدیریت عملکرد مؤثر به‌عنوان ابزاری در دستیابی به این اهداف، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه که محدودیت‌های منابع چالش‌های مهمی را ایجاد می‌کنند، عمل می‌کنند (فقهی‌فرهمند، ۱۳۹۱: ۵۴-۴۳). ضرورت یک مدل حکمرانی که مدیریت عملکرد را با توسعه منابع انسانی "HRD" ادغام کند، بادر نظر گرفتن چشم‌انداز اقتصادی-اجتماعی منحصر به فرد ایران آشکارتر می‌شود. حاکمیت مؤثر مدیریت عملکرد نه تنها باید بر نتایج قابل‌سنجش تمرکز کند، بلکه باید توسعه سرمایه انسانی را به‌عنوان ابزاری برای تقویت بهبود مستمر و انعطاف‌پذیری در نیروی کار در اولویت قرار دهد (رنجبر، دائی کریم‌زاده، مروی، ۱۳۹۱: ۶۶-۲۹). علاوه بر این، یک سیستم مدیریت عملکرد قوی مکانیسم‌های بازخورد ضروری و شاخص‌های عملکردی را فراهم می‌کند که می‌تواند به‌طور قابل‌توجهی بر توانایی یک سازمان عمومی برای پاسخ‌گویی به نیازها و تقاضاهای در حال تحول تأثیر بگذارد. برای "SSO"، که در آن ارائه مزایا و خدمات تأمین اجتماعی بسیار مهم است، ایجاد معیارهای روشن برای موفقیت حیاتی است. چنین معیارهایی نه تنها سازمان را قادر می‌سازد تا پیشرفت خود را در برابر اهداف تعیین شده ارزیابی کند، بلکه اطمینان حاصل می‌کند که کارکنان درک می‌کنند که چگونه نقش‌هایشان به مأموریت بزرگتر کمک می‌کند (مزینی، علیزاده سپستان، ۱۳۹۹: ۳۹-۱۳). بدین سان، یک مدل حاکمیتی که "HRD" را در چارچوب مدیریت عملکرد اولویت‌بندی می‌کند، فرهنگ سازمانی را که ریشه در یادگیری، سازگاری و توسعه مستمر دارد، پرورش می‌دهد. یک رویکرد یکپارچه برای حاکمیت مدیریت عملکرد، رویکردی که بر وابستگی متقابل بین معیارهای عملکرد و توسعه منابع انسانی تأکید می‌کند، برای تغییر مؤثر عملیات "SSO"، ضروری است (مهدویان صدر، دانشفرد، گیوریان، ۱۴۰۰: ۱۵۱-۱۰۷). "SSO" با ایجاد محیطی که به دنبال ارتقای قابلیت‌های کارکنان و هم‌سو کردن آن‌ها با اهداف استراتژیک سازمان است، می‌تواند ارائه خدمات خود را بهبود بخشد و نیازهای ذی‌نفعان را در سراسر ایران بهتر برآورده کند. چشم‌انداز مدیریت دولتی در جوامع معاصر با انتظارات روزافزون از سازمان‌ها برای عملکرد کارآمد، شفاف و پاسخگو مشخص می‌شود. در این زمینه، مدیریت عملکرد به‌عنوان یک مکانیسم محوری برای دستیابی به این اهداف، به‌ویژه در سازمان‌های دولتی و شبه‌دولتی به‌مانند سازمان تأمین اجتماعی "SSO"، مطرح شده است. ادغام یک چارچوب مدیریت عملکرد متمرکز بر توسعه منابع انسانی "HRD"، ضروری است، زیرا در خدمت ارتقای قابلیت‌های پرسنل در راستای اهداف استراتژیک سازمان است (فرهادی، رشیدی، اصیلی، ۱۳۸۳: ۱۷۴-۱۵۱). به‌کارگیری یک مدل حاکمیتی که به‌طور استراتژیک مدیریت عملکرد را با منابع انسانی

مرتبط می‌کند، می‌تواند منجر به رویکردی چندوجهی برای بهبود اثربخشی سازمانی شود. این مدل باید شامل چندین لایه باشد، به مثابه ایجاد شاخص‌های عملکرد واضح، ایجاد محیطی مناسب برای توسعه کارکنان و تسهیل فرصت‌ها برای بازخورد و رشد حرفه‌ای (مالمیر و دیگران، ۱۳۹۸: ۷۴-۵۵). با اجرای یک رویکرد سیستماتیک برای ارزیابی عملکرد "SSO"، می‌تواند هم کارکنان با عملکرد بالا و هم کسانی را که ممکن است به آموزش یا پشتیبانی اضافی نیاز داشته باشند شناسایی کند، بنابراین تصمیمات آگاهانه‌ای در مورد توسعه نیروی کار اتخاذ می‌کند. علاوه بر این، اهمیت توسعه منابع انسانی را نمی‌توان نادیده گرفت. در یک سازمان دولتی، توانایی و رضایت کارکنان برای موفقیت بسیار مهم است. اجرای برنامه‌های آموزشی هدفمند، فرصت‌های مربیگری و ابتکارات توسعه رهبری می‌تواند به طور قابل توجهی روحیه و عملکرد کارکنان را بهبود بخشد. درک این نکته ضروری است که سرمایه‌گذاری در "HRD" صرفاً هزینه نیست، بلکه الزامات استراتژیک است که می‌تواند منافع بلندمدت در اثربخشی سازمانی به همراه داشته باشد. چنین ابتکاراتی باید متناسب با نیازهای متمایز نیروی کار و چالش‌های ویژه‌ای که "SSO" با آن مواجه است، تنظیم شود، و اطمینان حاصل شود که کارکنان به مهارت‌های مرتبط و تعهد به اهداف سازمانی مجهز هستند. ادغام فناوری در مدیریت عملکرد و شیوه‌های "HRD"، می‌تواند اثربخشی "SSO" را افزایش دهد. استفاده از تجزیه و تحلیل داده‌ها برای ردیابی معیارهای عملکرد می‌تواند بینشی در مورد بهره‌وری کارکنان، زمینه‌های بهبود و نیازهای آموزشی ارائه دهد. در نتیجه، اجرای موفقیت‌آمیز یک مدل حاکمیت مدیریت عملکرد که بر توسعه منابع انسانی تأکید می‌کند، برای "SSO"، حیاتی خواهد بود، زیرا در تلاش برای برآورده کردن تقاضاهای در حال تحول جامعه ایران است. با پرورش نیروی کار ماهر و با انگیزه، سازمان می‌تواند ارائه خدمات خود را افزایش دهد، انعطاف‌پذیری سازمانی را بهبود بخشد و به رفاه کلی جوامعی که به آن‌ها خدمت می‌کند کمک کند. در عصری که انطباق‌پذیری بسیار مهم است، هم‌سویی مدیریت عملکرد با "HRD"، نشان‌دهنده یک استراتژی آینده‌نگر است که می‌تواند "SSO" را به عنوان یک رهبر در ارائه خدمات عمومی موثر قرار دهد.

۲- چارچوب پژوهش - (مبانی نظری/پیشینه پژوهش)

۲-۱- مبانی نظری

با نگاهی به آینده، زمینه مدیریت عملکرد احتمالاً در پاسخ به تغییرات مداوم اجتماعی و پیشرفت‌های تکنولوژی یک به تکامل خود ادامه خواهد داد. ظهور کلان داده و تجزیه و تحلیل فرصت‌هایی را برای سازمان‌های عمومی فراهم می‌کند تا از بینش‌های مبتنی بر داده برای بهبود عملکرد استفاده کنند (Mikalef et al., 2019: 261-276). علاوه بر این، تأکید روزافزونی بر سیستم‌های مدیریت عملکرد تطبیقی وجود دارد که می‌توانند به بازخورد بلادرنگ و شرایط در حال تغییر پاسخ دهند، بدین‌سان به سازمان‌ها اجازه می‌دهند در یک محیط به سرعت در حال تغییر چابک بمانند. زمینه مدیریت عملکرد در

سازمان‌های دولتی چندوجهی و پویا است. همان‌طور که انتظارات اجتماعی همچنان در حال افزایش است، اجرای مؤثر سیستم‌های مدیریت عملکرد نه تنها یک ضرورت بوروکراتیک^۱ بلکه یک جزء حیاتی برای افزایش مشروعیت و اثربخشی ارائه خدمات عمومی است. پرداختن به چالش‌ها درحالی که از روش‌های مدرن و مشارکت ذی‌نفعان استفاده می‌کند، کلید شکل‌دهی شیوه‌های مدیریت عملکرد موفق در بخش عمومی خواهد بود (Heinrich, Gerald, 2010: 185).

– مدل حکمرانی؛ در حل مسائل اجتماعی ایران با تبیین مدیریت عملکرد

اتخاذ یک مدل حکمرانی در مدیریت عملکرد برای ارتقای جهت‌گیری استراتژیک، کارایی عملیاتی و پاسخ‌گویی سازمان‌های عمومی حیاتی است. از آنجایی که نهادهای عمومی با پیچیدگی فزاینده، تقاضا برای شفافیت و ضرورت ارائه خدمات مؤثر دست‌وپنجه نرم می‌کنند، یک مدل حاکمیتی جامع نحوه اندازه‌گیری، ارزیابی و بهینه‌سازی عملکرد را راهنمایی می‌کند. در چارچوب این تحقیق، تمرکز بر مدل حکمرانی به‌ویژه برای روشن کردن پیامدهای آن برای توسعه منابع انسانی “HRD”، در سازمان‌های عمومی مرتبط است (Kaiser, 2024: 225). یک مدل حاکمیتی به‌خوبی تعریف شده در ارتقای سیستم‌های مدیریت عملکرد سازمان‌های دولتی به‌سان “SSO”، در ایران مؤثر است. با تقویت شفافیت در نقش‌ها، ارتقای مشارکت ذی‌نفعان، و یکپارچه‌سازی مکانیسم‌های بازخورد مؤثر، مدل‌های حاکمیتی سازمان‌های عمومی را برای دستیابی به اهداف استراتژیک خود و تضمین مسئولیت‌پذیری توانمند می‌سازند. پرداختن به چالش‌هایی به‌مانند مقاومت بوروکراتیک و محدودیت‌های منابع درحالی که از پیشرفت‌های فناوری استفاده می‌شود، برای بهره‌گیری از پتانسیل کامل مدل‌های حکمرانی در بخش عمومی بسیار مهم است. همان‌طور که این تحقیق تعامل بین حاکمیت و مدیریت عملکرد را بررسی می‌کند، یافته‌ها به توسعه استراتژی‌هایی کمک می‌کند که توسعه منابع انسانی و اثربخشی کلی سازمان را افزایش می‌دهد. یک مدل حکمرانی ساختارها، فرایندها و روابطی را دربرمی‌گیرد که تصمیم‌گیری، نظارت و پاسخ‌گویی سازمانی را در مدیریت عملکرد هدایت می‌کند. این جنبه‌های ضروری برای دستیابی به اهداف سازمانی را در کنار ایجاد یک محیط اخلاقی، شفاف و مشارکتی، ادغام می‌کند. مؤلفه‌های کلیدی یک مدل حکمرانی مؤثر عبارتند از:

❖ **چارچوب ساختاری:** یک مدل حکمرانی جامد، ساختار سازمانی را تعریف می‌کند و نقش‌ها و مسئولیت‌ها را در رده‌های مختلف مشخص می‌کند. این چارچوب از شفافیت در مسئولیت‌پذیری پشتیبانی می‌کند و همه سطوح کارکنان را قادر می‌سازد تا به‌طور مؤثر در اهداف عملکرد مشارکت کنند.

¹ Bureaucratie



- ❖ سیستم‌های اندازه‌گیری عملکرد: در هسته خود، یک مدل حاکمیتی شامل سیستم‌های اندازه‌گیری عملکرد قوی است که از شاخص‌های کمی و کیفی استفاده می‌کند. این سیستم‌ها به سازمان‌ها کمک می‌کنند تا عملکرد خود را در برابر استانداردهای داخلی و معیارهای خارجی درک کنند. به‌عنوان مثال، ترکیب شاخص‌های کلیدی عملکرد "KPI"، به سازمان‌ها اجازه می‌دهد تا کارایی، اثربخشی و رضایت مشتری را بسنجند (Gimbert, Bisbe, Mendoza, 2010: 495).
- ❖ مشارکت و مشارکت ذی‌نفعان: مدل‌های حکمرانی مؤثر بر مشارکت ذی‌نفعان در مدیریت عملکرد تأکید دارند. درگیر کردن ذی‌نفعان، از جمله کارکنان، شهروندان و نهادهای نظارتی، به سازمان‌ها کمک می‌کند تا اهداف عملکردی خود را با نیازها و انتظارات افرادی که به آن‌ها خدمت می‌کنند هم‌سو کنند (Gnan et al., 2011: 925). چنین تعاملی اعتماد و مسئولیت‌پذیری را تقویت می‌کند که در مدیریت عمومی ضروری است.
- ❖ مکانیسم‌های بازخورد: یکی از جنبه‌های کلیدی مدل‌های حکمرانی، ادغام سیستم‌های بازخوردی است که از بهبود مستمر پشتیبانی می‌کنند. حلقه‌های بازخورد منظم ارزیابی عملکرد را تسهیل می‌کند و سازمان‌ها را قادر می‌سازد تا استراتژی‌ها و شیوه‌ها را براساس بینش‌های به‌دست‌آمده از داده‌های عملکرد تطبیق دهند. این مکانیسم‌ها فرهنگ یادگیری و پاسخ‌گویی را در سازمان‌های عمومی تشویق می‌کنند.

- ارتباط و توسعه مدل‌های حکمرانی در سازمان‌های دولتی

در زمینه توسعه بخش دولتی، مدل‌های حکمرانی پیامدهای عمیقی برای سازمان‌هایی به‌مانند سازمان تأمین اجتماعی "SSO"، در ایران دارد. در این‌جا، درهم‌تنیدگی حاکمیت و مدیریت عملکرد ابعاد منحصر به فردی به خود می‌گیرد که رویکردهای متناسب را می‌طلبد. *انطباق با نیازهای اجتماعی؛* سازمان‌های عمومی اغلب با تقاضاهای نوسانی اجتماعی مواجه می‌شوند که نیازمند یک مدل حکومتی سازگار است که می‌تواند به تغییر چشم‌انداز سیاست‌ها و انتظارات جامعه پاسخ دهد. از طریق شیوه‌های مدیریت عملکرد چابک، سازمان‌های عمومی "SSO"، می‌توانند به سرعت خدمات خود را برای رویارویی با چالش‌های اجتماعی در حال تکامل دوباره تنظیم کنند (Sohrabi et al., 2021: 5). مدیریت ریسک و مسئولیت‌پذیری؛ مدل‌های حکمرانی در سازمان‌های عمومی باید استراتژی‌های مدیریت ریسک را دربرگیرند. این شامل شناسایی خطرات بالقوه برای ارائه خدمات و ایجاد برنامه‌های کاهش است. سازمان‌های عمومی ملزم به انعکاس پاسخ‌گویی در گزارش‌دهی عملکرد هستند، در نتیجه، اعتماد عمومی را افزایش می‌دهند و اطمینان می‌دهند که از منابع به‌طور مؤثر استفاده می‌شود (Palermo, 2014: 322-341). *ظرفیت‌سازی از طریق توسعه منابع انسانی؛* تمرکز قابل توجه مدل‌های حکمرانی، نقش "HRD"، در ارتقای عملکرد سازمانی است. با سرمایه‌گذاری بر روی قابلیت‌های کارکنان از طریق آموزش‌های هدفمند و ابتکارات توسعه، سازمان‌های دولتی می‌توانند اثربخشی عملیاتی خود را تقویت کنند. یک مدل

حاکمیتی که "HRD" را در اولویت قرار می‌دهد، نیروی کار ماهری را پرورش می‌دهد که قادر به بهبود عملکرد باشد (Piwowar-Sulej, 2024: 1-14). استفاده از فناوری و داده‌ها؛ ادغام فناوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها در مدل‌های حاکمیتی فرصت‌هایی را برای بهبود استراتژی‌های مدیریت عملکرد ارائه می‌دهد. با ظهور ابزارهای دیجیتال، سازمان‌های عمومی می‌توانند از داده‌ها برای نظارت بر عملکرد و اطلاع‌رسانی به تصمیم‌گیری استفاده کنند و در نهایت ارائه خدمات را افزایش دهند (Abdul-Azeez, Ogadimma, Ihechere Idemudia, 2024: 2073).

- چالش‌های پیاده‌سازی مدل‌های حکمرانی

پیاده‌سازی مدل‌های حکمرانی در سازمان‌های عمومی، چالش‌های مختلفی را به همراه دارد که می‌تواند مانع اثربخشی و پذیرش آن‌ها شود. یکی از موانع مهم مقاومت ذاتی در برابر تغییر است. سازمان‌های عمومی اغلب دارای ساختارها و شیوه‌های بوروکراتیک مستقر هستند که می‌توانند محیطی مقاوم در برابر روش‌های جدید در حکمرانی ایجاد کنند. پرسنل ممکن است در سیستم‌های آشنا احساس امنیت کنند و معرفی یک مدل حکومت‌داری جدید ممکن است باعث ایجاد اضطراب و فشار از سوی کارکنانی شود که از اختلال در کارهای روزمره یا امنیت شغلی خود می‌ترسند. برای غلبه بر این مقاومت، سازمان‌ها باید رهبری قوی را پرورش دهند که به طور فعال مزایای تغییر را به اشتراک می‌گذارد و کارکنان را در فرایند انتقال مشارکت می‌دهد و فرهنگی را در برمی‌گیرد (Amjad, Rehman, 2018: 57). پیمایش در چشم‌انداز پیچیده نظارتی، اجرای مدل‌های حکمرانی را پیچیده‌تر می‌کند. سازمان‌های عمومی تابع مقررات و الزامات بوروکراتیک بی‌شماری هستند که باید در عین تلاش برای انعطاف‌پذیری و سازگاری در ساختارهای حاکمیتی خود رعایت شوند. انطباق با این مقررات می‌تواند لایه‌های بیشتری از پیچیدگی را تحمیل کند و ممکن است چابکی سازمانی را محدود کند و اجرای شیوه‌های جدید حاکمیتی را چالش‌برانگیز کند. سازمان‌ها باید تعادلی بین رعایت الزامات نظارتی و ایجاد محیطی مناسب برای نوآوری و حکمرانی پاسخ‌گو برقرار کنند (Zhao, Gómez Fariñas, 2023: 1-39). چالش مهم دیگر فقدان ارتباطات واضح و مشارکت ذی‌نفعان در فرایند اجرای مدل حکومتی است. درگیر کردن ذی‌نفعان کلیدی، از جمله کارمندان، مشتریان و اعضای جامعه، برای هم‌سو کردن مدل حاکمیتی با نیازها و انتظارات آن‌ها حیاتی است. مشارکت ناکافی ذی‌نفعان می‌تواند منجر به سوء تفاهم، نارضایتی و عدم مالکیت مدل حاکمیت شود و در نهایت اثربخشی آن را تضعیف کند برای کاهش این خطر، سازمان‌ها باید به طور فعال اهداف و رویه‌های مدل حاکمیتی را به اشتراک بگذارند و بازخورد را برای ادغام دیدگاه‌های متنوع در فرایند پیاده‌سازی درخواست کنند. علاوه بر این، سازمان‌های عمومی ممکن است در ایجاد سیستم‌های اندازه‌گیری عملکرد مناسب که با مدل‌های حاکمیتی هم‌سو هستند، با مشکلاتی مواجه شوند. انتخاب شاخص‌های کلیدی عملکرد "KPI"، که دقیقاً اهداف سازمانی و منافع ذی‌نفعان را منعکس می‌کنند، می‌تواند پیچیده باشد. سازمان‌ها اغلب با چالش‌های مربوط به جمع‌آوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل و گزارش‌دهی دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

کنند. پیاده‌سازی سیستم‌های سنجش عملکرد مؤثر نیازمند سرمایه‌گذاری در فناوری و قابلیت‌های تحلیلی است که بسیاری از سازمان‌های عمومی ممکن است فاقد آن باشند (Gao, 2015: 88). برای مقابله با این چالش‌ها، سازمان‌ها می‌توانند از منابع داده‌های موجود استفاده کنند، روی آموزش کارکنان در تکنیک‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها سرمایه‌گذاری کنند و با شرکای خارجی برای افزایش ظرفیت‌های اندازه‌گیری عملکرد خود همکاری کنند. پیاده‌سازی مدل‌های حکمرانی در سازمان‌های عمومی شامل پیمایش طیفی از چالش‌ها، از جمله مقاومت در برابر تغییر، محدودیت‌های منابع، پیچیدگی‌های نظارتی، و اینرسی فرهنگی است. شناخت و رسیدگی به این موانع برای اطمینان از اتخاذ موفقیت‌آمیز چارچوب‌های حاکمیتی که مدیریت عملکرد و پاسخ‌گویی را افزایش می‌دهد، حیاتی است. با پرورش رهبری قوی، درگیر کردن ذی‌نفعان و سرمایه‌گذاری در توسعه مهارت‌ها و منابع لازم، سازمان‌های عمومی می‌توانند در جهت اجرای مؤثر مدل‌های حکمرانی و بهبود اثربخشی عملیاتی و ارائه خدمات خود تلاش کنند.

- مدل حاکمیت در چارچوب توسعه منابع انسانی

مدل حاکمیت به‌عنوان یک چارچوب اساسی در عرصه مدیریت عملکرد، به‌ویژه در سازمان‌های دولتی عمل می‌کند. این اصول، ساختارها و روابطی را دربرمی‌گیرد که نحوه تصمیم‌گیری، نحوه حفظ مسئولیت و نحوه ارزیابی عملکرد کلی را دیکته می‌کند. از آنجایی که سازمان‌ها با چالش‌های پیچیده‌تر، از جمله پی‌شرف‌های تکنولوژیکی و انتظارات اجتماعی در حال تحول مواجه هستند، اجرای یک مدل حاکمیتی منسجم برای افزایش اثربخشی عملیاتی و اعتماد عمومی بسیار مهم است. هسته اصلی یک مدل حکمرانی، چارچوب ساختاری است که نقش‌ها و مسئولیت‌های ذی‌نفعان مختلف، از رهبری تا کارکنان عملیاتی را تعریف می‌کند. نقش‌های مشخص نه تنها مسئولیت‌پذیری را افزایش می‌دهند، چنین وضوحی برای هم‌سوایی مشارکت‌های فردی با اهداف سازمانی، ارتقای یک محیط منسجم که در آن همه اعضا می‌توانند در جهت اهداف مشترک کار کنند، ضروری است (Heinrich, 2015: 5). این هم‌سوایی به‌ویژه در سازمان‌های عمومی بسیار مهم است، جایی که خدمات ارائه‌شده به‌طور قابل‌توجهی بر جامعه تأثیر می‌گذارد. سیستم‌های اندازه‌گیری عملکرد تعبیه شده در مدل‌های حاکمیتی برای ارزیابی کارایی و اثربخشی ارائه خدمات بسیار مهم هستند. این سیستم‌ها از ترکیبی از شاخص‌های کمی و کیفی برای ارزیابی پی‌شرف‌ها در برابر اهداف اعلام شده استفاده می‌کنند. به‌عنوان مثال، شاخص‌های کلیدی عملکرد "KPI"، می‌توانند نتایج مالی، کارایی عملیاتی و رضایت مشتری را ردیابی کنند و بینش جامعی را در مورد عملکرد کلی ارائه دهند (Gao, 2015: 93). ادغام چنین سیستم‌های اندازه‌گیری، سازمان‌ها را برای تصمیم‌گیری آگاهانه، تخصیص منابع به‌صورت استراتژیک و بهبود مستمر توانمند می‌سازد. با نظارت بر عملکرد با معیارهای قابل اعتماد، سازمان‌ها می‌توانند به‌سرعت به عملکرد ضعیف پاسخ دهند و استراتژی‌ها را برای مقابله با چالش‌های نوظهور تطبیق دهند. مکانیسم‌های بازخورد، به‌عنوان بخشی از مدل حکمرانی، فرهنگ یادگیری مستمر و سازگاری را در سازمان‌های دولتی ایجاد می‌کند. ارزیابی‌های معمول نه تنها بینش‌هایی در مورد عملکرد

فعلی ارائه می‌دهد، بلکه به سازمان‌ها اجازه می‌دهد تا از تجربیات گذشته بیاموزند. تأکید بر فرهنگ بازخورد محور، سازمان‌های عمومی را قادر می‌سازد تا استراتژی‌های خود را در زمان واقعی تنظیم کنند و ظرفیت خود را برای پاسخ‌گویی به محیط‌های متغیر افزایش دهند. این سازگاری در مدیریت عمومی بسیار مهم است، جایی که تغییر چشم‌انداز سیاست‌ها و نگرانی‌های اجتماعی می‌تواند به سرعت اولویت‌های عملیاتی و چارچوب‌های ارائه خدمات را تغییر دهد. با توجه به پیچیدگی‌های ذاتی در ارائه خدمات عمومی، هماهنگ کردن مدیریت عملکرد با اهداف استراتژیک سازمان برای مدل‌های حاکمیتی اهمیت فزاینده‌ای پیدا می‌کند. این هم‌سویی تخصیص مؤثر منابع و اولویت‌بندی ابتکاراتی را که با مأموریت و چشم‌انداز سازمان هم‌خوانی دارد تسهیل می‌کند (Plekhanov, Franke, Netland, 2023: 825). مدل حاکمیت جزء حیاتی مدیریت عملکرد در سازمان‌های دولتی است. با ایجاد ساختارهای واضح، تعبیه سیستم‌های اندازه‌گیری عملکرد قوی، درگیر کردن ذی‌نفعان و ترویج یادگیری مستمر از طریق مکانیسم‌های بازخورد، مدل‌های حاکمیتی اثربخشی و مسئولیت‌پذیری سازمانی را افزایش می‌دهند. از آنجایی که سازمان‌های عمومی با چالش‌های پویایی مواجه هستند، پیاده‌سازی مدل‌های حکمرانی برای پیمایش پیچیدگی، افزایش ارائه خدمات و حفظ اعتماد عمومی ضروری است.

۲-۲- پیشینه پژوهش

عایشه امجد^۱ و مقدس رحمان^۲ در مطالعه باعنوان (*Resistance To Change In Public Organization: Reasons And How To Overcome It*) به راهکارهای مدیریت مؤثر تغییرات سازمانی، شناسایی و کاهش منابع اصلی مقاومت کارکنان پرداخته‌اند. این مطالعه با استفاده از تحلیل میدان نیرو (Kurt Lewin's Force Field Analysis)، نشان داده است که مدیرانی که قصد دارند فرایند تغییر سازمانی را پیش ببرند، باید تمام تلاش خود را بر کاهش تأثیر نیروهای بازدارنده و افزایش تأثیر نیروهای پیش‌برنده متمرکز کنند. این رویکرد می‌تواند به مدیران کمک کند تا مقاومت کارکنان در برابر تغییرات و تحولات اجتماعی را به‌طور مؤثر مدیریت کرده و شرایط را برای اجرای موفقیت‌آمیز تغییرات اجتماعی-فرهنگی، مهیا سازند (Amjad, Rehman, 2018: 56-68). جی گائو^۳ در مقاله خود باعنوان (*Performance Measurement And Management In The Public Sector: Some Lessons From Research Evidence*) به بررسی موضوعات اصلی در اصلاحات عملکرد محور در سطح جهانی پرداخته است. از جمله این موضوعات می‌توان به استراتژی‌ها و ابزارهای بهبود عملکرد سازمانی در بخش عمومی اشاره کرد. همچنین، تغییر تمرکز از «اندازه‌گیری عملکرد»، به «مدیریت عملکرد»، به‌عنوان یک رویکرد جدید در این حوزه مورد توجه قرار گرفته است. استراتژی‌ها و ابزارهای مفید در این حوزه توسعه یافته‌اند تا به بهبود عملکرد سازمان‌های عمومی کمک کنند. این ابزارها روش‌های نوینی را برای مدیریت

¹ Ayesha Amjad

² Muqqadas Rehman

³ Jie Gao

اثربخش‌تر و سیستماتیک ارائه می‌دهند که می‌توانند به ارتقای نتایج عملکرد منجر شوند. چالش‌های متعددی در مسیر اجرای این اصلاحات وجود دارد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که اغلب اصلاحات به نتایج متناقض منجر می‌شوند؛ به طوری که هم دستاوردهایی حاصل شده و هم هزینه‌هایی ایجاد شده است. یکی از چالش‌های اساسی، ظهور مسائلی نظیر بازی‌سازی و استفاده نامناسب از سیستم‌های اندازه‌گیری و مدیریت عملکرد است. شواهد پژوهشی از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه حاکی از آن است که این اصلاحات نتایج متنوعی را به همراه داشته‌اند. مقایسه بین این کشورها نشان‌دهنده تفاوت در هزینه‌ها و دستاوردهای مرتبط با این اصلاحات است. در نتیجه، این پژوهش پیشنهاد می‌کند که در تحقیقات آینده باید به موضوعات کلیدی و چالش‌های باقی‌مانده در اصلاحات عملکردمحور پرداخته شود. همچنین، بررسی و ارائه راهکارهای عملی برای رفع موانع موجود می‌تواند به بهبود نتایج این اصلاحات کمک کند (Gao, 2015: 90).

اونگسینون اینتاراکامهنگ^۱ و ویچودا کیجتونثوم^۲ در مقاله‌ای با عنوان (The Development Model Of The Performance Management System Being Implemented In Government Agencies) به بررسی مشکلات اجرای سیستم مدیریت عملکرد "PMS"، و ارائه چارچوبی برای توسعه آن پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که کارکنان دولت تا بلند همچنان با کمبود دانش و درک کافی در زمینه اجرای این سیستم مواجه هستند. از سوی دیگر، عوامل حمایتی همچون حمایت اجتماعی، الگوهای رفتاری، ارزش‌های فردی و فرهنگ سازمانی نقش مهمی در پیش‌بینی موفقیت اجرای "PMS"، داشته و ۳۳/۹۰ درصد از موفقیت اجرای آن را توضیح می‌دهند. برای اجرای مؤثر این سیستم، بر راهبردهایی همچون افزایش آگاهی و ایجاد نگرش مثبت نسبت به مدیریت عملکرد، پایبندی دقیق به دستورالعمل‌ها، تقویت ارتباطات داخلی سازمان و مرتبط ساختن سیستم با ارتقاء حقوق و پاداش تأکید شده است. این پژوهش با استفاده از روش‌های کیفی (بازدید از سازمان‌های موفق، مصاحبه‌های عمیق با ۲۵ مدیر از بخش دولتی و خصوصی و تشکیل گروه‌های متمرکز)، و روش کمی (مطالعه هم‌بستگی با استفاده از پرسش‌نامه‌ای که از ۱/۲۵۸ کارمند دولت تا بلند جمع‌آوری شد)، انجام شده است و اعتبار ابزار آن بین ۰/۶۱ تا ۰/۹۸ گزارش شده است (Intarakamhang, Kijthonthum, 2018: 214-230). کارولین هاینریش^۳ در پژوهشی با عنوان (The Role Of Performance Management In Good Governance And Its Application In Public Education)؛ به بررسی نقش حکمرانی و مدیریت عملکرد در بهبود عملکرد دولت و دستیابی به اهداف عمومی می‌پردازد. حکمرانی شامل قوانین، مقررات، تصمیمات قضایی و شیوه‌های اجرایی است که ارائه خدمات و کالاهای عمومی را تنظیم و ممکن می‌سازد. مدیریت عملکرد نیز به نحوه سازمان‌دهی و مدیریت سازمان‌های دولتی برای دستیابی به اهداف عمومی و نتایج مطلوب اشاره دارد. منشأ مدیریت عملکرد را می‌توان در چارچوب نظریه نمایندگی جست‌وجو کرد، که در آن یک مالک

¹ Ungsinun Intarakamhang

² Wichuda Kijthonthum

³ Carolyn J. Heinrich

(به‌عنوان کارفرما)، مدیران و کارکنان را برای تحقق اهداف تولید استخدام می‌کند. هدف اصلی در این چارچوب، طراحی قراردادهایی است که انگیزه‌های مالک و کارکنان را هم‌سو کرده و به تحقق اهداف کمک کند. باین‌حال، این فرایند اغلب به دلیل وجود تضاد در اهداف و ارزش‌ها و عدم تقارن اطلاعات میان طرفین با چالش‌هایی مواجه می‌شود. مدیریت عملکرد با ایجاد نظام‌هایی برای نظارت بر اقدامات، خروجی‌ها و نتایج کارکنان و طراحی طرح‌های انگیزشی تلاش می‌کند این چالش‌ها را برطرف کرده و منافع طرفین را هم‌سو کند. این روابط مبتنی بر انتظارات عملکردی مشخص و پیش‌بینی‌های معتبر برای اجرای آن شکل می‌گیرد. بدین‌سان، حتی در سیستم‌های تولید ساده که وظایف و اهداف روشن هستند و رابطه‌ای خطی میان تلاش و خروجی وجود دارد، طراحی و اجرای یک قرارداد مؤثر به دلیل وجود متغیرهای متعدد برای کنترل، پیچیده است. این جستار در نهایت بر ضرورت تقویت نظام‌های مدیریت عملکرد برای کاهش تضاد منافع و بهبود عملکرد سازمان‌های دولتی تأکید دارد (Heinrich, 2015: 4-6). بهروز نیکزاد و به اتفاق آراء در پژوهش خود با عنوان «طراحی الگوی سیستمی حکمرانی خوب در سازمان تأمین اجتماعی»؛ پرداخته‌اند این پژوهش با هدف طراحی الگوی سیستمی حکمرانی خوب در سازمان تأمین اجتماعی انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد که ابعاد حکمرانی خوب در این سازمان در ۵ بخش اصلی شامل عوامل علی، عوامل زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر، عوامل راهبردی و پیامدها طبقه‌بندی شده‌اند. مؤلفه‌های اصلی این ابعاد شامل عدالت سازمانی و منابع مالی به‌عنوان ورودی‌های کلیدی معرفی شده‌اند. روش تحقیق از نوع آمیخته اکتشافی بوده که ترکیبی از روش‌های کیفی و کمی را به کار گرفته است. در بخش کیفی، داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان و کارگزاران دولت در حوزه تأمین اجتماعی استان مازندران جمع‌آوری شد و با استفاده از روش تحلیل محتوا مورد بررسی قرار گرفت. در بخش کمی، داده‌ها از طریق پرسشنامه‌ای که براساس نتایج مصاحبه‌ها طراحی شده بود، از میان ذی‌نفعان شامل کارکنان، مستمری‌بگیران، بیمه‌شدگان، کارفرمایان و کارگزاران دولت جمع‌آوری شد. برای تحلیل داده‌های کمی از مدل‌یابی معادلات ساختاری با نرم‌افزارهای «SPSS» و «AMOS»، استفاده شده و اولویت‌بندی ابعاد و مؤلفه‌ها با آزمون فریدمن انجام شده است. این مطالعه به کمک رویکردی سیستماتیک، الگویی را برای حکمرانی خوب در سازمان تأمین اجتماعی ارائه داده که می‌تواند مبنای اصلاحات ساختاری و بهبود عملکرد این سازمان قرار گیرد (نیکزاد و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۴۱۴-۳۳۹۰).

۳- روش تحقیق

هدف این تحقیق ارائه مدل حاکمیتی مدیریت عملکرد با رویکرد توسعه منابع انسانی در تأمین اجتماعی سازمان در حل مسائل اجتماعی ایران است. پژوهش حاضر از نظر رویکرد و راهبرد در زمره تحقیقات ترکیبی (اول کیفی و سپس کمی)، طبقه‌بندی می‌شود. در بخش کیفی، با توجه به لزوم انجام مصاحبه با افراد آگاه که اطلاعات مناسب و نسبتاً کافی در مورد موضوع مورد بررسی و مطالعه دارند، از روش نمونه‌گیری

زنجیره‌ای (گلوله برفی)، استفاده شده است که فرایند جمع‌آوری می‌باشد. اطلاعات شرکت‌کننده‌ای که ما را به شرکت‌کننده بعدی هدایت می‌کند، ارجاع می‌شود، و این روشی است که برای اهداف اکتشافی مناسب است. از آنجایی که ابزار اصلی انجام این تحقیق مصاحبه است، نمی‌توان از قبل تعیین کرد که چه تعداد از افراد باید در مطالعه انتخاب شوند تا به‌طور کامل پدیده موردعلاقه در مطالعه کیفی شناسایی شود. بدین ترتیب جمع‌آوری اطلاعات موردنیاز در مصاحبه‌ها براساس قاعده «اشباع نظری»^۱ بود. براساس قاعده مذکور، مصاحبه‌ها تا رسیدن به نقطه اشباع ادامه می‌یابد، یعنی داده‌های جدید با داده‌های جمع‌آوری شده قبلی تفاوتی نداشته و تکراری می‌شود. در این راستا، ۱۵ مصاحبه انجام شد و در ۳ مصاحبه باقی مانده موضوعات و ایده‌های چالش‌برانگیز و یا ارزش افزوده‌ای از مصاحبه‌شوندگان دریافت نشد و تعداد کل مصاحبه‌ها ۱۸ مورد بود که قابل ذکر است. جامعه آماری بخش کیفی پژوهش را مدیران و دستیاران سازمان تأمین اجتماعی تشکیل می‌دهند که علاوه بر تحصیلات دانشگاهی مرتبط، سال‌ها مسئولیت‌های کارشناسی و مدیریتی در حوزه منابع انسانی دستگاه‌های اجرایی مختلف را برعهده داشته‌اند. طی ۳ مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی، روش داده‌بنیاد براساس روش پینشهادی / شتراوس و کوربین، پیاده‌سازی شد. در مرحله کدگذاری باز، داده‌ها شکسته شدند و تکه‌های جداگانه برای بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌ها مورد بررسی قرار گرفتند. در این مرحله، سؤالاتی برای کمک به کشف آنچه در داده‌ها پنهان است، پرسیده می‌شود. هدف از این مرحله تشخیص مفاهیم مجزا از یکدیگر است و این مفاهیم واحدهای اساسی در تحلیل گراند تئوری را تشکیل می‌دهند. کدگذاری باز، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و شناسایی مفاهیم و کلاس‌های سطح اول استفاده می‌شود. در حالی که کدگذاری هسته راهی برای برقراری ارتباط به روشی جدید بین کلاس‌های اصلی و فرزند است. این مرحله شامل تعیین یک یا دو کلاس مرکزی است که همه زیر کلاس‌ها به آن‌ها مرتبط هستند و یک چارچوب مفهومی ایجاد می‌کند که می‌تواند در گراند تئوری بیان شود. در این مرحله کد و کلاس‌ها به یک نظریه منسجم تبدیل می‌شوند و این مرحله مهمترین چالش تحقیق است. در این راستا، پس از فرایند پیاده‌سازی متن مصاحبه‌ها در نرم‌افزار (مکس کیودا^۱، ۲۰۱۸)، فرایند تعیین مقوله‌ها آغاز شد و با استفاده از کدگذاری‌های باز، محوری و گزینشی در نهایت الگو اولیه؛

- بررسی روایی مدل

برای بررسی روایی مدل از ۲ شاخص نسبت‌روایی محتوایی (CVR)، و شاخص روایی (CVI2)، استفاده شده است. برای سنجش شاخص نسبت‌روایی و شاخص روایی از ۱۵ نفر از متخصصان توسعه منابع انسان در خواست شد که به سؤالات این ۲ شاخص پاسخ دهند تا میزان روایی و سازه‌های الگو مشخص شدند.

- شاخص نسبت‌روایی محتوایی (CVR)

¹ Maxqda

برای محاسبه این شاخص از نظرات کارشناسان متخصص در زمینه محتوای آزمون استفاده شد و از آن‌ها خواسته شد تا هریک از سؤالات را براساس طیف ۳بخشی لیکرت «گویه ضروری است»، «گویه مفید است ولی ضروری نیست» و «گویه ضرورتی ندارد»، طبقه‌بندی کنند. که با استفاده از فرمول زیر محاسبه گردید.

$$CVR = \frac{\frac{\text{کل تعداد متخصصین} - \text{تعداد متخصصینی که گزینه ضروری را انتخاب‌اند کرده}}{2}}{\frac{\text{کل تعداد متخصصین}}{2}}$$

تعداد متخصصینی که گزینه ضروری را انتخاب کرده‌اند طبق نتایج حاصله از تحلیل شاخص (CVR)، همه مفاهیم به نسبت‌روایی محتوایی برخوردار هستند.

- شاخص‌روایی محتوایی (CVI)

جهت بررسی شاخص‌روایی محتوا از روش والتز و بازل استفاده شد. بدین صورت که متخصصان «مربوط بودن»؛ هر گویه را براساس یک طیف لیکرتی ۴مقیاسی به صورت «مربوط نیست»، ۲ «نسبتاً مربوط است»، «مربوط است»، «کاملاً مربوط است»، مشخص کردند. با استفاده از فرمول ذیل؛

$$CVI = \frac{\text{تعداد متخصصینی که به گویه نمره 3 و 4 داده‌اند}}{\text{کل تعداد متخصصین}}$$

در صورتی که نمره (CVI)، بالاتر از ۰/۷۹ باشد، روایی محتوایی مقیاس مورد تأیید است. به عبارتی، حداقل مقدار قابل قبول برای شاخص (CVI)، برابر با ۰/۷۹ می‌باشد. بنابراین با توجه به نتایج حاصل شده برای شاخص‌روایی محتوایی (CVI)، تمام موارد از روایی محتوایی قابل قبول برخوردار می‌باشند. به این صورت که شاخص‌روایی محتوایی هیچ یک از مقوله‌ها کمتر از ۰/۷۹ نمی‌باشد.

- بررسی پایایی مدل با استفاده از ضریب کاپا

پایایی مدل شاید مهمترین قسمت یک تحقیق باشد. سؤال این است که آیا این تحقیق اگر با همین نمونه تکرار شود، آیا به همین نتایج می‌رسیم. که با استفاده از نرم‌افزار «SPSS»، از نتایج حاصله، آزمون کاپا، گرفته شد که نتایج تحلیل کاپا، برپایه (جدول ۱)، است.

جدول ۱. نتایج تحلیل کاپا- (مأخذ: یافته‌های پژوهشی)

		نظر محققان		مجموع
		بله	خیر	
نظر خبره دیگر	بله	A	B	N
	خیر	C	D	
مجموع				

$$\text{توافقات مشاهده شده} = \frac{A + D}{N}$$

Measure Of Agreement	Kappa N Of Valid Cases	Value	Asymp. Std. Error ^a	Approx.Tb	Appro.x. Sig
		0.64248	0.110	6.685	0.000

باتوجه به نتایج (جدول ۱)، میزان ارزش آزمون بالاتر از $0/60$ و عدد معنی‌داری هم $(sig=0/000)$ است بنابراین، مدل از پایایی لازم برخوردار است.

در بخش کمی پژوهش، جامعه آماری را کارکنان بخش بیمه و ستاد سازمان تأمین اجتماعی جمهوری اسلامی ایران تشکیل می‌دهند. و نمونه مورد مطالعه ۳۵۱ نفر با تبیین فرمول کوکران، به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای می‌باشد. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسش‌نامه براساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای استفاده شد. در این تحقیق روایی محتوایی نظرات خبرگان دریافت و به کار گرفته شد و از نظر روایی سازه، پرسش‌نامه به صورت آزمایشی توزیع و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و ضریب پایایی با استفاده از روش آلفای کرونباخ $0/82$ برآورد شد برپایه (جدول ۲).

جدول ۲. تبیین توافقات- (مأخذ: یافته‌های پژوهشی)

مقدار عددی شاخص کاپا	وضعیت توافق
کمتر از ۰	ضعیف
۰ - ۰/۲	بی اهمیت
۰/۲ - ۰/۴	متوسط
۰/۴ - ۰/۶	مناسب
۰/۶ - ۰/۸	معتبر
۰/۸ - ۱	عالی

$$K = \frac{\text{توافقات شانسی} - \text{توافقات مشاهده شده}}{\text{توافقات شانسی} - 1}$$

$$\times \frac{C+D}{N} \times \frac{B+D}{N} \text{ شانسی} = \frac{A+B}{N} \times \frac{A+C}{N}$$

برای تحلیل بخش کمی پژوهش از تحلیل عاملی تأییدی به منظور تطبیق مدل حاکمیتی مدیریت عملکرد با رویکرد توسعه منابع انسانی در سازمان تأمین اجتماعی پس از اتمام بخش کیفی و استخراج مدل حاکمیتی رفاه عمومی با رویکرد توسعه عدالت اجتماعی و تعیین ابعاد و مؤلفه‌های حکمرانی. مدیریت عملکرد با رویکرد توسعه منابع انسانی در سازمان تأمین اجتماعی کشور توسط کارشناسان جهت تهیه پرسش‌نامه انجام شد. و با استفاده از آزمون‌های تی تک‌نمونه، برای بررسی دیدگاه جامعه نمونه در زمینه ابعاد الگوی حاکمیتی مدیریت عملکرد با رویکرد توسعه منابع انسانی در سازمان تأمین اجتماعی در حل مسائل اجتماعی ایران و نگرش نمونه آماری کمی نسبت به مقوله‌های کلان شنا سایی شده در پژوهش، در رابطه با مدل حکمرانی رفاه عمومی با رویکرد توسعه عدالت اجتماعی بررسی شد.

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- بخش کیفی

خروجی در مرحله تحلیل داده‌ها، شناسایی ابعاد مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای، مقوله اصلی، راهبردها و پیامدها در سازمان تأمین اجتماعی در حل مسائل اجتماعی ایران است که مفاهیم هر کدام در تبیین کدگذاری

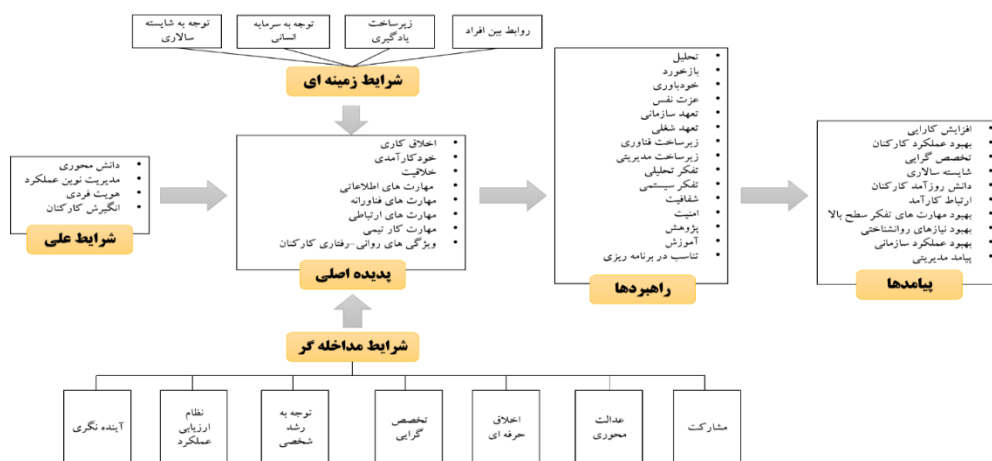
محوری، برپایه (جدول ۳)، ارائه شده است. سپس برپایه (شکل ۱)، مدل نهایی الگوی حکمرانی مدیریت عملکرد با رویکرد توسعه منابع انسانی با د نظر داشت محور پژوهش شکل گرفت.

جدول ۳. کدگذاری محوری- (مأخذ: یافته‌های پژوهشی)

ابعاد	مقوله	مفاهیم
توجه به سرمایه انسانی	دانش محوری	<ul style="list-style-type: none"> - نهادینه‌سازی مدیریت دانش - توجه به کاربست دانش روز - آموزش ضمن خدمت کارکنان
	مدیریت نوین عملکرد	<ul style="list-style-type: none"> - پیاده‌سازی نظام ارزیابی عملکرد - کاربست تکنولوژی‌های نوین - هم‌سوسازی اهداف فردی با اهداف سازمان - درک و حمایت‌های مدیریتی - ایجاد امکان انتقال تجربه
	هویت فردی	<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد اتاق فکر - داشتن سیستم پیشنهادات و انتقادات - توجه به هویت فردی
	انگیزش کارکنان	<ul style="list-style-type: none"> - سیستم تشویق کارکنان - شایسته‌سالاری در سیستم ارتقاء کارکنان - تعیین شرح شغل
	روابط بین افراد	<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد رابطه هم‌افزا بین کارکنان - ایجاد رابطه هم‌افزا بین کارکنان و مدیران - توجه به فرایند اجتماعی شدن کارکنان
	زیرساخت یادگیری	<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد نظام یادگیری در سازمان - طراحی و ایجاد شبکه‌های یادگیری در بین کارکنان - توجه به یادگیری مشارکی در بین کارکنان - تخصیص بودجه به فعالیت‌های آموزشی - تأکید سازمان بر استفاده از فناوری‌های جدید آموزشی
	توجه به سرمایه انسانی	<ul style="list-style-type: none"> - توجه به ایده کارکنان دانش‌محور - توجه به رضایت شغلی کارکنان - توجه به رضایت شغلی کارکنان - توجه به نظرات و ایده‌های کارکنان - دادن آزادی عمل به کارکنان - نگاه سرمایه‌ای داشتن به کارکنان - توجه به اصل خودکارآمدی
	توجه به شایسته‌سالاری	<ul style="list-style-type: none"> - ثبات مدیریتی - پرورش حس پاسخ‌گویی - ایجاد سیستم نظام‌مند شایسته‌سالاری - ایجاد سیستم حمایت از عملکرد کارکنان - ایجاد محیط کاری سالم و همدل
	عدالت محوری	<ul style="list-style-type: none"> - پرداخت مبتنی بر عدالت - عدالت محوری
	اخلاق محوری	<ul style="list-style-type: none"> - اعتقاد به عمل و اخلاق حرفه‌ای
توجه به رشد شخصی کارکنان	تخصص گرایی	<ul style="list-style-type: none"> - توجه به تخصص کارکنان - شایسته‌دادن به علم و نگاه علمی - فعالیت و عضویت در مجامع علمی
	توجه به رشد شخصی کارکنان	<ul style="list-style-type: none"> - توجه به انتظارات کارکنان - ایجاد فضای آزاداندیشی - توجه به مهارت‌های ادراکی در تصدی پست - اهمیت مدیریت استعداد - ارزیابی میزان علاقه افراد به ماندگاری در سازمان - تشکیل دوره‌های کارآموزی

مشارکت	<ul style="list-style-type: none"> توجه به شکاف‌های آموزشی کارکنان توجه به مشارکت و همکاری تیمی در بین کارکنان
نظام ارزیابی عملکرد	<ul style="list-style-type: none"> استقرار سیستم مدیریت عملکرد ارزیابی عملکرد افراد مبتنی بر هدف تأکید بر ارزشیابی کارایی هزینه
آینده‌نگری	<ul style="list-style-type: none"> توجه به آینده پژوهشی در منابع انسانی
ویژگی‌های روانی-رفتاری کارکنان	<ul style="list-style-type: none"> توجه به عوامل برانگیزنده کارکنان توجه به نیازهای روان‌شناختی فردی توجه به انتظارات کارکنان شناسایی ویژگی‌های شخصیتی کارکنان شناسایی ویژگی‌های رفتاری کارکنان
مهارت‌های ارتباطی	<ul style="list-style-type: none"> ارتقاء مهارت ارتباطات کلامی ارتقاء مهارت ارتباطات غیرکلامی
مهارت کار تیمی	<ul style="list-style-type: none"> توجه به اصول ارتباطات فردی توجه به توانایی کار تیمی کارکنان
مهارت‌های اطلاعاتی	<ul style="list-style-type: none"> توجه به ارتقاء سواد رسانه‌ای کارکنان توجه به ارتقاء سواد اطلاعاتی کارکنان
مهارت‌های فناورانه	<ul style="list-style-type: none"> توجه به ارتقاء مهارت‌های فناورانه کارکنان
خلاقیت	<ul style="list-style-type: none"> تقویت تفکر خلاق پرورش روحیه گردشگری کارکنان ارج نهادن خلاقیت و ایده‌پروری در سازمان توجه به مهارت تفکر انتقادی کارکنان
اخلاق کاری	<ul style="list-style-type: none"> توجه به اصل تواضع و صداقت توسعه استانداردها و ارزش‌های اخلاقی پرورش حس نوع دوستی و ایثار پرورش حس تعهد در کارکنان
خودکارآمدی	<ul style="list-style-type: none"> توجه به قابلیت‌های بالقوه و بالفعل کارکنان توجه به گشودگی فردی توجه به سلامت‌روان کارکنان پرورش حس کمال‌گرایی در کارکنان تقویت میل به موفقیت در کارکنان
بازخورد	<ul style="list-style-type: none"> ایجاد سیستم بازخورد عملکرد
تحلیل	<ul style="list-style-type: none"> ارتقاء مهارت‌های حل مسئله کارکنان استفاده از ماتریس SWOT در تحلیل سازمان ایجاد ارتباط منطقی بین عملکرد و پرداخت
عزت نفس	<ul style="list-style-type: none"> رشد تعداد مالیات‌دهندگان کاهش وابستگی به صفت نفت افزایش سرمایه‌گذاری در اقتصاد
تعهد سازمانی	<ul style="list-style-type: none"> تدوین سیستم نگرش کارکنان ایجاد وابستگی احساسی به سازمان توقیت تعلق سازمانی
تعهد شغلی	<ul style="list-style-type: none"> تقویت تعهد شغلی
زیرساخت فناوری	<ul style="list-style-type: none"> ایجاد زیرساخت فناوری در سازمان
زیرساخت مدیریتی	<ul style="list-style-type: none"> آمادگی سازمان برای تغییر توجه به مدیریت استراتژیک
تفکر تحلیلی	<ul style="list-style-type: none"> ارتقاء مهارت‌های تفکر تحلیلی در کارکنان
تفکر سیستمی	<ul style="list-style-type: none"> توجه به تحلیل ارتباطات بین فردی ارتقاء مهارت‌های تفکر سیستمی در کارکنان
شفافیت	<ul style="list-style-type: none"> روشن و شفاف‌بودن فرایند تشویق کارکنان توجه به موضوع سرمایه فکری
امنیت	<ul style="list-style-type: none"> ایجاد احساس امنیت در فضای کار توجه به موضوع سرمایه فکری
آموزش	<ul style="list-style-type: none"> شناسایی نیازهای آموزشی فردی

توجه به امر آموزش	-	پژوهش
توجه به توانمندی‌های پژوهشی	-	
تناسب اختیارات و مسئولیت‌ها	-	تناسب در برنامه‌ریزی
توجه به اهمیت برنامه‌ریزی در همه حوزه‌ها	-	
تناسب عملکرد و پرداخت	-	کارایی
افزایش کارایی	-	
بهبود عملکرد کارکنان	-	بهبود عملکرد کارکنان
توانمند شدن کارکنان	-	
بهبود مهارت‌های حل مسئله کارکنان	-	تخصص گرایی
بهبود میزان تخصص گرایی در سازمان	-	
بهبود میزان شایسته‌سالاری در سازمان	-	شایسته‌سالاری
داشتن کارکنان روزآمد و دانش‌محور	-	
بهبود مهارت‌های ارتباطات کلامی و غیر کلامی ارتباط کارآمد	-	دانش روزآمد کارکنان
شکل‌گیری محیط کاری هم‌افزا و دل‌پذیر	-	
بهبود تفکر سیستمی کارکنان	-	بهبود مهارت‌های تفکر سطح بالای کارکنان
بهبود تفکر تحلیلی کارکنان	-	
بهبود تفکر انتقادی کارکنان	-	بهبود نیازهای روان شناختی کارکنان
بهبود سواد اطلاعاتی کارکنان	-	
بهبود سواد فناوری کارکنان	-	بهبود عملکرد سازمانی
افزایش انگیزه کارکنان	-	
بهبود خودباوری در کارکنان	-	پیامد مدیریتی
رشد شخصی	-	
ارتقاء عزت‌نفس	-	بهبود مهارت‌های تفکر سطح بالای کارکنان
بهبود تعهد شغلی	-	
بهبود رضایت شغلی	-	بهبود عملکرد سازمانی
بهبود تعلق سازمانی	-	
بهبود نظام پرداختی مبتنی بر عملکرد	-	پیامد مدیریتی
بهبود مدیریت عملکرد	-	
ارتقاء نگهداشت کارکنان	-	پیامد مدیریتی
جلوگیری از هدررفت استعداد	-	
کاهش تعارض منافع در سازمان	-	پیامد مدیریتی
بهبود حس مسئولیت‌پذیری	-	
بهبود میزان پاسخ‌گویی	-	پیامد مدیریتی



شکل ۱. مدل نهایی الگوی حکمرانی مدیریت عملکرد با رویکرد توسعه منابع انسانی- (ماخذ: یافته‌های پژوهشی)

۲-۴- بخش کمی

شاخص به دست آمده نسبت مجذور کای بر درجه آزادی (x^2/df)، نشان می‌دهد برازش مدل تأیید شده است. تقریب خطای ریشه مجذور میانگین ($0/079$)؛ RMSEA، است که این مقدار از میزان ملاک $0/08$ کمتر بوده و ریشه دوم میانگین مربعات باقی مانده ($0/1$)؛ SRMR، است. در واقع، به معنای تأیید برازش مدل می‌باشد. همچنین شاخص‌های IFI و CFI، نیز از ملاک مورد نظر ($0/9$)، بزرگتر هستند طوری که برازندگی مدل برپایه (جدول ۴)، را تأیید می‌کنند.

جدول ۴: شاخص برازش مدل عاملی- (مأخذ: یافته‌های پژوهشی)

شاخص برازش	دامنه مورد قبول	مقدار مشاهده شده	ارزیابی شاخص برازش
X^2/df	< 3	۲/۲۳	مناسب
IFI	$> 0/9$	۰/۹	مناسب
RMSEA	$< 0/08$	۰/۰۷۹	مناسب
CPI	$> 0/9$	۰/۹	مناسب
SRMR	$< 0/1$	۰/۱	مناسب

همچنین نتایج آزمون کرونیباخ، جهت بررسی همسانی درونی سوالات پرسش‌نامه حکمرانی مدیریت عملکرد با رویکرد توسعه منابع انسانی برپایه (جدول ۵)، به دست آمد. به طور خاص، نتایج آزمون کلموگروف-اسمیرنوف، برای بررسی نرمال بودن داده‌ها برپایه (جدول ۶)، به عمل آمد. و ماتریس همبستگی پیرسون، بین حکمرانی مدیریت عملکرد با توسعه منابع انسانی و ابعاد آن برپایه (جدول ۷)، تبیین آمد.

جدول ۵. نتایج دست‌آمد پژوهش؛ آزمون کرونیباخ- (مأخذ: یافته‌های پژوهشی)

مؤلفه‌ها	آلفای کرونیباخ
حکمرانی مدیریت عملکرد- توسعه منابع انسانی	۰/۸۹۳
بعد شرایط علی	۰/۸۸۶
بعد شرایط مداخله‌گر	۰/۷۸۹
بعد شرایط زمینه‌ای	۰/۷۹۸
بعد مقوله اصلی	۰/۸۱۲
بعد راهبردها	۰/۸۹۸
بعد پیامدها	۰/۹۱۲

جدول ۶. نتایج دست‌آمد پژوهش؛ آزمون کلموگروف-اسمیرنوف- (مأخذ: یافته‌های پژوهشی)

متغیرها	آزمون کلموگروف-اسمیرنوف	
P	Z	
حکمرانی مدیریت عملکرد	۰/۹۲	۲/۳۵
توسعه منابع انسانی	۰/۹۴	۲/۳۶

همان گونه که در (جدول ۶)، نشان داده شده است. نتایج آزمون کلموگروف-اسمیرنوف، برای متغیر حکمرانی مدیریت عملکرد ($Z=0/92$ و $p=0/35$)، و برای متغیر توسعه منابع انسانی ($Z=0/94$ و $p=0/36$)، گزارش شده است که حاکی از تأیید نرمال بودن توزیع نمرات دارد. بنابراین، پیش فرض نرمال بودن توزیع نمرات تأیید می شود.

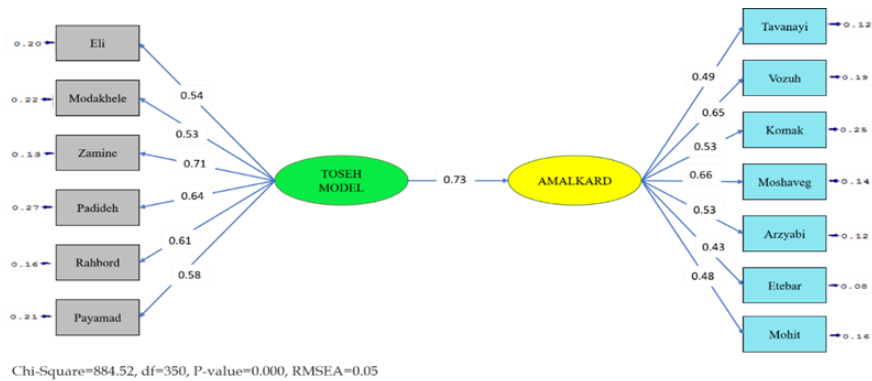
باتوجه به مسئله پژوهش که آیا الگوی حکمرانی مدیریت عملکرد بر توسعه منابع انسانی در سازمان تأمین اجتماعی کشور تأثیر دارد؟ از ماتریس همبستگی پیرسون، انجام شد که اطلاعات مربوط به آن در (جدول ۶)، ارائه شده است.

جدول ۷. ماتریس همبستگی پیرسون- (مأخذ: یافته های پژوهشی)

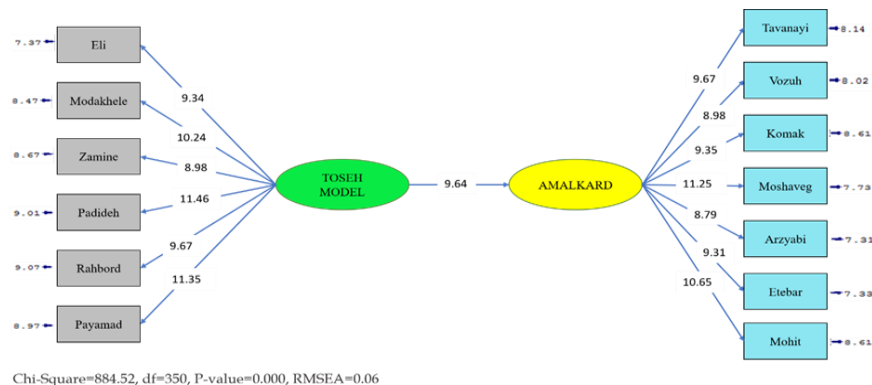
متغیر	حکمرانی مدیریت عملکرد
حکمرانی مدیریت عملکرد	۱
توسعه منابع انسانی	**./۲۹۷
توانایی	**./۲۲۱
وضوح	**./۲۳۶
کمک	**./۲۴۳
مشوق	**./۵۱۴
ارزیابی	**./۳۱۴
اعتبار	**./۲۷۶
محیط	**./۳۲۴

نتایج تحلیل همبستگی پیرسون، بین حاکمیت مدیریت عملکرد و توسعه منابع انسانی و ابعاد آن نشان می دهد که همبستگی بین حاکمیت مدیریت عملکرد و توسعه منابع انسانی معنادار است. در بررسی رابطه بین حاکمیت مدیریت عملکرد و توسعه منابع انسانی، نتایج نشان داد که همبستگی بین حاکمیت مدیریت عملکرد و توسعه منابع انسانی معنادار است. اما تحلیل همبستگی پیرسون رابطه معناداری بین حاکمیت مدیریت عملکرد و بعد وضوح توسعه منابع انسانی و بعد محیطی توسعه منابع انسانی نشان نداد. باتوجه به اینکه (جدول ۶)، رابطه بین حاکمیت مدیریت عملکرد و توسعه منابع انسانی و ابعاد آن را توضیح می دهد، اطلاعاتی در مورد قدرت پیش بینی و اینکه حاکمیت مدیریت عملکرد چقدر می تواند بر توسعه منابع انسانی و ابعاد آن تأثیر بگذارد، داریم.

نتایج تحلیل داده ها برای مقدار بار عاملی و مقدار (t)، در (شکل ۲ و ۳)، محاسبه شده است. سپس رابطه همبستگی و گزارش رگرسیون، مربوط به متغیرها توضیح داده شده است. هدف از این تحلیل، بررسی تأثیر الگوی حکمرانی مدیریت عملکرد بر توسعه منابع انسانی سازمان تأمین اجتماعی در حل مسائل اجتماعی کشور است. در این تحلیل علاوه بر گزارش اثربخشی، میزان واریانس که متغیر حاکمیت مدیریت عملکرد می تواند در توسعه منابع انسانی تبیین کند نیز گزارش شده است.



شکل ۲. مقدار بارهای عاملی مربوط به متغیرهای مسئله پژوهش - (مأخذ: یافته‌های پژوهشی)



شکل ۳. مقدار (t)، برای بررسی معنی‌داری ضرایب - (مأخذ: یافته‌های پژوهشی)

نتایج تحلیل داده‌ها برای تأثیر الگوی حکمرانی مدیریت عملکرد بر توسعه منابع انسانی معادل ۷۳ درصد مقدار بار عاملی گزارش شده است و مقدار ($t=9/64$)، به دست آمده (شکل ۲)، که با توجه به معنی‌دار بودن و مثبت بودن این ضرایب، می‌توان گفت که با احتمال ۹۹ درصد متغیر الگوی حکمرانی مدیریت عملکرد بر توسعه منابع انسانی تأثیر مثبت دارد برپایه (جدول ۸).

جدول ۸. نتایج برازش مدل - (مأخذ: یافته‌های پژوهشی)

شاخص‌ها	مقدار مجاز	اعداد به دست آمده	نتیجه
نسبت کای‌چی دو درجه آزادی	$\chi^2/df > 3/k$	۱/۲۸	برازش مناسب
RMSEA	کمتر از ۰/۰۹	۰/۰۵	برازش مناسب
GFI	بالاتر از ۰/۰۹	۰/۹۲	برازش مناسب
AGFI	بالاتر از ۰/۰۹	۰/۹۳	برازش مناسب
CFI	بالاتر از ۰/۰۹	۰/۹۴	برازش مناسب
NFI	بالاتر از ۰/۰۹	۰/۹۶	برازش مناسب
NNFI	بالاتر از ۰/۰۹	۰/۹۶	برازش مناسب

بانگابه (جدول ۸)، مشاهده می‌شود که مقدار χ^2 دو، در تمام مدل‌های اندازه‌گیری با سطح خطای ۵درصد، معنادار است. همچنین، نسبت χ^2 دو به درجه آزادی در تمام مدل‌های اندازه‌گیری، باتوجه به معیار موردنظر، نشان‌دهنده برازش مناسب مدل‌های مفهومی است. مقدار شاخص RMSEA، در تمام مدل‌های اندازه‌گیری در محدوده قابل قبول قرار دارد و این نشان می‌دهد که مقدار خطای مجاز در ابزارهای اندازه‌گیری مناسب است. همچنین، مقادیر شاخص‌های NFI، AGFI، GFI، CFI و NNFI، در تمام مدل‌های اندازه‌گیری ابزارها، مبنی بر معیار موردنظر، ارزیابی شده‌اند و نشان‌دهنده برازش مناسب مدل‌های اندازه‌گیری است. بنابراین، باتوجه به نتایج مدل‌های اندازه‌گیری، می‌توان گفت که تمام ابزارهای پژوهش، برازش مناسب و قابل قبولی دارند. برپایه (جدول ۹)، همان‌طور که مشاهده می‌شود معناداری کل مدل را نشان می‌دهد و مقدار (F)، برابر با ۱۳/۳۶ با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ شده است و چون سطح معنی‌داری از ۰/۰۵ کمتر است پس مدل، معنی‌دار است.

جدول ۹. ضرایب (شاخص‌ها)، رگرسیون براساس روش هم‌زمان - (مأخذ: یافته‌های پژوهشی)

منابع تغییر	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	معناداری
رگرسیون	۱۵۹/۳۹	۱	۱۵۹/۳۹	۱۳/۳۶	۰/۰۰۱
باقی‌مانده	۵۲۷/۵۲	۳۴۸	۱۱/۹۲۴		
کل	۷۳۱/۹۲	۳۵۰			

برپایه (جدول ۱۰)، مشاهده می‌گردد که حکمرانی مدیریت عملکرد می‌تواند *واریانس*، مربوط به توسعه منابع انسانی را تبیین کند. مقدار (F)، با مقدار ۱۳/۳۶ در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است و ۲۱ درصد از *واریانس*، توسعه منابع انسانی را با استفاده از این متغیر تبیین می‌کند ($R^2=21$). باتوجه به آنکه تحلیل آماری نشان داده است که مقدار (R^2)، به دست آمده معنادار است. ضریب استاندارد (β)، نشان می‌دهد که میزان تأثیر متغیر بر متغیر ملاک چقدر است. ضریب تأثیر حکمرانی مدیریت عملکرد ($\beta=0/46$)، با مقدار ($t=3/62$)، نشان می‌دهد که این متغیر با احتمال ۹۹ درصد تغییرات مربوط به توسعه منابع انسانی را پیش‌بینی می‌کند.

جدول ۹. نتایج تحلیل رگرسیون برای بررسی رابطه حکمرانی مدیریت عملکرد بر توسعه منابع انسانی - (مأخذ: یافته‌های پژوهشی)

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	β	R^2	T	سطح معناداری
مدیریت عملکرد	توسعه منابع انسانی	۰/۴۶	۰/۲۱	۳/۶۲	۰/۰۰۱

۵- نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف طراحی یک مدل حکمرانی برای مدیریت عملکرد در سازمان تأمین اجتماعی، باتأکید بر توسعه منابع انسانی و نقش آن در حل مسائل اجتماعی ایران انجام شد. تبیین حاضر با رویکردی ترکیبی (کیفی-کمی)، انجام شد که در آن مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و تحلیل معادلات ساختاری برای شناسایی و اعتبارسنجی مؤلفه‌های مدل استفاده گردید. نتایج پژوهش نشان داد که ابعاد اصلی مدل شامل



شرایط علی، مقوله محوری، راهبردها، شرایط مداخله گر، زمینه و پیامدها، به طور مستقیم بر سطوح فردی، سازمانی و اجتماعی تأثیرگذار هستند. همچنین، مدل حکمرانی پیشنهادی، ضمن تأکید بر اهمیت توسعه منابع انسانی، نقش مهمی در ارتقای بهره‌وری و کیفیت عملکرد در سازمان تأمین اجتماعی ایفاء می‌کند. یکی از نوآوری‌های کلیدی این تحقیق، طراحی یک مدل جامع حکمرانی مبتنی بر نظریه زمینه‌ای و اعتبارسنجی آن از طریق مدل‌سازی معادلات ساختاری است. این مدل علاوه بر تمرکز بر ارتقای عملکرد سازمانی، به چالش‌های اجتماعی ایران توجه داشته و نقش توسعه منابع انسانی را در حل این چالش‌ها پررنگ‌تر کرده است. به طور خاص، مدل ارائه شده با ترکیب راهبردهای مدیریت عملکرد و توسعه منابع انسانی، راهکاری عملی برای بهبود اثربخشی سازمان تأمین اجتماعی فراهم می‌آورد. به کارگیری این مدل می‌تواند در کاهش محدودیت‌های عملکردی، ارتقای پاسخ‌گویی سازمان و افزایش انگیزه و رضایت کارکنان، نقش مؤثری ایفاء کند. با وجود دستاوردهای ارزشمند این پژوهش، محدودیت‌هایی نظیر تمرکز بر سازمان تأمین اجتماعی ایران و عدم تحلیل بین‌المللی مدل، ممکن است تعمیم‌پذیری نتایج را محدود کند. به طور کلی، این پژوهش با طراحی مدل حکمرانی برای مدیریت عملکرد، راهکارهایی جامع و عملی برای سازمان تأمین اجتماعی ارائه کرده است. تأکید بر توسعه منابع انسانی در این مدل نشان می‌دهد که توجه به عوامل انسانی و اجتماعی، می‌تواند به حل مسائل اجتماعی ایران کمک کرده و عملکرد سازمان را در دستیابی به اهداف کلان بهبود بخشد. این پژوهش می‌تواند الگویی برای سایر سازمان‌ها و نهادهای مشابه باشد.

منابع

- رنجبر، همایون. دانی کریم‌زاده، سعید. مروی، علی. ۱۳۹۱. *حکمرانی جهانی: مؤلفه‌ها و ابزارها*، فصلنامه علمی پژوهشی-مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۳، شماره ۹، ۶۶-۲۹.
- فرهادی، سیدمحمد. رشیدی، محمد مهدی. اصیلی، غلامرضا. ۱۳۸۳. *الگوی مدیریت عملکرد در سازمان‌های تحقیق و توسعه ایران و چالش‌های نوین فراروی آن*، فصلنامه علمی پژوهشی-پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۱۰، شماره ۴؛ (پیاپی ۳۴)، ۱۷۴-۱۵۱.
- فقهی‌فرهمنند، ناصر. ۱۳۹۱. *مدیریت عملکرد سازمان‌های اجتماعی*، فصلنامه علمی پژوهشی-مطالعات جامعه‌شناسی، دوره ۵، شماره ۱۷، ۵۴-۴۳.
- مال میر، آمنه. عباسی، حمیده. صریحی، رسول. علوی، سیدباقر. ۱۳۹۸. *بررسی رابطه بین مدیریت استراتژیک منابع انسانی و عملکرد*، فصلنامه علمی پژوهشی-رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، دوره ۳، شماره ۱۰، ۷۴-۵۵.
- مزینی، امیرحسین. علیزاده‌هسپستان، رضا. ۱۳۹۹. *بررسی رویکردهای سرمایه‌گذاری در صندوق‌های بازنشستگی: مطالعه موردی سازمان تأمین اجتماعی ایران*، فصلنامه علمی پژوهشی-تأمین اجتماعی، دوره ۱۶، شماره ۱؛ (پیاپی ۵۵)، ۳۹-۱۳.

- مهدویان صدر، مهدی. دانشفرد، کرم‌الله. گیوریان، حسن. ۱۴۰۰. *ارائه الگوی مفهومی مدیریت عملکرد مؤسسات مطالعات خطه‌شی (مورد مطالعه: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)*، فصلنامه علمی پژوهشی-مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، دوره ۹، شماره ۴؛ (پیاپی ۲۰)، ۱۵۱-۱۰۷.
- نیکزاد، بهروز. حاج‌علیان، فرشاد. جهانگیرفرد، مجید. مهدی‌زاد اشرفی، علی. ۱۳۹۹. *طراحی الگوی سیستمی حکمرانی خوب در سازمان تأمین اجتماعی*، فصلنامه علمی پژوهشی-جامعه‌شناسی سیاسی ایران، دوره ۳، شماره ۳؛ (پیاپی ۱۱)، ۳۳۹۰-۳۴۱۴.
- Abdul-Azeez, Oluwatosin. Ogadimma Ihechere, Alexandra. Idemudia, Courage. 2024. *Enhancing Business Performance: The Role Of Data-Driven Analytics In Strategic Decision-Making*, International Journal Of Management & Entrepreneurship Research 6(7): 2066-2081.
- Amjad, Ayesha. Rehman, Muqqadas. 2018. *Resistance To Change In Public Organization: Reasons And How To Overcome It*, European Journal Of Business Science And Technology, 4(1): 56-68.
- Gao, Jie. 2015. *Performance Measurement And Management In The Public Sector: Some Lessons From Research Evidence*, Public Administration and Development 35(2): 86-96.
- Gimbert, Xavier. Bisbe, Josep. Mendoza, Xavier. 2010. *The Role Of Performance Measurement Systems In Strategy Formulation Processes*, Journal Of Long Range Planning 43(4): 477-497.
- Gnan, Luca. Hinna, Alessandro, Monteduro, Fabio. Scarozza, Danila. 2011. *Corporate Governance And Management Practices: Stakeholder Involvement, Quality And Sustainability Tools Adoption: Evidences In local Public Utilities*, Journal Of Management And Governance, 17(4): 907-937.
- Heinrich, Carolyn. 2015. *The Role Of Performance Management In Good Governance And Its Application In Public Education*, Journal Of Employment Research, 22(3): 4-6.
- Heinrich, Carolyn. Gerald, Marschke. 2010. *Incentives And Their Dynamics In Public Sector Performance Management Systems*, Journal Of Policy Analysis And Management, 29(1): 183-208.
- Intarakamhang, Ungsinun. Kijthonthum, Wichuda. 2018. *The Development Model Of The Performance Management System Being Implemented In Government Agencies*, International Journal Of Public Sector Performance Management 4(2): 214-230.
- Kaiser, Abdullah. 2024. *Smart Governance For smart Cities And Nations*, Journal Of Economy and Technology, 2(1): 216-234.
- Mikalef, Patrick. Boura, Maria. Lekakos, George. Krogstie, John. 2019. *Big Data Analytics And Firm Performance: Findings From A Mixed-Method Approach*, Journal Of Business Research, 98(1): 261-276.
- Palermo, Tommaso. 2014. *Accountability And Expertise In Public Sector Risk Management: A Case Study*, Journal Of Financial Accountability & Management, 30(3): 322-341.
- Piwowar-Sulej, Katarzyna. 2024. *Human Resources Development As An Element Of Sustainable HRM-With The Focus On Production Engineers*, Journal Of Cleaner Production. 278(1): 1-14.
- Plekhanov, Dmitry. Franke, Henrik. Netland, Torbjørn H. 2023. *Digital Transformation: A Review And Research Agenda*, European Management Journal, 41(6): 821-844.



- Sohrabi, Rahim. Tourani, Sogand. Jafari, Mehdi. Joudaki, Hossein. Doshmangir, Leila. Moghri, Javad. Luigi Bragazzi, Nicola. 2021. *A Scoping Review Of Public Hospitals Autonomy In Iran: From Budgetary Hospitals To Corporate Hospitals*, Journal Of BMC Health Services Research, 21(662): 1-16.
- Zhao, Jingchen, Gómez Fariñas, Beatriz. 2023. *Artificial Intelligence And Sustainable Decisions*, Journal Of European Business Organization Law Review, 24(1): 1-39.



Examining The Impact Of Educational Space Design On The Development Of Cognitive And Communication Skills Of Primary School Boys In Shiraz City With An Emphasis On Culture And Social Issues

Hakim Sandar¹, Hesamaddin Sotoudeh^{2*}, Bagher Karimi³, Emad Yousefi⁴

(Received Date: 2025/01/02 - Accepted Date: 2025/02/19)

Abstract

The Role of Educational Space Design as a Key Factor in Shaping Cognitive and Communication Skills of Students Educational space design plays a vital role in shaping students' cognitive and communication skills, significantly enhancing education quality and fostering social interactions. This study analyzes the impact of physical school design on developing these skills among primary school boys in Shiraz, focusing on four schools with different designs: Dr. Hesabi, Mohammad Jenab, Fasaei-Nejad, and Sozandeh-Far. Ten criteria were selected as primary indicators for evaluation, including planning and organization; space and orientation; time concepts; memory, reading, writing, and arithmetic; body awareness; visual forms; comprehension of spoken language; expressive language; and verbal communication. The findings revealed significant differences in students' behavioral patterns across the schools. Notably, the modern design of Dr. Hesabi School—with emphasis on appropriate spatial segregation for social and individual interactions, standard classrooms, and suitable color schemes—had the most positive impact on these skills. The Pearson correlation coefficient indicated strong positive correlations between criteria like "space and orientation", ($r = 0.562$) & "time concepts", ($r = 0.596$) with educational space design. However, criteria such as "comprehension of spoken language", & "expressive language", showed weaker correlations ($r = 0.101$ & $r = 0.095$). These findings highlight that educational space design not only influences cognitive growth and social interactions but also serves as a cultural and social component, offering a solid foundation for enhancing education quality.

Keywords: Educational spaces, social interactions, cognitive skill development, Shiraz city.

* This Article Is Extracted from The Doctoral Thesis of 'Hakim Sandar', Titled "*Compilation Of The Model Of Government Educational Spaces Based On The Analysis Of The Behavior Model Of Primary School Boys In Shiraz City*", Under The Supervision Of 'Dr. Hesamaddin Sotoudeh', & Advisory Of 'Dr. Karimi Bagher', & 'Dr. Emad Yousefi'.

1. Ph.D.Student In Architecture, Department Of Architectur, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran. Sandaar.hakim@gmail.com

*2. Assistant Professor Of Architecture Department, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran. (Corresponding Author): hesam.hds@gmail.com

3. Assistant Professor Of Architecture Department, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran. karimi.samab@yahoo.com

4. Assistant Professor Of Psychology Department, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran. emad.yousefi30@gmail.com

بررسی تأثیر طراحی فضاهای آموزشی در توسعه مهارت‌های شناختی و ارتباطی دانش‌آموزان ابتدایی پسرانه شهر شیراز باتأکید بر فرهنگ و مسائل اجتماعی

حکیم سندر^۱، حسام‌الدین ستوده^{۲*}، باقر کریمی^۳، عماد یوسفی^۴

(تاریخ دریافت: ۱۳/۱۰/۱۴۰۳ - تاریخ پذیرش: ۰۱/۱۲/۱۴۰۳)

چکیده

طراحی فضاهای آموزشی به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در شکل‌دهی به مهارت‌های شناختی و ارتباطی دانش‌آموزان، نقشی مؤثر در ارتقای کیفیت آموزش و تعاملات اجتماعی دارد. پژوهش حاضر، باهدف تحلیل تأثیر طراحی کالبدی مدارس بر توسعه مهارت‌های شناختی و ارتباطی دانش‌آموزان ابتدایی پسرانه در شهر شیراز، به بررسی ۴ مدرسه با طراحی‌های متفاوت شامل مدارس دکتر حسابی، محمد جناب، فسایی‌نژاد و سوزنده‌فر پرداخته است. برای سنجش این تأثیر ۱۰ مؤلفه از جمله برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی؛ فضا و جهت؛ مفاهیم زمان؛ حافظه، خواندن، نوشتن و حساب؛ درک بدن خود؛ اشکال بصری؛ درک زبان گفتاری؛ زبان ر سا و ارتباط کلامی، به‌عنوان معیارهای اصلی انتخاب شده‌اند. یافته‌های آماری نشان‌داد که میانگین الگوهای رفتاری دانش‌آموزان در مدارس مختلف به‌طور معناداری متفاوت است. به‌طور خاص، طراحی مدرن مدرسه دکتر حسابی طی سال‌های اخیر، باتأکید بر تفکیک فضایی مناسب برای تعاملات اجتماعی و فردی، بهره‌مندی از کلاس‌ها و رنگ‌آمیزی استاندارد، بیشترین تأثیر مثبت را بر مهارت‌های موردبررسی داشت. ضریب هم‌بستگی «PEARSON» نیز نشان‌داد که برخی مؤلفه‌ها به‌مانند «فضا و جهت» و «مفاهیم زمان»، با ضرایب ۰/۵۶۲ و ۰/۵۹۶ ارتباط معنادار و مثبتی با طراحی فضای آموزشی دارند، درحالی‌که مؤلفه‌هایی نظیر «درک زبان گفتاری»، و «زبان ر سا»، هم‌بستگی ضعیف‌تری (به ترتیب ۰/۱۰۱ و ۰/۰۹۵)، نشان دادند. این نتایج بیانگر آن است که طراحی فضاهای آموزشی نه تنها بر رشد شناختی و تعاملات اجتماعی دانش‌آموزان تأثیرگذار است، بلکه به‌عنوان بخشی از مسائل فرهنگی و اجتماعی، می‌تواند بستری مناسب برای ارتقای کیفیت آموزش فراهم کند.

واژگان کلیدی: فضاهای آموزشی، تعاملات اجتماعی، توسعه مهارت‌های شناختی، شهر شیراز.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «حکیم سندر»، با عنوان «تدوین الگوی فضاهای آموزشی دولتی براساس تحلیل مدل رفتاری دانش‌آموزان مقطع ابتدایی پسرانه در شهر شیراز»، است که به راهنمایی «دکتر حسام‌الدین ستوده»، و مشاوره «دکتر باقر کریمی»، و «دکتر عماد یوسفی»، استخراج شده است.

Sandaar.hakim@gmail.com
hesam.hds@gmail.com
karimi.samab@yahoo.com
emad.yousefi30@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.
۲. استادیار گروه معماری، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران. (نویسنده مسئول):
۳. استادیار گروه معماری، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.
۴. استادیار گروه روان‌شناسی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

۱- مقدمه

طراحی فضاهای آموزشی و نقش آن‌ها در توسعه مهارت‌های شناختی و ارتباطی دانش‌آموزان از دیرباز مورد توجه پژوهشگران و نظریه‌پردازان حوزه آموزش و معماری در اجتماع بوده است. محیط‌های آموزشی، نه تنها بستری برای انتقال دانش بلکه به عنوان عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت و رفتارهای اجتماعی دانش‌آموزان، جایگاه ویژه‌ای در روند آموزش دارند (حق‌پرست، سروش، ۱۳۹۷: ۶۷-۵۹). در طی ۲ قرن اخیر، الگوهای خطی یادگیری بر مدارس حاکم بودند؛ الگوهای که در آن‌ها دانش‌آموزان در محیط‌های کلاسیک و یکنواخت به یادگیری مشغول می‌شدند و ارزیابی آن‌ها نیز بر اساس استانداردهای مشخص انجام می‌گرفت (Tabaeian, Einifar, 2011: 28). بالین حال، این رویکردها به تدریج مورد نقد و بازنگری قرار گرفتند، چراکه محدودیت‌های آن‌ها در پاسخ به نیازهای متنوع دانش‌آموزان و چالش‌های یادگیری، آشکار شد، با ظهور رویکردهای نوین در آموزش و معماری، تلاش‌های زیادی صورت گرفت تا طراحی فضاهای آموزشی از ساختارهای سنتی در اجتماع فاصله بگیرد و به سمت طراحی‌هایی خلاقانه و کارآمدتر حرکت کند. این تغییرات شامل طراحی کلاس‌های کوچکتر و قابل مدیریت‌تر، استفاده از فضاهای باز و انعطاف‌پذیر و توجه به تمامیت تعامل اجتماعی شخصیت کودک در فرایند یادگیری بوده است (لطف‌عطا، ۱۳۸۷: ۷۷). به‌طور خاص، این فضاها نه تنها باید بر ارتقاء مهارت‌های شناختی دانش‌آموزان تمرکز داشته باشند، بلکه توسعه مهارت‌های ارتباطی آن‌ها نیز باید مدنظر قرار گیرد. اهمیت این موضوع به‌ویژه در مقطع ابتدایی که دوران شکل‌گیری و تثبیت مهارت‌های پایه‌ای دانش‌آموزان است، ۲چندان می‌شود، با توجه به اهمیت فضاهای آموزشی در توسعه و شکل‌گیری مهارت‌های شناختی و ارتباطی دانش‌آموزان نسبت به مطالعات تغییرات اجتماعی-فرهنگی، پژوهش‌های بسیاری به‌واسطه تأثیر محیط‌های فیزیکی بر یادگیری و رفتارهای دانش‌آموزان پرداخته‌اند. محیط‌های آموزشی تنها محلی برای انتقال دانش نیستند، بلکه بر نحوه تعاملات اجتماعی، انگیزه‌های یادگیری و توسعه مهارت‌های مختلف دانش‌آموزان نیز تأثیر مستقیم دارند (دبده، ۱۴۰۰: ۴۵-۷۷). در این میان، دانش‌آموزان مقطع ابتدایی به‌عنوان گروهی که در حساس‌ترین و مهمترین دوره‌های رشد ذهنی و رفتاری قرار دارند، به طراحی محیط‌های آموزشی خاص و متناسب با نیازهایشان نیازمندند (اسکندری، معتضدیان، میرزا کوچک‌خوشنویس، ۱۴۰۲ الف: ۱۳۰).

شهر شیراز به‌عنوان یکی از شهرهای بزرگ ایران با سابقه‌ای غنی در زمینه آموزش، همچنان از الگوهای سنتی در طراحی فضاهای آموزشی پیروی می‌کند. بالین حال، این الگوها به‌طور کامل با نیازهای نوین آموزشی و تغییرات اجتماعی و فرهنگی سازگار نیستند. این عدم سازگاری ممکن است به تضعیف توانایی‌های شناختی و ارتباطی دانش‌آموزان و همچنین به کاهش انگیزه و کارایی آنان در محیط‌های آموزشی منجر شود. فضاهای آموزشی که بر اساس الگوهای سنتی طراحی شده‌اند، غالباً محدودیت‌هایی را در فرایند یادگیری ایجاد می‌کنند که این امر می‌تواند بر توسعه مهارت‌های شناختی و ارتباطی کودکان تأثیر منفی داشته باشد. بدین ترتیب، مسئله اصلی این پژوهش بررسی این موضوع است که طراحی فضاهای

آموزشی در شهر شیراز تا چه حد با نیازهای شناختی و ارتباطی تعاملات اجتماعی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی مطابقت دارد و چگونه می‌توان با تغییر و بهبود طراحی این فضاها، فرایند یادگیری و توسعه مهارت‌های ارتباطی دانش‌آموزان را ارتقاء داد. به عبارتی، این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا طراحی کنونی فضاهای آموزشی در مدارس ابتدایی شیراز قادر به فراهم کردن شرایط مناسب برای رشد ذهنی، اجتماعی-فرهنگی و روانی دانش‌آموزان است یا نیازه بازنگری و اصلاحات اساسی در این زمینه وجود دارد، از سویی، تأثیرات محیط‌های آموزشی بر رفتارهای اجتماعی و تعاملات دانش‌آموزان نیز از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. در صورتی که فضاهای آموزشی بتوانند شرایط مناسبی را برای تقویت مهارت‌های ارتباطی و تعاملات اجتماعی فراهم آورند، می‌توان انتظار داشت که دانش‌آموزان در آینده به شهروندانی فعال‌تر و مؤثرتر تبدیل شوند. از این‌رو، بررسی و تحلیل اثرات طراحی فضاهای آموزشی بر مهارت‌های ارتباطی نیز یکی از محورهای مهم این پژوهش است. در نتیجه، پژوهش حاضر باهدف بررسی تأثیر طراحی فضاهای آموزشی بر مهارت‌های شناختی و ارتباطی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی در شهر شیراز، تلاش می‌کند تا میزان اثرگذاری این طراحی‌ها بر رفتارها و تعاملات اجتماعی کودکان را شناسایی و تحلیل کند. نتایج این پژوهش می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای طراحی‌های آتی فضاهای آموزشی، باهدف بهبود و ارتقاء مهارت‌های کلیدی دانش‌آموزان مورد استفاده قرار گیرد. دستیابی به فضاهای آموزشی بهینه و متناسب با نیازهای رفتاری و شناختی کودکان، مستلزم یک رویکرد جامع و میان‌رشته‌ای است که در آن تمامی ابعاد رشد عینی-ذهنی، اجتماعی-فرهنگی و روانی-آسایش سرزندگی دانش‌آموزان در نظر گرفته شود.

۲- ادبیات پژوهش

← **تدقیق صاحب‌نظران:** جان دیویی^۱ در کتاب “Democracy And Education”، تأکید دارد که محیط‌های آموزشی می‌توانند یادگیری تجربی و مشارکتی را تقویت کرده و بر رشد اجتماعی و شناختی دانش‌آموزان اثرگذار باشند. اثر *ماریا مونتسوری*^۲ “The Montessori Method”، رویکرد مونتسوری بر طراحی محیط‌های آموزشی کودک‌محور تأکید دارد که به رشد استقلال و خلاقیت کودکان کمک می‌کند. *تیبین هوارد گاردنر*^۳ در کتاب “Frames Of Mind: The Theory Of Multiple Intelligences”، نشان می‌دهد که محیط آموزشی متناسب با انواع هوش‌های چندگانه می‌تواند قابلیت‌های شناختی دانش‌آموزان را بهبود دهد. *کریستوفر الکساندر*^۴ “A Pattern Language”، به الگوهای طراحی محیط‌های یادگیری و تأثیر آن‌ها بر تعاملات انسانی می‌پردازد. و *پیتر بارت*^۵ “Clever Classrooms”، پژوهشی جامع درباره ارتباط میان طراحی کلاس‌های آموزشی و تأثیر آن بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان (فیشر، ۱۳۸۷: ۴۹-۲۹). باتمرکز بر اندیشمندان مطرح می‌توان به *لو ویگوتسکی*^۶ نظریه منطقه رشد مجاور نشان می‌دهد که طراحی محیط آموزشی باید به تعاملات اجتماعی برای یادگیری کمک کند. *ژان پیاژه*^۷ بر اهمیت محیط‌های آموزشی که امکان یادگیری از طریق تجربه و اکتشاف را فراهم می‌کنند، تأکید دارد. *دیوید کولب*^۸ معتقد است که محیط‌های آموزشی

باید چرخه یادگیری تجربی را تقویت کنند تا دانش‌آموزان مهارت‌های شناختی بهتری کسب کنند. رابرت مارزان^۹ بر طراحی محیط‌های یادگیری فعال و جذاب برای بهبود یادگیری دانش‌آموزان تأکید دارد. و رادولف آرنه‌هایم^{۱۰} بر تأثیرات طراحی بصری محیط‌های آموزشی بر خلاقیت و رشد شناختی دانش‌آموزان متمرکز است اشاره نمود (تورنتون، بروئر، ۱۳۸۴: ۱۸۰-۸۵).

← تأثیر طراحی فضاهای آموزشی بر مهارت‌های شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان: در دهه‌های اخیر، پژوهش‌های فراوانی در حوزه آموزش و یادگیری انجام شده است که نشان می‌دهد محیط‌های آموزشی نقش مهمی در شکل‌گیری و توسعه رفتارهای فردی و اجتماعی دانش‌آموزان ایفاء می‌کنند. این محیط‌ها نه تنها فضایی برای انتقال دانش و مهارت‌های علمی هستند، بلکه با تأثیرگذاری بر الگوهای رفتاری و عاطفی، در تربیت شخصیت و هویت دانش‌آموزان نیز نقش دارند (دبده و دیگران، ۱۴۰۱ الف: ۱). باتوجه به اینکه دانش‌آموزان بخش قابل توجهی از زمان خود را در این فضاها سپری می‌کنند، طراحی صحیح و متناسب این فضاها می‌تواند به بهبود کیفیت آموزشی و رشد روانی و اجتماعی آنان کمک شایانی کند. در این راستا، تعامل ۲ سوئیچ کودکان با محیط، شامل «تأثیر بر محیط»، و «تأثیر از محیط»، به‌عنوان ۲ مفهوم کلیدی در بررسی الگوهای رفتاری مطرح شده است. به‌طور خاص، کیفیت و ویژگی‌های محیط آموزشی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر رفتارهای اجتماعی، عاطفی و تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد. در این زمینه، فضاهای آموزشی نباید صرفاً به ساختارهای فیزیکی محدود شوند؛ بلکه باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که با ذوق و سلیقه دانش‌آموزان هم‌خوانی داشته و بتوانند انگیزه و کنجکاوی آنان را برانگیزند. ازسویی، توجه به تفاوت‌های جنسیتی، فرهنگی و اجتماعی در طراحی این فضاها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است تا نیازهای متنوع دانش‌آموزان در سنین مختلف به بهترین نحو ممکن تأمین شود (اسکندری، معتضدیان، میرزا کوچک‌خو شنویس، ۱۴۰۲ ب: ۱۳۵-۱۴۸).

← نقش محیط‌های آموزشی در شکل‌گیری رفتارهای فردی و اجتماعی: محیط‌های آموزشی به‌عنوان بستری فراتر از فضای فیزیکی، تأثیر عمیقی بر شکل‌گیری رفتارهای فردی و اجتماعی دانش‌آموزان دارند. این فضاها نه تنها محل یادگیری محتوای درسی هستند، بلکه زمینه‌ای برای تعاملات اجتماعی و تقویت مهارت‌های بین‌فردی فراهم می‌کنند. طراحی مناسب این فضاها می‌تواند حس تعلق و مسئولیت‌پذیری را در دانش‌آموزان تقویت کند (شکوهی‌اصل، ۱۳۹۷: ۳۸-۳۳). تعاملات اجتماعی که در محیط‌های آموزشی رخ می‌دهند، بر الگوهای رفتاری کودکان تأثیر می‌گذارند. این محیط‌ها فرصتی برای یادگیری مفاهیمی به‌مانند همکاری، احترام متقابل و مدیریت تعارض فراهم می‌کنند. ویژگی‌های فضایی همچون انعطاف‌پذیری، نورپردازی مناسب و چیدمان مبلمان می‌توانند بر کیفیت این تعاملات اثرگذار باشند. مطالعات نشان داده‌اند که طراحی محیط‌های آموزشی نقش کلیدی در تربیت شخصیت



دانش‌آموزان دارد. فضایی که از نظر روان‌شناختی ایمن و از نظر اجتماعی پویاتر باشد، می‌تواند به پرورش حس اعتماد به نفس و مشارکت فعال در کودکان کمک کند (شاهچراغی، بندرآباد، ۱۴۰۰: ۱۷۷). همچنین، محیط‌های پویا باعث تشویق رفتارهای مثبت و کاهش رفتارهای مخرب می‌شوند. برای دستیابی به این اهداف، ضروری است که طراحی فضاهای آموزشی با نیازهای روحی و روانی دانش‌آموزان هماهنگ باشد. این هماهنگی می‌تواند از طریق رنگ‌بندی مناسب، استفاده از عناصر طبیعی و فضاسازی‌هایی که حس آرامش و تعلق ایجاد می‌کنند، محقق شود (دبده و دیگران، ۱۴۰۱: ب: ۵). طوری که، محیط‌های آموزشی باید به گونه‌ای طراحی شوند که نه تنها مهارت‌های علمی، بلکه توانایی‌های اجتماعی دانش‌آموزان را نیز پرورش دهند.

← **ابعاد فرهنگی و اجتماعی در محیط‌های آموزشی:** ابعاد فرهنگی و اجتماعی یکی از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر طراحی محیط‌های آموزشی هستند. فرهنگ هر جامعه ارزش‌ها، باورها و نیازهای خاص خود را دارد که باید در برنامه‌ریزی فضاهای آموزشی منعکس شود. به عنوان مثال، نحوه چیدمان کلاس‌ها و فضای بازی باید با فرهنگ اجتماعی و انتظارات خانواده‌ها هماهنگ باشد (اسکندری، معتضدیان، میرزا کوچک‌خوشنویس، ۱۴۰۲: ج: ۲۵۰). از منظر اجتماعی، محیط‌های آموزشی باید بستری برای کاهش نابرابری‌های اجتماعی و تقویت حس برابری باشند. طراحی این فضاها باید به گونه‌ای باشد که تمامی دانش‌آموزان با هر پیشینه‌ای احساس پذیرش و تعلق داشته باشند (موحدی، ۱۳۹۷: ۳۸۳). بهره‌گیری از نشانه‌های فرهنگی و هویتی در محیط می‌تواند حس افتخار به فرهنگ بومی را تقویت کند. توجه به فرهنگ و مسائل اجتماعی در محیط‌های آموزشی می‌تواند باعث تقویت تعاملات مثبت میان دانش‌آموزان شود. طراحی فضاهایی که امکان کار گروهی، فعالیت‌های مشترک و بازی‌های آموزشی را فراهم کنند، می‌تواند حس همدلی و همکاری را در کودکان افزایش دهد. این ویژگی‌ها به ایجاد فضایی صمیمی و قابل اعتماد کمک می‌کنند (Sosyal Altugan, 2015: 1160). فضاهای آموزشی باید به گونه‌ای طراحی شوند که بازتاب‌دهنده ارزش‌های فرهنگی جامعه باشند و در عین حال، زمینه‌ای برای گسترش دیدگاه‌های نو فراهم کنند. این تطبیق میان ارزش‌های سنتی و نیازهای مدرن، نقش مهمی در ایجاد محیطی پویا و تأثیرگذار بر رشد اجتماعی و فرهنگی دانش‌آموزان ایفاء می‌کند.

← **رابطه طراحی محیط با توسعه شناختی و ارتباطی دانش‌آموزان:** رابطه میان طراحی محیط‌های آموزشی و توسعه شناختی و ارتباطی دانش‌آموزان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. محیط‌های مناسب می‌توانند حس کنجکاوی و خلاقیت را در دانش‌آموزان تقویت کرده و فرایند یادگیری را تسهیل کنند. چیدمان مناسب کلاس‌ها و استفاده از رنگ‌ها و نورپردازی استاندارد، تأثیر به‌سزایی بر تمرکز و عملکرد شناختی دارد (Brito, 2017: 155). در بُعد ارتباطی، طراحی فضاهای آموزشی باید مشوق تعاملات میان دانش‌آموزان باشد. فضای کافی برای کارهای گروهی، بازی‌های آموزشی و تعامل آزاد، می‌تواند به تقویت مهارت‌های ارتباطی و یادگیری اجتماعی کمک کند. این تعاملات به دانش‌آموزان فرصت

می‌دهد تا مهارت‌هایی همچون گوش‌دادن فعال، حل مسئله و مدیریت تعارض را تمرین کنند (Rakesh, Whittle, 2021: 400). علاوه بر این، محیط‌های آموزشی باید فضایی را فراهم کنند که با نیازهای رشد شناختی کودکان در سنین مختلف تطبیق داشته باشد. به عنوان مثال، در طراحی کلاس‌های ابتدایی، بهره‌مندی از فضاهای رنگارنگ و خلاقانه می‌تواند انگیزه یادگیری را افزایش دهد. این در حالی است که برای دانش‌آموزان بزرگتر، فضاهای آرام و ساده‌تر مناسبتر هستند (Friedman, Robbins, 2022: 85). بدین ترتیب، طراحی محیط‌های آموزشی که به طور هم‌زمان بر رشد شناختی و ارتباطی تأثیرگذار باشد، مستلزم همکاری میان معماران، روان‌شناسان و متخصصان آموزشی است. چنین محیط‌هایی نه تنها به بهبود عملکرد تحصیلی، بلکه به ارتقای توانایی‌های اجتماعی و مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان کمک شایانی می‌کنند.

این پژوهش باهدف بررسی تأثیر طراحی فضاهای آموزشی بر توسعه الگوهای رفتاری دانش‌آموزان باتأکید بر فرهنگ و مسائل اجتماعی انجام شده و تلاش دارد تا با شناسایی مؤلفه‌های رفتاری مؤثر، الگوهای طراحی متناسب با نیازهای آنان را پیشنهاد دهد. بدین سان، دستیابی به محیط‌های آموزشی که با الگوهای رفتاری دانش‌آموزان سازگار باشد، می‌تواند به بهبود فرایند آموزش و پرورش و تقویت رفتارهای اجتماع مثبت در آنان کمک کند.

۳- روش تحقیق

به‌طور خاص، این پژوهش از نوع کاربردی است و با بهره‌گیری از روش‌های تحلیل کمی و کیفی به بررسی تأثیر طراحی فضاهای آموزشی در توسعه مهارت‌های شناختی و ارتباطی دانش‌آموزان ابتدایی پسرانه در شهر شیراز باتأکید بر فرهنگ و مسائل اجتماعی پرداخته است. طوری که در مرحله نخست، با مرور جامع ادبیات مرتبط با الگوهای رفتاری دانش‌آموزان در محیط‌های آموزشی، به تحلیل نظریات موجود پرداخته شد. و سپس با استفاده از ابزار پرسش‌نامه نظریات والدین دانش‌آموزان در مدارس مورد بررسی در ابعاد طرح‌شده، جمع‌آوری شد پرسش‌نامه طرح‌شده شامل ۱۰ مؤلفه به‌مثابه برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی؛ فضا و جهت؛ مفاهیم زمان؛ حافظه، خواندن، نوشتن و حساب؛ درک بدن خود؛ اشکال بصری؛ درک زبان گفتاری؛ زبان‌رسانا و ارتباط کلامی، را در ۲ بعد توسعه مهارت‌های شناختی و مهارت‌های ارتباطی مورد سنجش قرار داد تا دیدگاه والدین نسبت به تعاملات اجتماعی فرزندانشان با محیط آموزشی خارج از مدرسه مشخص شود. جامعه آماری این پژوهش شامل ۱۱۰۰ نفر از والدین دانش‌آموزان مدارس شهر شیراز بود. حجم نمونه با استفاده از فرمول "COCHRAN"، ۳۶۴ نفر از والدین دانش‌آموزان ۴ مدرسه منتخب تعیین گردید. پایایی ابزارهای تحقیق با تبیین ضریب آلفای کرونباخ "Cronbach's Alpha"، در نرم‌افزار "SPSS"، مورد ارزیابی قرار گرفت که مقادیر ۰/۸۵ برای پرسش‌نامه متنی و ۰/۷۱ برای پرسش‌نامه تصویری به دست آمد، که این مقادیر نشان‌دهنده پایایی مطلوب ابزارهای مورد استفاده است. بدین ترتیب،

داده‌های حاصل از پرسش‌نامه‌ها با بهره‌گیری از روش‌های تحلیل کمی در نرم‌افزار "SPSS24"، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در ادامه شاخص‌های موردبررسی توسعه مهارت‌های شناختی و ارتباطی دانش‌آموزان در پژوهش حاضر آورده شده است برپایه (جدول ۱).

جدول ۱. شاخص‌های مربوط به مهارت‌های رفتاری با نگرش بر بُعد اجتماعی-فرهنگی- (مأخذ: یافته‌های پژوهشی، ۱۴۰۳)

مهارت‌های رفتاری	شاخصه‌های رفتاری
← برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی؛ فضا و جهت؛ مفاهیم زمان؛ حافظه، خواندن، نوشتن و حساب؛ درک بدن خود؛ اشکال بصری؛	مهارت‌های شناختی/تحصیلی
← درک زبان گفتاری؛ زبان رسا؛ ارتباط کلامی؛	مهارت‌های زبانی/ارتباطی

در راستای انجام مطالعات کمی و کیفی پژوهش حاضر که به بررسی تأثیر طراحی فضاهای آموزشی بر بهبود توسعه مهارت‌های شناختی و ارتباطی در دانش‌آموزان پسر مقطع ابتدایی با تأکید بر فرهنگ و مسائل اجتماعی می‌پردازد، از میان مدارس ابتدایی پسرانه شهر شیراز، همان‌طور که ذکر شد ۴ مدرسه به‌عنوان نمونه‌های مورد مطالعه انتخاب شدند برپایه (جدول ۲). انتخاب این مدارس براساس موقعیت آن‌ها در نواحی مختلف شهری و همچنین تفاوت‌های موجود در ساختارهای طراحی آن‌ها انجام گرفته است در ادامه، به معرفی این مدارس منتخب و ویژگی‌های طراحی آن‌ها پرداخته شده است.

جدول ۲. تبیین مشخصات مدارس موردپژوهی- (مأخذ: یافته‌های پژوهشی، ۱۴۰۳)

ردیف	نام مدرسه	سال ساخت	مساحت فضای آموزشی	مساحت حیاط	تعداد کلاس	تعداد دانش‌آموز
۱	فسایی‌نژاد	۱۳۶۱	۳۲۹ (مترمربع)	۶۷۶ (مترمربع)	۵	۲۹۶
۲	سیدمرتضی سوزنده‌فر	۱۳۶۴	۴۴۹ (مترمربع)	۴۸۲ (مترمربع)	۹	۱۵۹
۳	شهید محمد جناب	۱۳۹۱	۴۶۹ (مترمربع)	۶۹۲ (مترمربع)	۱۹	۳۲۵
۴	دکتر حسایی	۱۳۹۴	۳۶۱ (مترمربع)	۶۸۲ (مترمربع)	۱۴	۳۱۴

۴- یافته‌های پژوهشی

۴-۱- تحلیل و بحث

تحلیل و یافته‌های پژوهش حاضر در ۲ بخش اصلی موردبررسی قرار گرفته است. بخش نخست، به تحلیل پرسش‌نامه‌های مرتبط با الگوهای رفتاری دانش‌آموزان در ۱۰ مؤلفه توسعه مهارت‌های شناختی و ارتباطی می‌پردازد که شامل برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی؛ فضا و جهت؛ مفاهیم زمان؛ حافظه، خواندن، نوشتن و حساب؛ درک بدن خود؛ اشکال بصری؛ درک زبان گفتاری؛ زبان رسا و ارتباط کلامی، است. بخش دوم، نیز به تحلیل پرسش‌نامه‌های تصویری که ترجیحات معلمان در خصوص ساختار طراحی مدارس را موردبررسی قرار می‌دهد، اختصاص یافته است. طوری که برای ارزیابی تأثیر ساختارهای متنوع طراحی مدارس بر

الگوهای رفتاری دانش‌آموزان، از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه (ANOVA)، استفاده شده است برپایه (جدول ۳). این آزمون به منظور بررسی نابرابری میانگین میان ۲ یا چند گروه از متغیرهای پژوهش به کار گرفته شد. در این پژوهش، اختلاف میانگین در ابعاد مختلف الگوهای رفتاری دانش‌آموزان در ۴ مدرسه منتخب (فسایی نژاد، سوزنده‌فر، دکتر حسابی و مدرسه محمد جناب)، که هر کدام دارای طراحی‌های متفاوتی هستند. نتایج این تحلیل به بررسی تأثیر شاخصه‌های کالبدی محیط‌های یادگیری برد توسعه مهارت‌های شناختی و ارتباطی دانش‌آموزان کمک کرده و تفاوت‌های میانگین رفتارهای دانش‌آموزان بر تبیین تعاملات اجتماعی-فرهنگی در مدارس مختلف را آشکار کرده است، در ادامه نتایج حاصل از این آزمون آورده شده است.

جدول ۳. آزمون آنوا؛ واکاوی الگوهای رفتاری در اجتماع مدارس مورد مطالعه - (مأخذ: یافته‌های پژوهشی، ۱۴۰۳)

ANOVA					
	Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
Between Groups	۴۲/۶۲	۴	۱۰/۵۴۱		
Within Groups	۴۲۴/۶۹۷	۳۹۶		۸/۵۱۳	۰/۰۰۰
Total	۴۶۶/۸۹	۳۹۶	۱/۲۳۸		

توسعه مهارت‌های شناختی/تحصیلی و مهارت‌های زبانی/ارتباطی دانش‌آموزان در مدارس مختلف

نتایج تحلیل آماری نشان می‌دهد که مقدار آماره (F)، برابر با ۸/۵۱۳ بوده و بالاتر از حد بحرانی ۰/۰۰۵ است. همچنین، مقدار معناداری (sig)، کمتر از ۰/۰۰۵ به دست آمده است، که نشان‌دهنده تفاوت معنادار میان میانگین الگوهای رفتاری دانش‌آموزان بر تبیین تعاملات اجتماعی-فرهنگی در مدارس مختلف است. برای بررسی دقیق‌تر میزان تفاوت میان مدارس و تعیین اینکه کدام یک از مدارس تفاوت میانگین بیشتری با سایر مدارس دارد، از آزمون تعقیبی (LSD)، استفاده شده است برپایه (جدول ۴). نتایج این آزمون اختلاف میانگین مهارت‌های شناختی/تحصیلی و مهارت‌های زبانی/ارتباطی دانش‌آموزان در ۴ مدرسه موردتبیین را به طور دقیق‌تر مشخص کرده و نشان داده است که تفاوت‌های معناداری در توسعه رفتارهای دانش‌آموزان بر اساس طراحی فضایی مدارس وجود دارد.

جدول ۴. برآیند آزمون تعقیبی "LSD" - (مأخذ: یافته‌های پژوهشی، ۱۴۰۳)

مدرسه مقایسه‌شده	مدرسه مقایسه‌شده	مدارس مورد پژوهش	Mean Difference (IJ)	Std. Error	Sig.	Confidence %95 Interval	
						Lower Bound	Upper Bound
الگوهای رفتاری دانش‌آموزان	مدرسه فسایی نژاد	سوزنده‌فر	۱/۲۳۱	۰/۴۵۴	۰/۰۰۲	-۰/۰۳	۱/۷۶
		دکتر حسابی	-۰/۸۵۲	۰/۳۸۶	۰/۰۰۱	-۰/۷۸	۰/۳۳
		محمد جناب	-۱/۰۶۲	۰/۳۶۲	۰/۰۰۱	-۱/۰۱	۰/۴۱
	مدرسه سوزنده‌فر	فسایی نژاد	-۱/۲۳۱	۰/۴۵۴	.	-۰/۰۳	۱/۷۶
		دکتر حسابی	-۱/۷۴۵	۰/۳۲۸	.	-۰/۷۳	۰/۸۷
		محمد جناب	-۱/۱۱۲	۰/۱۷۹	.	-۰/۲۵	۱/۵۴
مدرسه دکتر حسابی	سوزنده‌فر	۱/۷۴۵	۰/۳۲۸	.	-۰/۷۳	۰/۳۳	
	محمد جناب	۰/۴۲۰	۰/۱۸۹	.	-۰/۲۵	۱/۵۴	
	فسایی نژاد	۱/۰۶۲	۰/۳۶۲	.	-۱/۰۱	۰/۴۱	
مدرسه محمد جناب	سوزنده‌فر	۱/۱۱۲	۰/۱۷۹	.	-۰/۲۵	۱/۵۴	
	دکتر حسابی	-۰/۴۲۰	۰/۱۸۹	.	-۰/۷۰	۰/۱۵	

باتوجه به نتایج آزمون تعقیبی (LSD)، میزان اختلاف میانگین ابعاد توسعه مهارت‌های شناختی و ارتباطی دانش‌آموزان در ۴ مدرسه مورد بررسی مشخص شده است. بیشترین اختلاف میانگین در مهارت‌های شناختی/تحصیلی و کلامی/ارتباطی میان دو مدرسه دکتر حسابی و فسایی نژاد با مقدار ۱/۷۴۵ بوده و کمترین اختلاف نیز بین مدارس دکتر حسابی و محمد جناب با مقدار ۰/۴۲۰ مشاهده شده است. شاخص‌های رفتاری دانش‌آموزان در اجتماع مدارس فسایی نژاد و سوزنده فر کمتر از میانگین دو مدرسه دیگر بوده است. یکی از دلایل اصلی این اختلاف‌ها مربوط به زمان ساخت و الگوهای طراحی متفاوت مدارس است. مدارس فسایی نژاد و سوزنده فر که در دهه ۶۰ عخورشیدی، باتوجه به الگوهای طراحی آن دوره ساخته شده‌اند، در مقایسه با تغییرات اجتماعی-فرهنگی مدارس دکتر حسابی و محمد جناب که در دهه ۹۰ عخورشیدی، با طراحی مدرن‌تر ساخته شده‌اند، امکانات و ویژگی‌های فیزیکی محدودتری دارند. طراحی جدید مدارس محمد جناب و دکتر حسابی به گونه‌ای بوده که فضای بیشتری برای فعالیت‌های حرکتی دانش‌آموزان فراهم کرده است. این مدارس دارای حیاط‌های تفکیک‌شده برای بازی، فضاهای کلاسی بزرگتر، چیدمان مبلمان اصولی‌تر و رنگ‌آمیزی جذاب‌تر کلاس‌ها هستند که باعث بهبود تعاملات اجتماعی کلامی و عملکردهای شناختی و تحصیلی دانش‌آموزان شده است. در مدارس جدیدتر، تطابق بیشتری در اجتماع میان محیط آموزشی و نیازهای رفتاری دانش‌آموزان، به‌ویژه در حوزه‌های توسعه مهارت‌های شناختی و ارتباطی، وجود دارد. این تفاوت‌ها در طراحی باعث شده تا دانش‌آموزان در مدارس جدیدتر، عملکرد تحصیلی و ارتباطی بهتری نسبت به دانش‌آموزان در مدارس قدیمی‌تر داشته باشند. نتایج نشان می‌دهد که طراحی فضای آموزشی تأثیر مستقیم و معناداری بر بهبود توسعه مهارت‌های شناختی و ارتباطی دانش‌آموزان دارد، و میانگین این الگوهای رفتاری در هر مدرسه به‌طور قابل توجهی متفاوت از سایر مدارس است، نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که تفاوت در شاخص‌های کالبدی و طراحی مدارس، تا حد قابل توجهی بر اختلاف در الگوهای مهارت‌های شناختی و ارتباطی دانش‌آموزان تأثیرگذار است. البته باید در نظر داشت که این اختلاف میانگین‌ها ممکن است تا حدی تحت تأثیر عوامل کنترل نشده قرار گرفته باشد، هرچند تلاش شده تا با کنترل متغیرهای مزاحم، اثر آن‌ها به حداقل برسد. بدین ترتیب، با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان فرضیه تأثیر شاخص‌های کالبدی محیط یادگیری بر مهارت‌های شناختی و ارتباطی دانش‌آموزان را تأیید کرد، برای بررسی دقیق‌تر میزان تأثیر ابعاد مختلف طراحی فضای آموزشی بر توسعه الگوهای مهارت‌های شناختی و ارتباطی اجتماع دانش‌آموزان، از آزمون ضریب هم‌بستگی-“PEARSON”، استفاده شده است.

۴-۲- تبیین رابطه میان توسعه مهارت‌های شناختی و ارتباطی دانش‌آموزان و الگوهای طراحی فضای آموزشی باتأکید بر فرهنگ و مسائل اجتماعی

بر اساس نتایج به دست آمده از آزمون تحلیل واریانس (ANOVA)، مشخص شد که میانگین توسعه مهارت‌های شناختی و ارتباطی دانش‌آموزان تحت تأثیر تفاوت‌های طراحی مدارس باتأکید بر فرهنگ و

مسائل اجتماعی تغییر می‌کند. این نتیجه نشان می‌دهد که ابعاد طراحی فضاهای آموزشی بر توسعه مهارت‌های شناختی و ارتباطی دانش‌آموزان تأثیر دارد. باین‌حال، برای بررسی دقیق‌تر و ارزیابی رابطه میان این ابعاد طراحی و مهارت‌های دانش‌آموزان، نیاز است از آزمون‌های هم‌بستگی استفاده شود. از آنجاکه توزیع داده‌های جمع‌آوری شده نرمال است، از آزمون هم‌بستگی-“PEARSON”، استفاده شده است. این آزمون، میزان ارتباط بین ۲ متغیر را بررسی می‌کند و مقدار هم‌بستگی را بین -۱ تا +۱ نشان می‌دهد. مقدار -۱ نشان‌دهنده هم‌بستگی معکوس کامل و +۱ نشان‌دهنده هم‌بستگی مستقیم کامل است. نتایج به دست آمده از این آزمون در ادامه ارائه شده است تا میزان و جهت رابطه میان توسعه مؤلفه‌های طراحی فضاهای آموزشی و مهارت‌های شناختی و ارتباطی اجتماع دانش‌آموزان مشخص شود.

جدول ۵. تبیین ضریب هم‌بستگی-“PEARSON”، میان متغیرهای پژوهش- (مأخذ: یافته‌های پژوهشی، ۱۴۰۳)

توسعه مهارت‌های شناختی/تحصیلی و مهارت‌های زبانی/ارتباطی دانش‌آموزان	مقدار هم‌بستگی مشخصه‌های طراحی فضای آموزشی	سطح معناداری (sig)
برنامه‌ریزی/سازمان‌دهی	۰/۱۲۰	۰/۰۰۰
فضا و جهت	۰/۵۶۲	۰/۰۰۰
مفاهیم زمان	۰/۵۹۶	۰/۰۰۰
حافظه	۰/۴۰۵	۰/۰۰۰
خواندن و نوشتن و حساب	۰/۴۱۱	۰/۰۰۰
درک بدن خود	۰/۱۲۳	۰/۰۰۰
درک اشکال	۰/۶۹۸	۰/۰۰۰
درک زبان گفتاری	۰/۱۰۱	۰/۰۰۰
زبان رسا	۰/۰۹۵	۰/۰۰۰
ارتباط کلامی	۰/۵۱۱	۰/۰۰۰

باتمركزبر (جدول ۵)، رابط میان توسعه مشخصه‌های طراحی فضای آموزشی مهارت‌های شناختی/تحصیلی و مهارت‌های زبانی/ارتباطی دانش‌آموزان آورده شده است که باتوجه به مقادیر معناداری (sig)، به دست آمده مشخص می‌شود که ارتباط میان متغیرهای الگوهای طراحی فضای آموزشی و تمامی مؤلفه‌های موردبررسی دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد، که در ادامه به تبیین مقادیر هم‌بستگی-“PEARSON”، به دست آمده در هر یکی از مؤلفه‌های واریسی پرداخته خواهد شد. اگرچه رابطه میان توسعه طراحی فضای آموزشی و مهارت برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی مثبت و معنادار است، اما شدت این رابطه ضعیف است. این نشان می‌دهد که عوامل دیگری نیز ممکن است نقش مهمتری در تقویت این مهارت‌ها داشته باشند و طراحی فضاهای آموزشی تنها بخشی از این معادله است، در تغییر فضا و جهت مقدار هم‌بستگی ۰/۵۶۲ بیانگر آن است که طراحی‌های مرتبط با فضای آموزشی (از جمله: نحوه چیدمان فضاها، ابعاد کلاس‌ها، مسیرها، نشانه‌ها و علائم فضایی)، به‌طور ملموسی با توانایی دانش‌آموزان در درک فضا و جهت ارتباط دارد. این رابطه نشان‌دهنده تأثیر بالای عناصر محیطی بر مهارت‌های فضایی اجتماع دانش‌آموزان است، باتوجه به این مقدار هم‌بستگی، طراحی دقیق و هوشمندانه فضاهای آموزشی می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا توانایی‌های شناختی خود در زمینه جهت‌یابی، آشنایی با موقعیت‌ها و توانایی‌های

فضایی را تقویت کنند. محیط‌هایی با فضاهای باز، راهروهای مناسب، تقسیم‌بندی‌های واضح و چیدمان اصولی می‌توانند در افزایش این مهارت‌ها مؤثر باشند.

مقدار هم‌بستگی $0/596$ متغیر مفاهیم زمان نشان می‌دهد که طراحی مطلوب فضای آموزشی (از جمله: نحوه مدیریت زمان‌بندی کلاس‌ها، نشانه‌های زمانی، برنامه‌ریزی روزانه در فضاهای آموزشی، و استفاده از ابزارهای کمک‌آموزشی برای مدیریت زمان)، می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا توانایی‌های خود در درک مفاهیم زمانی را تقویت کنند. این شامل مواردی به‌مانند آشنایی با زمان‌بندی، ترتیب و توالی کارها، و مدیریت زمان است، با توجه به این هم‌بستگی، توسعه طراحی فضاهایی که کمک به تمرکز و برنامه‌ریزی کنند، مثل ایجاد زمان‌بندی‌های مشخص، تابلوها و ابزارهای آموزشی مرتبط با زمان، می‌توانند تأثیر قابل‌توجهی بر مهارت‌های مفاهیم زمانی اجتماع دانش‌آموزان داشته باشند. برای مثال، وجود ساعت‌های دیواری، تقویم‌های بزرگ در کلاس و چیدمان مناسب برای یادگیری این مفاهیم می‌تواند باعث تقویت مهارت‌های زمانی در دانش‌آموزان شود، مقدار هم‌بستگی $0/405$ متغیر حافظه نشان‌دهنده یک رابطه مثبت متوسط بین توسعه طراحی فضای آموزشی و توانایی دانش‌آموزان در حفظ و بازیابی اطلاعات (حافظه)، است. این مقدار بیان می‌کند که بهبود طراحی محیط آموزشی می‌تواند به تقویت حافظه دانش‌آموزان کمک کند. هرچند این رابطه نسبتاً متوسط است، اما نشان می‌دهد که طراحی فضاهایی که به تقویت حافظه کمک می‌کنند، به‌مانند استفاده از تکنیک‌های بصری و طبقه‌بندی اطلاعات، می‌توانند نقش مثبتی در تقویت حافظه دانش‌آموزان ایفاء کند، این ارتباط نشان می‌دهد که فضاهای آموزشی طراحی شده با در نظر گرفتن اصولی که به تحریک حافظه کمک می‌کنند، به‌مثابه استفاده از ابزارهای بصری، رنگ‌بندی مناسب و فضاهایی که به تمرکز دانش‌آموزان کمک می‌کنند، می‌توانند در تقویت حافظه و بهبود عملکرد اجتماعی آن‌ها نقش داشته باشند و همچنین طراحی فضاهای آموزشی باید به‌گونه‌ای باشد که از عوامل مزاحم جلوگیری کند و بر تمرکز دانش‌آموزان تأثیر مثبت بگذارد. ایجاد فضاهایی با ساختار منظم و طراحی بصری مناسب، استفاده از رنگ‌ها و ابزارهای کمک‌آموزشی بصری مثل تابلوها و پوسته‌های آموزشی می‌تواند باعث تحریک حافظه و بهبود آن شود و دانش‌آموزان در چنین محیط‌هایی احتمالاً بهتر می‌توانند اطلاعات را به خاطر بسپارند و در مواقع نیاز آن‌ها را به یاد بیاورند، مقدار هم‌بستگی $0/411$ متغیر خواندن و نوشتن و حساب نشان‌دهنده یک رابطه مثبت متوسط به بالا بین طراحی فضای آموزشی و توانایی‌های دانش‌آموزان در توسعه مهارت‌های خواندن، نوشتن و حساب است. این مقدار بیانگر این است که طراحی بهتر فضای آموزشی می‌تواند بهبود مهارت‌های تحصیلی دانش‌آموزان در زمینه‌های خواندن، نوشتن و حساب را به همراه داشته باشد. بهبود این مهارت‌ها مستقیماً با کیفیت و نوع فضای آموزشی مرتبط است. طراحی فضاهای آموزشی که در آن تجهیزات مناسب و فضاهای خاص برای تمرین خواندن و نوشتن وجود دارد، می‌تواند نقش به‌سزایی در ارتقای این مهارت‌ها داشته باشد. همچنین استفاده از تابلوهای آموزشی،

نمایشگرها و ابزارهای دیجیتالی کمک می‌کند تا دانش‌آموزان به‌صورت مؤثرتری به فرهنگ یادگیری مفاهیم پایه تحصیلی بپردازند.

مقدار هم‌بستگی ۰/۱۲۳ متغیر درک از بدن خود نشان‌دهنده رابطه مثبت بسیار ضعیفی بین طراحی فضای آموزشی و درک بدن دانش‌آموزان است. این مقدار کم بیانگر این است که طراحی فضای آموزشی تأثیر چندانی بر این متغیر ندارد و این مهارت به عوامل دیگری، غیر از فضای فیزیکی محیط یادگیری، وابسته است، مقدار هم‌بستگی ۰/۶۹۸ نشان‌دهنده یک رابطه مثبت قوی بین طراحی فضای آموزشی و توانایی درک اشکال و فرم‌های بصری دانش‌آموزان است. این میزان بالای هم‌بستگی نشان می‌دهد که طراحی مناسب فضای آموزشی تأثیر مستقیمی بر توانایی دانش‌آموزان در تشخیص و درک اشکال بصری دارد، درک اشکال و فرم‌های بصری با چیدمان فضایی، طراحی گرافیکی کلاس‌ها، رنگ‌ها و الگوهای بصری موجود در محیط ارتباط نزدیکی دارد. طراحی محیط آموزشی که از لحاظ بصری غنی باشد، می‌تواند مهارت‌های بصری و اجتماعی دانش‌آموزان را تقویت کند و توانایی آن‌ها در تفکیک و شناسایی اشکال را بهبود بخشد، مقدار هم‌بستگی ۰/۱۰۱ نشان‌دهنده رابطه بسیار ضعیفی بین طراحی فضای آموزشی و درک زبان گفتاری دانش‌آموزان است. این مقدار پایین بیانگر این است که طراحی محیط آموزشی نقش کمی در توانایی دانش‌آموزان برای درک زبان گفتاری دارد درک زبان گفتاری بیشتر به تعاملات اجتماعی و کیفیت آموزش معلمان مرتبط است تا طراحی فیزیکی محیط آموزشی. به‌عبارتی، عناصر زبانی و شنیداری بیشتر از فضای فیزیکی تأثیر می‌پذیرند و طراحی محیط آموزشی تأثیر کمی در تقویت این مهارت دارد، مقدار هم‌بستگی ۰/۰۹۵ نیز نشان‌دهنده رابطه بسیار ضعیفی بین طراحی فضای آموزشی و توانایی زبان‌رسانان دانش‌آموزان است. این عدد پایین نشان می‌دهد که فضای فیزیکی تأثیر چندانی بر مهارت زبان‌رسانان (توانایی بیان نظرات و احساسات به‌صورت واضح و مؤثر)، ندارد، زبان‌رسانان بیشتر تحت تأثیر عواملی به‌مانند تعاملات اجتماعی، تربیت زبانی و آموزش مستقیم قرار دارد و فضای فیزیکی نقش کمی در تقویت این مهارت دارد. ازسویی، دانش‌آموزان با تمرین‌های کلامی و مشارکت در فعالیت‌های زبانی می‌توانند این مهارت را تقویت کنند، درحالی‌که محیط فیزیکی تنها نقش حاشیه‌ای ایفاء می‌کند. مقدار هم‌بستگی ۰/۵۱۱ نشان‌دهنده یک رابطه مثبت متوسط بین طراحی فضای آموزشی و توانایی ارتباط کلامی دانش‌آموزان است. این مقدار نشان می‌دهد که فضای آموزشی می‌تواند بر بهبود ارتباط کلامی دانش‌آموزان تأثیرگذار باشد، اگرچه این تأثیر به اندازه متغیرهای دیگر (مثل درک اشکال)، قوی نیست، ارتباط کلامی شامل توانایی دانش‌آموزان در برقراری مکالمات و تبادل اطلاعات به‌صورت مؤثر است. طراحی فضای آموزشی که تعاملات اجتماعی و کلامی را تسهیل کند (مثل فضاهای باز برای بحث و گفت‌وگو، چیدمان صندلی‌ها به‌گونه‌ای که دانش‌آموزان بتوانند به‌راحتی با یکدیگر تعامل کنند)، می‌تواند به تقویت این مهارت کمک کند. اما همچنان، سایر عوامل به‌مانند روش‌های تدریس و فرصت‌های ارتباطی داخل و خارج از کلاس نقش بیشتری در بهبود این مهارت دارند.

۵- نتیجه‌گیری

باتمركزبر بررسی پژوهش‌های متعدد در زمینه تأثیر توسعه طراحی فضای آموزشی بر رفتارهای دانش‌آموزان، مشخص شد که بیشتر پژوهشگران بر تأثیر مؤلفه‌های طراحی بر رفتار انسان باتأکیدبر فرهنگ و مسائل اجتماعی توافق دارند. به طوری که، مطالعات پیشین اغلب به جنبه‌های خاصی از رفتار، بهمانند مهارت‌های حرکتی و یادگیری، محدود شده‌اند. در پژوهش حاضر تلاش شده است تا با رویکردی جامع‌تر، تأثیر طراحی فضای آموزشی بر طیف وسیع‌تری از مهارت‌های شناختی و ارتباطی دانش‌آموزان موردتبیین قرار گیرد تا درک بهتری از نحوه اثرگذاری طراحی محیط بر رفتار و توانایی‌های مختلف اجتماع دانش‌آموزان به دست آید، نتایج حاصل از تحلیل ارتباط میان مشخصه‌های کالبدی فضای آموزشی و الگوهای رفتاری دانش‌آموزان با مؤلفه‌های مدنظر پژوهش در ۴ مدرسه با طراحی‌های متفاوت در شهر شیراز نشان‌دهنده اختلافات معناداری میان میانگین‌های این مؤلفه‌ها بود. طبق نتایج آزمون تعقیبی، میانگین مهارت‌های اجتماعی و کلامی مثبت دانش‌آموزان در مدرسه سوزنده‌فر بالاتر از سایر مدارس بود، درحالی که میانگین مهارتی دانش‌آموزان در مدرسه فسایی‌نژاد پایین‌تر از دیگر مدارس موردتوجه قرار گرفت. یکی از دلایل اصلی این اختلافات به زمان ساخت متفاوت این مدارس و الگوهای طراحی آن‌ها در زمان ساخت مربوط می‌شود. مدرسه محمد حسابی که در سال ۱۳۹۴ خورشیدی، ساخته شده است، با استفاده از الگوهای طراحی مدرن و به‌روزتر، شامل فضای بیشتر برای فعالیت‌های بدنی، تعاملات اجتماعی، تفکیک بهینه حیاط و طراحی کلاس‌ها با چیدمان و رنگ‌آمیزی مناسب‌تر، توانسته است انطباق بیشتری با نیازها و الگوهای رفتاری دانش‌آموزان داشته باشد. در مقابل، مدرسه فسایی‌نژاد که در سال ۱۳۶۱ خورشیدی ساخته شده، از الگوهای قدیمی‌تر طراحی بهره می‌برد و از لحاظ انطباق با مؤلفه‌های رفتاری دانش‌آموزان ضعیف‌تر عمل کرده است. براساس آزمون هم‌بستگی میان متغیرهای پژوهش مشخص شده که میان تمامی متغیرها با نوع طراحی فضای آموزشی ارتباط معناداری وجود دارد، طراحی فضای آموزشی تأثیر قابل‌توجهی بر مهارت‌های بصری دانش‌آموزان دارد. مقدار هم‌بستگی قوی (۰/۶۹۸)، بین طراحی فضا و درک اشکال نشان می‌دهد که محیط‌های بصری مناسب می‌توانند به توسعه توانایی تفکیک و درک اشکال در دانش‌آموزان کمک کنند. طراحی محیطی که از لحاظ بصری غنی و جذاب باشد، می‌تواند این مهارت را بهبود بخشد و دانش‌آموزان را در درک بهتر مفاهیم بصری یاری کند. نتایج نشان داد که مؤلفه‌هایی بهمانند «مفاهیم زمان» (۰/۵۹۶)، و «فضا و جهت» (۰/۵۶۲)، نیز به‌طور معناداری تحت تأثیر طراحی فضای آموزشی قرار دارند. این مهارت‌ها به‌درک درست از زمان و موقعیت‌های فضایی وابسته‌اند و طراحی محیطی که امکان تجربه و تعامل با این مفاهیم را فراهم کند، تأثیر مثبتی بر این توانایی‌ها دارد. رابطه مثبت میان توسعه طراحی فضا و مهارت‌های حافظه (۰/۴۰۵)، و «خواندن و نوشتن و حساب» (۰/۴۱۱)، نشان می‌دهد که طراحی فیزیکی محیط می‌تواند یادگیری مفاهیم پایه تحصیلی را تسهیل کند. هرچند این ارتباط نسبت به سایر مهارت‌ها کمتر است، اما همچنان طراحی مناسب می‌تواند به تمرکز بیشتر و یادگیری بهتر در

اجتماع کمک کند. یکی از مهمترین مؤلفه‌های ارتباطی، تعاملات اجتماعی «ارتباط کلامی»، با مقدار هم‌بستگی (۰/۵۱۱)، بود. این نشان می‌دهد که طراحی فضایی که امکان تبادل نظر و تعاملات اجتماعی را فراهم کند، به بهبود این مهارت کمک می‌کند. با این حال، این تأثیر متوسط است و عواملی به مانند روش‌های تدریس و فرصت‌های ارتباطی خارج از محیط آموزشی نیز بر این مهارت مؤثرند، تأثیر طراحی فضای آموزشی بر «درک زبان گفتاری» (۰/۱۰۱)، و «زبان رسا» (۰/۰۹۵)، نسبتاً ضعیف است. این نتایج نشان می‌دهد که این مهارت‌ها بیشتر تحت تأثیر تعاملات اجتماعی، روش‌های آموزشی و محتواهای زبانی قرار دارند تا طراحی فیزیکی محیط. هم‌بستگی بسیار ضعیف (۰/۱۲۳)، میان طراحی فضا و «درک بدن خود»، بیانگر این است که فضای آموزشی نقش کمی در توسعه این مهارت دارد. این مهارت بیشتر به فعالیت‌های فیزیکی و ورزشی وابسته است تا ساختار محیط یادگیری. به‌طور کلی، می‌توان داشت که طراحی فضای آموزشی تأثیر مثبتی بر توسعه برخی مهارت‌های شناختی و ارتباطی دانش‌آموزان دارد. محیط‌های آموزشی که از لحاظ بصری جذاب و فضایی انعطاف‌پذیر هستند، می‌توانند در تقویت مهارت‌های بصری و شناختی همچون درک اشکال، فضا و جهت و مفاهیم زمان مؤثر باشند. همچنین، طراحی فضاهای تعاملی می‌تواند به بهبود ارتباط کلامی دانش‌آموزان کمک کند. با این حال، برخی از مهارت‌ها به مانند زبان رسا، درک زبان گفتاری و درک بدن به عوامل دیگر، نظیر روش‌های آموزشی و فعالیت‌های بدنی وابسته‌تر هستند. در نتیجه، این پژوهش نشان داد که توجه به طراحی فضای آموزشی می‌تواند به‌طور معناداری در توسعه ارتقای مهارت‌های شناختی و ارتباطی دانش‌آموزان مؤثر باشد و پیشنهاد می‌شود طراحان محیط‌های آموزشی، به‌ویژه در مدارس ابتدایی، با تأکید بر فرهنگ و مسائل اجتماعی به این ابعاد طراحی اهمیت بیشتری دهند.

۶- پی‌نوشت‌ها

1. John Dewey
2. Maria Montessori
3. Howard Gardner
4. Christopher Alexander
5. Peter Barrett
6. Lev Vygotsky
7. Jean Piaget
8. David Kolb
9. Robert Marzano
10. Rudolf Arnheim

منابع

- اسکندری، آناهیتا. معتضدیان، فهیمه. میرزا کوچک خوشنویس، احمد. ۱۴۰۲ الف. *مشارکت اجتماعی کودکان در مدل کیفی طراحی فضای فرهنگی و آموزشی گروهی*، راهکارها و چالش‌ها، فصلنامه علمی پژوهشی-تغییرات اجتماعی-فرهنگی، دوره ۲۲، شماره ۴؛ (پیاپی ۷۹)، ۱۴۲-۱۲۲.

- اسکندری، آناهیتا. معتضدیان، فهیمه. میرزا کوچک خوشنویس، احمد. ۱۴۰۲. ب. *آموزش معماری، توسعه مهارت‌های فکری و شناختی کودکان پیش دبستانی*، دوفصلنامه علمی پژوهشی-مطالعات بین‌رشته‌ای در تعالی معماری و شهرسازی، دوره ۲، شماره ۲، ۱۴۸-۱۳۵.
- اسکندری، آناهیتا. معتضدیان، فهیمه. میرزا کوچک خوشنویس، احمد. ۱۴۰۲. ج. *رهیافت مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی هنر معماری در فضای آموزشی همکاری محور از منظر کودکان پیش دبستانی*، فصلنامه علمی پژوهشی-بنیان‌های حکمی فلسفی هنر ایرانی، دوره ۲، شماره ۳، ۲۵۶-۲۴۳.
- تورتون، استفانی، برونر، کریستوفر جی. ۱۳۸۶. *رشد شناختی کودکان (بررسی انتقادی دیدگاه پیاژه)*، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- حق‌پرست، فرزین، سروش، مژده. ۱۳۹۷. *آموزش مفاهیم مرتبط با معماری پایدار در نظام آموزش ابتدایی با نمایان شدن در معماری مدارس*، فصلنامه علمی تخصصی-معماری سبز، دوره ۴ شماره ۱۰، ۶۷-۵۹.
- دبده، محمد. ۱۴۰۰. *طراحی براساس ادراک و رفتار انسانی*، انتشارات طحان گستر، چاپ اول، تهران.
- دبده، محمد، صدیق، مرتضی. رضوان‌پناه، مجید. شاطری‌ایقان، امید. یزدان‌پناه عبدالملکی، پریسا. ۱۴۰۱. الف. *فرایند رهیافت‌های ارتقاء آفرینش‌گری کودکان در محیط طراحی بر تحولات به‌عمل آمده در آینده*، دومین کنفرانس بین‌المللی معماری، عمران، شهرسازی، محیط‌زیست و افق‌های هنر اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب، تبریز-ایران، ۱۱-۱.
- دبده، محمد، صدیق، مرتضی. رضوان‌پناه، مجید. یزدان‌پناه عبدالملکی، پریسا. شاطری‌ایقان، امید. ۱۴۰۱. ب. *رابطه روان‌شناسی-روان‌شناختی کودکان در محیط طراحی (مطالعه موردی: فضاهای آموزشی)*، دومین کنفرانس بین‌المللی معماری، عمران، شهرسازی، محیط‌زیست و افق‌های هنر اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب، تبریز-ایران، ۱۰-۱.
- شاهچراغی، آزاده. بندرآباد، علیرضا. ۱۴۰۰. *محاط در محیط: کاربرد روان‌شناسی محیطی در معماری و شهرسازی*، ویراستار: گیتی سبزواری، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سازمان جهاد دانشگاهی تهران.
- شکوهی‌اصل، زینب. ۱۳۹۷. *روان‌شناسی رنگ و یادگیری کودکان*، چاپ اول، تهران: انتشارات آریا دانش.
- فیشر، رابرت. ۱۳۸۷. *آموزش تفکر به کودکان*، ترجمه: مسعود صفایی‌مقدم و افسانه نجاریان، ویراستار: علی اصلانی، چاپ دوم، تهران: انتشارات رسش.
- لطف‌عطا، آیناز. ۱۳۸۷. *تأثیر عوامل محیطی بر یادگیری و رفتار در محیط‌های آموزشی (ابتدایی) در شهر*، دوفصلنامه علمی پژوهشی-مدیریت شهری، شماره ۲۱، ۹۰-۷۳.
- موحدی، یزدان. ۱۳۹۷. *تأثیر طراحی بهینه فضای آموزشی بر ارتقای خلاقیت*، فصلنامه علمی پژوهشی-فناوری آموزش، دوره ۱۳، شماره ۲، ۳۸۵-۳۸۰.
- Brito, Natalie H. 2017. *Influence Of The Home Linguistic Environment On Early Language Development*, Journal Of Policy Insights From The Behavioral And Brain Sciences, 4(2), 155-162.
- Friedman, Naomi P., Robbins, Trevor W. 2022. *The Role Of Prefrontal Cortex In Cognitive Control And Executive Function*, Journal Of Neuropsychopharmacology, 47(1), 72-89.

- Rakesh, Divyangana, Whittle, Sarah. 2021. *Socioeconomic Status And The Developing Brain—A Systematic Review Of Neuroimaging Findings In Youth*, Journal Of Neuroscience And Biobehavioral Reviews, 130(1), 379-407.
- Sosyal Altugan, Arzu. 2015. *The Relationship Between Cultural Identity And Learning*, Journal Of Procedia-Social and Behavioral Sciences, 186(1), 1159-1162.
- Tabaieian, Seyedeh Marzieh. Einifar, Alireza. 2011. *A Study Of the Perspectives Of Architecturale And Environmental Psychology (Theoreticians and Psychologists)*, International Journal Of Architecture And Urban Development, 1(1), 27-32.



Evaluating The Spatial Quality Of Traditional And Contemporary Markets From Users' Perspective With A Socio-Cultural Approach (Case Study: Traditional Bazaar And Iran Mall, Tehran)

Elmira Saaveh¹, Mohammadreza Pakdel Fard^{2}, Hasan Sattari Sarbangholi³*

(Received Date: 2024/12/10 - Accepted Date: 2025/02/03)

Abstract

Spatial quality reflects the physical compatibility of people with their environment, their emotions and perceptions of space, and ultimately their satisfaction with different dimensions of the space. Considering the impact of spatial quality on emotions, as well as the functional desirability and vitality of space from a socio-cultural perspective, this research evaluates the spatial quality of Tehran's traditional bazaar and Iran Mall based on user perceptions. The research method is mixed (qualitative-quantitative), with an applied approach and a descriptive-analytical nature. For data analysis, the qualitative matrix "PPS", and structural equation modeling using "AMOS", software were employed. The findings show that in the traditional bazaar of Tehran, the highest feasibility among the factors explaining spatial quality is associated with sense and attachment to space (0.83), visual connectivity (0.79), inclusiveness (0.74), aesthetics (0.72), and attractiveness (0.68). In Iran Mall, the highest feasibility is linked to security (0.74), permeability and accessibility (0.72), functional diversity (0.69), mixed-use development (0.63), and inclusiveness (0/68). Specifically, the model results indicate that the critical value for all major variables in Tehran's traditional bazaar is significant at the 95% confidence level. In Iran Mall, only the use and activity variable has a critical value above 1.96, while three other variables—comfort and image quality, accessibility and connectivity, and sociability—are not in a favorable state.

Keywords: Spatial Quality, User Perceptions, Socio-Cultural, Traditional Bazaar, And Iran Mall, Tehran

* This Article Is Extracted From The Doctoral Thesis Of 'Elmira Saaveh', Titled "*Exploring The Interconnection Between Spatial Structure And Behavioral Patterns In Traditional Bazaars And Iran Mall In Tehran*", Under The Supervision Of 'Dr. Mohammadreza Pakdel Fard', & Advisory Of 'Dr. Hasan Sattari Sarbangholi'.

¹Ph.D. Student In Architecture, Architecture Department, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. Elmiraasaaveh@gmail.com

² Associate Professor Of Architecture & Urban Planning Department, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. (Corresponding Author: m.pakdelfard@srbiau.ac.ir)

³ Associate Professor Of Architecture & Urban Planning Department, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. sattari@iaut.ac.ir

ارزیابی کیفیت فضایی بازارهای سنتی و معاصر از دیدگاه کاربران با رویکردی اجتماعی-فرهنگی (مورد پژوهی: بازار سنتی و ایران مال تهران)

المیرا صعوه^۱، محمدرضا پاکدل فرد^{۲*}، حسن ستاری ساریانقلی^۳
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵)

چکیده

کیفیت فضایی مفهومی است که سازگاری فیزیکی مردم با محیط، احساسات و ادراکات کاربران از فضا و در نهایت سطح رضایت‌مندی از ابعاد مختلف فضا را نشان می‌دهد. باتوجه به تأثیر کیفیت فضا بر احساسات مردم و همچنین مطلوبیت عملکردی و سرزندگی فضا با رویکردی اجتماعی-فرهنگی، تحقیق حاضر باهدف ارزیابی کیفیت فضایی بازار سنتی و ایران مال تهران بر مبنای ادراکات و دیدگاه کاربران نگارش شده است. روش تحقیق در مطالعه حاضر آمیخته از (کیفی-کمی)، باتبیین کاربردی و ماهیت توصیفی-تحلیلی می‌باشد. در راستای تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از ماتریس کیفی "PPS"، و مدل سازی معادلات ساختاری در نرم‌افزار "AMOS"، استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بیشترین تحقق‌پذیری در بین عوامل تبیین‌کننده کیفیت فضایی در بازار سنتی تهران مربوط به متغیرهای حس و تعلق به فضا، گسترش ارتباط بصری فضاها، همه‌شمولی، زیبایی‌شناختی و جذابیت به ترتیب با ارزش ۰/۸۳، ۰/۷۹، ۰/۷۴، ۰/۷۲ و ۰/۶۸ می‌باشد. در بازار ایران مال تهران نیز بیشترین تحقق‌پذیری مربوط به متغیرهای امنیت، نفوذپذیری و دسترس، تنوع عملکردها، اختلاط کاربری‌ها و همه‌شمولی به ترتیب با ارزش ۰/۷۴، ۰/۷۲، ۰/۶۹، ۰/۶۳ و ۰/۶۸ است. به‌طور مشخص، نتایج مدل مقدار بحرانی برای تمامی متغیرهای اصلی در بازار سنتی تهران در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار می‌باشد. در بازار ایران مال تنها متغیر کاربری و فعالیت دارای مقدار بحرانی بالای ۱/۹۶ بوده و ۳ متغیر دیگر یعنی کیفیت راحتی و تصویر، دسترسی و پیوند و جامعه‌پذیری در وضعیت مطلوبی نمی‌باشند.

واژگان کلیدی: کیفیت فضایی، ادراکات کاربران، اجتماعی-فرهنگی، بازار سنتی و ایران مال تهران.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «المیرا صعوه»، با عنوان «تبیین رابطه همپوند ساختار فضایی و الگوی رفتار افراد در بازار سنتی و ایران مال در تهران»، است که به راهنمایی «دکتر محمدرضا پاکدل فرد»، و مشاوره «دکتر حسن ستاری ساریانقلی»، استخراج شده است.

Elmiraasaaveh@gmail.com
m.pakdelfard@srbiau.ac.ir
sattari@iaut.ac.ir

۱ دانشجوی دکتری تخصصی معماری، گروه معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.
۲* دانشیار گروه معماری و شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول):
۳ دانشیار گروه معماری و شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۱- مقدمه

کیفیت فضایی به سازگاری فیزیکی محیط با مردم و احساس مردم نسبت به ساخت و ساز اشاره دارد که نشان‌دهنده تناسب عناصر مختلف فضا برای جمعیت و توسعه اجتماعی-فرهنگی با رویکرد اقتصادی است (Tanel, 2013: 57). همچنین کیفیت فضایی نه تنها عملکرد مکان و فضا را بهبود می‌بخشد (Urban, 2015: 27)، بلکه تأثیر مهمی بر رفتار و شناخت کاربران دارد (Schmidt & Nemeth, 2010: 454). به عبارتی کیفیت فضایی بر احساسات مردم نسبت به محیط اطراف به روش‌های مستقیم و غیرمستقیم تأثیر می‌گذارد (Gerike et al., 2021: 2). در شناسایی کیفیت فضایی ابعاد مختلفی بایستی مورد ارزیابی قرار گیرد. در این راستا، ژائو/یکس^۱ و دیگران (۲۰۲۰ میلادی)، به ارزیابی کیفیت فضایی مبتنی بر احساسات ذهنی، هیو جی^۲ و دیگران (۲۰۲۳ میلادی)، بر بُعد زیبایی‌شناختی، هرستین جی^۳ (۲۰۰۵ میلادی)، بر بُعد روانی-فیزیکی، کوتی تی^۴ و دیگران (۲۰۱۸ میلادی)، بر عناصر عینی و عملکردها (فعالیت‌های انسانی)، و سوتی پی^۵ و دیگران (۲۰۲۰ میلادی)، رابرت جی^۶ (۲۰۱۸ میلادی)، و پیستونی ام^۷ و بونین جی^۸ (۲۰۱۷ میلادی)، بر ادراک ذهنی ناشی از برنامه‌ریزی و طراحی منظر تأکید داشته‌اند. بدین‌سان، می‌توان گفت که کیفیت فضایی یک مفهومی چندبُعدی است. همچنین بررسی کیفیت محیط‌های کنونی و مقایسه کردن با نظریه‌های کیفیت فضایی طراحی و برنامه‌ریزی شهری، راهی است که می‌تواند منجر به داشتن فضاهای شهری مناسب‌تری منجر شود (Idziorek, Chalana, 2019: 321). کیفیت‌هایی که از طریق ادراکات کاربران و اطلاعات ارسالی آن‌ها از فضاها در ابعاد مختلفی همچون فرم، عملکرد، معنای فضا، اطلاعات کالبدی و منظر قابل ارزیابی است (Pafka, Dovey, Aschwanden, 2018: 509).

باتوجه به اهمیت سنجش کیفیت فضایی در محیط‌های مختلف به‌مثابه نظریه‌های کیفیت فضایی طراحی و برنامه‌ریزی شهری و همچنین بهره‌مندی از ادراکات کاربران (مخاطبان)، در این زمینه، تحقیق حاضر باهدف ارزیابی کیفیت فضایی بازارسنتی و بازار ایران‌مال تهران از دیدگاه کاربران با رویکردی اجتماعی-فرهنگی نگارش شده است. در راستای محدوده‌های مورد مطالعه می‌توان گفت که بازارسنتی تهران نبض تپنده پایتخت است. این بازار در چهارراه گلوبندک، تقاطع خیابان ۱۵ خرداد و خیابان خیام تهران واقع شده و مهمترین مرکز تجارت و خرید و فروش انواع کالا به صورت تک و عمده به‌شمار می‌رود. ساخت بازار بزرگ تهران به دوران صفویه برمی‌گردد، اما در دوران قاجار ساخت آن تکمیل شد. بازار فرش فروش‌ها، بازار مسگران، بازار ۴۰ تن و بازار آهنگران از جمله قدیمی‌ترین بخش‌های بازار بزرگ تهران

¹ Zhao X² Hyu J³ Herstein G⁴ Kotet T⁵ Sonti P⁶ Robert J⁷ Pistoni M⁸ Bonin G

هستند. علاوه بر سبک معماری بازار که بسیار تاریخی و دیدنی است، بناهای تاریخی نیز به مانند مسجد امام و مسجد جامع در این بازار به چشم می‌خورند. بازار بزرگ تهران را راهروهای پیچ‌درپیچ، راسته‌ها، تیمچه‌ها و هواکش‌های سقفی زیبایش بی‌همتا و زیبا کرده است. باتوجه به حضور پررنگ جمعیت در این فضا و عملکردهای مختلف آن در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، تبیین رابطه همپوند ساختار فضایی و رفتار افراد و شناخت الگوهای موجود می‌تواند به طراحان و معماران ایده‌های نوینی در راستای ارتقاء ساختار فضایی ارائه دهد. همچنین ایران مال یا بازار بزرگ ایران واقع در منطقه ۲۲ تهران، یکی از مراکز تجاری مهم کشور است که علاوه بر فروشگاه‌های متعدد، امکانات رفاهی و تفریحی متنوعی همچون شهر بازی، پردیس سینمایی، مجموعه ورزشی و هتل نیز دارد. از جاهای دیدنی ایران مال می‌توان به مسجد جامع، باغ ماهان، باغ دیدار، تیمچه سنتی، کتابخانه، تالار آینه، ایوان اشراق، شربت‌خانه، پاتیناژ ایران مال و باغ‌رستوران ملل اشاره کرد. یکی از جاذبه‌های خاص ایران مال، بازار سنتی یا تیمچه حاج علی اکبر است که با الهام از بازارهای تاریخی ایران همچون بازار تبریز و اصفهان ساخته شده است (دبده و دیگران، ۱۴۰۲: ۳۷-۵۴). این بخش از مجموعه به فروش سوغات و صنایع دستی ایرانی از جمله فرش، میناکاری، و خاتم‌کاری اختصاص دارد. یکی دیگر از جاذبه‌های مهم این بازار، باغ ماهان یا باغ ایرانی ایران مال تهران است که با الهام از باغ شازده‌ماهان کرمان ساخته شده است.

۲- چارچوب تحقیق - (مبانی نظری / پیشینه پژوهش)

۲-۱- مبانی نظری

مفهوم کیفیت فضایی زیرمجموعه‌ای از مقوله «کیفیت فضای شهری»، است و درارتباط با شکل، فرم و ساختار شهر و فضای شهری قرار می‌گیرد و به واسطه عواملی چون نحوه چیدمان، سلسله‌مراتب و ارتباطات میان فضاهای شهری تعریف می‌شود و در رابطه مستقیم با کارایی و عملکرد فضای شهری قرار می‌گیرد (سلطانی فرد، صابری کاریزی، ۱۳۹۷: ۳۹). کیفیت‌های فضایی، کیفیت‌های توپولوژیک فضا می‌باشند، بدین معنا که وابسته به هندسه فضا نبوده، بلکه وابسته به مناسباتی هستند که از روابط هندسی ناشی می‌گردند به مانند نحوه مجاورت عناصر، ترتیب آن‌ها، جدایی، محاط‌شدگی، پیوستگی و غیره. در یک دیدگاه کلی، کیفیت‌هایی فضایی به دسته کیفیت پیوستگی فضایی، نفوذپذیری، انسجام فضایی، خوانایی و قابلیت دسترسی قابل تقسیم‌بندی است.

❖ **کیفیت پیوستگی فضایی:** ویژگی پیوستگی فضایی در معماری و شهرسازی، در تمامی مقیاس‌ها از خانه تا محله و سپس تمامیت شهر نمود می‌یابد (گلستانی و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۱). اصل پیوستگی فضایی به مثابه مفصل، مکانی را به مکان دیگر متصل یا جدا می‌کند و موجب اتصال و پیوستگی کالبدی فضاها با یکدیگر است (میرزایی، ۱۳۹۴: ۲). به طور کلی پیوستگی فضایی به ۳ زیرمجموعه «پیوستگی بصری»، «پیوستگی ساختاری»، و «پیوستگی بصری-ساختاری»، قابل تقسیم است: (۱) پیوستگی بصری (شفافیت)؛ گسترش ارتباط بصری فضاها از طریق اضمحلال جداره‌ها به کمک

سَبک سازی. ۲) پیوستگی ساختاری (تداوم فضا): تبدیل تدریجی و پیوسته فضایی به فضای دیگر و عدم روبه‌روی با قطع فضایی به کمک مفاصل و گذرها. و ۳) پیوستگی بصری-ساختاری (۵ شایشی): شکل‌گیری فضاهایی نو یک هسته مرکزی، عقب‌نشینی جداره‌ها و بسط هندسی فضا. بدین صورت که مرز میان ۲ فضا از میان رفته و ضمن ادغام حداکثری، بیشترین میزان شفافیت نیز حاصل می‌گردد.

❖ **کیفیت نفوذپذیری:** نفوذپذیری از جمله موضوعاتی است که طراح شهری سعی دارد تا با پرداختن به آن ضمن تحقق بخشیدن به اهداف خود، به ارتقاء کیفیت محیط نیز کمک نماید و می‌تواند بر امکان رفتن یا رفتن کاربران محیط از فضایی به فضایی دیگر تأثیر بگذارد (Johnson, Bowers, 2010: 91). در تعریف نفوذپذیری، باید آن را به‌عنوان حدی از قدرت انتخاب که یک محیط به مردم می‌دهد تا بدان طریق از مکانی به مکان دیگر بروند، بیان داشت و آن به‌عنوان یک شاخص محوری در محیط مطرح می‌شود گرچه نفوذپذیری و دسترسی مستقل از هم نیستند و شاید نفوذپذیری جزئی از دسترسی پنداشته شود (بتلی، ۱۳۹۸: ۵۳)، باین‌حال محوریت بررسی در نفوذپذیری؛ بافت‌های شهری و در دسترسی؛ انسان یا پدیده دسترسی‌گیرنده است (Marshall, 2005: 21).

❖ **کیفیت انسجام فضایی:** انسجام فضایی همواره از اساسی‌ترین کیفیت‌های ساختاری و از اصول و مفاهیم محوری در شهرها بوده است. شبکه منسجم فضاهای شهری، ساختار یکپارچه سازمان فضایی یک شهر یا مجموعه را نشان می‌دهد که در آن نه تنها پیوند و اتصال فرم و عملکرد فضاها مدنظر است، بلکه معنا نیز جایگاه خود را در ل یک سیستم پیچیده شهری پیدا می‌کند. جهت ایجاد انسجام بین فضاهای شهری و یا فضای شهری با کل پیچیده خود، شاخصه‌های انسجام فضایی باید به‌کار گرفته شود که عبارتند از: تخلخل، خوانایی مرزها، امتزاج، تنوع و گوناگونی، پیوستگی، سازمان‌دهی، سلسله‌مراتب، وابستگی درونی، تجربه‌پذیری و میزان اتصالات (روشنی و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۶).

❖ **کیفیت خوانایی:** خوانایی کیفیتی از محیط است که موجب وضوح بخشیدن به فضای شهری شده و باعث می‌شود که سیمای شهر بهتر به ذهن سپرده شود و قابلیت درک محیط توسط کاربر را بیان می‌کند (بی‌نیاز، حنایی، ۱۳۹۶: ۱۹). از منظر صاحب‌نظران خوانایی اصل اساسی در طراحی شهری است که مشخص می‌کند چگونه محیط شهری ساخته شده سازمان‌دهی شود تا تصویر ذهنی، یکپارچگی و نمایانی بافت برقرار گردد. همچنین کیفیت خوانایی وابسته به وضوح، ادراک سادگی، پیوستگی، وحدت و توانایی درک تمامی این کیفیت‌ها در یک ساختار است (Mahdzar, Safari, 2014: 2).

❖ **کیفیت دسترسی:** قابلیت دسترسی ملموس‌ترین شکل از کیفیت فضایی است که کاهش کیفیت انسجام فضایی در مقیاس کل و محلی، قابلیت دسترسی به فضا و نحوه رسیدن به آن را به‌طرز چشمگیری کاهش می‌دهد (سلطانی‌فرد، صابری‌کاریزی، ۱۳۹۷: ۳۲). از طرفی قابلیت دسترسی به فضاهای شهری به ابعاد مختلفی از جمله بعد هندسی شهر یا نوع فضای شهری مرتبط می‌باشد

(Nicholls, 2001: 202). یک فضای شهری باید برای تمامی افراد با هر سطح درآمد و پایگاه اجتماعی و با هر محدودیت فیزیکی، در دسترس باشد (دبده و دیگران، ۱۴۰۳: ۲۳۵-۲۱۳). این فضاها بایستی طوری باشند که به طور مساوی مورد استفاده کاربران آن قرار گیرند (Harnik, 2003: 19). همچنین فضایی در دیدگاه صاحب نظران مختلف و در ابعاد و ویژگی‌های گوناگون و متعدد مطرح شده است. خان^۱ و دیگران (۲۰۱۳ میلادی)؛ کیفیت فضایی را مفهومی چندبعدی و به عبارتی تجربه‌گرا عنوان کرده‌اند که دارای ویژگی‌هایی «راحتی»، «مقیاس انسانی»، «تنوع»، «پیچیدگی»، «همه‌شمولی»، «معنادای»، «فهم‌پذیری»، «پیوند و انسجام»، «سازگاری»، «ایمنی و امنیت»، «شفافیت» و «رمز و راز». کرمونا^۲ (۲۰۱۴ میلادی)؛ عوامل تأثیرگذار بر کیفیت فضایی را به بُعد تقسیم کرده شامل ریخت‌شناسی (به‌مانند الگوی کالبدی و معابر)، ادراکی (مثل تصویر ذهنی)، اجتماعی (با کیفیاتی مانند همه‌شمول بودن فضا)، بصری (همانند کیفیت‌های زیبایی‌شناختی)، عملکردی (مثل اختلاط کاربری‌ها) و زمان می‌باشند. کزلوا و کزلوا^۳ (۲۰۱۸ میلادی)، کیفیت فضایی را با ۱۰ شاخص کیفی قابل سنجش می‌داند که عبارت‌انداز: «ایمنی»، «مقیاس انسانی»، «قانونی بودن»، «استمرار پذیری»، «انعطاف‌پذیری»، «تعامل‌پذیری»، «هویت»، «طرح اولیه»، «چندعملکردی» و «قابلیت سکونت». در این بین، یکی از رویکردهای جامع سنجش کیفیت فضایی، «PPS» می‌باشد. این رویکرد، فضاها را از نظر دسترسی و پیوندها، راحتی و تصویر، کاربری و فعالیت‌ها و مفاهیم جامعه‌پذیری ارزیابی می‌کند و در آن کیفیت فضاها به‌عنوان یک محیط فرهنگی-اجتماعی براساس حرکت کاربر و پیامدهای آن درک می‌شود (PPS, 2019: 2). در این رویکرد سنجش کیفیت فضاها به ۲ صورت انجام می‌شود، یک رویکرد عینی مبتنی بر شاخص‌های قابل مشاهده و اندازه‌گیری و یک رویکرد ذهنی ادراک کاربران فضا (حسینی‌کیا و دیگران، ۱۴۰۳: ۸۳). باتوجه به جامعیت رویکرد «PPS»، در سنجش کیفیت فضایی بادر نظرگیری دیدگاه‌ها و نظریات مختلف و همچنین بهره‌مندی از روش آمیخته (کیفی-کمی)، رویکرد حاکم بر تحقیق حاضر «PPS» می‌باشد.

۲-۲- پیشینه پژوهش

طی سالیان اخیر، در راستای کیفیت فضایی مطالعات و پژوهش‌های مختلفی در حوزه معماری، طراحی شهری و شهرسازی انجام گرفته است. بررسی پیشینه در این زمینه نشان می‌دهد که عدم بررسی رویکرد سنتی و معاصر در کیفیت فضایی خلأ پژوهش‌های گذشته و جنبش‌های اجتماعی و نوآوری پژوهش حاضر تلقی می‌گردد. رضا سامه، در مطالعه‌ای تحت عنوان «تأملی بر مفهوم «کیفیت»، در معماری»؛ به این نتایج دست یافته است که مفهوم متداول «کیفیت»، در معماری را در ۳ سته (کیفیت ساختاری و عملکردی)، (کیفیت محیطی و فضایی)، و نیز سطحی مو سوم به (کیفیت بی‌نام)، در ادبیات موضوع مشاهده کرد که

¹ Khan

² Carmona

³ Koslova & Koslov

در یک جمع‌بندی معماری در ۴ ساحت به جست‌وجوی کیفیت خواهد پرداخت: معماری به دنبال ایجاد کیفیت کالبدی، معماری در پی احراز کیفیت محیطی، معماری در اندیشه ارتقای کیفیت فضایی و معماری در خدمت اعتلای کیفیت معنایی (سامه، ۱۳۹۷: ۶۴-۴۴). نیلا پژوهنده، اسماعیل شیعه و مریم معینی‌فر، در پژوهشی تحت عنوان «تبیین معیارهای کلیدی فرایند شکل‌گیری کیفیت فضایی یکپارچه در فضاهای عمومی شهری (مطالعه موردی: منطقه ۵ شهرداری تهران)»؛ پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که به‌طور کلی شکل‌گیری کیفیت مطلوب فضایی در فضاهای عمومی شهری در منطقه ۵ شهرداری تهران، مبتنی بر توجه به مؤلفه‌های ۵ گانه کالبدی، عملکردی، زیست‌محیطی، اجتماعی و معنایی است (پژوهنده، شیعه، معینی‌فر، ۱۴۰۱: ۳۴-۱۷). حسینی‌کیا و دیگران، در پژوهشی با عنوان «تحلیل تطبیقی در سنجش کیفیت فضایی بازار تبریز مبتنی بر نحو فضایی و ماتریس PPS (نمونه مورد مطالعه: بازار تبریز)»؛ و یافته‌اند که در مقایسه با چیدمان فضا که تحرک و نحوه حرکت کاربران در بازار تبریز را با شاخص‌های موفولوژیک تعیین می‌کند. «PPS»، بادر نظر گرفتن عوامل انسانی، وضعیت زندگی در فضاهای بازار را بهتر آشکار می‌کند. همچنین ترکیب این دو روش می‌تواند رویکرد جایگزین جدیدی برای نتایج جامع و قابل اعتماد در سنجش کیفیت فضاها ارائه دهد (حسینی‌کیا و دیگران، ۱۴۰۳: ۱۱-۶۹). کوان کوان روئی و هویشان چنگ، در پژوهشی تحت عنوان «کمی‌سازی کیفیت فضایی خیابان‌های شهری با تصاویر نمای خیابان باز، نمونه مطالعه منطقه مرکزی شهر فوژو»؛ در چین را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که کیفیت کلی منظر خیابان مرکز شهر فوژو بالا بوده و شهروندان از حضور در این خیابان احساس رضایت داشته‌اند (Rui, Cheng, 2023: 1-11). بیکسینگ دوان، دالو و لانچون بیاندر، پژوهشی با عنوان «روش جدید ارزیابی کیفیت فضایی برای مناطق جدید، نمونه مطالعه مناطق هایدیان و چائویانگ در پکن»؛ پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که سرزندگی شهری، حیات اجتماعی و نشاط اقتصادی از عوامل اصلی دستیابی به کیفیت فضایی در مناطق جدید به‌شمار می‌روند (Duan, Lu, Bian, 2024: 1288-1307). گائو و دیگران، در پژوهشی با عنوان «از پیاده‌روی تا ایستادن: تأثیر کیفیت‌های فضایی بر تفکیک اجتماعی-فضایی در مناطق جدید»؛ به این نتایج دست یافته‌اند که طراحی خوب فضایی، به‌مانند تنوع بصری، فضای سبز و عملکردها در ابعاد مختلف پیاده‌روی و ایستادن موجب تفکیک اجتماعی-فضایی در مناطق جدید خواهد گردید (Gao et al., 2024: 1-17). و نیز اودرون هلن هاگن، در پژوهشی تحت عنوان «رابطه مرکز شهر با محیط پیرامون: هم‌بستگی بین ساختارهای فضایی شهری و دفعات بازدید ساکنان از مرکز شهر در شهرهای نوژ»، به این نتایج رسیده‌اند که هم‌بستگی و پیوند فضایی مراکز شهری با محیط پیرامون موجب جذابیت بیشتر مراکز شهری می‌گردد (Hagen, 2025: 1-26).

۳- روش‌شناسی

روش تحقیق در مطالعه حاضر آمیخته باهدف کاربردی و ماهیت توصیفی-تحلیلی می‌باشد. به‌طور کلی می‌توان گفت که روش آمیخته شامل ترکیبی از روش‌های تحقیق کیفی و کمی در یک تبیین واحد باهدف

پاسخ‌گویی به مسائل پیچیده است (3: 2135; Loft et al., 2018; Fetters et al., 2013). در این مقوله، ابتدا از طریق مطالعات اسنادی شاخص‌های سنجش کیفیت فضایی (باتاکیدر رویکرد "PPS")، استخراج شده و سپس با استفاده از مشاهدات میدانی و پرسش‌گری از مخاطبان داده‌های مورد نیاز گردآوری شده است. همچنین به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها علاوه بر بهره‌مندی از ماتریس کیفی "PPS"، از مدل‌سازی معادلات ساختاری در نرم‌افزار "AMOS"، استفاده شده است. قابل ذکر است که جامعه آماری پژوهش شامل مخاطبان (کاربران)، بازارسنتی و بازار ایران مال تهران می‌باشد که با توجه به مشخص نبودن تعداد حجم جامعه آماری از فرمول کوهن در سطح اطمینان ۹۵ درصد برای تعیین حجم نمونه استفاده شده است.

❖ فرمول کوهن؛

$$n = \frac{z^2 S^2}{d^2}$$

در این فرمول (Z)، یک مقدار ثابت است که به فاصله اطمینان و سطح خطا (α)، بستگی دارد. با توجه به تعیین فاصله اطمینان ۹۵ درصد بنابراین (d)، برابر ۰/۰۵ و (Z)، برابر با ۱/۹۶ می‌باشد. (S)، نیز واریانس نمونه اولیه می‌باشد که با پرسش‌گری از ۲۰ نمونه اولیه از حجم نمونه به دست می‌آید. بر مبنای محاسبات صورت گرفته واریانس نمونه اولیه برای بازار سنتی ۰/۲۵۵ و بازار ایران مال ۰/۲۳۹ به دست آمده و با جاگذاری در فرمول فوق حجم نمونه گروه اول ۱۰۰ و گروه دوم ۸۸ نفر برآورد شده که روش دسترسی به این حجم نمونه بر مبنای روش نمونه‌گیری تصادفی ساده بوده است.

تعیین تعداد حجم نمونه بازار سنتی تهران؛ $(n = (3.8416 \times 0.0650) \div 0.0025 = 100)$

تعیین تعداد حجم نمونه بازار ایران مال تهران؛ $(n = (3.8416 \times 0.0572) \div 0.0025 = 88)$

همچنین شاخص‌های سنجش کیفیت فضایی (باتاکیدر رویکرد "PPS")، بر پایه (جدول ۱)، می‌باشد.

جدول ۱. شاخص‌های سنجش کیفیت فضایی در رویکرد "PPS" - (مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳)

شاخص‌های اصلی	شاخص‌های فرعی
راحتی و تصویر CI	امنیت CI1، جذابیت CI2، خوانایی CI3، هویت‌مندی CI4، پاکیزگی CI5، میلان CI6، زیبایی‌شناختی CI7.
کاربری و فعالیت UA	تنوع عملکردها UA1، اختلاط کاربری‌ها UA2، پایداری عملکردی UA3، تأکید بر مقیاس انسانی UA4.
دسترسی و پیوند AL	گسترش ارتباط بصری فضاها AL1، عدم روبرویی با قطع فضایی AL2، نفوذپذیری و دسترسی AL3، انسجام و پیوستگی فضایی AL4.
جامعه‌پذیری S	حس و تعلق به فضا S1، تنوع فعالیت اجتماعی S2، همه‌شمولی S3.

۴ یافته‌های پژوهشی

۴-۱- معرفی گستره مورد پژوهی

بازارسنتی تهران با مساحت حدود ۱۰۵ هکتاری در منطقه ۱۲ قرار دارد و انواع کالاهای مورد نیاز را عرضه می‌کند. این بازار در دوران قاجاریه و در زمان ناصرالدین شاه ساخته شده است. برخی از مورخین تاریخ اصلی تأسیس بازار را مربوط به دوران شاه طهماسب صفوی می‌دانند. این افراد معتقدند بازار اصلی از

دوران صفوی وجود داشته و روباز بوده است. در دوران قاجار این بازار مسقف شد و به شکل امروزی درآمد. بازار تهران در طول سال‌ها تغییرات زیادی همراه با تحولات و جنبش‌های اجتماعی داشته است، اما بخش‌هایی از آن همچنان معماری سنتی خود را حفظ کرده و تصویری از بازارهای قدیمی ایران را به نمایش می‌گذارد. مجموعه بزرگ ایران مال نیز به‌عنوان یک منطقه گرد شگری در شمال غربی تهران در منطقه ۲۲ واقع شده است. ایران مال به واسطه سرمایه‌گذاری کلان بانک آینده توسعه یافت. بانک آینده از ادغام چند مؤسسه مالی در سال ۱۳۹۱ خورشیدی به وجود آمد و یکی از پروژه‌های بزرگش همین ساخت و توسعه ایران مال بوده است. این مرکز بزرگ تجاری و تفریحی نه تنها برای خرید بلکه به‌عنوان جاذبه‌ای گردشگری در تهران محسوب می‌شود. این بازار که در نزدیکی دریاچه چیتگر قرار دارد، مساحتی حدود ۱/۷ میلیون مترمربع را دربرمی‌گیرد و به بزرگترین مرکز خرید جهان تبدیل شده است. معماری بازار بزرگ ایران مال به گونه‌ای است که ابتدا فضاهای مدرن و خاص اروپایی را در ذهن تداعی می‌کند چراکه از بیرون ساختمانی ساخته شده از سنگ و شیشه مشاهده می‌شود. با ورود به این مجموعه رهین، مجموعه‌ای از معماری‌های اصیل و سنتی ایرانی و اسلامی نمایان می‌گردد.

۴-۲- بحث و یافته‌ها

۴-۲-۱- ارزیابی کیفی کیفیت فضایی در بازار سنتی و بازار ایران مال تهران

در روش "PPS"، ابتدا به بررسی کیفی شاخص‌های کیفیت فضایی با توجه به مشاهدات میدانی و مصاحبه با کاربران پرداخته می‌شود. برپایه (جدول ۲)، نتایج حاصل از ماتریس کیفی "PPS"، ارائه شده است.

جدول ۲: ارزیابی کیفیت فضایی بر مبنای مشاهدات میدانی و مصاحبه با کاربران - (مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳)

شاخص‌ها	مراکز	نتایج
راحتی و تصویر	بازار سنتی	ساختار بازار سنتی تهران به گونه‌ای است که از منظر زیبایی‌شناختی و هویت‌مندی بر مبنای معماری و شهرسازی بومی و سنتی و همچنین جذابیت و خوانایی در شرایط مطلوبی قرار دارد.
	بازار ایران مال	معماری مدرن و سنتی بازار ایران مال موجب شده است که شاخص‌های هویت‌مندی و زیبایی‌شناختی بر مبنای الگوهای معماری متنوع بومی و مدرن مطلوب باشد. هر چند خوانایی در این مرکز نیز بالا می‌باشد.
کاربری و فعالیت	بازار سنتی	بازار سنتی از منظر تنوع عملکردها، اختلاط کاربری‌ها، پایداری عملکردی و تأکید بر مقیاس انسانی در شرایط مطلوبی قرار دارد. این موارد موجب پایداری و ماندگاری این بنا در ادوار مختلف تاریخی گردیده است.
	بازار ایران مال	اختلاط کاربری‌ها و تنوع عملکردی در این مرکز بالا بوده، باین حال، پایداری عملکردی قابل مشاهده نمی‌باشد و تغییرات گسترده‌ای در عملکردها در سال‌های اخیر رخ داده است. همچنین اقتصادی شدن فضا موجب کاهش تأکید بر مقیاس انسانی گردیده است.
دسترسی و پیوند	بازار سنتی	بازار سنتی از ارتباط بصری مناسب فضاها، عدم روبه‌روی با قطع فضایی، نفوذپذیری و دسترسی مناسب و همچنین از سجام و پیوستگی فضایی در ابعاد مختلف عملکردی و معماری برخوردار است. به عبارتی پیوند و ارتباط مناسب بین ابعاد مختلف بازار قابل مشاهده است.
	بازار ایران مال	در مرکز خرید بوستان ارتباطات بصری با توجه به یکنواختی معماری در وضعیت مناسبی قرار ندارد. باین حال، دسترسی و پیوند در این مرکز مطلوب می‌باشد.
جامعه‌پذیری	بازار سنتی	حس و تعلق به فضا، تنوع فعالیت اجتماعی و هم‌شمولی در بازار تهران مطلوب می‌باشد.
	مرکز خرید بوستان	با توجه به ساختار معماری مدرن و همچنین محدودیت فضا، حس و تعلق به فضا و تنوع فعالیت اجتماعی در این مرکز مناسب نبوده است. باین حال، بر مبنای تنوع عملکردی هم‌شمولی در این مرکز مطلوب می‌باشد.

۴-۲-۲- سنجش کیفیت فضایی برمبنای ادراکات کاربران (مخاطبان)؛ نمود اجتماعی-فرهنگی

به منظور سنجش کیفیت فضایی بازارسنتی و بازار ایران مال تهران برمبنای ادراکات کاربران و نمود اجتماعی-فرهنگی از مدل سازی معادلات ساختاری در نرم افزار "AMOS"، گرافیک استفاده شده است. برای این منظور ابتدا ارتباط ساختاری جزئی برای این رابطه و سپس صورت کلی و نهایی آن مورد بررسی قرار می گیرد. ارتباط ساختاری جزئی یا درونی به ارزیابی ارتباط ساختاری ناشی از میزان تحقق متغیرهای راحتی و تصویر، کاربری و فعالیت، دسترسی و پیوند و جامعه پذیری به عنوان متغیر مستقل بر تحقق کیفیت فضایی در این مراکز به عنوان متغیر وابسته بوده که برای ورود به بحث کلی و نهایی ابتدا مورد آزمون جداگانه قرار گرفته است برپایه (جدول ۳).

جدول ۳. تحلیل پایایی تبیینی متغیر مستقل و وابسته در مدل سازی معادلات ساختاری- (مأخذ: یافته های پژوهش، ۱۴۰۳)

متغیرها	CR	AVE	CA	SQ	CI	UA	AL	S
بازار سنتی								
کیفیت فضایی SQ	۰/۷۱	۰/۶۳۲	۰/۷۸	۰/۸۱۹	-	-	-	-
راحتی و تصویر CI	۰/۷۳	۰/۶۴۴	۰/۷۷	*۰/۶۳۲	۰/۸۰۷	-	-	-
کاربری و فعالیت UA	۰/۷۵	۰/۶۶۲	۰/۷۴	*۰/۵۸۴	*۰/۶۳۹	۰/۷۹۳	-	-
دسترسی و پیوند AL	۰/۷۶	۰/۶۷۵	۰/۷۲	*۰/۶۰۲	*۰/۶۱۵	*۰/۵۴۶	۰/۷۸۸	-
جامعه پذیری S	۰/۷۹	۰/۶۸۳	۰/۷۱	*۰/۶۷۱	*۰/۵۷۷	*۰/۶۰۴	*۰/۶۵۱	۰/۷۶۴
متغیرها	CR	AVE	CA	SQ	CI	UA	AL	S
مرکز خرید بوستان								
کیفیت فضایی SQ	۰/۷۲	۰/۶۱۸	۰/۸۱	۰/۸۰۳	-	-	-	-
راحتی و تصویر CI	۰/۷۴	۰/۶۲۹	۰/۷۸	*۰/۶۳۹	۰/۷۸۲	-	-	-
کاربری و فعالیت UA	۰/۷۶	۰/۶۳۳	۰/۷۶	*۰/۶۱۷	*۰/۶۲۵	۰/۷۵۵	-	-
دسترسی و پیوند AL	۰/۷۹	۰/۶۴۷	۰/۷۳	*۰/۵۹۹	*۰/۵۸۲	*۰/۶۷۳	۰/۷۴۹	-
جامعه پذیری S	۰/۸۳	۰/۶۵۱	۰/۷۱	*۰/۶۳۴	*۰/۶۰۹	*۰/۵۶۴	*۰/۶۳۷	۰/۷۳۹

*p < 0.05.

ورود عوامل تبیین کننده ارتباط ساختاری برای ارزیابی میزان تحقق متغیرهای راحتی و تصویر، کاربری و فعالیت، دسترسی و پیوند و جامعه پذیری و به تبع آن تحقق کیفیت فضایی بازارسنتی و بازار ایران مال تهران نشان می دهد میزان پایایی ترکیبی (CR)، و ضریب پایایی (CA)، به دست آمده بیش از ۰/۷ و میزان میانگین واریانس استخراج شده (AVE)، که در قطر خطی مشخص شده بیش از ۰/۶ می باشد. همچنین همبستگی متغیرهای تحقیق که با رنگ تیره مشخص گردیده است برای بازار سنتی در بازه ۰/۷۵ تا ۰/۸۳ و برای بازار ایران مال در بازه ۰/۷۸ تا ۰/۸۵ بوده که ورود عوامل را برای سنجش کیفیت فضایی به میزان قابل ملاحظه ای تشریح می کند.

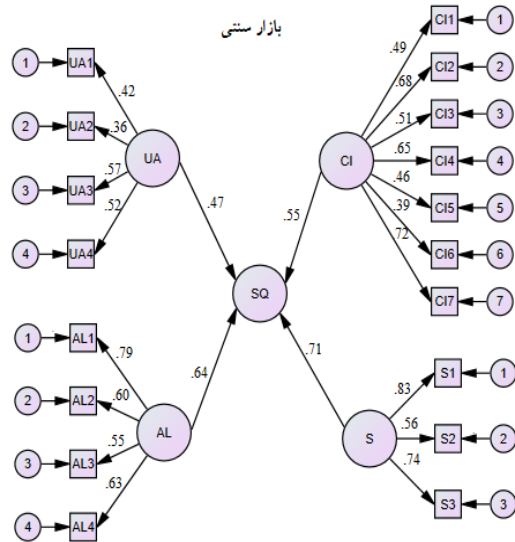
مهمترین سنجه های شکل دهنده آماری در ساختار عاملی تأییدی سنجه های دو یا کای اسکوتر (χ^2)، نسبت کای اسکوتر بر درجه آزادی، شاخص برازش تطبیقی (CFI)، و شاخص برازش افزایشی (IFI)، و در نهایت ریشه ی میانگین مربعات تقریبی (RMSEA)، می باشد. این سنجه ها دارای مقدار معینی بوده که تحلیل را معنادار ساخته و به تشریح ارتباط ساختاری متغیرهای به دست آمده می پردازد. به علت متورم شدن

میزان کای اسکور در نمونه‌های تحلیلی، اکثر تحلیل‌گران از نسبت کای اسکور بر درجه آزادی استفاده می‌کنند که نمونه‌های دقیق تحلیل شده برای شناسایی ساختار را به دست می‌دهد. مقدار این نسبت باید ترکیب نیمی از داده‌ها را دربر گیرد. به‌دیگر سخن نباید کمتر از دو باشد تا بتوان به معناداری داده‌های به‌کار رفته اطمینان داشت. نتایج تحلیل ساختار ارتباطی متغیرهای شناسایی شده در این سنجش نشان از قابل قبول بودن آن دارد. شاخص‌های برازش تطبیقی و افزایشی مطابق با استانداردهای آماری تعیین شده هرچه به سمت ۱ میل کنند برازش از سطح نکویی بالایی برخوردار خواهد بود. نتایج این ۲ شاخص برای متغیرها و تبیین ارتباط ساختاری آن‌ها قابل قبول به‌دست آمده است. شاخص ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد یا "RMSEA"، نیز آخرین سنجش ساختارشناسی در این مرحله است که در الگوهای قابل قبول مقدار ۰/۰۸ یا کمتر دارد. برازش الگوهایی که مقادیر بالاتر از ۰/۱ دارند، ضعیف برآورد می‌شوند. همان‌طور که برپایه (جدول ۴)، مشاهده می‌شود، مقدار این شاخص برای الگوی اندازه‌گیری کمتر از ۰/۰۸ است که نشان‌دهنده برازش مناسب الگوها، توسط داده‌ها است. درنهایت، باتوجه به مطالب یاد شده می‌توان نتیجه گرفت الگوهای اندازه‌گیری برازش خوبی دارند و به‌این معناست که متغیرهای آشکار به‌خوبی می‌توانند متغیرهای پنهان را اندازه‌گیری کنند.

جدول ۴: آماره ساختار عاملی تأییدی ارتباط ساختاری متغیرهای مستقل و وابسته- (مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳)

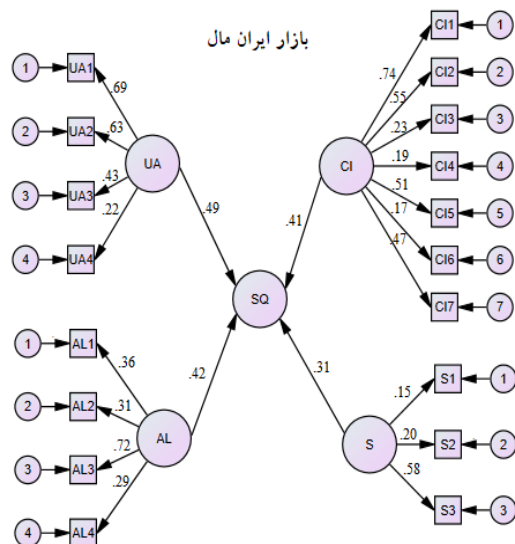
متغیرها	χ^2	df	P	χ^2/df	CFI	IFI	RMSEA
بازارستنی							
کیفیت فضای	۲۲۹/۶۸	۹۹	۰/۰۰۰	۲/۳۲	۰/۹۳۹	۰/۹۲۵	۰/۰۲
راحتی و تصویر	۲۳۱/۶۶	۹۹	۰/۰۰۰	۲/۳۴	۰/۹۳۶	۰/۹۱۷	۰/۰۲
کاربری و فعالیت	۲۳۶/۶۱	۹۹	۰/۰۰۱	۲/۳۹	۰/۹۳۱	۰/۹۳۴	۰/۰۵
دسترسی و پیوند	۲۳۸/۵۹	۹۹	۰/۰۰۱	۲/۴۱	۰/۹۴۰	۰/۹۰۵	۰/۰۳
جامعه‌پذیری	۲۴۲/۵۵	۹۹	۰/۰۰۰	۲/۴۵	۰/۹۴۲	۰/۹۷۷	۰/۰۵
مرکز خرید بوستان							
کیفیت فضای	۱۸۸/۷۹	۸۷	۰/۰۰۲	۲/۱۷	۰/۹۱۵	۰/۹۴۷	۰/۰۳
راحتی و تصویر	۱۹۴/۰۱	۸۷	۰/۰۰۰	۲/۲۳	۰/۹۵۲	۰/۹۲۴	۰/۰۴
کاربری و فعالیت	۲۰۰/۹۷	۸۷	۰/۰۰۰	۲/۳۱	۰/۹۳۷	۰/۹۰۷	۰/۰۲
دسترسی و پیوند	۲۰۴/۴۵	۸۷	۰/۰۰۱	۲/۳۵	۰/۹۳۲	۰/۹۳۸	۰/۰۱
جامعه‌پذیری	۲۰۷/۰۶	۸۷	۰/۰۰۲	۲/۳۸	۰/۹۲۲	۰/۹۵۶	۰/۰۵

براساس نتایج به‌دست‌آمده بیشترین تحقق‌پذیری در بین عوامل تبیین‌کننده کیفیت فضای در بازارستنی تهران مربوط به متغیرهای جامعه‌پذیری، دسترسی و پیوند، راحتی و تصویر و کاربری و فعالیت می‌باشد که به ترتیب ضرایب مستخرج از مدل ساختاری برای هر کدام ۰/۷۱، ۰/۶۴، ۰/۵۵ و ۰/۴۷ است. همچنین در بین متغیرهای فرعی بیشترین تحقق‌پذیری مربوط به متغیرهای حس و تعلق به فضا، گسترش ارتباط بصری فضاها، همه‌شمولی، زیبایی‌شناختی و جذابیت به ترتیب بارزش ۰/۸۳، ۰/۷۹، ۰/۷۴، ۰/۷۲ و ۰/۶۸ می‌باشد برپایه (شکل ۱).



شکل ۱. معماری ساختار ارتباطی عوامل تبیین‌کننده کیفیت فضایی در بازار سنتی تهران- (مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳)

بیشترین تحقق‌پذیری در بین عوامل تبیین‌کننده کیفیت فضایی در بازار ایران مال تهران نیز مربوط به متغیرهای کاربری و فعالیت، دسترسی و پیوند، راحتی و تصویر و جامعه‌پذیری می‌باشد که به ترتیب ضرایب مستخرج از مدل ساختاری برای هر کدام ۰/۴۹، ۰/۴۲، ۰/۴۱ و ۰/۳۱ است. همچنین در بین متغیرهای فرعی بیشترین تحقق‌پذیری مربوط به متغیرهای امنیت، نفوذپذیری و دسترسی، تنوع عملکردها، اختلاط کاربری‌ها و همه‌شمولی به ترتیب با ارزش ۰/۷۴، ۰/۷۲، ۰/۶۹، ۰/۶۳ و ۰/۶۸ می‌باشد برپایه (شکل ۲).



شکل ۲. معماری ساختار ارتباطی عوامل تبیین‌کننده کیفیت فضایی در بازار ایران مال تهران- (مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳)

پس از بررسی و تأیید الگوهای اندازه‌گیری برای آزمون معناداری فرضیه‌ها ۲ شاخص جزئی مقدار بحرانی (P) و به کار گرفته شده است. براساس سطح معناداری ۰/۰۵ مقدار بحرانی می‌بایست بیشتر از ۱/۹۶ باشد، مقدار پارامتر کمتر از این در الگو، با اهمیت شمرده نمی‌شود. همچنین، مقادیر کوچک‌تر از ۰/۰۵ برای مقدار (P)، حاکی از تفاوت معنادار مقدار محاسبه شده برای وزن‌های رگرسیونی با مقدار صفر در سطح ۹۵ درصد اطمینان است. براساس نتایج مدل مقدار بحرانی برای تمامی متغیرها در بازار سنتی تهران در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار می‌باشد. همچنین در بازار ایران مال تنها متغیر کاربری و فعالیت دارای مقدار بحرانی بالای ۱/۹۶ بوده و ۳ متغیر دیگر در وضعیت مطلوبی نمی‌باشند. به عبارتی در این مرکز خرید کیفیت کاربران از کیفیت راحتی و تصویر، دسترسی و پیوند و جامعه‌پذیری رضایت نداشته‌اند.

جدول ۵. ضریب رگرسیونی و مقادیر شاخص‌های جزئی مربوط به فرضیه‌ها - (مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳)

نتیجه	P	مقدار بحرانی	ضریب رگرسیونی	شاخص‌های کیفیت فضایی	قلمرو و مرکز مورد آکاوای
تأیید	-/۰۰۲	۳/۸۶	-/۴۹۲	راحتی و تصویر	بازار سنتی
تأیید	-/۰۰۰	۳/۱۷	-/۴۲۵	کاربری و فعالیت	
تأیید	-/۰۰۰	۴/۲۲	-/۵۹۷	دسترسی و پیوند	
تأیید	-/۰۰۱	۴/۷۵	-/۶۷۸	جامعه‌پذیری	
رد	-/۱۱۹	۱/۰۶	-/۳۶۴	راحتی و تصویر	بازار ایران مال
تأیید	-/۰۰۲	۳/۳۹	-/۴۳۷	کاربری و فعالیت	
رد	-/۲۰۱	۱/۵۶	-/۳۷۱	دسترسی و پیوند	
رد	-/۱۵۴	۰/۹۲	-/۲۸۵	جامعه‌پذیری	

۵- نتیجه‌گیری

به‌طور خاص، کیفیت فضایی مفهومی است که به‌منظور ارزیابی مطلوبیت فضا از دیدگاه کاربران ادراکات عینی و ذهنی با رویکردی اجتماعی-فرهنگی به کار می‌رود. بررسی‌ها در بازار سنتی تهران نشان می‌دهد که معماری این بنا موجب گردیده تا حس و تعلق به فضا، تنوع فعالیت اجتماعی و همه‌شمولی در آن از یک‌سو و همچنین هویت‌مندی، تنوع عملکردی، تأکید بر مقیاس انسانی، گسترش ارتباط بصری فضاها و پیوندی مناسب بین نوع معماری و عملکردها از سوی دیگر علاوه بر افزایش کیفیت فضایی، پایداری و ماندگاری آن را موجب گردد. در بازار ایران مال تنها عملکردها و کاربری‌ها دارای مطلوبیت بوده است. به عبارتی در این مرکز تنها به شاخص‌های عملکردی فضا توجه شده و اقتصادی شدن فضا موجب کاهش دیگر شاخص‌های کیفیت فضایی گردیده است. در نهایت، نتایج به‌دست‌آمده موارد زیر را نشان می‌دهد.

- ← نخست؛ بازار سنتی تهران از منظر کیفیت فضایی در شرایط مطلوب‌تری از بازار ایران مال قرار دارد.
- ← دوم؛ مراکز تجاری معاصر بیشتر به تنوع عملکردها تأکید دارند و در نظر گرفتن هویت و معماری سنتی در آن‌ها پایین است.
- ← سوم؛ بازارهای سنتی از عملکردهای اجتماعی بالاتری برخوردارند.
- ← چهارم؛ پیوستگی و ارتباط فضایی در بازارهای سنتی بیشتر است.

منابع

- بنتلی، ای.ین. ۱۳۹۸. محیط‌های پاسخ‌ده: **کتابی راهنما برای طراحان**، ترجمه: مصطفی بهزادفر، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
- بی‌نیاز، فاطمه. حنایی، تکتم. ۱۳۹۶. **باز شنا سی‌سی‌نا صر مؤثر بر خوانایی در ادراک بزرگ سالان**، فصلنامه علمی پژوهشی-مطالعات شهری، دوره ۶ شماره ۲۳، ۱۷-۲۸.
- پژوهنده، نیلا. شیعه، اسماعیل. معینی‌فر، مریم. ۱۴۰۱. **تبیین معیارهای کلیدی فرایند شکل‌گیری کیفیت فضایی یکپارچه در فضاهای عمومی شهری (مطالعه موردی: منطقه پنج شهرداری تهران)**، فصلنامه علمی پژوهشی-هویت شهر، دوره ۱۶، شماره ۴۹، ۱۷-۳۴.
- حسینی کیا، سیدمحمد مهدی. مدقالچی، لیلا. ملکی، آیدا. هاشم‌پور، پریرسا. ۱۴۰۳. **تحلیل تطبیقی در سنجش کیفیت فضایی بازار تبریز مبتنی بر نحو فضایی و ماتریس PPS (نمونه مورد مطالعه: بازار تبریز)**، فصلنامه علمی پژوهشی-برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای، دوره ۹، شماره ۲۹، ۶۹-۱۱۱.
- دبده، محمد. تقفی‌اصل، آرشد. محمدیان. مهرداد. کوره‌پز حسنعلی‌زاده، رعنا. ۱۴۰۲. **پدیدار شنا سی‌سویه‌های مکانی در بوطیقای فضای معماری داخلی (مورد پژوهی: مجموعه بازار تاریخی تبریز)**، فصلنامه علمی پژوهشی-معماری و محیط‌پایدار، دوره ۱، شماره ۴، ۳۷-۵۴.
- دبده، محمد. تقفی‌اصل، آرشد. باقری صیقلانی، بیتا. زینالی، محمد. ۱۴۰۳. **طراحی الگوی چارچوب تحلیلی در فراهم‌سازی شهر آینده‌نگر با رویکرد تبیینی؛ مبتنی بر محیط فرهنگی جامعه محور (گستره واکاوی: کلان شهر تهران بزرگ)**، دوفصلنامه علمی پژوهشی-مطالعات بین‌رشته‌ای در تعالی معماری و شهر سازی، دوره ۳، شماره ۲، ۲۱۳-۲۳۵.
- روشنی، پریرسا. حبیبی، کیومرث. سعیده زرابادی، زهراسادات. ۱۳۹۶. **ارائه الگوی مفهومی انسجام‌بخشی شبکه فضاهای شهری و به‌کارگیری آن در منطقه عتهران**، نشریه علمی پژوهشی-باغ‌نظر، دوره ۱۴، شماره ۴۸، ۴۲-۳۱.
- سامه، رضا. ۱۳۹۷. **تأملی بر مفهوم «کیفیت» در معماری**، دوفصلنامه علمی پژوهشی-اندیشه معماری، دوره ۲، شماره ۳، ۴۴-۶۴.
- سلطانی فرد، هادی. صابری کاریزی، زهرا. ۱۳۹۷. **بررسی اثرات بیکره‌بندی بر کیفیت فضایی پارک‌های شهری مشهد**، فصلنامه علمی پژوهشی-مطالعات شهری، دوره ۷، شماره ۲۷، ۲۷-۴۰.
- گلستانی، سعید. حجت، عیسی. سعدوندی، مهدی. ۱۳۹۶. **جستاری در مفهوم پیوستگی فضا و روند تحولات آن در مساجد ایران**، فصلنامه علمی پژوهشی-هنرهای زیبا، دوره ۲۲، شماره ۴، ۲۹-۴۴.
- میرزایی، وحید. بمانیان، محمدرضا. صارمی، حمیدرضا. لیلیان، محمدرضا. ۱۳۹۴. **تبیین پیوستگی فضایی معماری و شهر سازی در بازارهای ایرانی (مورد مطالعه بازار تبریز)**، کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین پژوهشی در مهندسی عمران معماری شهرسازی. تبریز-ایران.
- Duan, Y., Lu, D., Bian, L. 2024. *New Method Of Evaluating Spatial Quality For Innovation Districts: A Case Study Of Haidian And Chaoyang Districts, Beijing*, Journal Of Frontiers Of Architectural Research, 13(6): 1288-1307.
- Fetters, M.D., Curry, L.A., Creswell, J.W. 2013. *Achieving Integration In Mixed Methods Designs-Principles And Practices*, Journal Of Health Services Research, 48(2): 2134-2156.

- Gao, T., Lim, S., Wong, D.K.H., Schroepfer, T. 2024. *From Walking To Staying: The Impact Of Spatial Qualities On Socio-Spatial Segregation In Innovation Districts*, Journal Of Sustainable Cities And Society, 113 (105688): 1-17.
- Gerike, R., Koszowski, C., Schroter, B., Buehler, R., Schepers, P., Weber, J., Wittwer, R., Jones, P. 2021. *Built Environment Determinants Of Pedestrian Activities And Their Consideration In Urban Street Design*, Journal Of Sustainability, 13(16): 9362.
- Hagen, O.H. 2025. *The Relationship Of The City Centre To Its Surroundings: Correlations Between Urban Spatial Structures And Inhabitants' Frequency Of City-Centre Visits In Four Norwegian Cities*, Journal Of Cities, 156(105499): 1-26.
- Harnik P. 2003. *The Excellent City Park System: What Makes It Great And How To Get There*, The Trust For Public Land Pub, Washington, DC.
- Idziorek, K., Chalana, M. 2019. *Managing Change: Seattle's 21st Century Urban Renaissance*, Journal Of Urbanism: International Research On Placemaking And Urban Sustainability, 12(3): 320-345.
- Johnson, S.D., Bowers, K. 2010. *Permeability And Burglary Risk: Are Culdesacs Safer*, Journal Of Quantitative Criminology, 26(1): 89-111.
- Loft, M.I., Esbensen, B.A., Kirk, K., Pedersen, L., Martinsen, B., Iversen, H., Mathiesen, L.L., Poulsen, I. 2018. *Strengthening The Role And Functions Of Nursing Staff In Inpatient Stroke Rehabilitation: Developing A Complex Intervention Using The Behaviour Change Wheel*, International Journal Of Qualitative Studies In Health And Well-Being, 12(1): 1392218.
- Mahdzar, S., Safari, H. 2014. *Legibility As A Result Of Geometry Space: Analyzing And Comparing Hypothetical Model And Existing Space By Space*, Journal Of Life Science, 8(1): 1-12.
- Marshall, S. 2005. *Street And Pattern*, London And New York: Spon Press.
- Nicholls, S. 2001. *Measuring The Accessibility And Equity Of Public Parks: A Case Study Using GIS*, Journal Of Managing Leisure, 6(4): 201-219.
- Pafka, E., Dovey, K., Aschwanden, G.D. 2018. *Limits Of Space Syntax Sor Urban Design: Axiality, Scale And Sinuosity*, Journal Of Environment And Planning B: Urban Analytics And City Science, 47(3): 508-522.
- PPS (Project For Public Spaces), 2019. *What Makes A Successful Place?*.
- Rui, Q., Cheng, H. 2023. *Quantifying The Spatial Quality Of Urban Streets With Open Street View Images: A Case Study Of The Main Urban Area Of Fuzhou*, Journal Of Ecological Indicators, 156, 111204.
- Schmidt, S., Nemeth, J. 2010. *Space, Place And The City: Emerging Research On Public Space Design And Planning*, Journal Of Urban Design, 15(4): 453-457.
- Tankel, S.B. 2013. *The Importance Of Open Space In The Urban Pattern*, In: Tankel, S.B. (Ed.). RFF Press.
- Urban, L.I. 2015. *Building Healthy Places Toolkit: Strategies For Enhancing Health In The Built Environment*, Urban Land Inst, Washington, DC.



The Social Studies Of Faculty Members Of The Schools Of Arts And Architecture In Relation To The Culture Of The Contemporary Urban Structure Of Tabriz

Seyyed Mohammad Hadi Milani Hoseyni¹, Amir Hossein Farahinia^{2*}

(Received Date: 2025/01/04 - Accepted Date: 2025/02/19)

Abstract

This research examines the social study and the impact of the culture of the contemporary urban structure of Tabriz on the attitudes and perspectives of the faculty members of the Schools of Arts and Architecture regarding design and architectural education. Urban culture and contemporary structures have a reciprocal relationship with architecture, and cultural changes directly influence the design and educational processes in this field. In this regard, the study investigates the interaction between architecture and culture at the academic level and the faculty members' views on this synergy. Furthermore, it explores the impact of this relationship on the design processes and the faculty's understanding of the features of the contemporary urban structure of Tabriz. The research adopts a qualitative approach, utilizing action research methods, with tools such as interviews, questionnaires, note-taking, and data analysis. The research population consists of faculty members from the Schools of Arts and Architecture at universities in Tabriz, who hold a Master's degree or higher in various fields of study within this domain. The results of this study show that insufficient awareness of the culture of contemporary structures in the educational and design processes can lead to challenges in creating synergy between architecture and urban culture. Therefore, special attention to education and familiarity with contemporary structural characteristics in architectural design and education is considered essential for graduates and designers to participate more effectively in urban design processes in response to social movements in society.

Keywords: Social Study, Contemporary, Design, Cultural Changes, Urban Culture, Tabriz City

1. Architecture Department, Seraj Higher Education Institute, Tabriz, Iran.
mohammad.hmh1397@gmail.com

*2. Architecture & Urban Planning Department, National University of Skills (NUS), Tehran, Iran.
(Corresponding Author): a.farahi@gmail.com

مطالعات اجتماعی استادان دانشکده‌های هنر و معماری در ارتباط با فرهنگ ساختار معاصر شهر تبریز

سید محمدهادی میلانی حسینی^۱، امیرحسین فرحی نیا^{۲*}

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۱)

چکیده

این پژوهش به مطالعه اجتماعی و تأثیرات فرهنگ ساختار معاصر شهر تبریز بر نگرش‌ها و دیدگاه‌های اساتید دانشکده‌های هنر و معماری در خصوص طراحی و تبیین آموزشی معماری می‌پردازد. فرهنگ شهری و ساختارهای معاصر همواره رابطه‌ای دوسویه با معماری دارند و تغییرات فرهنگی به‌طور مستقیم بر فرایندهای طراحی و آموزشی در این رشته تأثیر می‌گذارند. در این راستا، این تحقیق به بررسی تعامل میان معماری و فرهنگ در سطح دانشگاهی و نگرش استادان به این هم‌افزایی می‌پردازد. همچنین، به تأثیر این ارتباط در فرایندهای طراحی و شناخت اساتید از ویژگی‌های ساختار معاصر شهر تبریز پرداخته می‌شود. روش پژوهش کیفی و به‌صورت اقدام‌پژوهی بوده و از ابزارهایی همچون مصاحبه، پرسش‌نامه، یادداشت‌برداری و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق به‌مثابه اساتید دانشکده‌های هنر و معماری دانشگاه‌های تبریز است که دارای مقطع کارشناسی ارشد و بالاتر در گرایش‌های مختلف در این حوزه می‌باشند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که عدم‌آگاهی کافی از فرهنگ ساختارهای معاصر در فرایند آموزش و طراحی، می‌تواند منجر به چالش‌هایی در ایجاد هم‌افزایی میان معماری و فرهنگ شهری شود. بنابراین، توجه ویژه به آموزش و آشنایی با ویژگی‌های ساختاری معاصر در طراحی و آموزش معماری ضروری به‌نظر می‌رسد تا دانش‌آموختگان و طراحان بتوانند به‌طور مؤثرتر در فرایندهای طراحی شهری در رویارویی با جنبش‌های اجتماعی در اجتماع مشارکت داشته باشند.

واژگان کلیدی: مطالعه اجتماعی، معاصر، طراحی، تغییرات فرهنگی، فرهنگ‌شهری، شهر تبریز.

mohammad.hmh1397@gmail.com

a.farahi@gmail.com

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه معماری، مؤسسه آموزش عالی سراج، تبریز، ایران.
 ۲*. استادیار گروه معماری و شهرسازی، دانشگاه ملی مهارت، تهران، ایران. (نویسنده مسئول):

۱- مقدمه

مطالعه و بررسی رابطه میان فرهنگ و معماری یکی از مباحث مهم و تأثیرگذار در دنیای معاصر به‌شمار می‌آید. این حوزه به‌طور دائم در تعامل با یکدیگر هستند و این ارتباط، بر شکل‌گیری فضاهای شهری و نحوه زندگی انسان‌ها تأثیرات زیادی دارد. در دنیای مدرن، معماری به‌عنوان یک زبان بصری و ساختاری، نه‌تنها نمایانگر فرهنگ و هویت جامعه است، بلکه تحت‌تأثیر روندهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نیز قرار می‌گیرد. این مطالعات می‌تواند به‌درک عمیق‌تری از چگونگی تأثیرگذاری این حوزه بر یکدیگر کمک کند (Hadjadji, Toulan, Dorra, 2024: 290). معماری معاصر به‌ویژه در دهه‌های اخیر دستخوش تحولات زیادی شده است. ساختارهای جدید، فناوری‌های پیشرفته و نیازهای متغیر انسان‌ها، معماران را به سمت طرح‌های نوآورانه و درعین‌حال متناسب با فرهنگ‌های مختلف سوق داده است. در این میان، معماری نه‌تنها به‌دنبال کارکردهای فنی و زیباشناختی است، بلکه به‌عنوان یک عامل فرهنگی، اجتماعی و محیطی در ساختارهای شهری نقش مهمی ایفاء می‌کند. فرهنگ‌شهری به مجموعه‌ای از ارزش‌ها، رفتارها و هنجارهایی اطلاق می‌شود که براساس آن‌ها، جامعه در محیط‌های شهری زندگی می‌کند (Yong Kai, 2022: 207-267). این فرهنگ، رفتارهای انسانی را شکل داده و تأثیر زیادی بر طراحی و سازمان‌دهی فضاهای شهری می‌گذارد. ازسویی، فرهنگ و معماری به‌طور متقابل ازهم تأثیر می‌پذیرند و هر تغییر در یکی از این حوزه‌ها می‌تواند به تغییرات بنیادین در دیگری منجر شود. در این راستا، تحولات اجتماعی و فرهنگی به‌عنوان یک عنصر کلیدی در روند طراحی معماری در نظر گرفته می‌شود. دگرگونی‌های فرهنگی، بر نگرش‌ها و الگوهای رفتاری افراد در استفاده از فضاهای شهری و حتی در نحوه طراحی آن‌ها تأثیرگذار است (Mersal, 2018: 5). به‌طور خاص، تغییرات فرهنگی در یک جامعه می‌تواند راه‌های جدیدی برای طراحی فضاهای شهری فراهم کند که در هماهنگی با هویت و نیازهای مردم باشد. آموزش معماری به‌عنوان بخشی از سیستم آموزشی هر کشور، نقشی حیاتی در انتقال دانش و تجربه به نسل‌های آینده ایفاء می‌کند. این آموزش‌ها نه‌تنها باید بر مفاهیم تئوریک و تکنیکی معماری متمرکز شوند، بلکه باید به‌طور مؤثری فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی را نیز در خود جای دهند. از این رو، نقش اساتید دانشکده‌های هنر و معماری در شکل‌دهی به دیدگاه‌های دانشجویان و تأثیرگذاری بر طراحی‌های آینده جامعه بسیار حیاتی است (Helmy, 2018: 205). در دنیای امروز، توجه به ارتباط میان آموزش معماری و تحولات فرهنگی به‌طور فزاینده‌ای اهمیت پیدا کرده است (Saleh, Abdelkader, Sadek Hosny, 2023: 1-12). معماران باید قادر باشند تا با درک عمیق از تغییرات فرهنگی و اجتماعی، به طراحی‌هایی بپردازند که نیازهای امروز جامعه را برآورده کنند. این امر مستلزم شناخت دقیق ویژگی‌های ساختاری و فرهنگی هر منطقه است که منجر به خلق فضاهایی می‌شود که هم‌زمان با زیبایی‌شناسی و کارکردگرایی، در هم‌سویی با فرهنگ و هویت محلی قرار دارند. در این خصوص، تحقیقاتی که به تأثیرات فرهنگ و ساختار معاصر بر طراحی معماری می‌پردازند، می‌توانند به‌درک بهتر و دقیق‌تر این ارتباط پیچیده کمک کنند. این‌گونه پژوهش‌ها

می‌توانند به‌طورم شخیص، به آموزش‌های دانه‌شگاهی و نقش‌آسائید در شکل‌دهی به نگرش‌های معمارانه کمک کنند و راه‌حلهایی برای هم‌افزایی میان معماری و فرهنگ‌شهری ارائه دهند.

تبریز به‌عنوان یکی از مهمترین کلان‌شهرهای ایران، دارای ویژگی‌های خاص فرهنگی، تاریخی و معماری است (دبده و دیگران، ۱۴۰۲: ۵۴-۳۷). ساختار شهری این شهر، باتوجه‌به تاریخچه طولانی‌اش، از جنبه‌های مختلفی همچون فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی قابل‌بررسی است (نصیری‌نیا، حجت، ۱۳۹۵: ۵۴-۴۱). از آنجایی که تبریز در سال‌های اخیر دستخوش تحولات بسیاری در زمینه ساخت و سازهای معاصر بوده است، بررسی تأثیرات این تغییرات بر دیدگاه‌های اساتید معماری و هنر، امری ضروری به‌نظر می‌رسد. در تبریز، همانند بسیاری از شهرهای دیگر ایران، تغییرات فرهنگی و اجتماعی تأثیر زیادی بر نگرش‌های معماران و دانشجویان معماری گذاشته است. این شهر که دارای تاریخ غنی معماری است، هم‌زمان با مدرنیته و تغییرات اجتماعی، شاهد تأثیرات بسیاری در طراحی فضاهای شهری و ابنیه‌ها بوده است (شفیعی، شقاقی، زیبان، ۱۴۰۱: ۱۵۰). لذا تحلیل این تغییرات و نحوه تأثیرگذاری آن‌ها بر دیدگاه‌های علمی و عملی اساتید این حوزه، می‌تواند به راه‌کارهایی نوین برای سازگاری با این تحولات منجر شود. ساختار معاصر شهر تبریز به‌دلیل حضور فضاهای جدید و پروژه‌های شهری عظیم، با ویژگی‌های خاص خود، فضایی متفاوت از گذشته را به‌نمایش می‌گذارد. این تغییرات به‌ویژه در بافت‌های تاریخی و قدیمی شهر، برخی چالش‌ها و مسائل جدیدی را در زمینه طراحی و آموزش معماری ایجاد کرده‌اند. براین اساس، لازم است که اساتید معماری بتوانند از این تحولات درجهت طراحی‌های نوآورانه بهره‌برداری کنند و درعین حال، هویت فرهنگی و تاریخی شهر تبریز را درنظر بگیرند. این پژوهش به‌دنبال پاسخ به این پرسش است که - چگونه فرهنگ ساختار معاصر شهر تبریز بر نگرش‌ها و دیدگاه‌های اساتید دانش‌شکده‌های هنر و معماری درخصوص طراحی و تبیین آموزشی معماری تأثیر گذاشته است؟ - این پرسش نه‌تنها به شناخت تعاملات میان معماری و فرهنگ می‌پردازد، بلکه بررسی می‌کند که چگونه این تعاملات می‌تواند بر فرایندهای آموزشی و طراحی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی تأثیرگذار باشد. درنتیجه، مسئله اصلی این تحقیق درک تأثیرات فرهنگی ساختار معاصر شهر تبریز بر دیدگاه‌های اساتید معماری و هنر است. این پژوهش به‌دنبال کشف این است که چگونه این تغییرات می‌توانند بر آموزش و طراحی‌های معماری تأثیر گذاشته و درنهایت، به تولید فضاهایی متناسب با فرهنگ‌شهری و نیازهای اجتماعی کمک کنند.

۲- ادبیات پژوهش

به‌طورخاص، در زمینه مطالعه ارتباط میان معماری، فرهنگ، شهرسازی و حوزه‌های مرتبط نظریه‌ها و آثار بسیاری توسط صاحب‌نظران مطرح ارائه شده است. که در پژوهش حاضر به‌برخی با واکاوی ژرف اشاره شده است از جمله لوئیس مامفورد^۱ نقش اساسی در تحلیل رابطه میان فرهنگ، شهر و تمدن دارد. او بر این

^۱ Lewis Mumford

باور بود که شهرها محصولی از نیازهای انسانی به سازمان‌دهی اجتماعی و فرهنگی هستند. در اثری با عنوان *"The City In History"* (شهر در تاریخ)، به بررسی جامع نقش فرهنگ و اجتماع جامعه در شکل‌دهی به شهرها پرداخته است. کوین لینچ^۱ به‌واسطه ادراک بصری و شناخت شهروندان از فضاهای شهری ارج نهاده. او معتقد بود طراحی شهری باید بر اساس نیازهای روان‌شناختی افراد باشد. طوری که در کتاب خود با عنوان *"The Image Of The City"* (تصویر شهر)، طوری که در این مطالعه مفهوم «خوانایی»، و اجزای بصری شهر (به‌مانند مسیرها، لبه‌ها، نشانه‌ها)، معرفی شدند (علی‌الحسابی، مرادی، ۱۳۹۹: ۶۵). کریستوفر الکساندر^۲ بر این باور بود که طراحی معماری باید برپایه الگوهای قابل‌درک و سازگار با نیازهای انسانی باشد. همچنین به هماهنگی بین طراحی و فرهنگ تأکید داشت. در اثر *"A Pattern Language"* (زبان الگوها)، مجموعه‌ای از الگوهای طراحی را ارائه داد که به تقویت ارتباط بین فضاهای معماری و جامعه کمک می‌کند (الکساندر، ۱۳۸۹: ۴۵). جین جیکوبز^۳ از منتقدان جدی برنامه‌ریزی شهری مدرن بود و به اهمیت تعاملات اجتماعی و نقش فرهنگ در زنده‌بودن فضاهای شهری پرداخته است. و در کتاب مشهور خود با عنوان *"The Death and Life of Great American Cities"* (مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا)، بر نقش فرهنگ، تنوع و حیات اجتماعی در طراحی شهری تأکید دارد. ادوارد رلپ^۴ مفهوم «حس مکان»، را مطرح کرد و تأکید داشت که مکان‌ها باید هویت فرهنگی و ارتباط عاطفی ایجاد کنند. و در تبیینی *"Place And Placelessness"* (مکان و بی‌مکانی)، با تمرکز بر نقش فرهنگ در شکل‌گیری هویت مکانی و پیامدهای «بی‌مکانی»، به تحلیل ژرف پرداخته است (رلپ، ۱۳۸۹: ۲۸). چشم‌اندازی جهانی آنتونی گیدنز^۵ نظریه «ساختاردهی»، را ارائه داد که در آن فرهنگ و ساختارهای اجتماعی به‌عنوان عواملی تأثیرگذار بر معماری و فضای شهری مطرح می‌شوند و در کتابی با عنوان *"The Constitution Of Society"* (ساختار جامعه)، به بررسی نقش فرهنگ و ساختارهای اجتماعی در شکل‌گیری فضاهای انسانی می‌پردازد. ویلیام وایت^۶ به رفتارشناسی و تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی شهری پرداخت و تأکید داشت که طراحی شهری باید از رفتارهای طبیعی شهروندان الهام بگیرد. و در اثری *"The Social Life Of Small Urban Spaces"* (زندگی اجتماعی فضاهای کوچک شهری)، نقش طراحی فضاهای کوچک در تقویت تعاملات اجتماعی را ارزیابی می‌کند. و یا پیتر هال^۷ به تحلیل تحولات فرهنگی، اقتصادی و تکنولوژیکی در شهرها پرداخت و بر نقش فرهنگ در طراحی و برنامه‌ریزی شهری تأکید کرد. و در کتاب *"Cities Of Tomorrow"* (شهرهای فردا)، به آینده‌نگری در طراحی شهری با توجه به تغییرات فرهنگی و اجتماعی می‌پردازد (هال، ۱۳۸۱: ۷۷).

¹ Kevin Lynch

² Christopher Alexander

³ Jane Jacobs

⁴ Edward Relph

⁵ Anthony Giddens

⁶ William Whyte

⁷ Peter Hall



رابطه میان فرهنگ و معماری؛ رویکردی میان‌رشته‌ای: فرهنگ و معماری به‌عنوان ۲ عنصر کلیدی در حیات اجتماعی انسان‌ها، رابطه‌ای ۲ سویه و عمیق بایکدیگر دارند. فرهنگ به‌عنوان مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، نقش اساسی در شکل‌دهی به فضاهای معماری ایفاء می‌کند. در مقابل، معماری نیز می‌تواند به‌عنوان یک بازتاب بصری و کاربردی از فرهنگ، به تقویت هویت فرهنگی و اجتماعی جوامع کمک کند (شهیدی، قیومی‌بیدهندی، ۱۳۹۲: ۸۸). این رابطه به‌ویژه در جوامع معاصر، که تحت‌تأثیر جهانی‌شدن و تحولات سریع فناوری قرار دارند، پیچیده‌تر شده است. در این جوامع، معماری نه‌تنها باید به نیازهای کارکردی پاسخ دهد، بلکه باید هویت فرهنگی و اجتماعی را نیز حفظ و تقویت کند. این امر به‌ویژه در طراحی شهری اهمیت پیدا می‌کند، جایی که فرهنگ به‌طور مستقیم در سازمان‌دهی فضاهای نقش دارد (ناصری، ۱۳۹۴: ۳۷۵). معماری می‌تواند ابزار مؤثری برای انتقال ارزش‌های فرهنگی باشد. ابنیه‌ها و فضاهای شهری نه‌تنها نیازهای فیزیکی افراد را برآورده می‌کنند، بلکه نقش مهمی در بازنمایی و تقویت فرهنگ جامعه ایفاء می‌کنند. این بازنمایی از طریق الگوهای طراحی، استفاده از مواد بومی و انعکاس نمادهای فرهنگی در فضاها محقق می‌شود (ستار، گسیلی، رستم‌زاده، ۱۴۰۲: ۴۳-۳۰).

تحولات ساختارهای معاصر و تأثیر آن بر طراحی و آموزش معماری: تحولات ساختارهای معاصر به‌طور مستقیم بر شیوه‌های طراحی و آموزش معماری تأثیرگذار بوده است. رشد سریع شهرها، تغییرات فناوری و نیازهای جدید اجتماعی، معماران و طراحان را مجبور به بازنگری در رویکردهای سنتی و تطبیق با شرایط جدید کرده است (گوران، فروتن، دژدار، ۱۴۰۱: ۸۵). در این میان، ظهور فناوری‌های نوین، از جمله نرم‌افزارهای طراحی پیشرفته و روش‌های ساخت دیجیتال، امکان خلق ساختارهای پیچیده‌تر و متناسب با نیازهای متغیر را فراهم کرده است. این تحولات به‌ویژه در آموزش معماری اهمیت دارد، چراکه نسل جدید معماران باید توانایی تطبیق با این تغییرات را داشته باشند (دبده، ۱۴۰۰: ۹۶-۳۲). یکی از چالش‌های عمده در این زمینه، حفظ تعادل میان نوآوری و هویت فرهنگی است. معماری معاصر گاهی اوقات به‌دلیل تمرکز بیش‌ازحد بر نوآوری‌های تکنولوژیک، از اصول فرهنگی و اجتماعی فاصله می‌گیرد (Dsouza, Dsouza, 2023: 5).

نقش فرهنگ شهری در شکل‌دهی هویت و ساختار فضاهای معماری: فرهنگ شهری به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی شهرسازی، نقش به‌سزایی در شکل‌دهی به هویت و ساختار فضاهای معماری دارد. شهرها به‌عنوان مراکز تجمع فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، بستری برای بازنمایی و تقویت فرهنگ جامعه فراهم می‌کنند (پوردکریا، فدائی‌نژاد بهرام‌جردی، ۱۳۹۸: ۱۴-۵). در این راستا، معماری شهری باید بتواند بازتاب‌دهنده فرهنگ و هویت محلی باشد. این امر از طریق استفاده از عناصر بومی، احترام به تاریخ و فرهنگ محلی و انطباق با نیازهای اجتماعی امکان‌پذیر است. چنین رویکردی می‌تواند به ایجاد فضاهای شهری پایدار و معنادار منجر شود (Kagan et al., 2018: 35). فرهنگ شهری همچنین به‌نحوه تبیین و تعامل افراد با فضاهای شهری تأثیر می‌گذارد. طراحی فضاهای عمومی، خیابان‌ها و ساختمان‌ها باید

به‌گونه‌ای باشد که تعاملات اجتماعی را تسهیل کند و نیازهای فرهنگی مردم را پاسخ دهد. این تعاملات می‌توانند به تقویت هویت جمعی و افزایش حس‌تعلق به شهر کمک کنند. جهانی‌شدن و تأثیرات آن بر فرهنگ شهری چالشی بزرگ برای حفظ هویت محلی است. معماری شهری باید به‌گونه‌ای طراحی شود که در عین پاسخ‌گویی به نیازهای جهانی، بازتاب‌دهنده هویت و فرهنگ محلی باشد (خستو، ۱۴۰۲: ۷۵).

تعامل بین آموزش معماری و تغییرات اجتماعی-فرهنگی: آموزش معماری ابزاری اصلی انتقال دانش و مهارت به‌نسل جدید معماران، نقشی کلیدی در ارتباط با تغییرات اجتماعی و فرهنگی دارد (زینلی، فرح‌زاد، ۱۳۹۹: ۹۵-۱۰۶). تغییرات اجتماعی و فرهنگی نه‌تنها نیازهای جدیدی را برای طراحی فضاهای شهری ایجاد می‌کنند، بلکه روش‌های آموزش معماری را نیز تحت‌تأثیر قرار می‌دهند. دانشگاه‌ها باید بتوانند برنامه‌های آموزشی خود را با این تغییرات تطبیق دهند تا دانشجویان را برای مواجهه با چالش‌های معاصر آماده کنند (میرجانی، ندیمی، ۱۳۹۷: ۱۵). یکی از مهمترین عناصر در این زمینه، ارتقای آگاهی فرهنگی دانشجویان است. آن‌ها باید بیاموزند که چگونه از عناصر فرهنگی و اجتماعی در طراحی‌های خود بهره‌برداری کنند و طرح‌هایی ارائه دهند که به نیازهای جامعه پاسخ دهد. نقش اساتید در این فرایند بسیار حیاتی است. آن‌ها به‌عنوان راهنمایان علمی، باید بتوانند دانشجویان را به تحقیق و تحلیل دقیق مسائل اجتماعی و فرهنگی وادارند و از این طریق، به خلق فضاهای معماری معنادار کمک کنند.

۳- روش تحقیق

تحقیق حاضر به صورت کیفی و از رویکرد توصیفی-تحلیلی و پیمایشی برخوردار است. جامعه آماری شامل تمامی اساتید هنر و معماری در دانشگاه‌های دارای مقطع کارشناسی‌ارشد و بالاتر و گرایش‌های آن در شهر تبریز بوده و حجم‌نمونه مطابق با فرمول کوکران ۱۲ نفر از اساتید متخصص رشته هنر، فرهنگ، معماری و گرایش‌های آن در شهر تبریز می‌باشد. روش تحقیق این پژوهش با توجه به شیوه گردآوری اطلاعات و نوع ابزار مورد استفاده (پرسش‌نامه)، پیمایشی است. به‌کارگیری ساختار در طراحی معماری در قالب یک پرسش‌نامه و با استفاده از روش دلفی در اختیار اساتید هنر و معماری قرار گرفت. در این پژوهش، پس از تعریف موضوع تحقیق، به مطالعه برخی از نظریات موجود در زمینه ساختار، معماری و ارتباط میان ساختار و معماری در فرایند طراحی پرداخته شد. محدوده مورد مطالعه شهر تبریز می‌باشد که در آن تعداد ۱۰ بنای معاصر و بنام شهر تبریز جهت نظرسنجی انتخاب شد. برای تحلیل پرسش‌نامه‌ها و رسیدن به نتیجه اتفاق نظر، از روش تحلیل داده توصیفی استفاده گردید. پس از مطالعه و بررسی ادبیات پژوهشی، متغیرهای تحقیق برپایه (جدول ۱)، انتخاب شده است.

جدول ۱. متغیرهای تحقیق - (مأخذ: یافته‌های پژوهشی)

متغیر اصلی	متغیرهای فرعی
ارتباط ساختار و معماری؛ در نمود فرهنگ و اجتماع شهر	ساختار همساز یا معماری؛ با محوریت اجتماعی-فرهنگی
ساختار منفصل از معماری؛ تحولات در فرهنگ	ساختار مقدم بر معماری؛ محور فرهنگی
	معماری مقدم بر ساختار؛ محور اجتماعی

به منظور بررسی نحوه به کارگیری فرهنگ ساختار در طراحی معماری معاصر تبریز، ۱۰ نمونه از آثار شاخص شهر تبریز جهت مطالعه انتخاب شده برپایه (جدول ۲).

جدول ۲. گستره مطالعه اجتماع موردی از بناهای معاصر تبریز در ارتباط با تعاملات و تحولات اجتماعی-فرهنگی- (مأخذ: یافته‌های پژوهشی)

ردیف	نام اثر	سال ساخت (خورشیدی)	طراح	تصویر	نمود برآیند اجتماعی-فرهنگی
۱	مجتمع تجاری ستاره باران	۱۳۹۵	جلال سالک		تعاملات: مدرن سازی تحولات: سبک زندگی
۲	مجتمع تجاری اطلس	۱۳۹۵	جلال سالک		تعاملات: خریدمحور تحولات: مصرف گرایی
۳	یادمان شمس تبریزی	۱۳۹۵	نیما ولی زاده		تعاملات: معنویت گرا تحولات: هویت بخشی
۴	برج بلور	۱۳۹۰	علی اکبر صارمی		تعاملات: کاربری مختلط تحولات: توسعه شهری
۵	کتابخانه ملی تبریز	۱۳۱۸	-		تعاملات: دانش محور تحولات: فرهنگ سازی
۶	مقبره الشعرا	۱۳۶۱	غلامرضا فروزان مهر		تعاملات: ادب محور تحولات: هویت ملی
۷	طرح ابریشم چهارراه بهشتی	۱۳۸۹	علی اکبر صارمی		تعاملات: اقتصادی محور تحولات: نوسازی شهری
۸	برج تجارت جهانی	۱۳۹۶	گروه مهندسی پردیسان		تعاملات: بین المللی تحولات: سرمایه گذاری
۹	برج شهران	۱۳۹۲	مهندسین مشاور نماد سیلان		تعاملات: مسکونی محور تحولات: تراکم سازی
۱۰	هتل پارس ائل گلی	۱۳۸۰	مهندسین مشاور گروه ۴		تعاملات: گردشگری تحولات: هتل داری

تبریز به‌عنوان یکی از شهرهای تاریخی و فرهنگی ایران، دارای ویژگی‌های خاصی در زمینه فرهنگ و معماری است. این شهر با دارا بودن پیشینه‌ای غنی از معماری سنتی و تأثیرات مدرن، بستری مناسب برای مطالعه تعامل میان فرهنگ و معماری فراهم می‌کند (مطیعی، مهدی‌پور، ۱۴۰۳: ۷۵). ساختار شهری تبریز با ترکیبی از بافت‌های تاریخی و معاصر، چالش‌ها و فرصت‌های زیادی برای طراحان و معماران ایجاد کرده است (باقری، درسخوان، پورمحمدی، ۱۴۰۰: ۲۶۵). از یک سو، حفظ هویت تاریخی شهر ضروری است و از سوی دیگر، نیاز به تطبیق با تغییرات و تحولات مدرن وجود دارد. یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد تبریز، تأثیرات فرهنگی آن بر طراحی فضاهای شهری است. معماران و طراحان این شهر باید بتوانند با درک عمیق از فرهنگ و هویت محلی، طرح‌هایی ارائه دهند که بازتاب‌دهنده این ویژگی‌ها باشد و در عین حال، پاسخگوی نیازهای معاصر باشد. تحلیل ویژگی‌های ساختاری و فرهنگی شهر تبریز می‌تواند به درک بهتر تعامل میان معماری و فرهنگ کمک کند. این امر به‌ویژه برای اساتید و دانشجویان دانشکده‌های هنر و معماری اهمیت دارد، چراکه آن‌ها نقش کلیدی در شکل‌دهی به آینده معماری این شهر ایفاء می‌کنند.

۴- یافته‌های پژوهشی

باتوجه به نتایج حاصل از پرسش‌نامه که توسط ۱۲ نفر از اساتید هنر و معماری دانشگاه‌های تبریز پاسخ داده شده است، در نمونه‌های موردی که تعداد ۱۰ بنا از بناهای شاخص شهر تبریز می‌باشند، تعداد ۱ بنا، ساختار همساز با معماری؛ با محوریت اجتماعی-فرهنگی. ۷ بنا، به صورت ساختار مقدم بر معماری؛ محور فرهنگی. و ۲ بنا به صورت معماری مقدم بر ساختار؛ محور اجتماعی می‌باشد. طوری که برپایه (جدول ۳)، مقادیر فراوانی و همچنین درصد فراوانی آن‌ها آورده شده است. و برپایه (جدول ۴)، مقادیر مربوط به میانگین، واریانس، انحراف معیار و ضریب تغییرات نتایج حاصله محاسبه شده است.

جدول ۳. فراوانی و درصد فراوانی مربوط به متغیرهای نمونه‌موردی پژوهش حاضر- (مأخذ: یافته‌های پژوهشی)

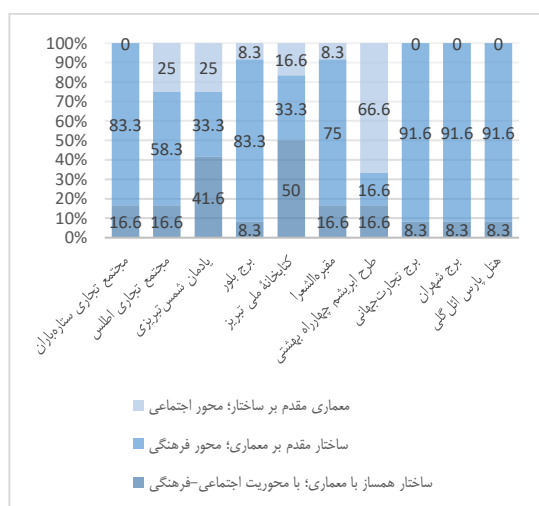
نام اثر	ساختار همساز با معماری؛ با محوریت اجتماعی-فرهنگی		ساختار مقدم بر معماری؛ محور فرهنگی		معماری مقدم بر ساختار؛ محور اجتماعی	
	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی
مجتمع تجاری ستاره باران	۲	۱۶.۶٪	۱۰	۸۳.۳٪	۰	۰٪
مجتمع تجاری اطلس	۲	۱۶.۶٪	۷	۵۸.۳٪	۳	۲۵٪
یادمان شمس تبریزی	۵	۴۱.۶٪	۴	۳۳.۳٪	۳	۲۵٪
برج بلور	۱	۸.۳٪	۱۰	۸۳.۳٪	۱	۸.۳٪
کتابخانه ملی تبریز	۶	۵۰٪	۴	۳۳.۳٪	۲	۱۶.۶٪
مقبره الشعرا	۲	۱۶.۶٪	۹	۷۵٪	۱	۸.۳٪
طرح ابریشم چهارراه بهشتی	۲	۱۶.۶٪	۲	۱۶.۶٪	۸	۶۶.۶٪
برج تجارت جهانی	۱	۸.۳٪	۱۱	۹۱.۶٪	۰	۰٪
برج شهوان	۱	۸.۳٪	۱۱	۹۱.۶٪	۰	۰٪
هتل پارس ائل‌گلی	۱	۸.۳٪	۱۱	۹۱.۶٪	۰	۰٪



جدول ۴. میانگین، واریانس، انحراف معیار و ضریب تغییرات نتایج حاصل- (مأخذ: یافته‌های پژوهشی)

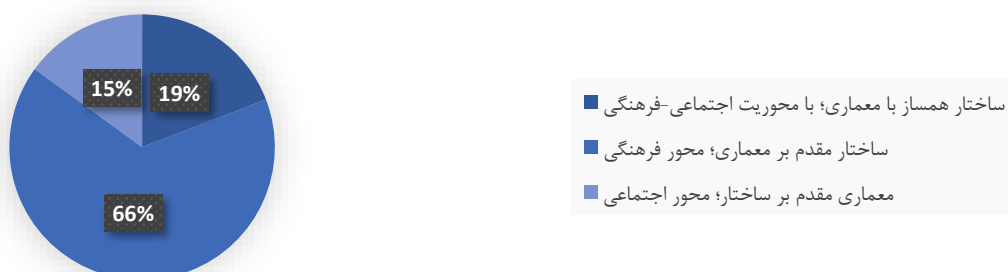
رابطه ساختار با معماری: در نمود فرهنگ و اجتماع شهر	میانگین	واریانس	انحراف معیار	ضریب تغییرات
ساختار همساز با معماری؛ با محوریت اجتماعی- فرهنگی	۲,۳	۲,۸۱	۱,۶۷	۰,۷۲
ساختار مقدم بر معماری؛ محور فرهنگی	۷,۹	۱۰,۴۹	۳,۲۴	۰,۴۱
معماری مقدم بر ساختار؛ محور اجتماعی	۱,۸	۵,۵۶	۲,۳۵	۱,۳

همان طوری که برپایه (نمودار ۱)، درصد فراوانی نمایش داده شده است، در اکثر ابنیه‌های شهر تبریز؛ ساختار منفصل از معماری؛ تحولات در فرهنگ می‌باشد که تقدم ساختار بر معماری؛ محور فرهنگی نیز بیشتر از تقدم معماری بر ساختار؛ محور اجتماعی مشاهده شده است.



نمودار ۱. درصد فراوانی- (مأخذ: یافته‌های پژوهشی)

برپایه (نمودار ۲)، حدود ۶۸ درصد مربوط به ساختار بر معماری؛ محور فرهنگی، ۲۰ درصد معماری مقدم بر ساختار است که در مجموع ۸۸ درصد بناها نشان‌دهنده انفصال ساختار و معماری در ابنیه‌های معاصر شهر تبریز می‌باشد و فقط ۱۲ درصد از آن‌ها ساختار همساز با معماری؛ با محوریت اجتماعی- فرهنگی می‌باشد.



نمودار ۲. میانگین متغیرهای مربوط به پژوهش- (مأخذ: یافته‌های پژوهشی)

۵- نتیجه‌گیری

پژوهش نشان داد که ارتباط متقابل بین معماری و فرهنگ نقش اساسی در شکل‌دهی به ساختارهای شهری و شیوه‌های آموزشی معماران ایفاء می‌کند. نتایج تحقیق تاکید دارند که بدون شناخت کافی از فرهنگ ساختارهای معاصر، هماهنگی میان معماری و فرهنگ به چالش کشیده می‌شود. این یافته‌ها بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های آموزشی و افزایش آگاهی در زمینه فرهنگ‌های محلی و ویژگی‌های معماری معاصر تاکید دارند. یافته‌ها نشان می‌دهند که فرهنگ و تغییرات اجتماعی-اقتصادی می‌توانند به‌طور مستقیم بر فرایند طراحی و آموزش معماری تاثیر بگذارند. با استفاده از روش‌های تحقیق کیفی و ابزارهایی نظیر مصاحبه و تحلیل داده‌ها، مشخص شد که طراحی فضاهای شهری بدون در نظر گرفتن فرهنگ بومی ممکن است به ضعف در ایجاد فضاهای همگون و سازگار منجر شود. در این راستا، توجه به ویژگی‌های معاصر و تعامل بین فرهنگی، از عوامل کلیدی برای بهبود طراحی‌های آتی شناخته شد. استادات دانشکده‌های هنر و معماری شهر تبریز با شناخت دقیق از رابطه بین فرهنگ و معماری می‌توانند نقش قابل توجهی در توسعه شهری ایفاء کنند. این مطالعه نشان داد که نگرش اساتید به فرهنگ شهری، بر شیوه‌های آموزشی و طراحی تاثیرگذار بوده و می‌تواند بستری جدیدی برای نوآوری و تطبیق‌پذیری در مواجهه با چالش‌های اجتماعی فراهم آورد. در نتیجه، پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های آموزشی معماری باتاکید بر ویژگی‌های فرهنگی معاصر طراحی شوند تا دانشجویان و طراحان آینده بتوانند در پاسخ به تحولات اجتماعی، فضاهایی هماهنگ با نیازهای جامعه خلق کنند. همچنین، تبیین راهبردهای میان‌رشته‌ای در طراحی و آموزش، به‌مانند ترکیب اصول جامعه‌شناسی و فرهنگ‌شناسی با معماری، می‌تواند به ارتقای کیفیت معماری شهری و تقویت تعاملات اجتماعی کمک کند.

۵-۱- ارائه راهکار و پیشنهادات

← تقویت ارتباط میان فرهنگ و معماری

- ← طراحی دوره‌های آموزشی ویژه برای آشنایی دانشجویان با فرهنگ محلی؛
- ← استفاده از مشاوران فرهنگی در فرایند طراحی پروژه‌های معماری؛
- ← تحلیل مطالعات تطبیقی از نمونه‌های موفق معماری فرهنگی در سایر کشورها؛

← بازنگری در برنامه‌های آموزشی معماری

- ← افزودن واحدهای درسی مرتبط با جامعه‌شناسی و فرهنگ‌شناسی در رشته معماری؛
- ← برگزاری کارگاه‌های عملی مبتنی بر شبیه‌سازی طراحی شهری با در نظر گرفتن فرهنگ محلی؛
- ← تشویق دانشجویان به انجام پژوهش‌های میدانی درباره تأثیر فرهنگ بر طراحی؛

← ایجاد بسترهای مناسب برای طراحی‌های معاصر

- ← توسعه ابزارهای دیجیتال برای شبیه‌سازی تأثیر فرهنگ در طراحی؛



- ← شناسایی معیارهای فرهنگی بومی و تلفیق آنها با اصول معماری معاصر؛
- ← حمایت از پروژه‌هایی که به تعامل میان معماری معاصر و سنتی می‌پردازند؛

← افزایش آگاهی جامعه درباره معماری فرهنگی

- ← اجرای برنامه‌های آموزشی عمومی برای آشنایی شهروندان با معماری فرهنگی؛
- ← برگزاری نمایشگاه‌های مرتبط با پروژه‌های معماری مبتنی بر فرهنگ؛
- ← تشویق رسانه‌ها به ترویج ارزش‌های معماری متناسب با فرهنگ بومی؛

← تشویق به مشارکت ذینفعان در فرایند طراحی

- ← دخیل کردن جامعه محلی در فرایند طراحی پروژه‌های شهری؛
- ← ایجاد شوراهای مشورتی با حضور اساتید، معماران و نمایندگان فرهنگی؛
- ← برگزاری جلسات نقد و بررسی عمومی برای طراحی‌های پیشنهادی؛

منابع

- ← باقری، کریم. درس‌خوان، رسول. پورمحمدی، محمدرضا. ۱۴۰۰. *تحلیل دگردیسی فضاهای شهری بافت تاریخی-فرهنگی کلان‌شهر تبریز با رویکرد معاصر سازی با تأکید بر حفظ هویت تاریخی*، فصلنامه علمی پژوهشی-دانش شهرسازی، دوره ۵، شماره ۴، ۲۷۹-۲۶۱.
- ← پورذکریا، مریم. فدائی نژاد بهرام‌جردی، سمیه. ۱۳۹۸. *بازخوانی رویکرد بازآفرینی فرهنگ-مبنا در ساخت شهر خلاق (تدوین چارچوب تحلیلی بازآفرینی قطب خلاق و فرهنگی)*، نشریه علمی پژوهشی-باغ‌نظر، دوره ۱۶، شماره ۷۷، ۱۴-۵.
- ← خستو، مریم. ۱۴۰۲. *تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی بر سرزندگی فضاهای شهری*، فصلنامه علمی پژوهشی-آمایش محیط، دوره ۱۶، شماره ۶۰، ۹۲-۷۳.
- ← دبدبه، محمد. ۱۴۰۰. *طراحی براساس ادراک و رفتار انسانی*، انتشارات طحان گستر، چاپ اول، تهران.
- ← دبدبه، محمد. تقفی اصل، آرش. محمدیان. مهرداد. کوره‌پز حسنعلی‌زاده، رعنا. ۱۴۰۲. *پدیدارشناسی سوبیه‌های مکانی در بوطیقای فضای معماری داخلی (مورد پژوهی: مجموعه بازار تاریخی تبریز)*، فصلنامه علمی پژوهشی-معماری و محیط‌پایدار، دوره ۱، شماره ۴، ۵۴-۳۷.
- ← رلپ، ادوارد. ۱۳۸۹. *مکان و بی‌مکانی*، ترجمه محمدرضا نقصان‌محمدی، کاظم مندگاری و زهیر متکی، ویراستار علمی علی درویش‌زاده، چاپ اول، تهران: انتشارات آرمان شهر.
- ← زینلی، فوزیه. فرحزا، نریمان. ۱۳۹۹. *انسجام دانش فنی و آموزه‌های طراحی در آموزش معماری مقایسه تطبیقی سرفصل دروس کارشناسی معماری دانشگاه‌های برتر جهان و ایران*، نشریه علمی پژوهشی-هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، دوره ۲۵، شماره ۲، ۱۰۶-۹۵.
- ← ستار، عسل. گسیلی، بهرام. رستم‌زاده، یاور. ۱۴۰۲. *مؤلفه‌های مؤثر در طراحی فضاهای فرهنگی از منظر اسناد بین‌المللی*، نشریه علمی پژوهشی-گردشگری فرهنگ، دوره ۴، شماره ۱۲، ۴۳-۳۰.

- شفیع، سحر. شقاقی، شهریار. زیبان، فرشته. ۱۴۰۱. *بررسی و تحلیل چگونگی تحولات نماهای شهر تبریز و تأثیر آن در فضاهای شهری از دوران پهلوی تا اکنون (۱۴۰۱)*، فصلنامه علمی پژوهشی-مطالعات میان رشته‌ای معماری ایران، دوره ۱، شماره ۲، ۱۶۰-۱۴۷.
- شهیدی، نازنین. قیومی بیده‌ندی، مهرداد. ۱۳۹۲. *رویکرد تاریخ فرهنگی و امکان و فواید آن در مطالعات معماری ایران*، فصلنامه علمی پژوهشی-مطالعات تاریخ فرهنگی، دوره ۵، شماره ۱۷، ۱۰۷-۸۷.
- علی‌الحسابی، مهران. مرادی، غلامرضا. ۱۳۹۹. *تحلیل نظری ارتباط مؤلفه‌های تصویر شهر و برند سازی شهری*، نشریه علمی پژوهشی-باغ‌نظر، دوره ۱۷، شماره ۸۳، ۷۴-۶۳.
- الک‌ساندر، کریستوفر. ۱۳۸۹. *الگوهای استاندارد در معماری*، ترجمه: فرشید سینی، چاپ دوم، تهران: انتشارات مهرآزان.
- گوران، شیرین. فروتن، منوچهر. دژدار، امید. ۱۴۰۱. *تبیین مؤلفه‌های تأثیرگذار برون‌دانشگاهی آموزش معماری بر معماران معاصر ایران از دیدگاه اساتید دانشگاه*، نشریه علمی پژوهشی-باغ‌نظر، دوره ۱۹، شماره ۱۱۲، ۸۱-۹۲.
- مطیعی، بابک. مهدی‌پور، محمود. ۱۴۰۳. *بررسی تأثیر مدرنیته بر معماری خانه‌های معاصر شهر تبریز در دوره قاجاریه*، نشریه علمی پژوهشی-باغ‌نظر، دوره ۲۱، شماره ۱۳۲، ۸۲-۷۱.
- میرجانی، حمید. ندیمی، حمید. ۱۳۹۷. *الگوی تجربه فعال در آموزش معماری تدوین مدلی برای کسب دانش عملی طراحی از طریق رویکرد طراحانه به مصادیق معماری*، دوفصلنامه علمی پژوهشی-مطالعات معماری ایران، دوره ۷، شماره ۱۴، ۲۰-۵.
- ناصری، سارا. ۱۳۹۴. *کاربست تکنولوژی و بحران هویت در معماری معاصر ایران در عصر جهانی شدن و ارائه راهکارهای برون رفت از وضع موجود*، فصلنامه علمی پژوهشی-مدیریت شهری و روستایی، دوره ۱۴، شماره ۴۱، ۳۸۰-۳۵۹.
- نصیری‌نیا، پیمان. حجت، عیسی. ۱۳۹۵. *تأملی در تحولات ساختاری معاصر شهر تبریز و تأثیر آن بر هویت شهر*، فصلنامه علمی پژوهشی-هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، دوره ۲۱، شماره ۱، ۵۴-۴۱.
- هال، پیتر. ۱۳۸۱. *برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای*، ترجمه جلال تبریزی، چاپ اول، تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- Dsouza, Edgar. Dsouza, Kevin. 2023. *A Study On The Impact Of Innovative Technologies In The Hospitality Industry*, Journal Of Tourism, Hospitality & Culinary Arts (JTHCA), 15(1), 1-23.
- Hadjadji, Narimane. Toulou, Naila. Dorra, Medhat. 2024. *Impact Of Digital Architecture: The Impact Of Digital Technology On Ecological Formations And Its Effect On Determinants Of Identity And Culture In Architectural Design*, Journal Of Engineering Research, 12(3), 285-293.
- Helmy, Mona. 2018. *The Role Of Architectural Education In Promoting Urban Heritage: Opportunities And Challenges*, Journal Of The Academic Research Community Publication, 2(3), 196-208.
- Kagan, Sacha. Hauerwaas, Antoniya. Holz, Verena. Wedler, Patricia. 2018. *Culture In Sustainable Urban Development: Practices And Policies For Spaces Of Possibility And Institutional Innovations*, Journal Of City Culture And Society, 13(1), 32-45.



- Mersal, Amira. 2018. *The Impact Of Built Environment On Human Behaviors*, Journal Of Environmental Science & Sustainable Development, 2(1): 1-12.
- Saleh, Mohamed Mahmoud. Abdelkader, Morad. Sadek Hosny, Samir. 2023. *Architectural Education Challenges And Opportunities In A Post-Pandemic Digital Age*, Ain Shams Engineering Journal, 14(8), 1-12.
- Yong Kai, Kooi. 2022. *Adaptability And Flexibility In Architecture Concepts & Theories Applied In Residential Architecture To Achieve Adaptability*, ResearchGate, 207-267.



Analyzing The Role Of The Islamic Revolution In Steering Muslim Nations Toward The Revival Of Modern Islamic Civilization: A Cultural Transformation Approach

Peyman Mohajeri Jolandan¹, Faraj Behzad Vakilabad^{2*}, Said Hassan Ameli³

(Received Date: 2024/09/11 - Accepted Date: 2024/11/09)

Abstract

The Islamic Revolution of Iran, led by Imam Khomeini and later by Ayatollah Khamenei, brought about fundamental changes in the cultural orientation of Muslim nations, paving the way for the formation of a modern Islamic civilization. This study aims to examine the role of the Islamic Revolution in guiding Muslim nations toward the revival of modern Islamic civilization through cultural transformation. The research methodology is documentary and library-based, employing a descriptive-analytical approach. With the emergence of Islam, a robust and grand foundation of culture and civilization was established, with contributions from various nations and ethnic groups. In this regard, the cultural and political perspectives of the Supreme Leader have played a crucial role in dismantling Western ideologies, reshaping the cultural approach of Muslim nations, and fostering the formation of modern Islamic civilization. This influence has been evident in the Arab Spring and the decline of Western ideologies among Muslim communities. Therefore, analyzing how this role has been fulfilled serves as a step forward in elucidating strategies for Muslims to reclaim their rightful position in the global order.

Keywords: Islamic Revolution, Iran, Cultural Approach, Muslim Nations, Cultural Transformations.

* This Article Is Extracted From The Doctoral Thesis Of 'Peyman Mohajeri Jolandan', Titled "*Explaining And Examining The Relationship Between The Public Effort To Revive The Great Islamic Civilization And The Islamic Awakening From The Perspective Of The Holy Quran*", Under The Supervision Of 'Dr. , Faraj Behzad Vakilabad', & Advisory Of 'Dr. Said Hassan Ameli'.

¹Ph.D. Student, Department Of Quranic Sciences And Hadith, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran. peymanmhajry@gmail.com

² Assistant Professor, Department Of Quranic Sciences And Hadith, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran. (Corresponding Author): behzad.f.phd@gmail.com

³ Instructor, Department Of Fiqh And Law, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran. jabalameli12@gmail.com

واکاوی نقش انقلاب اسلامی در جهت‌گیری ملت‌های مسلمان به سمت احیای تمدن نوین اسلامی با رویکرد تغییرات فرهنگی

پیمان مهاجری جولندان^۱، فرج‌بهزاد وکیل‌آباد^۲، سیدحسین عاملی^۳

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۲۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۹)

چکیده

انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی و در ادامه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با ایجاد تغییرات اساسی در رویکرد فرهنگی ملت‌های مسلمان زمینه شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را فراهم آورد. هدف از مقاله پیش‌رو واکاوی نقش انقلاب اسلامی در جهت‌گیری حرکت ملت‌های مسلمان به سمت احیای تمدن نوین اسلامی با رویکرد تغییرات فرهنگی می‌باشد. روش پژوهش، مطالعه اسنادی، کتابخانه‌ای و از نوع توصیفی-تحلیلی است. با پیدایش اسلام بنای مستحکم و عظیمی از فرهنگ و تمدن انسان پایه‌گذاری شد که در ایجاد آن ملل و نژادهای مختلفی سهیم بودند. در این بین، اندیشه‌ها و دیدگاه‌های فرهنگی و سیاسی مقام معظم رهبری، در شکست ایدئولوژی غربی و ایجاد تغییر در رویکرد فرهنگی در ملت‌های مسلمان و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، نقش به‌سزایی داشت و شاهد پیدایش بهار عربی و سرنگونی ایدئولوژی‌های غرب در بین امت‌های مسلمان بودیم. لذا؛ واکاوی چگونگی ایفای این نقش گامی روبه‌جلو برای تبیین شیوه‌های بازگشت مسلمانان به جایگاه واقعی خود در نظم جهانی خواهد بود.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، ایران، رویکرد فرهنگی، ملت‌های مسلمان، تغییرات فرهنگی.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «پیمان مهاجری جولندان»، با عنوان «تبیین و بررسی رابطه تلاش همگانی در جهت احیای تمدن عظیم اسلامی با بیداری اسلامی از منظر قرآن کریم»، است که به راهنمایی «دکتر فرج‌بهزاد وکیل‌آباد»، و مشاوره «دکتر سیدحسین عاملی»، استخراج شده است.

peymanmhajry@gmail.com

behzad.f.phd@gmail.com

jabalameii12@gmail.com

۱ دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

۲ استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران. (نویسنده مسئول):

۳ مربی گروه فقه و حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

۱- مقدمه

در قرون اخیر، مواجهه مسلمانان با تمدن غرب تحولات گسترده‌ای در جهان اسلام ایجاد کرد. برخی جوامع اسلامی با حفظ هویت خود به جذب علوم غربی پرداختند، عده‌ای به تقلید کامل از غرب روی آوردند، و گروهی دیگر به مخالفت منفعلانه با مدرنیته پرداختند. در این میان، متفکران مسلمان به بررسی دلایل افول تمدن اسلامی و راه‌های احیای آن همت گماشتند، که نتیجه آن شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی با تکیه بر آموزه‌های دینی و وحدت امت‌های مسلمان بود. این تمدن، برخاسته از قرآن به عنوان منبعی تحرری فناپذیر و منطبق بر فطرت انسان، به بازسازی علوم و هویت اسلامی پرداخت و وعه الهی پیروزی نهایی حق بر باطل را محور حرکت خود قرار داد. قرآن کریم^۱ با تأکید بر غلبه قطعی حق بر باطل (الإسراء: ۱۱)، و حکومت صالحان بر زمین (قصص: ۵)، چشم‌اندازی روشن برای احیای تمدن اسلامی ترسیم می‌کند. به طور خاص، این چشم‌انداز، الهام‌بخش جنبش‌های اسلامی معاصر شد که احیای تمدن نوین اسلامی را در راستای زمینه‌سازی ظهور امام عصر (عج)، می‌دانند. در این مسیر، مکتب تشیع با تکیه بر سیره اهل بیت (ع)، و تلاش‌های علمی علما، نقش محوری ایفاء کرده است. امام علی (ع)، و فرزندان با پایه‌گذاری علوم اسلامی و تربیت شاگردان برجسته، میراثی علمی و فرهنگی را برای امت اسلامی به جا گذاشتند که تا امروز با مجاهدت علما و رهبری‌های دینی تداوم یافته است. انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره)، و آیت‌الله خامنه‌ای، نقطه عطفی در این مسیر بود. این انقلاب با تغییر رویکرد فرهنگی، بر عدالت‌خواهی، استقلال، کرامت انسانی، و مقاومت در برابر استکبار جهانی تأکید کرد و الگویی برای بیداری اسلامی ارائه داد. آیت‌الله خامنه‌ای با تحلیل تحولات جهان عرب به عنوان «بیداری اسلامی»، اصولی همچون مبارزه با سلطه خارجی، عدالت‌طلبی، و نقش رهبری علما را محور این جنبش‌ها برشمردند. انقلاب ایران با نو سازی مفاهیمی به مانند عدالت، آزادی مشروع، و تقویت هویت دینی، چهار سطح تحلیلی فردی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را در احیای تمدن اسلامی مورد توجه قرار داد؛ ۱. فردی: ترویج اخلاق نیکو و تعامل مسالمت‌آمیز. ۲. اجتماعی: تقویت همکاری‌های فرهنگی و اقتصادی بین جوامع مسلمان. ۳. سیاسی: پاسخ‌گویی دولت‌ها به خواسته‌های مردم و مقاومت در برابر ظلم. و ۴. فرهنگی: تبادل اندیشه با دیگر تمدن‌ها و بازسازی هویت اسلامی. به طور مشخص، این تحولات، خودباوری را در جهان اسلام تقویت کرد و با بهره‌گیری از فناوری‌های ارتباطی، پیام مقاومت و وحدت را گسترش داد. نتیجه این روند، شکل‌گیری جنبش‌هایی به مثابه بیداری اسلامی بود که در قالب بهار عربی^۲ یا مبارزات فلسطین تجلی یافت.

^۱ صحیح‌ترین و جامع‌ترین کتابی الهی است که آموزه‌های آن عهده‌دار سعادت دنیا و آخرت است.

^۲ هنگامی که پیشوند نام کشور «دموکراتیک»، «دموکراتیک خلق»، یا «پادشاهی» باشد، برخی الزامات در زمینه چگونگی اداره و شیوه زندگی افراد در چنین کشوری ایجاد می‌شود. پارادایم غربی، که توانایی سلطه‌جویی در این گونه نام‌گذاری‌ها را دارد و مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، نظامی، جغرافیایی و مهمتر از همه رسانه‌ای را در اختیار دارد، از همان ابتدا نام این رویدادها را «بهار عربی»، گذاشت. استفاد از واژه «بهار»، در این نام‌گذاری، در واقع الهام گرفته از انقلاب‌های میانه قرن ۱۹ میلادی، در کشورهای مختلف اروپایی است که به اصطلاح «بهار مردم»، یا «بهار انقلاب»، نامیده می‌شد. در آن دوران، چندین کشور اروپایی درگیر انقلاب و تغییرات ساختاری شدند که آثار آن هنوز هم در زندگی اجتماعی مردم این کشورها و حتی سایر کشورهای جهان باقی است (تقوی، ۱۳۹۶: ۸۰). یکی دیگر از کاربردهای سیاسی واژه «بهار»، در حوادث پراگ در انتهای دهه ۱۹۶۰ میلادی اتفاق افتاد، زمانی که نیروهای کمونیستی، عمدتاً شوروی، برای جلوگیری از انجام اصلاحات متمایل به لیبرالیسم در کشور چک به آن کشور حمله کرده و آن را اشغال کردند.



۲- چارچوب مطالعات پژوهش

آیت‌الله روح‌الله موسوی خمینی^۱ رهبر انقلاب اسلامی ایران که با تأسیس جمهوری اسلامی ایران، تلاش کرد تا به احیای تمدن اسلامی با رویکرد تغییرات فرهنگی در جامعه بپردازد. ایشان در آثار خود نظیر ولایت فقیه و الحکومه الاسلامیه بر بازگشت به اصول اسلام ناب محمدی و تغییرات فرهنگی در سطح جامعه تأکید داشته است. در نظر ایشان، انقلاب اسلامی نه تنها یک تحول سیاسی، بلکه یک فرایند فرهنگی به منظور احیای هویت اسلامی و مقابله با استعمار فرهنگی غرب بود. سید محمدباقر صدر^۲ فقیه و متفکر اسلامی معاصر که در آثار خود نظیر فلسفه تاریخ و اقتصادنا به نقش تمدن اسلامی در جهت‌گیری فرهنگی ملت‌های مسلمان پرداخته است. ایشان بر این باور بودند که انقلاب اسلامی می‌تواند با ایجاد تحولات فرهنگی، نگاهی نو به تمدن اسلامی بیافریند و آن را از نظر اجتماعی و اقتصادی به‌روز کند. به‌ویژه در نظریات اقتصادی و اجتماعی خود، به اهمیت احیای اصول اسلامی و ترویج فرهنگی که با شرایط معاصر منطبق باشد، تأکید کرده است. محمد شریعتی^۳ فیلسوف و جامعه‌شناس ایرانی که در آثار خود همچون اسلام‌شناسی و پدران و فرزندان به رابطه بین انقلاب اسلامی و تغییرات فرهنگی در دنیای اسلام پرداخته است. شریعتی به‌ویژه در آثارش بر لزوم براندازی ساختارهای استعماری فرهنگی تأکید کرد و خواستار تغییرات اساسی در ساختارهای فرهنگی جوامع اسلامی شد. از دیدگاه شریعتی، انقلاب اسلامی ایران الگویی برای بازسازی فرهنگی در دنیای اسلام بود. عبدالکریم سروش^۴ فیلسوف و نظریه‌پرداز دینی معاصر ایران که در آثار خود مانند دین‌شناسی و نقدی بر سنت و مدرنیته به اهمیت اصلاحات فرهنگی در دنیای اسلام و تعامل آن با مدرنیته پرداخته است. وی انقلاب اسلامی را نه تنها یک جنبش سیاسی، بلکه یک حرکت فرهنگی و دینی می‌داند که می‌تواند زمینه‌ساز تحولات فرهنگی در سطح جهانی باشد. همچنین بر لزوم بازنگری در هویت فرهنگی اسلامی و انطباق آن با نیازهای عصر جدید تأکید کرده است. علامه محمدتقی جعفری^۵ فیلسوف و مفسر قرآن که در آثار خود، به‌مانند تبیین فلسفه انقلاب اسلامی و نظریات اجتماعی اسلام، به بررسی تحولات فرهنگی در پی انقلاب اسلامی و نقشی که این تغییرات در احیای تمدن اسلامی ایفاء می‌کند، پرداخته است. وی معتقد است که انقلاب اسلامی ایران گامی اساسی در جهت احیای فرهنگ اسلامی و از بین بردن فرهنگی استعماری و غرب‌گرایانه در جوامع مسلمان بود.

فاطمه‌زهرا احسانی^۶ در پژوهش خود با عنوان «نقش انقلاب اسلامی و جنبش‌های اسلامی در تمدن نوین اسلامی»؛ دریافته است که انقلاب اسلامی نقش قوه محرکه و تفکر در تمدن نوین اسلامی دارد و زمانی می‌تواند مولد باشد که در جامعه ظهور و بروز عینی پیدا کند. دستاورد انقلاب اسلامی این بود که؛

^۱ Ayatollah Ruhollah Khomeini

^۲ Sayyid Muhammad Baqir al-Sadr

^۳ Ali Shariati

^۴ Abdolkarim Soroush

^۵ Allama Muhammad Taqi Jafari

^۶ Fatemeh Zahra Ehsani

امام خمینی عملاً قرآن را وارد عرصه علوم سیاسی کرد. امام به نهادسازی اقدام کرد و با تأسیس کمیته‌های انقلاب، سپاه پاسداران، جهاد سازندگی و غیره، ضمن ایجاد تغییرات فرهنگی، زمینه را برای مشارکت مردم انقلابی فراهم کرد و شیوه‌ایی جدید در جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و مدیریت فرهنگی جامعه بنیان نهاد. و رفتار سیاسی امام تقسیمات نوینی را در عرف مدیریت جهانی پدید آورد که مبتنی بر فرهنگ دینی بود (احسانی، ۱۳۹۶: ۳۰-۱). جاوید منتظران^۱ و زهرا منتظران^۲ در پژوهش «تبیین و بررسی نقش انقلاب اسلامی در احیای تمدن نوین اسلامی»؛ دریافتند که انقلاب اسلامی ایران با تکیه بر ترویج فرهنگ و تفکر استقلالی، توانست نوعی خودباوری فرهنگی و استقلال اندیشه‌ای را برای مسلمانان به ارمغان آورد و با از بین بردن خودباختگی در حوزه فکر و اندیشه، به بازسازی تمدن اسلامی بپردازد تا بدی ترتیب کشورهای اسلامی در عین اهتمام به ایجاد هویت مستقل، به تقویت توان تعاملی و تبادل جهان اسلام مبادرت ورزند و ضمن تکیه بر ارزش‌های بومی و معنوی، دگرگونی سازنده در بینش و نگرش مسلمانان، تکیه بر فرهنگ خودی و باورهای دینی و عقیدتی، به استقلال تفکر نخبگان فکری، فرهنگی و اندیشه‌ای و ارتقای فعالیت‌های فرهنگی برای افزایش آگاهی و شناخت و معرفت عمومی اهتمام کنند (منتظران، منتظران، ۱۳۹۷: ۲۱-۱). محمد جزینی^۳ در پژوهشی با عنوان «نقش انقلاب اسلامی در تمدن نوین اسلامی»، به این نتیجه رسید که ماندگاری و تحول‌آفرینی این تمدن باعث گردید تا استعمارگران و دشمنان این آیین با حیل‌های زوال و فروپاشی عثمانیان را رغم بزنند. باین حال انقلاب اسلامی با ایستادگی ملت بیدار و هوشیار، با رهبری معمار انقلاب و عنایات و توجهات حضرت باری تعالی مبارزات علیه استعمار و استبداد به پیروزی رسید. متعاقب آن بیداری ملل مسلمان و آزاده جهان را در پی داشت و باعث تغییر رویکرد فرهنگی-اسلامی و شکل‌گیری تمدن نوین اسلام در میان ملت‌های مسلمان شد (جزینی، ۱۳۹۶: ۲۱-۱).

۳- روش پژوهش

در این تبیین، روش پژوهش به صورت مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای با رویکرد توصیفی-تحلیلی انتخاب شده است. به این ترتیب، ابتدا منابع و اسناد معتبر موجود در زمینه انقلاب اسلامی و تأثیر آن بر ملت‌های مسلمان در جهت احیای تمدن نوین اسلامی جمع‌آوری و بررسی شده‌اند. سپس، با تحلیل محتوای این منابع، نقشی که انقلاب اسلامی در شکل‌دهی به روند فرهنگی و اجتماعی در جوامع مسلمان ایفاء کرده، مورد ارزیابی قرار گرفته است.

این روش به منظور ارائه یک تحلیل جامع از تأثیرات فرهنگی و تمدنی انقلاب اسلامی بر حرکت‌های معاصر مسلمانان در راستای احیای هویت اسلامی و تمدن نوین اسلامی به کار گرفته شده است.

^۱ Javid Montazeran

^۲ Zahra Montazeran

^۳ Mohammad Jozeini

۴- یافته‌ها

۴-۱- نقش انقلاب اسلامی در توسعه علمی و نوسازی تمدن نوین اسلامی

درد گذشته جهان اسلام، پرهیزگاری و کناره‌گیری از دنیا، و درد امروز آن، ناسیونالیسم است. حکومت‌ها و ملت‌های مسلمان باید خود را از افکار ناسیونالیسم رها کرده و با کسب هویت گروهی در زیر چتر اسلام (هویت اسلامی)، دست به دست هم دهند. اندیشمندان کشورهای اسلامی نیز باید با هم برخیزند و جزئی از کل (جامعه جهانی اسلام)، شوند (دهقانی فیروزآبادی، فرازی، ۱۳۹۱: ۱۹۰-۱۶۳). در همین دوران شکوفایی جهان اسلام وقتی تاریخ را ورق می‌زنیم، می‌بینیم در دوران بالندگی تمدن اسلامی، در سایه پشتیبانی حاکمان مسلمان، کانون‌های علم و دانش در سرزمین‌های اسلامی رونق داشته است. این امر به تبادل افکار جدید و پیدایش آثار با ارزش در زمینه علم، پیدایش نوآوری‌ها و شکوفایی دانش کمک مؤثری کرد و عرصه رشد و توسعه فرهنگ تمدن اسلامی را فراهم آورد. پس می‌توان گفت از مهمترین ابزار نو ساختن تمدن اسلامی، عوامل روانی است. تمدن اسلامی اگر بخواید خودش را نشان بدهد باید به خودباوری برسد (بار تولد، ۱۳۷۷: ۱۹۰). به بیانی، مسلمانان باید بپذیرند که پیشرفت و عقب افتادگی، ذاتی نیست و می‌توان آن را تغییر داد و باید این کار را کرد. مسلمانان نباید در جانب داری و وابستگی‌های مذهبی (شیعه و سنی)، و نژادی (عرب و عجم)، محصور بمانند، باید فراتر فکر کنند و همه با هم و با یک هدف برخیزند. لذا، امروزه مسئله مهمی که حکومت‌ها و دولت‌مردان جهان اسلام باید به آن توجه داشته و در سایه آن به گسترش و نوسازی تمدن اسلامی بپردازند، تقارب رویکردهای فرهنگی ملت‌های مسلمان است. در این راستا، از کلیات مهم که باید به آن توجه نمود، فقاقت و بحث‌های نقادانه در فقه است؛ یعنی کنکاش درباره موضوعی فقهی و بیان حکم درباره آن؛ اهل تسنن به صورت نظری اجتهاد را پذیرفتند، اما در عمل بر نظریات فقهی بنیان‌گذاران مذهب‌های چهارگانه باقی مانده و بدین ترتیب، افکار اجتهاد را محصور کردند. وقتی این چرخ حرکت در اسلام بایستد، آزادی روح تمدن اسلامی و امکان پرواز و اوج گرفتن آن گرفته خواهد شد. ترقی و تکامل، نه در عقب‌افتادگی فکری و باورها و نه در تسلیم شدن و تقلید، بلکه در نشاط اجتهادی و تولید تفکر علمی و دینی است. رشد و توسعه علمی، نیازمند محیطی آرام و آزاد است؛ محیطی که در آن اطمینان خاطر و آسودگی فکری و نظری برای متفکرین فراهم آید. آزادی فکر و اندیشه البته اگر افسارگسیخته نباشد و حریم‌ها نیز حفظ شود سبب رشد و پیشرفت می‌شود (زمانی‌محبوب، ۱۳۹۰: ۱۱۷). از این رو، باید فضایی فراهم آید که نویسندگان و متفکران، افکار انتقادی خود را مطرح کرده، ایده‌ها و افکار خود را بیان نموده و گروهی از دانشمندان و اهل فن نیز در پی پاسخ این دیدگاه‌ها برآمده و آن‌ها را نقد و بررسی کنند. چنین وضعیتی، موجب تحول و پویایی فکری جامعه می‌شود، دانشمندان را از شلی و سستی دور می‌کند، مطالب متنوع در برابر پرسش‌ها ارائه می‌شود و در نتیجه، راهکارها و استراتژی مناسب به دست می‌آید. در تحلیل تغییر فرهنگی یادشده در انقلاب اسلامی، با نوعی تغییر در فرهنگ عمیق مواجه می‌شویم؛ به سخن دیگر، واکاوی و تشریح نمونه‌های عینی به ما می‌گوید این تغییرات، سطحی نبوده، به عناصر ظاهری

محدود نیستند؛ بلکه برعکس، به‌طور عمده، عبارت بوده‌اند از تغییر در نحوه نگرش به امور که شامل تغییر در پیش‌فرض‌ها (جهان‌بینی، اعتقادات کلی و غیره)، هنجارها و ارزش‌ها می‌شود. می‌توان اذعان داشت که یک نوع خاص از جهان‌بینی و اعتقادات و یک گونه از هنجارشناسی و ارزش‌مداری که تا قبل از آن، جنبه فرهنگ غالب و عمومی را در همه عرصه‌های اجتماعی و فردی نیافته بود، به‌عنوان گفتمان فرهنگی حاکم معرفی شد و در جهت حاکمیت و غلبه بالفعل آن تلاش گردید. بنابراین باید گفت انقلاب اسلامی، یک «سفر فرهنگی عمیق» بوده است و انقلاب فرهنگی نیز که می‌توان از آن به‌عنوان بطن انقلاب اسلامی یاد نمود که به‌معنای شروع این سفر و وقوع در انجام آن می‌باشد و همه تغییرات و تحولات دیگر را در این انقلاب، می‌توان ناشی از همین تحول دانست. بی‌شک یکی از اصلی‌ترین افرادی که در این تغییر رویکرد فرهنگی و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی نقش به‌سزایی داشته است مقام معظم رهبری می‌باشد و بدون شک یکی از مهمترین راه‌های رسیدن به این آرمان، تلاش در جهت حاکمیت بخشیدن به قرآن و آموزه‌های اسلامی است چراکه این دو ریسمان محکم الهی اصول اساسی ساخت تمدن نوین اسلامی را به‌خوبی نشان داده‌اند (روحانی، ۱۳۹۴: ۹۳-۸۴).

در قرون ابتدایی (قرن سوم و چهارم)، یکی از مهمترین علل پیدایش عصر طلایی تمدن اسلامی توجه به همین آموزه‌ها بود که در قرآن و اسلام مورد تأکید قرار گرفته بود (بیات، ۱۳۹۳: ۲۹). همچنین قرن‌های سوم و چهارم هجری، مزین به تمدنی شد که پس از هزار سال، هنوز برکات علمی و فرهنگی آن در مدنیت کنونی جهان دیده می‌شود. کتاب تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری نوشته ^۱ Adam Mez به روشنی نشان می‌دهد که تمام محیط اسلامی، بازار تولید علم در دنیا بوده و نقطه اصلی آن هم ایران یعنی همین اصفهان، ری، فارس، خراسان، هرات و مرو بوده است؛ در آن دوران، در ایران تشعشع و تلالوی تمدن است. در این دوران فیلسوفان، دانشمندان، نویسندگان و شاعرانی چون ابن سیناها، فارابی‌ها، و خوارزمی پایه‌های اولیه تغییرات فرهنگی و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را بنیان نهادند که سرانجام آن ظهور قدرت‌های سیاسی بزرگ در سراسر دنیا بود. این تمدن تا قرن‌های چهارم و پنجم و ششم هجری ادامه داشت و به‌مرور زمان حکومت‌های شکل‌پذیرفته از تمدن نبوی، دچار فساد و انحراف شدند و مسیرشان عوض شد. یعنی آن روزی که پادشاهانی به‌نام خلیفه، در بغداد و شام و در این گوشه و آن گوشه عالم، پرچم اسلام را بلند کرده بودند، اما زیر پرچم اسلام، هواهای نفسانی، شهوات، اغراض، تکبرها، غرورهای شاهانه، مال‌اندوزی‌ها و به‌خزائن خود پرداختن‌ها را وارد کردند و به‌این چیزها سرگرم شدند، زمینه‌های انحطاط دنیای اسلام فراهم شد.

بامروزی برای برهه از تاریخ اسلام، مشاهده می‌کنیم که اروپایی‌ها وقتی خواستند اندلس را از مسلمانان پس بگیرند، ابتدا شراب‌خواری را ترویج نمودند و سپس جوانان را به فساد جنسی آلوده کردند. کار به‌جایی رسید که مردم از کوچک و بزرگ و سران و قشون، دچار فساد و انحطاط اخلاقی شدند. نتیجه این اقدامات

^۱ Adam Mez

اروپایی‌ها آن شد سپاهی که تا آن زمان در هیچ جنگ نظامی شکست نخورده بود، در میدان جنگ نرم مغلوب شد. این تلاش برای غلبه بر تمدن نوین اسلامی تا قرن چهاردهم ادامه پیدا کرد. هرچند در هر قرن حکمایی از جمله صفوی بودند که پیرو شریعت اسلامی و قرآنی بودند ولی به‌طور خاص در قرن چهاردهم، معلم و راهبری از جنس اولاد پیامبر که با زبانی ساده و قرآنی با مردم هم‌قدم شد و مردم ایران پس از چندین قرن بلاتکلیفی، حکومتی دینی و اسلامی را روی کار آوردند تا مقدمات شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را در جهان فراهم سازند (مختاری، ۱۴۰۰: ۱۶۷). از زمان پیدایش اسلام، همواره ارزش‌ها و شاخصه‌هایی برای رشد و پیشرفت وجود داشته است که وجود آن‌ها در تمدن اسلامی در همه اوقات و زمان‌ها، لازم و ضروری است و نبود هر کدام از این شاخصه‌ها می‌تواند مسیر رشد و ترقی تمدن اسلامی را به‌چالش بکشاند. از جمله محوریت قوانین قرآنی، خردورزی، علم، اخلاق، مجاهدت در راه خدا، حکومت مردمی، پرهیز از تحجر، ایجاد رفاه عمومی، استقرار عدالت، دوری از اقتصاد مبتنی بر ربا و تکاثر و غیره؛ اما همگام با پیشرفت بشر، قطعاً ملاک‌ها و شاخصه‌های جدیدی نیز مطرح گردید که اگر تمدن اسلامی قصد پیشرفت در دنیای امروز را دارد، به ناچار باید به آن‌ها توجه کند. مقام معظم رهبری با آگاهی خویش و بادرک بایسته‌های زمان، همواره ضرورت توجه به مسائل بدیع را در رأس برنامه‌های خود قرار داده است. یکی از این بدیعیات، مسأله تمدن نوین اسلامی است که تحقق آن طبیعتاً ضرورت توجه به مسائل جدیدی به‌مثابه ابتکار و خلاقیت، توجه به رسانه‌های نوظهور، هنر، سینما، بهبود روابط بین‌الملل، صدور احکام فقهی مناسب با نیازهای جدید بشری و غیره، را می‌طلبد. دین اسلام به اقلیم و کشور و ملت و نژادی خاص تعلق ندارد تا بخواهند آن را به‌تنهایی ارتقاء بخشند. لذا اگر به اسلام و تفکر اسلامی، در ابعاد محلی و بومی توجه شود، قابل پیش‌بینی است که از تمدن اسلامی در کشورهای مختلف اثری نخواهد بود. و نیز باید توجه نمود که توسعه مادی و معنوی جهان اسلام و عزت و سرافرازی مسلمانان، باید از اولویت‌های دانشمندان و نخبگان مسلمان و میان آن‌ها اتفاق نظر باشد چراکه به‌عنوان الگوی جامعه می‌توانند تغییرات فرهنگی را در جامعه شکل دهند. در واقع، باید اهداف و انگیزه‌های اندیشمندان اسلامی، در جهت تعالی علم و دانش و در خدمت اسلام قرار گیرد. نکته دیگر اینکه دانشمندان مسلمان نباید از یادگیری علوم امروزی و تمدن جدید غرب فراری شوند، بلکه باید از پیشرفت‌های تمدن جدید بهره‌برده، به آن رنگ اسلامی بخشند، در آن صورت است که نوسازی تمدن اسلامی حاصل خواهد شد.

۴-۲- نقش انقلاب اسلامی در رشد هویت فرهنگی اسلام و نوسازی تمدن اسلامی

امروزه آگاهی از هویت فرهنگی اسلام بیش از هر زمان دیگر، ضروری هست تا ضمن الگوگیری از تمدن روشن اسلامی در گذشته، نقاط ضعف و قوت آن را شناخته و نهاد رشد و بالندگی‌اش را به کار بست و از سویی، به استعدادهای ذاتی خود بیشتر پی‌برد و بر خودباوریش طی این مسیر، افزود. البته باید توجه داشت که مرور تاریخچه فرهنگ و تمدن فروزان اسلامی، باید از منظر پندگیری و تنها در جهت تقویت حس خودباوری باشد، نه اینکه نگاه ما به گذشته موردنظر و توجه‌واقع شود و همانند چند قرن اخیر، از آینده غافل

شویم. پاک و منزّه دانستن دروغین تاریخ گذشته و اهتمام به آن، خود مخالف حرکت اسلام است و چاره‌ای برای درمان درد فرهنگ و تمدن اسلامی نیست. باید از گذشته پند گرفت و با تقویت اراده‌ها و پرورش افراد توانمند، به آینده نگریست. همچنین به این امر باور داشت که آنچه اطراف ما را فرا گرفته، تبدیل‌پذیر است و نیازمند بازنگری (حشمت‌زاده، ۱۳۷۸: ۲۳۴-۲۱۱). انقلاب اسلامی ایران توانسته با اتخاذ تدابیر خلاق و پُر منفعت برای تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها، به ایجاد فرصت‌های جدید مبادرت ورزد و نشان دهد که در عصر اطلاعات، توجه به قدرت علم نه تنها موجب افزایش توانایی برای همکاری می‌شود بلکه موجب افزایش تمایل دیگران به حرکت در این مسیر و تحقق ثبات منطقه‌ای نیز می‌گردد. در اندیشه مقام معظم رهبری، بحث علمی و رشد علمی، راه‌چاره توسعه تمدن اسلامی است. به نظر ایشان، فردای بدون علم تاریک است و راه‌چاره توسعه تمدن اسلامی، تلاش در مسیر علم است. علم از دیدگاه ایشان سلطه‌آور است و جامعه صاحب علم را قدرتمند می‌سازد. ایشان به میزان بسیاری تأکید می‌کنند که علم را باید یاد گرفت و به تولید و انتقال آن پرداخت و به مصرف آن نباید بسنده کرد. روش‌شناسی تولید علم از دیدگاه ایشان، اجتهاد به معنای مصطلح، یعنی بهره‌بردن از منابع دینی و رجوع به عقلی است که پشتوانه آن وحی است. در این صورت تولید علم می‌تواند در مسیر رشد و گسترش تمدن اسلامی با شد. به باور ایشان دشمن از هیچ تلاشی برای عدم تحقق این اصل کوتاه نمی‌کند و پس، باید ترفندهای دشمن را شناخت. نکته بسیار مهم در اندیشه ایشان درباره علم، شکستن مرزهای دانش به وسیله مسلمانان است. به اعتقاد ایشان، تحجر و جزم‌گرایی در خصوص یافته‌های علمی گذشتگان یا متفکران غربی، آفت اصلی تحقق رشد علمی است و آزاداندیشی راه برون‌رفت از این آفت است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۱۲/۹).

از دیگر اقداماتی که حکومت‌ها باید در راستای گسترش و نوسازی تمدن اسلامی انجام دهند، استقبال از جنبش آزاداندیشی و آزادمنشی یا همان تغییر در رویکرد فرهنگی ملت‌های مسلمان است (زمانی محبوب، ۱۳۹۰: ۱۱۸). در این زمینه *اقبال لاهوری*^۱ معتقد است تنها راهی که در برابر ما باز است این است که حفاظ سختی که اسلام را پوشانیده و نظر پویا و بالنده آن را نسبت به زندگی متوقف ساخته است، از روی آن برداریم و از نو حقیقت‌های اصلی آزادی و برابری و مسئولیت مشترک را کشف کنیم. آن روز که بهره آزادی، اخلاق و منطق، همه یکجا و در کنار یکدیگر به جا آورده شود، شروع جریان خلاقیت علمی و تفکر بالنده دینی میان مسلمانان و کلید احیای تمدن اسلامی در همه جوامع اسلامی زده شده است. یکی از مهمترین کارها در این مسیر، ایجاد روحیه آزاداندیشی و تفکر استدلالی در میان امت مسلمان است. اگر وضعیت فکری مسلمانان و قوا و استعدادهای آنان رشد نکند، طبیعی است که تمدنی نیز در کار نباشد. احیای تمدن اسلامی، به مسلمانانی وابسته است که بتوانند آزادانه فکر کنند و منفعت جمعی و فکری خود را متفکرانه تشخیص دهند (لاهوری، ۱۳۹۵: ۳۴). انقلاب اسلامی ایران نشان داد که دین می‌تواند عنصری اثرگذار بر سیستم تصمیم‌گیری جهان به حساب آورده شود و جهان اسلام باتکیه بر اعتقادات و هنجارهای

^۱ Muhammad Iqbal



بومی و فرهنگی از توان و قدرتمندی لازم برای فرم‌دهی به سازمان‌دهی اجتماعی و سیاسی برخوردار است. انقلاب اسلامی، این اعتمادبه‌نفس را به ملت‌های مسلمان داد که می‌توان با آگاهی و آشنایی دقیق از فرهنگ اسلامی و باز تعریف آرمان‌هایی چون استقلال، آزادی، عزت و عدالت و باتکیه بر الگوی تفکر، آگاهی، تصمیم‌گیری و اطلاع‌رسانی، باب خلاقیت اسلامی را گشود. این انقلاب با ثابت کردن توانایی دین برای حکومت‌داری و بازسازی وظیفه دین به‌عنوان جزئی اثرگذار بر تحولات جهانی، توانست به نوسازی هویت اسلامی برپایه پیوند دین و سیاست اقدام کند. بازسازی هویت تمدن اسلامی و نقش آفرینی تفکر اسلامی در عرصه هنجارسازی و گفتمان‌سازی، حکایت از آن دارد که انقلاب اسلامی توانسته نقش دین را در نظام تصمیم‌گیری منطقه‌ای و بین‌المللی آشکار سازد. این مهم مدیون احیای تمدنی در سایه انقلاب اسلامی است که بر شاخص‌هایی از قبیل پیوند دیانت و سیاست قرار داده شده است (محمدی‌فر، بیات، عرفان، ۱۴۰۱: ۱۵).

۴-۳- نقش انقلاب اسلامی در شکل‌گیری حرکت‌های مردمی در امت‌های مسلمان

در جهانی که همه از اطلاعات، لبریز شده‌اند، آنچه اهمیت دارد اطلاعات نیست بلکه توجه ماست و این توجه به سمت اطلاعات در دست‌تر جلب می‌شود. در این میان، بازیگری می‌تواند پیش‌رو دنیای سیاست باشد که در زمینه انتقال پیام و جلب اعتماد در جهان، نقش آفرین باشد زیرا مشروعیت، قسمت اساسی از قدرت نرم آن‌را تشکیل می‌دهد و جذابیت آن بر قدرت قطعی آن می‌افزاید. در این میدان، پیروز کسی است که قاعده‌مند و دارای ارزش باشد و بتواند با استفاده از قدرت نرم و تصویرسازی و ارائه چهره‌ای مطلوب و مناسب به انتقال درست پیام اقدام کنند. و به‌همین دلیل استفاده از روش فعال و بدیع در جهت تغییر در رویکرد فرهنگی و حرکت به سمت فرایند جهانی‌شدن در دستور کار انقلاب اسلامی ایران قرار گرفت و نقش آفرینی قدرت نرم انقلاب اسلامی طی سال‌های اخیر به‌شکلی باورنکردنی افزایش یافت. انقلاب اسلامی ایران باهدف متحول‌سازی نظام بین‌الملل از رهگذر ایجاد تحول و دگرگونی در افکار و اذهان و فراهم‌ساختن شرایط ذهنی برای تغییر قواعد و هنجارهای بین‌المللی، توانست با تفکرات رهایی‌بخش خود، نظام سلطه را به چالش بکشد و ابعاد اساسی اندیشه استکبار ستیزی، استقلال طلبی و راهبرد «نه شرقی نه غربی»، را برای جهانیان آشکار کند و نه تنها به چالش فکری و سیاسی با غرب مبادرت ورزید بلکه توانست با اتکاء به قدرت نرم‌افزاری خود و باز تعریف جدیدی از دین، معنویت و سیاست، روش زندگی و الگوی جدید اجتماعی را نمایان کند. انقلاب اسلامی ایران دارای مشخصه‌های منحصر به فرد و یگانه‌ای در زمانه خود بود. زمانه‌ای که از آن دو قطب ژئوپلیتیکی شرق و غرب با جهان‌بینی خاص خود بودند و همه جریان‌ها در این دو راستا شنا سایی و هویت می‌یافت. دو قطب جهانی در هنگامه انقلاب اسلامی به رهبری آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی و مبادلات و معادلات منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای با ارجاع به یکی از این دو نیروی متخاصم تعیین می‌گشت. اما انقلاب اسلامی ایران نوعی گریز از این دو جریان سلطه، و بازگشایی قطب دیگر بود (متقی، قره‌بیگی، ۱۳۹۳: ۱۳۱).

بروز قطب و قدرت سوم در عرصه جهانی به دلیل عدم وابستگی به قطب‌های پذیرفته شده جهانی، ناشی از باورهای دینی، ایمانی و اسلامی و حمایت و پشتیبانی فراوان مستضعفان جهان از آرمان‌های انقلاب اسلامی که توانسته نظم تحلیلی مبتنی بر سرمایه‌داری و کمونیسم را درهم بشکند به طوری که بیداری اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا و ادامه آن، بروز آشفته‌گی اجتماعی در جامعه آمریکا در پی بروز جنبش ضد وال استریت، حکایت از تغییرات در رویکرد فرهنگی غربی و تنزل نظام افسارگسیخته سرمایه‌داری و ازهم پاشیدن پایه‌های سست اومانیستی و مادی‌گرایی غربی دارد که از تلاش به سوی معنویت و خداآوری غفلت ورزیده است. انقلاب اسلامی ایران با روشن کردن اندیشه تحول براساس معنویت و اسلام و بازسازی دین در سطح جهان، توانسته ضمن به چالش کشیدن مکتب مادی‌گرایی سرمایه‌داری لیبرال و ضد ارزش ساختن سلطه‌گری قدرت‌های جهانی، به متحول‌سازی معادلات سیاسی بین‌الملل اقدام کند. این اوج‌گیری فرهنگی که بر وحدت جهان اسلام و پی‌ریزی قطب‌جهانی دنیای اسلام تأکید می‌کند، توانسته رهبری مبارزه با هجوم فرهنگی شرق و غرب را برعهده بگیرد و با ارائه ذهنیت نوین از دین به عنوان مجموعه‌ای جامع از اعتقادات، ارزش‌ها و هنجارهای سامان‌یافته که توانایی سازمان‌دهی به بنیادهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی را دارد، به احیای تمدن نوین اسلامی همت گمارد (موتقی، ۱۳۷۸: ۴۰). بدین ترتیب، حرکت‌های نوین مردمی در منطقه خاورمیانه براساس الهام‌گرفتن از آرمان‌های انقلاب اسلامی از قبیل بیدادگری، عدالت‌خواهی، معنویت‌طلبی، اسلام‌خواهی، عزت‌جویی، کرامت‌طلبی، پستی‌زدایی، استقلال‌طلبی، استکبارزدایی و صهیونیسم‌ستیزی توانسته موج جدیدی را در منطقه به وجود آورد و بنمایاند که از دل اسلام سیاسی، جریان دموکراسی‌خواهی و آزادی‌طلبی برمی‌خیزد و در فرایند تثبیت نظام مردم‌سالاری، جریان‌های اسلام‌گرا از طریق انتخابات و مراجعه به آرای عمومی به قدرت و حاکمیت می‌رسند و این هم برگرفته از تجربه انقلاب اسلامی است که امکان توافق و سازگاری بین جمهوریت و اسلامیت را در قالب نظام مردم‌سالاری دینی فراهم آورد. این روش کثرت‌گرایی به مدرنیته و مردم‌سالاری که آن‌را روش و نه ارزش می‌داند و به عنوان الگویی قابل جمع با اسلام سیاسی، معرفی می‌کند، این‌را می‌رساند که، الگوی واحد و تک‌ساختی مدرنیسم غربی، دیگر توانایی تحمیل کردن خود به جوامع مسلمان را ندارد و جهان در حال طی کردن تجربه انقلاب اسلامی در راه برقراری سازگاری بین سنت اسلام‌خواهی و روش‌های مدرن و مردم‌سالار حکومت‌داری به دور از ظلم، سلطه، فساد و تبعیض است. این جریان بیداری اسلامی توانسته با تغییر در رویکرد فرهنگی ملت‌های مسلمان و شناساندن ظرفیت‌های تمدن نوین اسلامی، موجبات بازآفرینی نقش دین را در نظام بین‌الملل به وجود آورد و روشی نوین را برای مقابله با نظام سلطه رقم زند که بر توسعه و پیشرفت قدرت نرم افزاری، فکری و فرهنگی ملت‌های مسلمان استوار است. در این مسیر پرتلاطم، رهبر انقلاب اسلامی ایران با درک مقتضیات زمان، مبحث تمدن نوین اسلامی را با مبانی‌های جدیدی چون صدور فتاوی فقهی متناسب با نیازهای جدید، تلاش و کار و ابتکار، توجه به رسانه‌های مدرن، سینما، هنر مطرح کرده‌اند تا تمدن اسلامی پویا بماند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۳/۲۲). در نتیجه



ایشان شکوفاترین راه رسیدن به تمدن نوین اسلامی را رعایت عدالت اجتماعی بیان نموده و می‌فرماید: «از همه این شاخص‌ها مهمتر، شاخص کلیدی و بنیادین عدالت اجتماعی است. یعنی ما رونق اقتصادی کشور را بدون تأمین عدالت اجتماعی هرگز نمی‌پذیریم. کشورهایی وجود دارند که شاخص‌های اقتصادی‌شان خیلی خوب است، اما تبعیض، شکاف طبقاتی و نبود عدالت در آن‌ها محسوس است که البته ما این را منطبق با اسلام و اهداف نظام نمی‌دانیم. بدین‌سان یکی از مهمترین شاخص‌های ما، شاخص عدالت اجتماعی است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۷/۱۴ و ۱۳۸۳/۳/۱۸ و ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

۴-۴- نقش انقلاب اسلامی ایران در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی

بنیاد اصلی تمدن اسلامی، اسلامیت آن است و بی‌تردید، اسلام سبب به‌وجود آمدن فرهنگ و تمدن درخشان اسلامی بوده است و شکوفایی آن در تمام حوزه‌ها، از معماری تا ادبیات و از پزشکی تا آداب و رسوم نمایان می‌شود، از این‌رو، برای گسترش و احیای تمدن نوین اسلامی باید به اسلام و قواعد آن بازگشت. این مسئله درحالی‌با اهمیت‌تر به‌نظر می‌آید که مسلمانان امروز، از اصول اسلام و آموزه‌های این شریعت، دست کشیده‌اند و باید برای اتصال دوباره آن، فکری اندیشید. پس باید به این نکته توجه نمود که بازگشت به اسلام اساسی‌ترین روش و راهکار احیاء و توسعه تمدن نوین اسلامی است (لاهوری، ۱۳۶۲: ۱۸). مسلمانان امروز با مشاهده و لمس ناکامی‌های گذشته، رشد فکری لازم برای رسیدن به وضعیت جدید را پیدا کرده‌اند و در پی تغییری بنیادین هستند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲۶). آنچنانکه در طول تاریخ، هیچ تمدنی بدون حرکت نخبگان و اهل علم، رشد نکرده است پس بر این اساس می‌توان گفت از مهمترین عوامل رونق دوباره تمدن اسلامی، همت و تلاش خستگی‌ناپذیر علما و دانشمندان مسلمان در جهت تغییر در رویکرد فرهنگی ملت‌های مسلمان است. در دوران طلایی تمدن اسلامی نیز رنج و تلاش فراوان دانشمندان برای کسب علم و دانش به‌خوبی به‌چشم می‌خورد. اقبال لاهوری، از جمله کسانی است که به احیای اسلامی عقیده دارد. وی در کتاب احیای فکر دینی در اسلام می‌نویسد: «ما اکنون مرحله‌ای را می‌گذرانیم که شباهت به مرحله انقلاب پروتستانی‌گری اروپاست... باید از آن عبرت بگیریم و با احتیاط تمام و آشنایی کامل گام برداریم. البته این به‌معنای تأیید پروتستانیزم اسلامی نیست، بلکه مؤیدی بر این نکته است که اندیشمندان جهان اسلام ضرورت تغییر و تحول را احساس کرده و در پی آن می‌باشند. حقیقت این است که «نوسازی تمدن اسلامی»، با شعار و طرح موضوع تحقق نمی‌یابد. لذا، اگر تمدن اسلامی بخواهد از رکود و رخوت نجات یابد و اوج گیرد، باید مجموعه عواملی دست‌به‌دست هم دهد تا این آرمان تحقق یابد. باید دانست که پایه نوسازی تمدن، علم و تکنولوژی نیست، بلکه فرهنگ و بینش و کمال فکری انسان است، از این‌رو، باید معنای تمدن را در تغییر کلیه عناصر نظام ارزش و فکری جامعه (مبتنی بر شریعت انسان‌ساز اسلام)، شناسایی نمود. در این‌راستا، فرهنگی که اسلام بنا نهاد، همه‌جانبه بود، ولی جوهره اصلی آن توحید بود، از این‌رو، مبنای تمدن نوین اسلامی را باید در خود اسلام جست‌وجو کرد، نه بیرون آن؛ پس می‌توان با توجه به جایگاه مباحث معنوی، ارزشی و اعتقادی در جوامع اسلامی و باتکیه بر

روحیهٔ ایثار و مبارزه در میان امت اسلام به بسط ایدئولوژی نه شرقی و نه غربی و گسترش ارزش‌های اسلامی مبادرت ورزید (لوکاس، ۱۳۹۳: ۲۵).

در جریان «بهار عربی»، موج خیزش‌های مردمی جهان عرب را درنوردید. در اثر این قیام‌ها، چهار حکومت عربی (تونس، مصر، لیبی و یمن)، سرنگون شدند، سه حکومت (بحرین، اردن و تاحدی عربستان)، با مشکلات جدی روبه‌رو شدند و یک حکومت (سوریه)، دستخوش جنگ داخلی گشت. بقی، دولت‌های عربی با ثبات به نظر می‌رسند (تقوی، ۱۳۹۶: ۱۱). نگاهی به انقلاب‌های اخیر نشان می‌دهد که تجربه‌های کسب شده از انقلاب اسلامی ایران همواره مورد توجه مسلمانان بوده است، به طوری که جنبش‌های اسلامی پس از انقلاب اسلامی ایران همواره با الگوگیری از آن در پی برقراری حکومت اسلامی در کشورهای خود بوده‌اند. اما این تجربه‌ها در طول سه دههٔ گذشته موفق نبوده و همواره در این راه با شکست مواجه شده و نتوانسته به اهداف خود دست پیدا کند که با ریشه‌یابی متوجه می‌شویم یکی از اصلی‌ترین دلایل این شکست‌ها نداشتن رهبری واحد بود. لذا، به فرمودهٔ مقام معظم رهبر ۴ رکن اساسی در انقلاب ایران عبارت‌انداز: ایدئولوژی اسلام، همراهی توده‌های مردم و رهبری امام خمینی (ره). هرگاه این سه عنصر در یک جنبش در کنار هم قرار گیرند آن انقلاب به هدف‌نهایی خود خواهد رسید. نکتهٔ مهمی که در جنبش‌های منطقه از آن غفلت شده است (اندیشه، ۱۳۹۵: ۸). بازگویی به چگونگی تشکیل دولت‌های اسلامی از جمله حزب‌الله لبنان مشاهده می‌کنیم که تفکرات و اندیشه‌های امام خمینی و مقام معظم رهبری در شکل‌گیری حزب‌الله و سایر گروه‌های مبارز نقش مؤثری داشتند که از آن به جنبش‌بیداری اسلامی یاد می‌شود. جنبش‌بیداری اسلامی که اکنون کشورهای خاورمیانه اسلامی را درمی‌نوردد هم از این قاعده مستثناء نیست و طبق رهنمودهای رهبری برای پیروزی نیاز به هر سه این عناصر اصلی می‌باشد که در نهایت موجب تشکیل حکومت اسلامی در این کشورها شده که برآیند این حکومت‌های اسلامی در منطقهٔ خاورمیانهٔ اسلامی خود نوید تشکیل تمدن جدید اسلامی را دارد لذا انقلاب اسلامی به عنوان نقطهٔ آغاز خیزش تفکر بیدارگر اسلامی، توانست از رهگذر شکل‌دهی به قشر جدیدی به نام نخبگان دینی به عنوان تولیدگران اندیشه و تفکر اسلامی با تغییر رویکرد فرهنگی جوامع مسلمان، به احیای ارزش‌های دینی مبادرت ورزد و با تبیین سازگاری اسلام و دموکراسی، هویت اسلامی را به مسلمانان بازگرداند و عزت و اعتماد به نفس را در میان آنان ایجاد کند.

۵- نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران با تغییر در رویکرد فرهنگی ملت‌های مسلمان و رشد و توسعهٔ علمی و فکری و سازمان‌دهی حرکت‌های مردمی در امت‌های مسلمان، ضمن شکوفایی و بالندگی مجدد تمدن اسلامی، توانست بلوک ایدئولوژیک واحدی را تشکیل دهد و غرب را مجبور سازد تا از ادعای جهان‌شمولی خود دست بکشد و سر تعظیم در مقابل اتحاد ملت‌های مسلمان خم کند. دستاوردهای انقلاب اسلامی در زمینهٔ

تغییر در رویکرد فرهنگی جهان اسلام توانسته راهگشای ملت‌های مسلمان منطقه در مسیر مبارزاتی خود برای حفظ کرامت و احیای هویت اسلامی خود باشد و بازسازی تمدن اسلامی را باتکیه بر خودباوری فرهنگی و پرچم‌داری انقلاب فرهنگی جهانی به ارمغان آورد. افزون‌براین، انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان سردمدار مبارزه با نظام سلطه، توانسته به حرکت آفرینی در منطقه براساس آموزه‌های اسلام ناب محمدی مبادرت ورزد. ملت‌های مسلمان با الگوگیری از ایدئولوژی‌های فکر مقام معظم رهبری و دستاوردهای موفق انقلاب اسلامی توانسته‌اند به پیروزی‌های چشمگیری در عرصه ملی و بین‌المللی و عدالت‌خواهی در برابر ظلم مستکبرین دست یابند ولی به گفته مقام معظم رهبری تا زمانیکه از سه عنصر ایدئولوژی اسلام، همراهی توده‌های مردم و رهبری قوی، برخوردار نباشند در رسیدن به اهداف خود و غلبه بر ظلم موفق نخواهند بود.

منابع

- احسانی، فاطمه‌زهره. ۱۳۹۶. *نقش انقلاب اسلامی و جنبش‌های اسلامی در تمدن نوین اسلامی*. همایش بین‌المللی بازخوانی تمدن اسلامی و جهان شهر معنوی باتاکید بر شهر مقدس مشهد، ایران-مشهد، ۳۰-۱.
- احمدسید. موفقی. ۱۳۷۸. *علل و عوامل انحطاط مسلمین در اندیشه سیاسی و آرای اصلاحی سیدجمال‌الدین اسدآبادی*. چاپ دوم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- اندیشه، هاشم. ۱۳۹۵. *بهار عربی (بیداری اسلامی)، و تأثیر آن در تمدن اسلامی*. دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روان‌شناسی و مطالعات اجتماعی ایران، ایران-قم، ۱۷-۱.
- بار تولد، واسیلی ولادیمیروویچ. ۱۳۷۷. *فرهنگ و تمدن مسلمانان*، ترجمه: علی‌اکبر دیانت، تهران: انتشارات احیاء.
- بار تولد، واسیلی. *فرهنگ و تمدن مسلمانان*. ترجمه علی‌اکبر دیانت. تبریز: شفق، ۱۳۳۷ش.
- بیات، علی. ۱۳۹۳. *بایسته‌های دوره‌بندی تمدن اسلامی*، فصلنامه علمی پژوهشی-نقدونظر، دوره ۱۹ شماره ۲: (پیاپی)، ۳۴-۱۱.
- تقوی، سیدمحمدعلی. ۱۳۹۶. *ریسه‌های بهار عربی و دومینوی فروپاشی رژیم‌های عرب (تعیین‌کنندگی عوامل کوتاه‌مدت و نقش مدیریت سیاسی)*. دولت پژوهی، دوره ۳، شماره ۱۱، ۲۶-۱.
- جزینی، محمد. ۱۳۹۶. *نقش انقلاب اسلامی در تمدن نوین اسلامی*. همایش بین‌المللی بازخوانی تمدن اسلامی و جهان شهر معنوی باتاکید بر شهر مقدس مشهد، ایران-مشهد، ۲۱-۱.
- حشمت‌زاده، محمدباقر. ۱۳۹۴. *مقدمه و چارچوبی برای بررسی تأثیرات انقلاب اسلامی در کشورهای اسلامی*. فصلنامه علمی پژوهشی-مطالعات فرهنگ-ارتباطات، شماره ۱۲ و ۱۳، ۲۳۴-۲۱۱.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. فرازی، مهدی. ۱۳۹۱. *بیداری اسلامی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*. فصلنامه علمی پژوهشی-مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۹، شماره ۲۸، ۱۹۰-۱۶۳.
- روحانی، علی‌اکبر. ۱۳۸۴. *قرآن زیرساخت تمدن اسلامی*. دوفصلنامه علمی پژوهشی-اندیشه تمدن اسلامی، دوره ۱، شماره ۱، ۹۳-۸۴.

- زمانی محبوب، حبیب. ۱۳۹۰. *نوسازی تمدن اسلامی*. فصلنامه علمی پژوهشی-تاریخ اسلام در آینه پژوهش، دوره ۸، شماره ۱، ۱۳۵-۱۱۷.
- لاهوری، محمد اقبال. ۱۳۹۵. *احیای فکر دینی در اسلام*. ترجمه: احمد آرام، چاپ دوم، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- لوکاس، هنری. ۱۳۹۳. *تاریخ تمدن: از کهن ترین روزگار تا سده ما (جلد ۱)*، ترجمه: عبدالحسین آذنگ، چاپ ششم، تهران: انتشارات سخن.
- متقی، افشین. قره یگی، مصیب. ۱۳۹۳. *واکاوی گفتمان ژئوپلیتیکی انقلاب اسلامی از نظرگاهی نظریه سازی سازه انگاری*. فصلنامه علمی پژوهشی-پژوهشنامه متین، دوره ۱۶، شماره ۶۴، ۱۵۱-۱۳۱.
- محمدی فر، محمد. بیات، علی. عرفان، امیر محسن. ۱۴۰۱. *نقش مدیریتی خواجه نصیرالدین طوسی در بحران تمدن اسلامی پس از حمله مغولان*، فصلنامه علمی پژوهشی-پژوهشنامه متین، دوره ۱۳، شماره ۴۷، ۳۴-۷.
- مختاری، محمدحسین. ۱۴۰۰. *شناسایی و تبیین الگوی تمدن نوین اسلامی بر اساس وصیتنامه سیاسی-الهی امام خمینی(ره)*. فصلنامه علمی پژوهشی-پژوهشنامه متین، دوره ۲۳، شماره ۹۳، ۱۶۷-۱۳۷.
- مقدسی، ابو عبدالله محمدبن احمد ۱۳۶۱. *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*. ترجمه: علیتی منزوی، چاپ دوم، انتشارات کومش.
- منتظران جاوید، منتظران، زهرا ۱۳۹۷. *تبیین و بررسی نقش انقلاب اسلامی در احیای تمدن نوین اسلامی*. مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ایران-تهران، ۲۱-۱.



Identifying And Prioritizing The Components And Indicators Of Talent Management Among The Presidents Of Islamic Azad University In Tehran Province

Masome Takhtravan¹, Saeid Moradi^{2*}, Abas Khorshidi³, Pari Soushabi⁴

(Received Date: 2024/07/26 - Accepted Date: 2024/11/21)

Abstract

The present study aims to identify and prioritize the components and indicators of talent management among the presidents of Islamic Azad University in Tehran Province. This research is a descriptive survey study. The measurement tool is a researcher-made questionnaire designed based on talent management components. Its validity was confirmed through face validity, content validity, and the Content Validity Ratio (CVR). To determine the reliability of the instrument, Cronbach's alpha coefficient and the Composite Reliability (CR) index were used. The validity of the questions was confirmed using the Average Variance Extracted (AVE) index. The statistical population consists of all presidents of Islamic Azad University in Tehran Province, including vice presidents for education, research and technology, student affairs, and human resources development, totaling 150 individuals. Based on Morgan's sample size table, the sample size was determined to be 110, selected using stratified random sampling. For data analysis, AMOS (version 24) and SPSS (version 26) software were used. Finally, to prioritize talent management indicators for university presidents and conduct pairwise comparisons, Super Decision software was employed. The results revealed that talent development is the most critical indicator of talent management for the presidents of Islamic Azad University. Additionally, talent acquisition assurance ranked second, motivation ranked third, and talent retention ranked fourth in importance.

Keywords: Management Indicators, Talent Management, Presidents Of Islamic Azad University, Tehra

* This Article Is Extracted From The Doctoral Thesis Of 'Masome Takhtravan', Titled "*Designing A Talent Management Model For The Presidents Of Islamic Azad University (Case Study Of Tehran Province)*", Under The Supervision Of 'Dr. Saeid Moradi', & 'Dr. Abas Khorshidi', & Advisory Of 'Dr. Pari Soushabi'.

¹ Ph.D. Student, Department Of Educational Sciences, Educational Management, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Islamshahr, Iran. masometaxtravan@gmail.com

² Assistant Professor, Department Of Educational Management, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Islamshahr, Iran. (Corresponding Author): s.moradi@iiu.ac.ir

³ Professor, Department Of Educational Sciences, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Islamshahr, Iran. a_khorshidi40@iiu.ac.ir

⁴ Assistant Professor, Department Of Educational Sciences, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Islamshahr, Iran. pari_sousahabi@iiu.ac.ir

شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدیریت استعداد در بین روسای دانشگاه آزاد اسلامی استان تهران

معصومه تخت‌روان^۱، سعید مرادی^{۲*}، عباس خورشیدی^۳، پری سوسه‌ابی^۴

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱)

چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدیریت استعداد در بین روسای دانشگاه آزاد اسلامی استان تهران است. تحقیق حاضر توصیفی از نوع پیمایشی هست. ابزار سنجش و پرسش‌نامه پژوهشگر ساخته است که بر اساس مؤلفه‌های مدیریت استعداد طراحی شده است. اعتبار آن به وسیلهٔ روایی صوری، روایی محتوی و آزمون (CVR)، به دست آمد. جهت تعیین پایایی ابزار از شاخص‌های ضریب آلفای کرونباخ معیار پایایی ترکیبی (CR)، استفاده شده است. روایی سوالات با استفاده از شاخص میانگین واریانس استخراج شده (AVE)، مورد تأیید قرار گرفت. جامعه آماری شامل کلیه روسای دانشگاه آزاد اسلامی استان تهران، معاونت‌های آموزشی، معاونت پژوهشی و فناوری، معاونت دانشجویی و معاونت توسعه و منابع انسانی که مشتمل بر ۱۵۰ نفر بود. حجم نمونه بر اساس جدول تعیین حجم نمونه مورگان به تعداد ۱۱۰ نفر بود. روش گزین، تصادفی طبقه‌ای است. برای تجزیه و تحلیل از نرم‌افزار (AMOS) - نسخه ۲۴ و (SPSS 26)، استفاده شد. در نهایت به منظور اولویت‌بندی شاخص‌های مدیریت استعداد برای روسای دانشگاه آزاد اسلامی و انجام مقایسات زوجی از نرم‌افزار (Super Decision)، استفاده شد. مشخص شد که توسعه کارکنان مستعد جزء مهمترین شاخص مدیریت استعداد برای روسای دانشگاه آزاد اسلامی است. همچنین تضمین جذب در اولویت دوم، انگیزش در اولویت سوم و نگهداری در اولویت چهارم مهمترین شاخص مدیریت استعداد برای روسای دانشگاه آزاد اسلامی است.

واژگان کلیدی: شاخص‌های مدیریت، مدیریت استعداد، روسای دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.

* این مقاله برگرفته از رسالهٔ دکتری «معصومه تخت‌روان»، با عنوان «طراحی الگوی مدیریت استعداد برای روسای دانشگاه آزاد (مورد مطالعه استان تهران)»، است که به راهنمایی اول «دکتر سعید مرادی»، و دوم «دکتر عباس خورشیدی»، و مشاورهٔ «دکتر پری سوسه‌ابی»، استخراج شده است.

۱ دانشجوی دکتری، گروه علوم تربیتی، مدیریت آموزشی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران. masometaxtravan@gmail.com
 ۲* استادیار گروه مدیریت آموزشی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران. (نویسندهٔ مسئول): s.moradi@iaau.ac.ir
 ۳ استاد گروه علوم تربیتی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران. a_khorshidi40@iaau.ac.ir
 ۴ استادیار گروه علوم تربیتی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران. pari_sousahabi@iaau.ac.ir

۱- مقدمه

مدیریت بالاترین و مهمترین سمت در هر سازمانی می‌باشد که حساس‌ترین وظیفه را برعهده دارد. به‌صراحت می‌توان گفت که تداوم حیات، پیشرفت و موفقیت هر سازمانی و نیز مقبولیت و طردشدن آن از سوی جامعه به چگونگی مدیریت سازمان بستگی دارد. مدیران با استعداد اصلی‌ترین منابع ارزش‌آفرین برای سازمان‌ها هستند. طوری که مفاهیم مدیریت استعداد و استعداد (TM)، چندین سال است که در ادبیات استراتژیک منابع انسانی مورد بحث قرار گرفته‌اند. از طرفی، مدیریت در دانشگاه‌های کشور با چالش‌ها و کاستی‌های بسیاری روبه‌رو است (تخت‌روان و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۷۳-۱۳۳). تغییر ساختار، مشارکت، نحوه انتخاب رئیس دانشگاه، ارتباطات، برنامه‌ریزی، ارزیابی نظام اداری، مشکلات مالی، توسعه مدیریت و سایر موضوعات تا زمانی که نیروهای انسانی رشد نیابند مدیریت در دانشگاه‌ها نیز متحول نخواهد شد. برنامه‌ریزان آموزش عالی همواره منابع مالی خود را به گسترش فیزیکی دانشگاه‌ها و وسایل رفاهی اختصاص داده‌اند و توجه اندکی به رشد و توسعه منابع انسانی خود کرده‌اند. آنچه در دانشگاه‌ها به آن نیاز است، تولد دوباره مدیریت، آن هم به صورت توانمند است (آراسته، ۱۳۸۰: ۶۹-۴۲). آموزش عالی در دنیای امروز، یکی از حوزه‌های تخصصی است که اداره آن نیازمند به‌کارگیری مدیرانی است که توانایی‌ها و شایستگی‌های اداره این سازمان را داشته باشند. امروزه کشورهای توسعه‌یافته و پیش‌رو، در مدیریت و رهبری دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی از نیروهایی استفاده می‌کنند که شایستگی‌ها، صلاحیت‌ها و استانداردهای حرفه‌ای مورد نیاز را برای پیشبرد اهداف و رسالت‌های این مراکز داشته باشند (Al Aina, Atan, 2020: 1-12). آن‌ها به این امر پی برده‌اند که روسای شایسته و حرفه‌ای دانشگاه‌ها نقشی ارزنده در تحول همه‌جانبه آموزش عالی دارند. در کشور ما نیز به نظر می‌رسد، توسعه کیفی آموزش عالی، در سایه بهره‌گیری از مدیرانی است که شرایط لازم را برای رهبری دانشگاه‌ها داشته باشند. اینکه روسای فعلی دانشگاه‌های مورد مطالعه در این پژوهش تا چه میزان استانداردهای حرفه‌ای را آن گونه که اغلب کشورهای پیشرفته و در نظام‌های موفق آموزش عالی دنیا مورد توجه قرار می‌گیرد دارا هستند موضوعی است مهم و اساسی که مورد بررسی قرار می‌گیرد (آقایی، بحرالعلوم، اندام، ۱۳۹۹: ۲۰۶-۱۷۷).

۲- مطالعات نظری

دانشگاه آزاد اسلامی به‌عنوان یکی از بزرگترین سامانه‌های دانشگاهی جهان و بزرگترین سامانه دانشگاهی در ایران می‌باشد (رحیمی، امین‌بیدختی، زارع بنادکوک، ۱۴۰۱: ۱۲۱-۸۹). ستاد مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی در شهر تهران مستقر است و دارای شعبه‌هایی در کشورهای افغانستان، امارات متحده عربی، لبنان و انگلستان می‌باشد. این مرکز دانشگاهی، طیف وسیعی از برنامه‌های آموزشی را در مقاطع کارشناسی، کارشناسی‌ارشد و دکتری به‌ویژه در تحصیلات تکمیلی برای دانشجویان داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی ارائه و زمینه‌های لازم را برای گذراندن فرصت‌های مطالعاتی اساتید سایر دانشگاه‌های داخلی و خارجی برای برقراری دوره‌های فوق‌دکتری فراهم می‌سازد (Adhiambo Adero, Osito Odiyo, 2020: 1-18).

ایجاد شبکه‌ای در سطح کشور در صدد گسترش برنامه‌های خود با سرعت و در پهنه و سیع‌تری بوده و سعی بر ارتباط با مراکز تحقیقاتی و مطالعاتی و همچنین دانشگاه‌های معتبر دنیا به منظور تربیت و پرورش نیروی انسانی متخصص و مسئولیت‌پذیر نسبت به جامعه دارد. از آنجاکه مدیران، روسای دانشگاه‌ها و فعالان فرهنگی و نیز فرهنگ سازمانی نقش مهمی در عملیاتی شدن مأموریت دانشگاه دارند، یکی از مهم‌ترین راه‌های دستیابی به اهداف فوق، ارتقای دانش، بینش، توانمندی‌ها و مهارت‌های آنان است. موضوع رشد، تعالی و بالندگی مدیران و روسای دانشگاه آزاد، هم یکی از مهمترین اهداف دانشگاه است، و هم یکی از پراهمیت‌ترین ابزارها جهت دستیابی به کیفیت برتر و نیز راهی برای پاسخ‌گویی به مسئولیت‌های اجتماعی دانشگاه در برابر ذی‌نفعان داخلی و خارج از سازمان است. بدین ترتیب نهادها و سازمان‌های فرهنگی که در عصر اطلاعات و ارتباطات و در فضای دانش‌محور، رقابتی، مجازی و دارای مخاطب آگاه و انتخاب‌گر فعالیت می‌کنند؛ برای موفقیت و بقای خود بیش از هر چیز محتاج به دانایی، توانایی، خلاقیت و مسئولیت‌پذیری هستند و این مهم در گرو نیروی انسانی توانمند و کارآمدی است که خود از شاخص‌های عمده کیفیت و عملکرد برتر یک نهاد و سازمان است (تخت‌روان و دیگران، ۱۴۰۳: ۱۴-۱). توجه به عملکرد نهادهای آموزشی و تربیتی و دانشگاه‌ها که نقش اساسی در تربیت نسل آینده و پی‌شبرد اهداف عالی کشور دارند اهمیت دارد (شریفی، عباس‌زاده، شفیعی‌زاده، ۱۴۰۰: ۳۱۸-۳۱۰). با توجه به اینکه روسای دانشگاه یکی از برجسته‌ترین افراد از لحاظ علمی، پژوهشی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و غیره، در یک نظام آموزشی می‌باشند لذا ضروری است که فرایند مدیریت استعداد به‌گونه‌ای در دانشگاه طراحی و اجرا شود که بهترین‌ها برای این امر برگزیده شوند. همچنین باید موقعیتی فراهم شود که افراد مستعد به همکاری با سازمان و ماندن در آن تمایل داشته باشند. بدین ترتیب نیاز به ارائه الگوی مناسب در این خصوص ضرورتی بس مهم و اهمیتی شگرف دارد. لذا؛ پژوهشگر می‌کوشد تا این مسئولیت را به شایسته‌ترین شکل ممکن انجام دهد. به نظر می‌رسد دانشگاه آزاد به تبع مدیریت بهینه استعداد، می‌تواند مشوق فعالیت‌های تحقیقاتی، توسعه مرزهای دانش و طراحی فعالیت‌های خلاقانه بوده و توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را در کشور تسهیل نماید. شرایط حاکم بر فضای دانشگاه مبتنی بر هدایت دانشجویان و مشارکت و تعامل مستمر دانشجویان با کارکنان و اساتید باتکیه بر ارزش‌هایی چون خدامحوری، وجدان کاری، ارج نهادن به حقوق و کرامت انسانی، صداقت، از خودگذشتگی، خلاقیت و نوآوری، قانون‌مداری، عدالت‌گستری و شایسته‌سالاری است. دانشگاه آزاد با در اختیار داشتن امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مناسب و تکامل توانمندی‌های بالقوه کارکنان، دانشجویان و اعضای هیئت علمی را به‌عنوان ارزش‌مندترین سرمایه انسانی فراهم می‌سازد و از این طریق به ارتقای سطح رفاه عمومی جامعه و توسعه پایدار کمک می‌نماید. پرسش پژوهش بر آن است که - شاخص‌های مدیریت استعداد در دانشگاه آزاد اسلامی (استان موردپژوهی: تهران)، و ابعاد ارزیابی آن در فرایند توسعه، انگیزش، نگهداری و جذب کارکنان مستعد کدامند؟ است طوری که در بخش یافته‌های سؤالی‌های از این پرسش استخراج و مورد آزمون قرار گرفته است.

۳- روش تحقیق

تحقیق حاضر کمی توصیفی و از نوع پیمایشی مقطعی هست. ابزار سنجش پرسش نامه محقق ساخته است براساس مؤلفه‌های مدیریت استعداد طراحی شده است. برای تأیید اعتبار و پایایی پرسش نامه از آلفای کرونباخ استفاده شده است و روایی ابزار به‌طور هم‌زمان و آزمون صورت گرفته است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی، آنالیز واریانس یک‌راهه برای مقایسه اطلاعات دموگرافیک آزمودنی‌ها و (T)، گروه‌های مستقل انجام شد و از آزمون کالموگروف اسمیرنوف (K.S)، برای تأیید و اطمینان از نرمال بودن جامعه آماری استفاده شد. اعتبار ابزار با روایی صوری، روایی محتوی و آزمون (CVR)، به‌دست آمده است برپایه (جدول ۱). طوری که جهت تعیین پایایی در این پژوهش از شاخص‌های ضریب آلفای کرونباخ معیار پایایی ترکیبی (CR)، استفاده شده است. روایی سؤالات با استفاده از شاخص میانگین واریانس استخراج شده (AVE)، مورد تأیید قرار گرفت.

جدول ۱. روایی و پایایی - (مأخذ: یافته‌های پژوهشی)

متغیر	سطح آماره پایایی مرکب (CR)	ضریب آلفای کرونباخ	میانگین واریانس استخراج شده (AVE)
توسعه کارکنان مستعد	۰/۸۰۴	۰/۸۸۳	۰/۶۲۰
انگیزش	۰/۸۷۰	۰/۸۶۲	۰/۵۴۶
نگهداری	۰/۸۳۴	۰/۸۵۱	۰/۶۳۴
تضمین جذب	۰/۷۵۴	۰/۸۵۵	۰/۶۸۹

مقدار پایایی ترکیبی متغیرهای تحقیق با توجه به آنکه از مقدار استاندارد ۰/۷ بزرگتر است مورد تأیید قرار گرفته است. این امر بیانگر آن است که مدل از نظر اعتبار بیرونی قابل قبول است و می‌توان به ابعاد ساختاری مدل استناد نمود. مطابق با (جدول ۱)، ضریب آلفای کرونباخ برای تمام سازه‌ها مورد نظر بالاتر از ۰/۷ است که حاکی از پایایی مناسب مدل دارد. لازم به ذکر بوده روایی همگرایی مدل پژوهش با توجه به بزرگتر بودن مقادیر واریانس‌های استخراجی برای متغیرها از مقدار ۰/۵ تأیید شد.

روایی واگرا سومین معیار بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری است که دو موضوع را پوشش می‌دهد: مقایسه میزان هم‌بستگی بین شاخص‌های یک سازه با آن سازه در مقابل هم‌بستگی آن شاخص‌ها با سازه‌های دیگر (Chabault, Hulin, Soparnot, 2012: 327-335). و مقایسه میزان هم‌بستگی یک سازه با شاخص‌هایش در مقابل هم‌بستگی آن سازه با سایر سازه‌ها (Bhatnagar, 2007: 640-663). روش فورنل-لارکر^۱ معیار مهم دیگری که با روایی واگرا مشخص می‌گردد، میزان رابطه سازه با شاخص‌هایش در مقایسه رابطه آن سازه با سایر سازه‌ها است؛ به گونه‌ای که روایی واگرایی قابل قبول یک مدل حاکی از آن است که یک سازه در دل تعامل بیشتری با شاخص‌های خود دارد تا با سازه‌های دیگر. روایی واگرا وقتی در سطح قابل قبول است که میزان (AVE)، برای هر سازه بیشتر از واریانس اشتراکی آن سازه و سازه‌های دیگر در مدل باشد. بررسی این امر به وسیله یک ماتریس صورت می‌پذیرد که خانه‌های این ماتریس حاوی

¹ Fornell-Larcker

مقادیر ضرایب هم‌بستگی بین سازه‌ها و جذر مقادیر (AVE)، مربوط به هر سازه است. طوری که مقادیر موجود روی قطر اصلی ماتریس را با ریشه دوم مقادیر واریانس شرح داده شده در (AVE)، جایگزین می‌کنیم و در نهایت می‌توان (جدول ۲)، را با دقت داشت محور پژوهش ارائه نمود.

جدول ۲. تبیین فورنل-لارکر پس از جاگذاری مقادیر ریشه دوم AVE- (مأخذ: یافته‌های پژوهشی)

متغیر	توسعه کارکنان مستعد	انگیزش	نگهداری	تضمین جذب
توسعه کارکنان مستعد	۰/۷۸۷			
انگیزش	۰/۵۱	۰/۷۳۸		
نگهداری	۰/۴۳	۰/۵۶	۰/۷۹۶	
تضمین جذب	۰/۶۱	۰/۴۲	۰/۴۷	۰/۸۳۰

همان‌طور که در (جدول ۲)، مشاهده شد، مقادیر موجود در روی قطر اصلی ماتریس، از کلیه مقادیر موجود در سطر و ستون مربوطه بزرگتر است. جامعه آماری شامل کلیه روسای دانشگاه آزاد اسلامی استان تهران، معاونت‌های آموزشی، معاونت پژوهشی و فناوری، معاونت دانشجویی و معاونت توسعه و منابع انسانی که مشتمل بر ۱۵۰ نفر هست خواهد بود. حجم نمونه پژوهش حاضر در این بعد براساس جدول تعیین حجم نمونه مورگان به تعداد ۱۱۰ نفر بود. گزینش نمونه براساس روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای است. تجزیه و تحلیل مشتمل بر؛ توصیف داده‌ها؛ شامل رسم جداول توزیع فراوانی، مشخصه آماری و رسم نمودارها. تحلیل داده‌ها؛ قابل ذکر است که جهت آزمون فرضیات در این پژوهش از نرم‌افزار (AMOS)- نسخه ۲۴ استفاده شده است. جهت بررسی تفاوت بین گروهی از نظر متغیرهای شناسایی شده از آزمون تحلیل واریانس تک‌عاملی (ANOVA)، در نرم‌افزار (SPSS)- نسخه ۲۶ استفاده شده است. همچنین جهت اولویت‌بندی عوامل مدیریت استعداد برای روسای دانشگاه آزاد اسلامی از مقایسه زوجی و تعیین ضرایب اهمیت با استفاده روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP)، اقدام شد.

۴- یافته‌ها

در پژوهش‌های ترکیبی، تجزیه و تحلیل برای بررسی صحت و سقم یافته‌های کیفی از اهمیت خاصی برخوردار است و امروزه در بیشتر تحقیقاتی که متکی بر اطلاعات جمع‌آوری شده از موضوع مورد پژوهش می‌باشد تجزیه و تحلیل اطلاعات از اصلی‌ترین و مهمترین بخش‌های پژوهش محسوب می‌شود. داده‌های خام با استفاده از نرم افزارهای آماری مورد واکاوی قرار می‌گیرند و پس از پردازش به شکل اطلاعات در اختیار استفاده‌کنندگان قرار می‌گیرند.

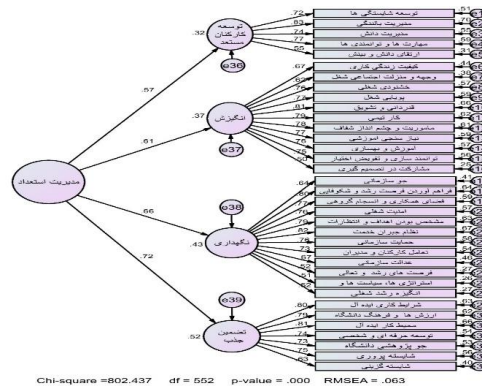
تحلیل عاملی تأییدی

مهمترین هدف تحلیل عاملی تأییدی تعیین میزان توان مدل عامل از قبل تعریف شده با مجموعه‌ای از داده‌های مشاهده شده است (Yaghoubi Hasan Kola, Aliesmaeili Fallah, 2019: 188-197). به عبارتی تحلیل عاملی تأییدی درصد تعیین این مسأله است که آیا تعداد عامل‌ها و بارهای متغیرهایی که روی این عامل‌ها اندازه‌گیری شده‌اند با آنچه براساس تئوری و مدل نظری انتظار می‌رفت انطباق دارد

(شامانی و دیگران، ۱۴۰۰: ۳۲-۵۶). این نوع تحلیل عاملی به آزمون میزان انطباق و هم‌نوایی بین سازه نظری و سازه تجربی تحقیق می‌پردازد. طوری که در این پژوهش ابتدا به ارزیابی مدل اندازه‌گیری بیرونی پرداخته شد و سپس شاخص‌های نیکویی برازش مدل ساختاری مورد ارزیابی قرار گرفت.

← ارزیابی مدل اندازه‌گیری بیرونی

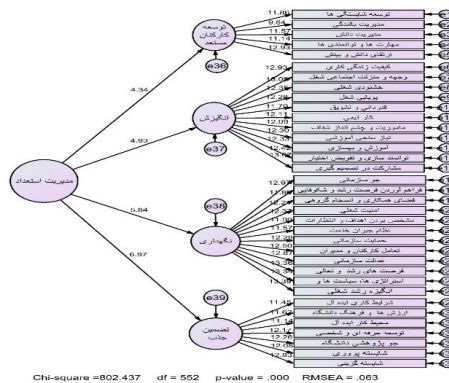
بارهای عاملی؛ در این مرحله بار عاملی مربوط به شاخص‌های سنجیده شده هر متغیر پنهان (متغیرهای آشکار)، مورد بررسی قرار می‌گیرد. بارهای عاملی بالاتر از ۰/۵ مطلوب هستند و کمتر از آن باید حذف شوند. برپایه (شکل ۱).



شکل ۱. ارزیابی بارهای عاملی مدل اکتشافی مرتبه دوم- (مأخذ: یافته‌های پژوهشی)

باتوجه به شکل فوق مشاهده می‌نماییم که تمامی بارهای عاملی بزرگتر از ۰/۵ می‌باشد که نشان می‌دهد تمامی گویه‌ها از روایی عاملی مناسبی برخوردار می‌باشند.

مقادیر آماره (t)؛ در این مرحله مقادیر آماره (t)، مربوط به شاخص‌های سنجیده شده هر متغیر پنهان (متغیرهای آشکار)، مورد تبیین قرار می‌گیرد. در سطح اطمینان ۰/۹۵ مقادیر آماره (t)، بالاتر از ۱/۹۶ مطلوب هستند و کمتر از آن باید حذف شوند برپایه (شکل ۲).



شکل ۲. ارزیابی مقادیر آماره (t)، مدل تأییدی- (مأخذ: یافته‌های پژوهشی)

باتوجه به شکل فوق مشاهده می‌نماییم که تمامی مقادیر آماره (t)، بزرگتر از $1/96$ می‌باشد که نشان می‌دهد تمامی گویه‌ها از روایی عاملی مناسبی برخوردار می‌باشند.

← شاخص‌های نیکویی برازش مدل ساختاری

برپایه (جدول ۳)، زیر شاخص‌های برازش مدل بعد از اصلاح را به همراه مقادیر مطلوب نشان می‌دهد.

جدول ۳. شاخص‌های نیکویی برازش مدل - (مأخذ: یافته‌های پژوهشی)

نام شاخص	مقدار مطلوب	مقدار نمایش داده شده در مدل
درجه آزادی df	-	۵۵۲
کای اسکوتر χ^2	$2 df \leq \chi^2 \leq 3 df$	۸۰۲/۴۳۷
کای اسکوتر بهینه شده χ^2 , df	از ۳ کم‌تر	۱/۴۵۳
نیکویی برازش GFI	۰/۸ به بالا	۰/۸۴۳
ریشه میانگین مربعات باقی‌مانده RMR	زیر ۰/۹	۰/۰۵۹
شاخص برازش تطبیقی CFI	۰/۹ به بالا	۰/۹۶۳
ریشه میانگین مربعات خطای برآورد RMSEA	زیر ۰/۰۸	۰/۰۶۳
شاخص نیکویی برازش ایجازی PCFI	بین ۰/۶ تا ۱	۰/۸۴۵
شاخص برازش ایجازی هنجار شده PNFI	بین ۰/۶ تا ۱	۰/۸۷۳

مبنی بر نتایج جدول فوق، همان‌طور که مشاهده می‌گردد اکثر شاخص‌های نیکویی برازش در ناحیه پذیرش قرار دارند. بنابراین سؤالات مدل ساختاری از برازش مناسب برخوردار است.

← ارزیابی شاخص‌های ساختاری مدل

ضریب تعیین R^2 (R Squares)؛ معیاری است که برای متصل کردن بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل سازی معادلات ساختاری به کار می‌رود و نشان از تأثیری دارد که یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا می‌گذارد (دامنی و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۱۲-۲۸۷). نکته ضروری این است که مقدار R^2 تنها برای سازه‌های وابسته (درون‌زا)، مدل محاسبه می‌گردد و در مورد سازه‌های برون‌زا، مقدار این معیار صفر است (شریفیان‌ثانی، والا، شریفی، ۱۴۰۰: ۲۰۳-۱۹۳). هرچه مقدار R^2 مربوط به سازه‌های درون‌زای یک مدل بیشتر باشد، نشان از برازش بهتر مدل است. مقدار این ضریب از صفر تا یک متغیر بوده و مقادیر بزرگتر، مطلوب‌تر هستند برپایه (جدول ۴). جاین (۱۹۸۸)، مقادیر نزدیک به $0/67$ را مطلوب، مقادیر نزدیک به $0/33$ را معمولی و مقادیر نزدیک به $0/19$ را ضعیف ارزیابی می‌کند.

جدول ۴. ضریب تعیین R^2 - (مأخذ: یافته‌های پژوهشی)

متغیر	ضریب تعیین R^2
توسعه کارکنان مستعد	۰/۳۲
انگیزش	۰/۳۷
نگهداری	۰/۴۳
تضمین جذب	۰/۵۲

باتوجه به جدول فوق می‌توان گفت که مقادیر R2 مربوطه تمام متغیرها در حد متوسط و قابل قبول است.

← کیفیت پیش‌بینی کنندگی (Q^2)

این معیار قدرت پیش‌بینی مدل را مشخص می‌سازد. مدل‌هایی که دارای برازش بخش ساختاری قابل قبول هستند، باید قابلیت پیش‌بینی شاخص‌های مربوطه سازه‌های درون‌زای مدل را داشته باشند. هنسler و دیگران در (۲۰۰۹ میلادی)، سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را برای نشان دادن قدرت پیش‌بینی ضعیف، متوسط و قوی سازه یا سازه‌های برون‌زای مربوطه آن تعریف کرده‌اند. ذکر این نکته ضروری است که این مقدار تنها برای سازه‌های درون‌زای مدل که شاخص‌های آن‌ها از نوع انعکاسی می‌باشد، محاسبه می‌گردد (موسوی خطیر، نادری، فراستخواه، ۱۳۹۹: ۲۰۱-۱۶۳). برپایه (جدول ۵)،

جدول ۵. کیفیت پیش‌بینی کنندگی (Q^2) - (مأخذ: یافته‌های پژوهشی)

متغیر	سطح آماره SSE/SSO-1
توسعه کارکنان مستعد	۰/۵۵۸
انگیزش	۰/۵۶۶
نگهداری	۰/۶۲۳
تضمین جذب	۰/۴۵۴

← بررسی مدل کلی پژوهش

بررسی مدل کلی پژوهش با استفاده از معیار GOF انجام می‌شود. این معیار عبارت‌است از میانگین هندسی متوسط ضریب تعیین چندگانه در متوسط مشترکات. میانگین هندسی R2 برابر ۰/۷۶۸ و متوسط مشترکات ۰/۵۶۱ است. این ضرایب باید در مدل اولیه و مدل نهایی باهم مقایسه شوند و عدد بزرگتر نشان‌دهنده برازش بهتر مدل است.

فرمول (۱-۴) معیار GOF

$$GOF = \sqrt{\text{Communality} \times R^2} = 0.561 \times 0.768 = 0.65$$

❖ آزمون سؤال اول: شاخص‌های مدیریت استعداد برای روسای دانشگاه آزاد اسلامی کدامند؟

متغیرهای شناسایی شده شامل موارد ذیل است برپایه (جدول ۶).

جدول ۶. نتایج کلی تحلیل متغیرهای شناسایی شده - (مأخذ: یافته‌های پژوهشی)

متغیر	مقدار R	مقدار R2	مقدار آماره z	سطح معناداری
توسعه کارکنان مستعد	۰/۵۷۳	۰/۳۲۸	۴/۳۴۳	۰/۰۰۱
انگیزش	۰/۶۱۱	۰/۳۷۳	۴/۹۳۹	۰/۰۰۱
نگهداری	۰/۶۶۰	۰/۴۳۵	۵/۸۴۲	۰/۰۰۱
تضمین جذب	۰/۷۲۶	۰/۵۲۷	۶/۹۷۸	۰/۰۰۱

براین اساس در سطح اطمینان ۰/۹۵ می‌توان ادعا کرد شاخص‌های توسعه کارکنان مستعد، انگیزش، نگهداری و تضمین جذب به‌عنوان شاخص‌های مدیریت استعداد برای روسای دانشگاه آزاد اسلامی شناسایی شدند.

❖ **آزمون سؤال دوم: شاخص‌های ارزیابی مؤلفه‌های متغیر توسعه کارکنان مستعد کدامند؟**

به‌منظور ارزیابی سوالات لازم است آماره‌های چولگی و کشیدگی متغیرها جهت ارزیابی نرمال بودن توزیع داده‌ها موردآزمون قرار گیرد برپایه (جدول ۷).

جدول ۷. نتایج تحلیل توصیفی برای سوالات متغیر توسعه کارکنان مستعد- (مأخذ: یافته‌های پژوهشی)

متغیر	چولگی	کشیدگی	انحراف معیار	میانگین
توسعه شایستگی‌ها	-۰/۴۳۴	۰/۱۳۶	۰/۹۷۰	۳/۳۴
مدیریت بالندگی	-۰/۴۳۸	-۰/۲۸۶	۱/۰۵۶	۳/۵۱
مدیریت دانش	-۰/۳۴۲	-۰/۲۳۳	۱/۰۲۰	۳/۳۱
مهارت‌ها و توانمندی‌ها	-۰/۳۵۶	-۰/۴۴۹	۱/۰۸۸	۳/۵۶
ارتقای دانش و بینش	-۰/۳۵۵	-۰/۸۲۹	۱/۳۷۶	۳/۸۰

چولگی برآورد شده برای کلیه متغیرها در یک بازه نرمال قرار دارد. پس می‌توان جهت انجام تحلیل عاملی از این متغیرها استفاده نمود برپایه (جدول ۸).

جدول ۸: تخمین استاندارد سوالات متغیر توسعه کارکنان مستعد- (مأخذ: یافته‌های پژوهشی)

گویه	بار عاملی	ضریب بتا	انحراف معیار	مقدار آماره Z	سطح معناداری
توسعه شایستگی‌ها	۰/۷۱۵	۰/۵۶۷	۰/۰۴۸	۱۱/۸۶۹	۰/۰۰۱
مدیریت بالندگی	۰/۸۳۴	۰/۳۹۲	۰/۰۴۱	۹/۶۴۳	۰/۰۰۱
مدیریت دانش	۰/۷۴۰	۰/۵۹۶	۰/۰۵۲	۱۱/۵۷۷	۰/۰۰۱
مهارت‌ها و توانمندی‌ها	۰/۷۶۹	۰/۵۲۳	۰/۰۴۷	۱۱/۱۴۲	۰/۰۰۱
ارتقای دانش و بینش	۰/۵۵	۰/۸۰۵	۰/۰۶۲	۱۲/۹۳۱	۰/۰۰۱

باتوجه به نتایج جدول فوق مشاهده می‌نماییم که تمامی بارهای عاملی سوالات متغیر توسعه کارکنان مستعد بزرگتر از ۰/۵ می‌باشد که نشان می‌دهد تمامی گویه‌ها از روایی عاملی مناسب برخوردار می‌باشند. مقادیر آماره Z در سطح اطمینان ۰/۹۵ از مقدار بحرانی ۱/۹۶ بزرگتر است که نشان می‌دهد بارهای عاملی برآورد شده معنی دارد هستند.

❖ **آزمون سؤال سوم: شاخص‌های ارزیابی مؤلفه‌های متغیر انگیزش کدامند؟**

به‌منظور ارزیابی سوالات لازم است آماره‌های چولگی و کشیدگی متغیرها جهت ارزیابی نرمال بودن توزیع داده‌ها موردآزمون قرار گیرد برپایه (جدول ۹).

جدول ۹. نتایج تحلیل توصیفی برای سوالات متغیر انگیزش- (مأخذ: یافته‌های پژوهشی)

متغیر	چولگی	کشیدگی	انحراف معیار	میانگین
کیفیت زندگی کاری	-۰/۷۵۸	-۰/۳۴۶	۱/۲۰۸	۳/۴۵
وجهه و منزلت اجتماعی شغل	-۰/۸۲۱	-۰/۲۶۲	۱/۲۳۶	۳/۴۱
خشنودی شغلی	-۰/۴۲۹	-۰/۴۶۸	۱/۱۱۵	۳/۵۱
پویایی شغل	-۰/۶۰۸	-۰/۴۷۲	۱/۱۷۸	۳/۴۵
قدردانی و تشویق	-۰/۱۵۸	-۰/۷۱۴	۱/۱۵۵	۳/۶۹
کار تیمی	-۰/۶۸۰	-۰/۴۷۷	۱/۱۶۰	۳/۵۹
ماموریت و چشم‌انداز شفاف	-۰/۶۳۶	-۰/۵۶۸	۱/۲۰۰	۳/۶۵
نیاز سنجی آموزشی	-۰/۶۳۸	-۰/۴۵۸	۱/۲۲۵	۳/۶۲
آموزش و بهسازی	-۰/۴۵۱	-۰/۷۹۲	۱/۲۰۸	۳/۸۴
توانمندسازی و تفویض اختیار	-۰/۵۷۷	-۰/۵۵۸	۱/۱۶۵	۳/۶۸
مشارکت در تصمیم‌گیری	-۰/۰۶۲	-۰/۰۱۰	۱/۳۲۰	۲/۹۸

چولگی برآورد شده برای کلیه متغیرها در یک بازه نرمال قرار دارد. بنابراین می‌توان جهت انجام تحلیل عاملی از این متغیرها استفاده نمود برپایه (جدول ۱۰).

جدول ۱۰. تخمین استاندارد سوالات متغیر انگیزش- (مأخذ: یافته‌های پژوهشی)

گوپه	بار عاملی	ضریب بتا	انحراف معیار	مقدار آماره z	سطح معناداری
کیفیت زندگی کاری	۰/۶۶۴	۰/۷۴۸	۰/۰۵۸	۱۲/۹۳۹	۰/۰۰۱
وجهه و منزلت اجتماعی شغل	۰/۶۲۳	۰/۷۹۳	۰/۰۶۱	۱۳/۰۹۱	۰/۰۰۱
خشنودی شغلی	۰/۷۶۱	۰/۵۶۰	۰/۰۴۵	۱۲/۳۵۸	۰/۰۰۱
پویایی شغل	۰/۷۶۹	۰/۵۳۳	۰/۰۴۳	۱۲/۲۸۸	۰/۰۰۱
قدردانی و تشویق	۰/۸۱۹	۰/۴۳۶	۰/۰۳۷	۱۱/۷۰۱	۰/۰۰۱
کار تیمی	۰/۷۸۷	۰/۴۸۱	۰/۰۴۰	۱۲/۱۱۱	۰/۰۰۱
مأموریت و چشم‌انداز شفاف	۰/۷۸۹	۰/۵۳۲	۰/۰۴۴	۱۲/۰۹۳	۰/۰۰۱
نیاز سنجی آموزشی	۰/۷۶۸	۰/۵۴۱	۰/۰۴۴	۱۲/۳۰۴	۰/۰۰۱
آموزش و بهسازی	۰/۷۶۴	۰/۶۱۵	۰/۰۵۰	۱۲/۳۳۱	۰/۰۰۱
توانمندسازی و تفویض اختیار	۰/۷۵۴	۰/۶۰۱	۰/۰۴۸	۱۲/۴۲۰	۰/۰۰۱
مشارکت در تصمیم‌گیری	۰/۵۰۷	۱/۳۸۹	۱/۱۰۱	۱۳/۷۰۶	۰/۰۰۱

مبنی بر نتایج جدول فوق مشاهده شد تمامی بارهای عاملی سوالات متغیر در انگیزش بزرگتر از ۰/۵ می‌باشد که نشان می‌دهد تمامی گوپه‌ها از روایی عاملی مناسبی برخوردار می‌باشند. مقادیر آماره z در سطح اطمینان ۰/۹۵ از مقدار بحرانی ۱/۹۶ بزرگتر است که نشان می‌دهد بارهای عاملی برآورد شده معنی دارد هستند.

❖ آزمون سؤال چهارم: شاخص‌های ارزیابی مؤلفه‌های متغیر نگهداری کدامند؟

به منظور ارزیابی سوالات لازم است آماره‌های چولگی و کشیدگی متغیرها جهت ارزیابی نرمال بودن توزیع داده‌ها مورد آزمون قرار گیرد که نتایج به عمل آمده برپایه (جدول ۱۱)، قابل مشاهده است.

جدول ۱۱. نتایج تحلیل توصیفی برای سوالات متغیر نگهداری- (مأخذ: یافته‌های پژوهشی)

متغیر	چولگی	کشیدگی	انحراف معیار	میانگین
جو سازمانی	-۰/۶۲۱	-۰/۱۶۴	۱/۲۱۶	۲/۸۴
فراهم آوردن فرصت رشد و شکوفایی	-۰/۵۱۶	-۰/۳۹۱	۱/۱۶۹	۲/۶۵
فضای همکاری و انسجام گروهی	-۰/۳۷۱	-۰/۴۵۱	۱/۱۱۴	۲/۵۵
امنیت شغلی	-۰/۴۲۴	-۰/۱۱۱	۱/۱۱۹	۲/۸۵
مشخص بودن اهداف و انتظارات	-۰/۷۶۴	-۰/۳۸۹	۱/۲۵۳	۲/۶۵
نظام جبران خدمت	-۰/۷۱۴	-۰/۲۸۵	۱/۲۱۵	۲/۷۵
حمایت سازمانی	-۰/۸۳۲	-۰/۱۷۹	۱/۲۶۷	۲/۸۶
تعامل کارکنان و مدیران	-۰/۹۸۴	-۰/۲۰۹	۱/۲۶۳	۲/۹۶
عدالت سازمانی	-۰/۷۶۹	-۰/۲۱۹	۱/۲۶۲	۲/۸۰
فرصت‌های رشد و تعالی	-۰/۹۳۱	-۰/۰۵۹	۱/۲۶۶	۲/۹۵
استراتژی‌ها، سیاست‌ها و شیوه‌های حفظ استعداد	-۰/۸۷۱	-۰/۳۹۸	۱/۳۲۷	۲/۷۶
انگیزه رشد شغلی	-۰/۳۹۲	-۰/۵۷۹	۱/۱۹۹	۲/۵۹

چولگی برآورد شده برای کلیه متغیرها در یک بازه نرمال قرار دارد. می‌توان جهت انجام تحلیل عاملی از این متغیرها استفاده نمود برپایه (جدول ۱۲).



جدول ۱۲. تخمین استاندارد سوالات متغیر نگهداری- (مأخذ: یافته‌های پژوهشی)

سطح معناداری	مقدار آماره z	انحراف معیار	ضریب بتا	بار عاملی	گویه
۰/۰۰۱	۱۲/۹۷۳	۰/۰۶۶	۰/۸۶۱	۰/۶۴۴	جو سازمانی
۰/۰۰۱	۱۱/۸۶۹	۰/۰۳۴	۰/۴۰۴	۰/۷۹۹	فراهم آوردن فرصت رشد و شکوفایی
۰/۰۰۱	۱۲/۲۱۷	۰/۰۲۷	۰/۴۵۶	۰/۷۶۸	فضای همکاری و انسجام گروهی
۰/۰۰۱	۱۲/۳۷۲	۰/۰۴۳	۰/۵۳۲	۰/۷۵۰	امنیت شغلی
۰/۰۰۱	۱۱/۹۹۵	۰/۰۳۹	۰/۴۶۸	۰/۷۸۹	مشخص بودن اهداف و انتظارات
۰/۰۰۱	۱۱/۵۷۱	۰/۰۳۳	۰/۳۸۴	۰/۸۲۰	نظام جبران خدمت
۰/۰۰۱	۱۲/۲۸۶	۰/۰۴۵	۰/۵۵۶	۰/۷۶۰	حمایت سازمانی
۰/۰۰۱	۱۲/۵۰۷	۰/۰۴۹	۰/۶۱۴	۰/۷۳۲	تعامل کارکنان و مدیران
۰/۰۰۱	۱۲/۸۷۵	۰/۰۵۱	۰/۶۶۳	۰/۶۶۸	عدالت سازمانی
۰/۰۰۱	۱۳/۳۳۶	۰/۰۷۵	۱/۰۰۳	۰/۵۱۶	فرصت‌های رشد و تعالی
۰/۰۰۱	۱۳/۳۴۸	۰/۰۸۶	۱/۱۴۷	۰/۵۰۹	استراتژی‌ها، سیاست‌ها و شیوه‌های حفظ استعداد
۰/۰۰۱	۱۲/۳۹۳	۰/۰۶۴	۰/۸۶۳	۰/۵۳۱	انگیزه رشد شغلی

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد تمامی گویه‌ها از روایی عاملی مناسبی برخوردار می‌باشند. مقادیر آماره z در سطح اطمینان ۰/۹۵ از مقدار بحرانی ۱/۹۶ بزرگتر است که نشان از بارهای عاملی برآورد شده معنی دارد هستند.

❖ آزمون سؤال پنجم: شاخص‌های ارزیابی مؤلفه‌های متغیر تضمین جذب کدامند؟

به منظور ارزیابی سوالات لازم است آماره‌های چولگی و کشیدگی متغیرها جهت ارزیابی نرمال بودن توزیع داده‌ها موردآزمون قرار گیرد برپایه (جدول ۱۳).

جدول ۱۳. نتایج تحلیل توصیفی برای سوالات متغیر تضمین جذب- (مأخذ: یافته‌های پژوهشی)

میانگین	انحراف معیار	کشیدگی	چولگی	متغیر
۲/۸۲	۱/۳۰۵	۰/۲۵۱	-۰/۹۴۴	شرایط کاری ایده‌آل
۳/۶۵	۱/۰۳۵	-۰/۲۷۲	-۰/۶۵۶	ارزش‌ها و فرهنگ دانشگاه
۳/۴۸	۱/۱۱۵	-۰/۳۹۹	-۰/۳۲۱	محیط کار ایده‌آل
۳/۵۴	۱/۰۱۱	-۰/۱۰۱	-۰/۸۴۰	توسعه حرفه‌ای و شخصی
۳/۷۸	۱/۳۰۲	-۰/۸۳۰	-۰/۴۰۶	جو پژوهشی دانشگاه
۳/۲۵	۱/۲۵۳	-۰/۳۳۲	-۰/۸۳۱	شایسته پروری
۳/۴۱	۱/۲۳۶	-۰/۲۶۲	-۰/۸۲۱	شایسته‌گزینی

چولگی برآورد شده برای کلیه متغیرها در یک بازه نرمال قرار دارد. بنابراین می‌توان جهت انجام تحلیل عاملی از این متغیرها استفاده نمود برپایه (جدول ۱۴).

جدول ۱۴. تخمین استاندارد سوالات متغیر تضمین جذب- (مأخذ: یافته‌های پژوهشی)

سطح معناداری	مقدار آماره z	انحراف معیار	ضریب بتا	بار عاملی	گویه
۰/۰۰۱	۱۱/۴۵۲	۰/۰۳۹	۰/۴۴۹	۰/۷۹۷	شرایط کاری ایده‌آل
۰/۰۰۱	۱۱/۶۳۶	۰/۰۴۱	۰/۴۸۲	۰/۷۸۵	ارزش‌ها و فرهنگ دانشگاه
۰/۰۰۱	۱۱/۱۴۴	۰/۰۴۱	۰/۴۵۹	۰/۸۱۵	محیط کار ایده‌آل
۰/۰۰۱	۱۲/۱۷۷	۰/۰۵۰	۰/۶۱۱	۰/۷۳۶	توسعه حرفه‌ای و شخصی
۰/۰۰۱	۱۲/۲۶۹	۰/۰۴۲	۰/۵۱۵	۰/۷۲۶	جو پژوهشی دانشگاه
۰/۰۰۱	۱۲/۰۸۴	۰/۰۴۲	۰/۵۰۴	۰/۷۴۶	شایسته پروری
۰/۰۰۱	۱۲/۸۳۸	۰/۰۵۲	۰/۶۶۲	۰/۶۳۵	شایسته‌گزینی

باتوجه به نتایج جدول فوق مشاهده می‌شود که تمامی بارهای عاملی سؤالات متغیر تضمین جذب بزرگتر از ۰/۵ می‌باشد که نشان می‌دهد تمامی گویه‌ها از روایی عاملی مناسبی برخوردار می‌باشند. مقادیر آماره Z در سطح اطمینان ۰/۹۵ از مقدار بحرانی ۱/۹۶ بزرگتر است که نشان می‌دهد بارهای عاملی برآورد شده معنی دارد هستند.

– ارزیابی نتایج بر حسب تفاوت‌های درون گروهی

۱- ارزیابی متغیرهای شناسایی شده بر حسب سن افراد

از نظر سن در دیدگاه افراد نسبت به شاخص توسعه کارکنان مستعد تفاوت معنی داری وجود دارد. آزمون لون (برابری واریانس بین گروه‌ها): یکی از مفروضات انجام تحلیل واریانس مبحث برابری واریانس گروه‌ها (از نظر سن)، است. در این پژوهش جهت ارزیابی برابری واریانس از آزمون لوین استفاده شده است؛ درحقیقت این آزمون متناسب با گروه‌های مورد بررسی تحقیق محاسبه و برپایه (جدول ۱۵)، ارائه شده‌اند.

جدول ۱۵. آزمون لون برای برابری واریانس بین گروه‌ها – (مأخذ: یافته‌های پژوهشی)

گروه	متغیر	آماره F	درجه آزادی صورت	درجه آزادی مخرج	سطح معناداری
سن	توسعه کارکنان مستعد	۰/۹۷۰	۳	۱۰۶	۰/۴۱۰
	انگیزش	۰/۱۳۴	۳	۱۰۶	۰/۹۴۰
	نگهداری	۰/۸۳۰	۳	۱۰۶	۰/۴۸۰
	تضمین جذب	۰/۰۸۶	۳	۱۰۶	۰/۹۶۸

باتوجه به اینکه مقدار سطح معنی داری آزمون لوین برای متغیرهای پژوهش بیشتر از ۰/۰۵ است می‌توان ادعا نمود در سطح اطمینان ۰/۹۵ پیش فرض برابری واریانس تأیید شده است. جهت ارزیابی این فرضیه از آزمون تحلیل واریانس تک عاملی (ANOVA)، برای متغیرهای تحقیق استفاده شد برپایه (جدول ۱۶).

جدول ۱۶. آزمون تحلیل واریانس تک عاملی (ANOVA)، شاخص‌های مدیریت استعداد بر حسب سن – (مأخذ: یافته‌های پژوهشی)

متغیر	منبع	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معناداری
توسعه کارکنان مستعد	در بین گروه	۰/۳۳۵	۳	۰/۱۱۲	۰/۱۶۸	۰/۹۱۸
	داخل گروه	۷۰/۲۸۴	۱۰۶	۰/۶۶۳		
	مجموع	۷۰/۶۱۹	۱۰۹			
انگیزش	در بین گروه	۱۳/۱۶۲	۳	۴/۳۸۷	۵/۸۰۲	۰/۰۰۱
	داخل گروه	۸۰/۱۵۹	۱۰۶	۰/۷۵۶	-	
	مجموع	۹۳/۳۲۱	۱۰۹	-	-	
نگهداری	در بین گروه	۳/۰۰۰	۳	۱/۰۰۰	۱/۲۶۵	۰/۲۹۰
	داخل گروه	۸۳/۸۲۱	۱۰۶	۰/۷۹۱	-	
	مجموع	۸۶/۸۲۱	۱۰۹	-	-	
تضمین جذب	در بین گروه	۰/۵۶۸	۳	۰/۱۸۹	۰/۳۲۲	۰/۸۰۹
	داخل گروه	۶۲/۲۰۶	۱۰۶	۰/۵۸۸	-	
	مجموع	۶۲/۸۷۳	۱۰۹	-	-	

باتوجه به یافته‌های جدول فوق مقدار آماره F برای متغیر توسعه کارکنان مستعد برابر ۰/۱۶۸ است و از مقدار حد بحرانی ۱/۹۶ در سطح اطمینان ۰/۹۵ کوچکتر است، و همچنین سطح معنی داری نیز از مقدار

۰/۰۵ بزرگتر است. پس مشخص شده که از نظر سن در دیدگاه افراد نسبت به شاخص توسعه کارکنان مستعد تفاوت معنی داری وجود ندارد. مقدار خطای تحلیل واریانس عاملی پیش‌بینی شده برابر با ۰/۹۱۸ گزارش شد.

۱۶. ارزیابی متغیرهای شناسایی شده بر حسب سابقه کار افراد

از نظر سابقه کار در دیدگاه افراد نسبت به شاخص توسعه کارکنان مستعد تفاوت معنی داری وجود دارد. آزمون لون (برابری واریانس بین گروه‌ها): یکی از مفروضات انجام تحلیل واریانس مبحث برابری واریانس گروه‌ها (سابقه کار)، است. در این پژوهش جهت ارزیابی برابری واریانس از آزمون لوین استفاده شده است؛ درحقیقت این آزمون متناسب با گروه‌های موردبررسی تحقیق محاسبه و برپایه (جدول ۱۷)، ارائه شده‌اند.

جدول ۱۷. آزمون لون برای برابری واریانس بین گروه‌ها- (مأخذ: یافته‌های پژوهشی)

گروه	متغیر	آماره F	درجه آزادی صورت	درجه آزادی مخرج	سطح معناداری
سابقه کار	توسعه کارکنان مستعد	۰/۹۰۰	۲	۱۰۷	۰/۴۱۰
	انگیزش	۰/۱۹۶	۲	۱۰۷	۰/۸۲۲
	نگهداری	۰/۴۸۸	۲	۱۰۷	۰/۳۳۴
	تضمین جذب	۰/۱۷۲	۲	۱۰۷	۰/۸۴۳

مبنی بر اینکه مقدار سطح معنی داری آزمون لوین برای متغیرهای پژوهش بیشتر از ۰/۰۵ است می‌توان ادعا نمود در سطح اطمینان ۰/۹۵ پیش فرض برابری واریانس تأیید شده است. جهت ارزیابی این فرضیه از آزمون تحلیل واریانس تک عاملی (ANOVA)، برای متغیرهای تحقیق استفاده شد برپایه (جدول ۱۸).

جدول ۱۸. آزمون تحلیل واریانس تک عاملی (ANOVA)، شاخص‌های مدیریت استعداد بر حسب سابقه کار- (مأخذ: یافته‌های پژوهشی)

متغیر	منبع	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معناداری
توسعه کارکنان مستعد	در بین گروه	۰/۸۷۱	۲	۰/۴۳۵	۰/۶۶۸	۰/۵۱۵
	داخل گروه	۶۹/۷۴۸	۱۰۷	۰/۶۵۲	-	
	مجموع	۷۰/۶۱۹	۱۰۹	-	-	
انگیزش	در بین گروه	۴/۷۵۱	۲	۲/۳۷۵	۲/۸۷۰	۰/۰۶۱
	داخل گروه	۸۸/۵۷۰	۱۰۷	۰/۸۲۸	-	
	مجموع	۹۳/۳۲۱	۱۰۹	-	-	
نگهداری	در بین گروه	۲/۰۶۴	۲	۱/۰۳۲	۰/۳۰۳	۰/۲۷۶
	داخل گروه	۸۴/۷۵۷	۱۰۷	۰/۷۹۲	-	
	مجموع	۸۶/۸۲۱	۱۰۹	-	-	
تضمین جذب	در بین گروه	۰/۷۹۳	۲	۰/۳۹۷	۰/۶۸۳	۰/۵۰۷
	داخل گروه	۶۲/۰۸۰	۱۰۷	۰/۵۸۰	-	
	مجموع	۶۲/۸۷۳	۱۰۹	-	-	

باتمركزبر یافته‌های جدول فوق مقدار آماره F برای متغیر توسعه کارکنان مستعد برابر ۰/۶۶۸ است و از مقدار حد بحرانی ۱/۹۶ در سطح اطمینان ۰/۹۵ کوچکتر است و همچنین سطح معنی داری نیز از مقدار ۰/۰۵ بزرگتر است. بنابراین مشخص شده که از نظر سابقه کار در دیدگاه افراد نسبت به شاخص توسعه

کارکنان مستعد تفاوت معنی داری وجود ندارد. مقدار خطای تحلیل واریانس عاملی پیش‌بینی شده برابر با ۰/۵۱۵ گزارش شد.

۱- ارزیابی متغیرهای شناسایی شده بر حسب جنسیت افراد

از نظر جنسیت در دیدگاه افراد نسبت به شاخص توسعه کارکنان مستعد تفاوت معنی داری وجود دارد. آزمون لون (برابری واریانس بین گروه‌ها): یکی از مفروضات انجام تحلیل واریانس مبحث برابری واریانس گروه‌ها (جنسیت) است. در این پژوهش جهت ارزیابی برابری واریانس از آزمون لوین استفاده شده است؛ درحقیقت این آزمون متناسب با گروه‌های موردبررسی تحقیق محاسبه و برپایه (جدول ۱۹)، ارائه شده‌اند.

جدول ۱۹. آزمون لون برای برابری واریانس بین گروه‌ها- (مآخذ: یافته‌های پژوهشی)

گروه	متغیر	آماره F	درجه آزادی صورت	درجه آزادی مخرج	سطح معناداری
جنسیت	توسعه کارکنان مستعد	۰/۱۷۷	۱	۱۰۸	۰/۶۷۵
	انگیزش	۰/۶۰۲	۱	۱۰۸	۰/۴۴۰
	نگهداری	۱/۱۹۱	۱	۱۰۸	۰/۲۷۸
	تضمین جذب	۰/۴۰۷	۱	۱۰۸	۰/۵۲۵

باتوجه به اینکه مقدار سطح معنیداری آزمون لوین برای متغیرهای پژوهش بیشتر از ۰/۰۵ است می‌توان ادعا نمود در سطح اطمینان ۰/۹۵ پیش فرض برابری واریانس تأیید شده است. جهت ارزیابی این فرضیه از آزمون تحلیل واریانس تک عاملی (ANOVA)، برای متغیرهای تحقیق استفاده شد برپایه (جدول ۲۰).

جدول ۲۰. آزمون تحلیل واریانس تک عاملی (ANOVA)، شاخص‌های مدیریت استعداد- (مآخذ: یافته‌های پژوهشی)

متغیر	منبع	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معناداری
توسعه کارکنان مستعد	در بین گروه	۱/۴۰۴	۱	۱/۴۰۴	۲/۱۹۰	۰/۱۴۲
	داخل گروه	۶۹/۲۱۵	۱۰۸	۰/۶۴۱	-	
	مجموع	۷۰/۶۲۹	۱۰۹	-	-	
انگیزش	در بین گروه	۰/۶۳۲	۱	۰/۶۳۲	۰/۷۲۷	۰/۳۹۳
	داخل گروه	۹۲/۶۸۹	۱۰۸	۰/۸۵۸	-	
	مجموع	۹۳/۳۲۱	۱۰۹	-	-	
نگهداری	در بین گروه	۰/۵۲۷	۱	۰/۵۲۷	۰/۶۵۹	۰/۴۱۹
	داخل گروه	۸۶/۲۹۴	۱۰۸	۰/۷۹۹	-	
	مجموع	۸۶/۸۲۱	۱۰۹	-	-	
تضمین جذب	در بین گروه	۱/۲۰۱	۱	۱/۲۰۱	۲/۱۰۴	۰/۱۵۰
	داخل گروه	۶۱/۶۷۲	۱۰۸	۰/۵۷۱	-	
	مجموع	۶۲/۸۷۳	۱۰۹	-	-	

باتمركز بر یافته‌های جدول فوق مقدار آماره F برای متغیر توسعه کارکنان مستعد برابر ۲/۱۹۰ است و از مقدار حد بحرانی ۱/۹۶ در سطح اطمینان ۰/۹۵ کوچکتر است و همچنین سطح معنی داری نیز از مقدار ۰/۰۵ بزرگتر است. بدین سان مشخص شده که از نظر جنسیت در دیدگاه افراد نسبت به شاخص توسعه

کارکنان مستعد تفاوت معنی داری وجود ندارد. مقدار خطای تحلیل واریانس عاملی پیش‌بینی شده برابر با ۰/۱۴۲ گزارش شد.

– اولویت‌بندی شاخص‌های مدیریت استعداد

به منظور اولویت‌بندی شاخص‌های مدیریت استعداد برای روسای دانشگاه آزاد اسلامی و انجام مقایسات زوجی از نرم‌افزار Super Decision استفاده شد. برای انجام این کار معمولاً از مقایسه‌گزینه‌ها با شاخص‌های i ام نسبت به گزینه‌ها یا شاخص‌های j ام استفاده می‌شود که در برپایه (جدول ۲۱)، نحوه ارزش‌گذاری شاخص‌ها نسبت به هم نشان داده شده است.

جدول ۲۱. ماتریس مقایسات زوجی بر حسب معیار x_i – (مأخذ: یافته‌های پژوهشی)

	A1	A2	A3	A4
A1	1	a12	a13	a14
A2		1	a23	a24
A3			1	a34
A4				1
وزن نهایی			$0 < w_i < 1$	

مقایسه زوجی و تعیین وزن شاخص‌های مدیریت استعداد برای روسای دانشگاه آزاد اسلامی برپایه (جدول ۲۲)، موردتیین قرار گرفت.

جدول ۲۲. ماتریس مقایسات زوجی تعیین وزن معیارها – (مأخذ: یافته‌های پژوهشی)

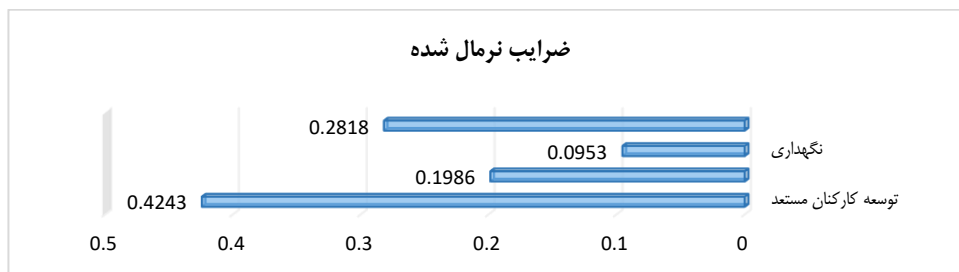
عنوان معیار	توسعه کارکنان مستعد	انگیزش	نگهداری	تضمین جذب
توسعه کارکنان مستعد	۱	۲/۱۳۶	۴/۴۵۰	۱/۵۰۶
انگیزش	۰/۴۶۸	۱	۲/۰۸۳	۰/۷۰۵
نگهداری	۰/۲۲۵	۰/۴۸۰	۱	۰/۳۳۸
تضمین جذب	۰/۶۶۴	۱/۴۱۹	۲/۹۵۵	۱
	نرخ ناسازگاری قضاوت			
	۰/۰۰۲۱			

مقایسه زوجی معیارها به منظور تعیین ضرایب اهمیت به صورت دوه‌دو در رابطه با اولویت‌بندی شاخص‌های مدیریت استعداد برای روسای دانشگاه آزاد اسلامی انجام شده است. نتایج این مقایسه به صورت ضرایب نرمال شده و ضرایب ایده‌آل برپایه (جدول ۲۳)، نشان داده شده است. نرخ ناسازگاری قضاوت برابر ۰/۰۰۲۱ و کمتر از ۰/۱ برآورد شده است. در نتیجه می‌توان قضاوت انجام شده را معنی‌دار و صحیح دانست.

جدول ۲۳. ضرایب نرمال شده و ضرایب ایده‌آل شاخص‌های مدیریت استعداد – (مأخذ: یافته‌های پژوهشی)

عنوان معیار	ضرایب نرمال شده	ضرایب ایده‌آل	اولویت
توسعه کارکنان مستعد	۰/۴۲۴۳	۱	۱
انگیزش	۰/۱۹۸۶	۰/۴۶۸۱	۳
نگهداری	۰/۰۹۵۳	۰/۲۳۴۷	۴
تضمین جذب	۰/۲۸۱۸	۰/۶۶۴۱	۲

همانگونه که مشخص است توسعه کارکنان مستعد جزء مهمترین شاخص مدیریت استعداد برای روسای دانشگاه آزاد اسلامی است. همچنین تضمین جذب در اولویت دوم مهمترین شاخص مدیریت استعداد برای روسای دانشگاه آزاد اسلامی است. انگیزش در اولویت سوم مهمترین شاخص مدیریت استعداد برای روسای دانشگاه آزاد اسلامی است. نگهداری در اولویت چهارم مهمترین شاخص مدیریت استعداد برای روسای دانشگاه آزاد اسلامی است. به طور خاص، برپایه (نمودار ۱)، اولویت بندی شاخص مدیریت استعداد برای روسای دانشگاه آزاد اسلامی را می توان مدنظر داشت. مهمترین گزینه توسعه کارکنان مستعد جزء مهمترین شاخص مدیریت استعداد برای روسای دانشگاه آزاد اسلامی است.



نمودار ۱. ضرایب اهمیت بر حسب معیارها - (مأخذ: یافته های پژوهشی)

۵- بحث و نتیجه گیری

نتایج پژوهش نشان داد توسعه کارکنان مستعد با وزن ۰/۴۲۴۳ مهمترین شاخص مدیریت استعداد برای روسای دانشگاه آزاد اسلامی استان تهران است. این یافته با مطالعات پژوهش موردواکاوی هم سو و تأکید بر سرمایه گذاری بلندمدت در توانمندسازی نیروی انسانی به عنوان کلید موفقیت سازمانی تأکید دارد. به طوری که می توان اذعان داشت توسعه مستمر مهارت ها و دانش کارکنان، امکان پاسخ گویی به چالش های پویای محیط آموزشی را فراهم می کند. تضمین جذب با وزن ۰/۲۸۱۸ دومین شاخص حیاتی شناسایی شد. این نتیجه نشان دهنده اهمیت جذب استعدادهای برتر در محیطی رقابتی است. دانشگاه ها برای حفظ جایگاه علمی خود نیازمند جذب نیروهای ماهر با تطابق پذیری با ارزش های سازمانی هستند. انگیزش با وزن ۰/۱۹۸۶ به عنوان سومین شاخص تأثیرگذار شناخته شد. عوامل انگیزشی نظیر؛ کیفیت زندگی کاری، عدالت سازمانی، و مشارکت در تصمیم گیری ها (با بار عاملی ۰/۷۶۷)، نقش کلیدی در حفظ بهره وری و تعهد کارکنان ایفاء می کنند. این نتیجه مؤید نظریه های مدیریت منابع انسانی است که انگیزه را پیش نیاز عملکرد مطلوب می دانند. نگهداری با وزن ۰/۰۹۵۳ آخرین اولویت را به خود اختصاص داد. اگرچه این شاخص کمترین وزن را دارد، اما نباید از اهمیت آن غافل شد. تدوین سیاست های حفظ استعدادها (به مانند امنیت شغلی و فرصت های رشد)، برای کاهش نرخ جابه جایی نیروها ضروری است. در تبیین اعتبار سنجی مدل شاخص های نیکویی برازش مدل (CFI= ۰/۹۶۳، RMSEA= ۰/۰۶۳، GFI= ۰/۸۴۳)، نشان دهنده تطابق مناسب مدل با داده های تجربی است. مقادیر CR بالاتر از ۰،۷ و AVE بیش از ۰،۵ (جدول ۱)، نیز



تأییدکننده پایایی و روایی ابزار پژوهش است. تفاوت‌های جمعیت‌شناختی در تحلیل واریانس (ANOVA)، نشان داد تفاوت معناداری در دیدگاه شرکتکنندگان برحسب سن، سابقه کار، یا جنسیت وجود ندارد (سطح معناداری $< 0/5$). این نتیجه حاکی از همگنی نظرات روسا درباره شاخص‌های مدیریت استعداد است. در این راستا محدودیت‌های پژوهش، جامعه آماری محدود به استان تهران و تمرکز بر دانشگاه آزاد اسلامی، تعمیم‌پذیری نتایج را محدود می‌کند. همچنین استفاده از روش پیمایشی و ابزار پرسش‌نامه ممکن است تحت تأثیر سوگیری‌های پاسخ‌دهندگان قرار گیرد. در نتیجه، مدیریت استعداد به‌ویژه در محیط‌های دانشگاهی، نقش تعیین‌کننده‌ای در دستیابی به اهداف راهبردی دارد. اولویت‌بندی شاخص‌های شناسایی شده (توسعه، جذب، انگیزش، نگهداری)، چارچوبی عملیاتی برای روسای دانشگاه‌ها فراهم می‌کند تا با تخصیص بهینه منابع، به تحول کیفی در نظام آموزش عالی کمک کنند. این پژوهش گامی مؤثر در راستای بومی‌سازی مدل‌های مدیریت استعداد در ایران محسوب می‌شود.

منابع

- آراسته، حمیدرضا. ۱۳۸۰. *مدیریت در دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، چالش‌ها و کاستی‌ها*. فصلنامه علمی پژوهشی-پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۷، شماره ۳ و ۴، ۴۹-۴۲.
- آقایی، علی‌اکبر. بحرالعلوم، حسن. اندام، رضا. ۱۳۹۹. *طراحی و تبیین مدل فرایند مدیریت استعداد معلمان تربیت‌بدنی*. فصلنامه علمی پژوهشی-مطالعات مدیریت ورزشی، دوره ۱۲، شماره ۵۹، ۲۰۶-۱۷۷.
- تخت‌روان، معصومه. مرادی، سعید. خورشیدی، عباس. سوسه‌ای، پری. ۱۴۰۲. *طراحی الگوی مدیریت استعداد برای روسای دانشگاه آزاد اسلامی استان تهران*. فصلنامه علمی پژوهشی-تغییرات اجتماعی-فرهنگی، دوره ۲۰، شماره ۳، ۱۷۳-۱۳۳.
- تخت‌روان، معصومه. مرادی، سعید. خورشیدی، عباس. سوسه‌ای، پری. ۱۴۰۳. *شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های الگوی مدیریت استعداد برای روسای دانشگاه آزاد اسلامی*. ششمین کنفرانس بین‌المللی و نهمین همایش ملی مدیریت، روان‌شناسی و علوم رفتاری، ایران-تهران، ۱۴-۱۱.
- دامنی، عبدالرزاق. زمانی‌مقدم، افسانه. سالارزهی، حبیب‌الله. هاشمی، سیداحمد. ۱۳۹۹. *بررسی و تبیین عوامل مؤثر بر کارآفرینی منابع انسانی در شرکت‌های کوچک و متوسط منطقه آزاد چابهار*. فصلنامه علمی پژوهشی-پژوهش‌های مدیریت عمومی، دوره ۱۳، شماره ۵۰، ۳۱۲-۲۸۷.
- رحیمی، مینا. امین‌بیدختی، علی‌اکبر. زارع بنادکوکلی، محمدرضا. ۱۴۰۱. *شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌ها و شاخص‌های مؤثر بر رتبه‌بندی دانشگاه‌ها با تمرکز بر جنبه‌های آموزشی*. فصلنامه علمی پژوهشی-رهبری و مدیریت آموزشی، دوره ۱۶، شماره ۴: (پیاپی ۶۲)، ۱۲۱-۸۹.
- شامانی، سمیه. زرگر، سیدمحمد. حیدری، سیدعبداله. همتیان، هادی. ۱۴۰۰. *ارائه مدلی جامع برای مدیریت استعداد در شرکت‌های دانش‌بنیان*. فصلنامه علمی پژوهشی-چشم‌انداز مدیریت دولتی، دوره ۱۲، شماره ۳، ۵۶-۳۲.

- شریفی، معصومه. عباسزاده، ناصر. شفیغزاده، حمید. ۱۴۰۰. *شناسایی عوامل مؤثر بر مدیریت استعداد معلمان دوره متوسطه دوم*. فصلنامه علمی پژوهشی-جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، دوره ۷، شماره ۱؛ (پیاپی ۱۳)، ۳۱۸-۳۱۰.
- شریفیان ثانی، شاهد. والا، رضا. شریفی، اصغر. ۱۴۰۰. *طراحی مدل توسعه مدیریت استعداد معلمان دوره اول متوسطه*. فصلنامه علمی پژوهشی-توسعه آموزش جندی شاپور اهواز، ویژه‌نامه، دوره ۱۲، ۲۰۳-۱۹۳.
- موسوی خطیر، سیدجلال. نادری، ابوالقاسم. فراستخواه، مقصود. ۱۳۹۹. *شنا سایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های سازمان دانش‌محور*، فصلنامه علمی پژوهشی-راهبرد فرهنگ، شماره ۵۲، ۲۰۱-۱۶۳.
- Adhiambo Adero, Florence. Osito Odiyo, Wilson. 2020. *Employee Characteristics, Contemporary Human Resource Management Practices And Organization Effectiveness*. International Journal Of Business Management Entrepreneurship And Innovation, 2(2): 1-18.
- Al Aina, Riham. Atan, Tarik. 2020. *The Impact Of Implementing Talent Management Practices On Sustainable Organizational Performance*. Journal Of Sustainability, 12(20): 1-21.
- Bhatnagar, Jyotsna. 2007. *Talent Management Strategy Of Employee Engagement In Indian ITES Employees: Key To Retention*. Journal Of Employee Relations, 29(6): 640-663.
- Chabault, Denis. Hulin, Annabelle. Soparnot, Richard. 2012. *Talent Management In Clusters*. Journal Of Organizational Dynamics, 41(4): 327-335.
- Yaghoubi Hasan Kola, Fatemeh. Aliesmaeili, Abdollah. Fallah, Vahid. 2019. *Identifying The Dimensions, Components And Indicators Of Talent Management*. Iranian Journal Of Educational Sociology, 2(2): 188-197.



The Role Of Urban Management In Improving The Quality Of Public Spaces In Tabriz Metropolis With An Emphasis On Social And Cultural Development

Fozieh Khayat Kalibar¹, Arash Saghafi Asl^{2*}, Masoud Haqlesan³, Hasan Sattari Sarbangholi⁴
(Received Date: 2024/09/30 - Accepted Date: 2025/02/23)

Abstract

The manifestation of rapid socio-cultural transformations and population growth in the 21st century has increasingly highlighted the demand for high-quality public spaces within communities. This research seeks to examine the role of urban management in enhancing the quality of public spaces with a focus on social and cultural development, particularly in the metropolis of Tabriz. Utilizing a mixed-methods approach, incorporating both qualitative and quantitative studies, this research identifies and evaluates the role of urban management in this area. The findings indicate that urban management plays multiple roles in improving the quality of public spaces, including policy-making, planning, execution, maintenance, setting standards, acting as a catalyst, and facilitating social and cultural development. Data analysis reveals that policy-making acts as the primary driver in enhancing the quality of public spaces. Additionally, active participation by citizens in decision-making and project implementation has been recognized as a key factor in improving the quality of these spaces. This study emphasizes the importance of a comprehensive and integrated approach to managing public spaces within communities. Achieving high-quality public spaces requires attention to all socio-cultural, economic, and political dimensions, as well as collaboration among stakeholders, including urban managers, citizens, and various professionals. As such, this research serves as a reference for policymakers and urban managers aiming to improve the quality of urban public spaces. The findings can be used to develop long-term plans for enhancing public spaces and assessing the performance of urban management in this field.

Keywords: Social-Cultural, Public Spaces, Urban Management, Community, Tabriz Metropolis.

* This Article Is Extracted From The Doctoral Thesis Of 'Fozieh Khayat Kalibar', Titled "*Recognizing And Explaining The Role Of Urban Management In Improving And Enhancing The Quality Of Public Spaces In Iranian Metropolises (Case Study: Tabriz Metropolis)*", Under The Supervision Of 'Dr. Arash Saghafi Asl', & 'Dr. Masoud Haqlesan', & Advisory Of 'Dr. Hasan Sattari Sarbangholi'.

¹Ph.D. Student In Urban Designing, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. khayatfozieh@gmail.com

² Associate Professor Of Architecture & Urban Planning Department, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. (Corresponding Author: a.saghafi@iaut.ac.ir)

³ Assistant Professor Of Architecture & Urban Planning Department, Ilkhchi Branch, Islamic Azad University, Ilkhchi, Iran. ma.haghlesan@iau.ac.ir

⁴ Associate Professor Of Architecture & Urban Planning Department, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. sattari@iaut.ac.ir

نقش مدیریت شهری در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی کلان شهر تبریز باتأکید بر توسعه اجتماعی و فرهنگی

فوزیه خیاط کلپبر^۱، آرش ثقفی اصل^{۲*}، مسعود حق لسان^۳، حسن ستاری ساربانقلی^۴
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۵)

چکیده

نمود تحولات اجتماعی-فرهنگی سریع شهری و افزایش جمعیت در اقرن حاضر، تقاضا برای فضاهای عمومی در اجتماع باکیفیت را بیش از پیش آشکار ساخته است. پژوهش موردتیین در این رستا به دنبال واکاوی نقش مدیریت شهری در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی باتأکید بر توسعه اجتماعی و فرهنگی در اجتماع به ویژه در کلان شهر تبریز تلاش است. طوری که از روش ترکیبی شامل مطالعات کیفی و کمی، این تحقیق به شناسایی و ارزیابی نقش مدیریت شهری در این حوزه پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مدیریت شهری در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی دارای نقش‌های چندگانه‌ای است که عبارت‌انداز: سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرا، حفاظت و نگهداری، تدوین استانداردها و کاتالیزور کیفیت و نقش مشارکتی در توسعه اجتماعی و فرهنگی. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که سیاست‌گذاری به‌عنوان محرک اصلی در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی ایفای نقش می‌کند. همچنین، مشارکت فعال اجتماعی شهروندان در فرایندهای تصمیم‌گیری و اجرای پروژه‌ها به‌عنوان عاملی کلیدی در بهبود کیفیت این فضاها شناخته شده است. به‌طور خاص، این جستار بر اهمیت رویکردی جامع و یکپارچه در مدیریت فضاهای عمومی در اجتماع تأکید دارد. به‌بیانی، برای دستیابی به فضاهای عمومی باکیفیت، لازم است که تمامی ابعاد اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی-سیاسی، موردتوجه قرار گیرد و همکاری بین تمامی ذی‌نفعان از جمله مدیران شهری، شهروندان و متخصصان مختلف برقرار شود. بدین‌سان، این پژوهش به‌عنوان یک مرجع علمی برای سیاست‌گذاران و مدیران شهری در راستای ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری عمل می‌کند. نتایج این تحقیق می‌تواند در تدوین برنامه‌های جامع و بلندمدت برای بهبود فضاهای عمومی شهری و ارزیابی عملکرد مدیریت شهری در این زمینه مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: اجتماعی-فرهنگی، فضاهای عمومی، مدیریت شهری، اجتماع، کلان شهر تبریز

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «فوزیه خیاط کلپبر»، باعنوان «شناخت و تبیین نقش مدیریت شهری در بهبود و ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی کلان شهرهای ایران (نمونه موردی: کلان شهر تبریز)»، است که به راهنمایی «دکتر آرش ثقفی اصل»، و «دکتر مسعود حق لسان»، و مشاوره «دکتر حسن ستاری ساربانقلی»، استخراج شده است.

khayatfoziah@gmail.com
a.saghafi@iaut.ac.ir
ma.haghlesan@iaut.ac.ir
sattari@iaut.ac.ir

۱ دانشجوی دکتری طراحی شهری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.
۲* دانشیار گروه معماری و شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول).
۳ استادیار گروه معماری، واحد ایلخچی، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلخچی، ایران.
۴ دانشیار گروه معماری و شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۱- مقدمه

دگرگونی‌های اجتماعی-فرهنگی و تحولات شتابان شهرنشینی در قرن ۲۰ میلادی، و آغاز هزاره سوم، چالش‌های بی‌سابقه‌ای را برای مدیریت شهری به‌ارمغان آورده است. افزایش جمعیت شهری، پیچیدگی ساختارهای اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی-سیاسی و تغییرات اقلیمی، همگی بر کیفیت زندگی شهری و به‌ویژه فضاهای عمومی در اجتماع تأثیر گذاشته‌اند (Tonneet al, 2021). در این میان، نقش مدیریت شهری در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری به‌عنوان یکی از مهمترین عوامل مؤثر در شکل‌دهی هویت فرهنگی و پایداری اجتماعی شهرها مطرح می‌شود. مفهوم مدیریت شهری در دهه‌های اخیر تحولات چشمگیری را تجربه کرده است. تلاش برای پاسخ‌گویی به مشکلات ناشی از رشد بی‌رویه شهرها، منجر به شکل‌گیری رویکردهای جدیدی در مدیریت شهری شده است (Jeppesen, Andersen, Madsen, 2006). تحولات اجتماعی، تکنولوژیکی و سیاسی نیز بر شیوه تولید، بازتولید و مدیریت فضاهای عمومی تأثیر گذاشته‌اند. با این حال، علی‌رغم اهمیت فضاهای عمومی در زندگی شهری، مطالعات اندکی به‌بررسی دقیق نقش مدیریت شهری در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری پرداخته‌اند. بسیاری از متفکران شهری بر کاهش کیفیت فضاهای عمومی در ابعاد مختلفی همچون عمومی بودن، عدالت فضایی، تنوع اجتماعی و اصالت تأکید کرده‌اند (Tibbalds, 2012). در دنیای امروز، مدیریت فضاهای عمومی به‌عنوان یک فرایند پیچیده و چندجانبه در نظر گرفته می‌شود که در آن، بازیگران مختلفی همچون دولت، بخش خصوصی و شهروندان نقش‌آفرینی می‌کنند (Madanipour, 2010). با وجود مطالعات گسترده در زمینه فضاهای عمومی، هنوز پرسش‌های بسیاری در مورد ماهیت مدیریت فضاهای عمومی و نقش مدیریت شهری در این حوزه باقی مانده است. این پژوهش باهدف پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها، به‌واکاوی نقش مدیریت شهری در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری با تأکید بر توسعه اجتماعی و فرهنگی می‌پردازد. با بهره‌گیری از رویکردهای کمی و کیفی، این پژوهش به دنبال شناسایی عوامل مؤثر بر کیفیت فضاهای عمومی و ارزیابی نقش مدیریت شهری در این زمینه در اجتماع است.

۲- مطالعات نظری

۲-۱- تبیین مدیریت شهری با ابعاد اجتماعی و فرهنگی

مدیریت شهری را می‌توان به‌عنوان مجموعه‌ای از کنش‌های متقابل بین نهادهای رسمی حکومت شهری و بازیگران غیررسمی جامعه مدنی با گستره اجتماعی و فرهنگی در نظر گرفت که بر شکل‌گیری و اداره شهر تأثیر می‌گذارد (برک‌پور، اسدی، ۱۳۹۰). در این میان، مدیریت فضاهای عمومی شهری به‌عنوان حوزه حاکمیتی، فضایی را فراهم می‌آورد تا مطالبات متنوع ذی‌نفعان و نیازهای متغیر فضاهای عمومی در قالب فرایندها و مکانیزم‌های مشخص بیان و پیگیری شوند (Carmona, 2010). بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی اخیر در مدیریت فضاهای عمومی شهری نشان می‌دهد که الگوی سنتی مبتنی بر

تمرکزگرایی و کنترل دولتی جای خود را به رویکردهای مشارکتی داده است. در یک دهه گذشته، شاهد افزایش مشارکت بخش خصوصی، سازمان‌های عمومی، گروه‌های جامعه مدنی و سایر ذی‌نفعان در فرایند تولید و مدیریت فضاهای عمومی شهری در اجتماع بوده‌ایم. این تغییر الگو، ناشی از تحولات گسترده‌تر در روابط دولت و جامعه و تمایل روزافزون به مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های شهری است (Chien, 2024). این تحولات بر شیوه اداره فضاهای عمومی و ارائه خدمات شهری تأثیر گذاشته و منجر به شکل‌گیری الگوهای جدیدی از مشارکت و همکاری بین دولت، بازار و جامعه شده است (Hallanaro, 2024).

۲-۲- کیفیت فضاهای عمومی شهری با نمود پیوندهای اجتماعی و فرهنگی

فضاهای عمومی به‌عنوان هسته مرکزی محیط‌های شهری، میزبان طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، سیاسی هستند (Lara-Hernandez, Melis, Coulter, 2020). این فضاها شکل‌دهنده جامعه هستند و با روابط قدرت، اولویت‌ها و ترس‌های جامعه شکل می‌گیرند. فضاهای عمومی موفق، ویژگی‌های مشترکی دارند که آن‌ها را از سایر فضاها متمایز می‌سازد. این ویژگی‌ها شامل؛ طراحی جذاب، برنامه‌ریزی دقیق، مدیریت کارآمد و قابلیت تطبیق با نیازهای مختلف کاربران است (Stevens, 2017). کیفیت فضاهای شهری، جنبه‌ای از کیفیت زندگی است که احساس رفاه، آسایش و رضایت مردم از عوامل کالبدی فضایی، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی-سیاسی، زیست‌محیطی و سمبلیک محیط زندگی‌شان را دربرمی‌گیرد (قلندریان، ۱۳۹۷؛ پاکزاد، ۱۳۹۵؛ رفیعیان، عسگری، عسگری‌زاده، ۱۳۸۸). کیفیت-در فرهنگ معین؛ به معنای صفت و چگونگی است. کیفیت-در زبان لاتین؛ به معنای ماهیت، نوع یا خصوصیت یک شیء به کار می‌رود. پژوهشگران مختلف، معیارهای متعددی را برای ارزیابی کیفیت فضاهای عمومی ارائه داده‌اند که نشان‌دهنده ماهیت چندبعدی این مفهوم است (Carmona, 2014; Praliya, Garg, 2019). در بررسی ماهیت چندبعدی فضاهای عمومی شهری و معیارهای اثرگذار بر کیفیت آن‌ها، بسیاری از محققان بر اهمیت تلفیق طراحی و مدیریت در شکل‌دهی فضاهای عمومی تأکید کرده‌اند. به عبارت دیگر، کیفیت-یک فضای عمومی نه تنها به ویژگی‌های کالبدی آن، بلکه به فرایندهای طراحی، ساخت و مدیریت آن نیز بستگی دارد. از سویی دیگر، در قرن حاضر و به‌ویژه در ایران فضای عمومی متأثر از جریان‌ها و جنبش‌های اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی-سیاسی است (طغرابی، رنجبر، کاظمی، ۱۴۰۱). لذا، به نظر می‌آید مفهوم کیفیت فضای عمومی و مطالعه وابسته آن همچون ارزیابی کیفیت نیاز به تغییر نگرش‌های پایه‌ای است که می‌توان برپایه (جدول ۱)، مورد بررسی قرار داد.

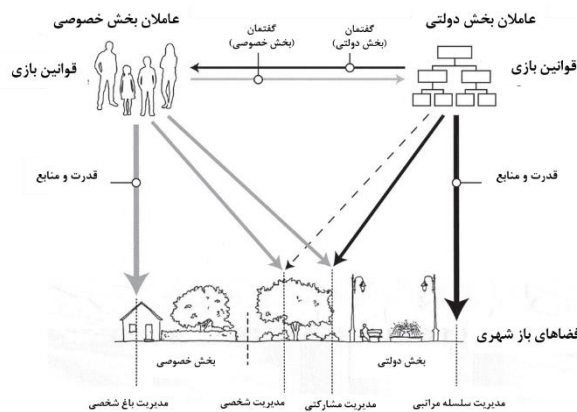
جدول ۱: مفاهیم شکل دهنده در ارتباط با چارچوب مدیریت فضاهای عمومی شهری با گستره اجتماعی و فرهنگی
(مأخذ: برداشت معنایی نگارندگان، ۱۴۰۳؛ Zamanifard et al., 2018)

نگارنده	تأکید	ابعاد مرتبط با مدیریت
Carmona (2014)	طراحی شهری	بستر، قدرت، سیاست، اقدام
De Magalhães, Carmona (2009)	مدیریت فضاهای عمومی شهری	مدل‌های مدیریت، فعالیت‌های مدیریتی
Healey (2010, 2015)	توسعه شهری	مدیریت مکان؛ شرایط اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی-سیاسی؛ ساختار قدرت؛ جامعه مدنی؛ روابط سهام‌داران
Rhodes (1997, 2007)	حکروایی	شبکه‌های فعالان؛ روابط بین عاملان؛ ارائه خدمات عمومی؛ نوع‌های مدیریت
Pierre (1999, 2005, 2014)	حکروایی شهری	نیروهای اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک؛ مدل‌های مدیریت شهری؛ اهداف کلی؛ ابزارها؛ نتایج
Coaffee & Healey (2003)	مدیریت مکان	تحلیل نهادی؛ شکل‌گیری اجتماعی؛ ظرفیت مدیریت؛ مکان؛ ساختار روابط و شبکه‌سازی
Adams & Tiesdell (2013)	طراحی شهری و فرایندهای توسعه	عوامل و سهام‌داران و نقش آن‌ها در توسعه؛ اقدامات توسعه و مدل‌های توسعه؛ روش‌های مدیریت
Harvey (1989)	سرمایه اقتصادی و مدیریت شهری	تحول مدیریت شهری؛ تأثیرات اقتصادی و سیاسی
Carmona (2016)	طراحی شهری و مدیریت	انگیزه‌های مداخله؛ کیفیت طراحی (با تعریف بسیار گسترده آن)؛ اختیار؛ قدرت؛ عملیات؛ ابزارهای مدیریت؛ ابزارهای رسمی و غیررسمی مدیریتی
Kent (2019)	مکان‌سازی	ظرفیت جامعه؛ مدیریت؛ عملیات پایین‌به‌بالا و مبتنی بر مکان
Stoker (1998)	مدیریت (حکروایی)	مفهوم مدیریت؛ عوامل خارج از دولت؛ اهمیت قدرت در روابط بین عوامل؛ شبکه‌های خودمدیریتی عاملان؛ ظرفیت مدیریت
Cuthbert (2007)	طراحی و برنامه‌ریزی شهری	نقش ایدئولوژی در شکل‌گیری فضاهای شهری؛ ارتباط بین طراحی شهری و سیاست
Webster (2007)	حقوق مالکیت و فضاهای عمومی شهری	اهمیت مصرف در مدیریت فضای عمومی؛ ترازدی مشترکات؛ اقتصاد فضای عمومی
Hambleton (2015)	رهبری محلی و مکان‌سازی	نتیجه (همه‌گیری و عدالت)؛ ویژگی‌های خوب مدیریت شهری؛ عوامل (جامعه مدنی، دولت، بازارها)؛ دولت محلی
González & Healey (2005)	نظریه‌سازمانی و سرمایه‌مدیریتی	نقش نهادها؛ روابط و تعاملات بین عوامل؛ زمینه‌ها؛ گفت‌وگوها (قالب‌بندی مسائل، مشکلات، راه‌حل‌ها، منافع)؛ ساختار قدرت؛ زمینه تاریخی و جغرافیایی؛ شیوه‌های عملی (فعالیت‌ها)؛ دیدگاه‌های عاملان؛ احساس تعلق

۲-۳- رویکردهای مدیریت فضاهای عمومی شهری با تأکید بر جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی

مدیریت فضاهای عمومی شهری، به‌عنوان یک حوزه مطالعاتی میان‌رشته‌ای با تأثیر و تأثر جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی، در سال‌های اخیر اهمیت فزاینده‌ای یافته است. این حوزه، به‌طور فزاینده‌ای با چالش‌های پیچیده‌ای در اجتماع مواجه است که ناشی از تغییرات سریع اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی-سیاسی و زیست‌محیطی است. همان‌طور که مطالعات متعدد نشان داده‌اند (Dempsey, Smith, 2014). مدیریت این فضاها در یک بستر اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی-سیاسی پویا و پیچیده صورت می‌گیرد و به‌طور مستقیم با نیازهای متنوع و در حال تغییر شهروندان در ارتباط است. عواملی مانند؛ شهرنشینی فزاینده، مهاجرت و افزایش تراکم جمعیت، فشارهای بی‌سابقه‌ای بر فضاهای عمومی شهری وارد آورده‌اند. کاهش تنوع زیستی، کمبود فضاهای سبز و تقاضا برای عملکردهای چندگانه در فضاهای شهری، از مهمترین پیامدهای این تغییرات هستند (Low, 2023). این تحولات، لزوم بازنگری در رویکردهای سنتی مدیریت فضاهای عمومی و توسعه مدل‌های جدید و جامع را بیش‌ازپیش آشکار می‌سازد (Randrup, Persson,)

2009). مدیریت مؤثر فضاهای عمومی شهری، فرایندی پیچیده و چندجانبه است که شامل؛ برنامه‌ریزی، طراحی، اجرا و ارزیابی است. این فرایند با مشارکت فعال شهروندان و ذی‌نفعان مختلف در اجتماع صورت گیرد تا بتوان به نتایج مطلوب و پایدار دست‌یافت. ترکیب حاکمیت خوب با مدیریت مؤثر فضاهای عمومی، می‌تواند به‌عنوان یک راهبرد کلیدی برای تحقق اهداف توسعه پایدار در شهرها تلقی شود برپایه (شکل ۱).



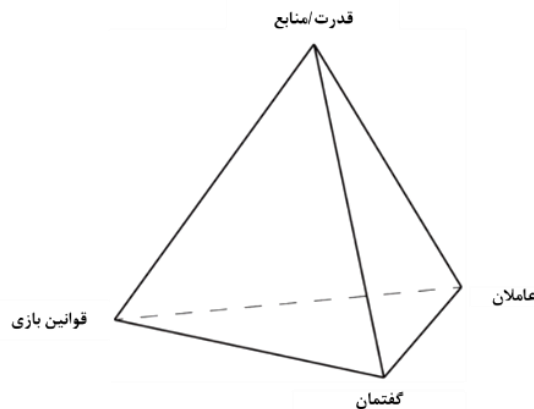
شکل ۱: مدل ترکیبی حکمروایی و مدیریت فضاهای عمومی شهری، دربردارندهٔ ۴ بعد حکمروایی شهری: عاملان (کاربران و ادارات)، قدرت و منابع، قوانین و بازی‌ها و گفت‌وگوها که شکل‌دهنده فرایندهای مدیریتی با تأکید بر جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی- (مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳)

مدیریت فضاهای عمومی شهری در عصر حاضر، فراتر از یک وظیفه صرفاً فنی، به یک مسئله پیچیده اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی-سیاسی تبدیل شده است. طوری که بر اهمیت رویکردهای مشارکتی و حاکمیت چندلایه در مدیریت این فضاها تأکید کرده‌اند. مفهوم «حاکمیت مکان‌مبنا»، چارچوبی مفیدی برای درک تعاملات پیچیده میان عوامل مختلف درگیر در مدیریت فضاهای عمومی شهری فراهم می‌آورد. در این چارچوب، کاربران فضا به‌عنوان بازیگران فعال و تأثیرگذار شناخته می‌شوند و ارتباط متقابل آن‌ها با مدیران شهری، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. مدرن‌سازی کاربرمحور، تحولات چشمگیری در نحوه مدیریت فضاهای عمومی ایجاد کرده است. این رویکرد، چالش‌های جدیدی را برای مدیران دولتی و جامعه مدنی به همراه داشته و نقش آن‌ها را در فرایند تصمیم‌گیری و اجرا متحول ساخته است (Dempsey, Burton, 2012). در این راستا، تقویت مشارکت اجتماعی و فرهنگی شهروندان؛ ایجاد سازوکارهای تصمیم‌گیری مشارکتی و شفافیت در فرایندهای مدیریتی، از جمله؛ الزامات اصلی برای دستیابی به مدیریت موفق فضاهای عمومی شهری محسوب می‌شود برپایه (شکل ۲).



شکل ۱: منطق مدیریت راهبردی فضاهای عمومی شهری در سوبه اجتماعی و فرهنگی- (مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳)

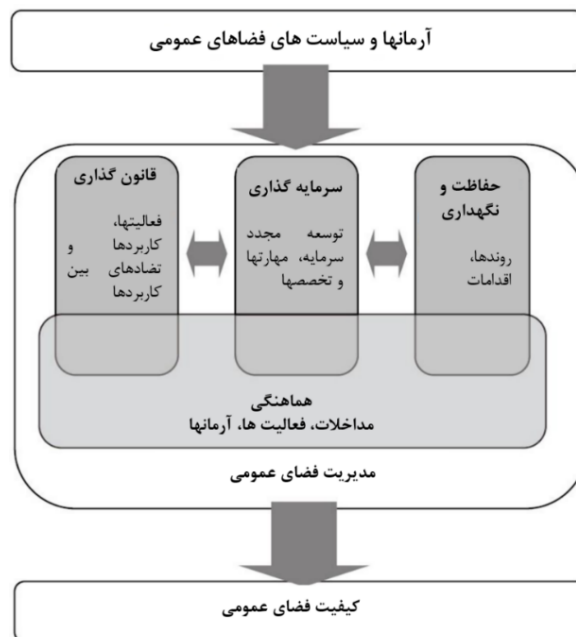
مدیریت فضاهای عمومی شهری، به‌عنوان یکی از مسائل کلیدی در برنامه‌ریزی شهری و ابعاد اجتماعی و فرهنگی، در سال‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران بسیاری قرار گرفته است. به‌طور خاص می‌توان اذعان داشت مطالعات انجام‌شده در این حوزه، مدل‌ها و چارچوب‌های مختلفی را برای تحلیل و مدیریت این فضاها ارائه کرده‌اند؛ متیو کارمونا و کلودیو دی ماگالهاس با رویکردی فرایندی، مدیریت فضاهای عمومی شهری را به ۴ مرحله اصلی تقسیم می‌کنند: ۱. تنظیم کاربری‌ها و مدیریت تعارضات، ۲. حفاظت از روتین‌ها و هویت مکان، ۳. سرمایه‌گذاری و تأمین منابع، و ۴. همکاری و مشارکت ذی‌نفعان در اجتماع (De Magalhães, Carmona, 2009). این پژوهشگران بر اهمیت تعامل و پیوستگی این ۴ مرحله در دستیابی به مدیریت موفق فضاهای عمومی شهری در گستره اجتماعی و فرهنگی تأکید دارند. به‌طور مشخص، رویکرد سلسله‌مراتب مدیریت فضاهای عمومی شهری را می‌تواند به ۳ سطح؛ راهبردی، تاکتیکی و عملیاتی تقسیم‌بندی نمود. طوری که این تقسیم‌بندی نشان‌دهنده طیف گسترده‌ای از تصمیم‌گیری‌ها و اقداماتی است که از سطح کلان سیاست‌گذاری تا سطح اجرایی عملیات روزمره را دربرمی‌گیرد (دبیده، ۱۴۰۰). وی، با تأکید بر اهمیت مدیریت در تمام مراحل چرخ عمر فضاهای عمومی در اجتماع، از برنامه‌ریزی تا نگهداری، این مفهوم را به‌عنوان هدف نهایی فرایند طراحی و ساخت معرفی می‌کنند. همچنین بر نقش حیاتی مدیریت راهبردی در حفظ و توسعه کیفیت‌های بلندمدت فضاهای عمومی بر توسعه اجتماعی و فرهنگی تأکید داشته است (همان). در خصوص چارچوب حکمرانی و مدیریت فضاهای عمومی در این پژوهش حاکی از آن است که تنوع در ساختارهای حکمرانی از حکمروایی متمرکز تا حکمروایی مشارکتی می‌تواند بر نحوه مدیریت فضاهای عمومی تأثیرگذار باشد. طوری که برپایه (شکل ۳)، می‌توان روابط پیچیده بین چیدمان حکمرانی و مدیریت فضاهای عمومی را به‌تصویر کشید.



شکل ۲: مدل حکمروایی، ارتباط بین ابعاد سازمان‌دهی سیاست‌گذاری در اجتماع - (مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳)

به‌طور مشخص، بادر نظر گرفتن پیچیدگی‌های موجود در مدیریت و حکمروایی فضاهای عمومی، ضرورت تدوین چارچوبی جامع برای تحلیل فرایندهای تصمیم‌گیری و تخصیص منابع در این فضاها می‌تواند برپایه

(شکل ۴)، قابل مطرح باشد. با تکمیل این چارچوب، فرایند شکل‌گیری فضاهای عمومی را به ۴ مرحله طراحی، توسعه، استفاده و مدیریت قابل تقسیم‌بندی بوده است. باتأکید بر نقش عوامل آگاهانه و ناآگاهانه در این فرایند، بر اهمیت درک پیچیدگی‌های اجتماعی و فرهنگی حاکم بر فضاهای شهری می‌توان تأکید داشت.



شکل ۴: مدل مدیریت فضاهای عمومی شهری در گستره تحولات اجتماعی و فرهنگی - (مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳)

۳- روش‌شناسی

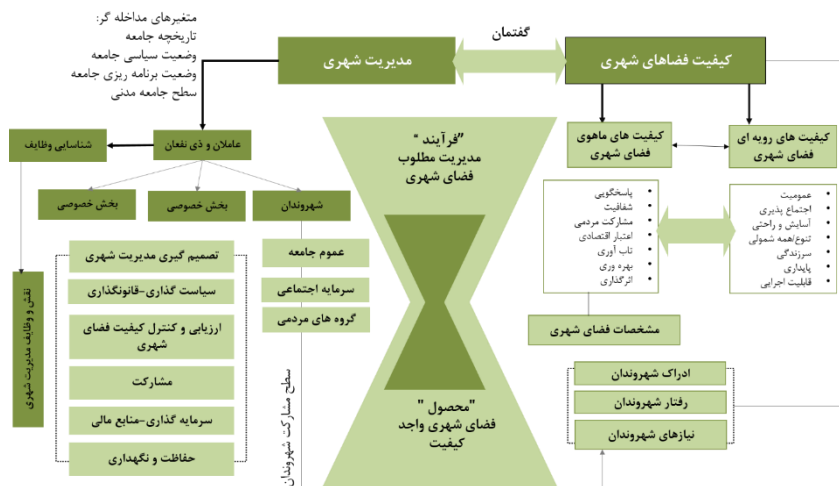
از آنجاکه مسئله اصلی این پژوهش نقش مدیریت شهری در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری باتأکید بر توسعه اجتماعی و فرهنگی است، پرسش‌ها از نوع چابستی و چگونگی و مبتنی بر زمینه تدوین گردیده است. این مطالعه با رویکرد ترکیبی و روش‌های کیفی و کمی انجام شده است. طوری که برپایه (شکل ۴)، می‌توان اثبات این موضوع را مدنظر داشت. پس از مرور جامع در مطالعات نظری، مفاهیم اثرگذار شناسایی شده، سپس باهدف فهم تعامل ذهنی شهروندان با فضای شهری، شناخت تجارب افراد و شناسایی مفاهیم اثرگذار بر ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری از دریچه نگاه شهروندان در اجتماع از رویکرد کیفی استفاده شده، در نهایت تجمیع مؤلفه‌های شناسایی شده در مطالعات نظری و کدگذاری کیفی، به صورت پرسشنامه کمی تدوین و براساس آزمون‌های آماری "SPSS"، وزن، اهمیت و میزان اثرگذاری هریک از ابعاد شناسایی و تبیین شده است. همچنین می‌توان گام‌های پژوهش را برپایه (جدول ۲)، اشاره کرد.

جدول ۲: گام های انجام شده جهت شناسایی مؤلفه های مدیریت شهری در ارتباط با کیفیت فضاهای عمومی شهری با تبیین توسعه اجتماعی و فرهنگی (مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳)

گام اول؛	گام دوم؛	گام سوم؛
مطالعات نظری عمیق و شناسایی ابعاد و مدیریت شهری مرتبط با کیفیت فضاهای عمومی شهری	مصاحبه های کیفی نیمه ساختاریافته با شهروندان و مدیران شهری در ارتباط با مؤلفه ها و نقش مدیریت شهری در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری باتاکید بر توسعه اجتماعی و فرهنگی	تحلیل آماری و سنجش مؤلفه های مدیریت شهری اثرگذار بر کیفیت فضاهای عمومی شهری در اجتماع

۳-۱- جمع آوری داده های کیفی

روش تحلیل تماتیک به بررسی و توسعه نظریه مستتر از پدیده ها از طریق جمع آوری و تحلیل سیستماتیک داده ها می پردازد. این روش عمدتاً برای کشف منطق بین پدیده ها/در این پژوهش منطق بین مفاهیم تبیین کننده نقش مدیریت شهری در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری باتاکید بر توسعه اجتماعی و فرهنگی/می پردازد. در این روش ابتدا داده ها از طریق مصاحبه های عمیق از مدیران شهری و شهروندان کلان شهر تبریز جمع آوری شده اند، سپس مفاهیم و یافته های به دست آمده کدگذاری طبقه بندی شده اند، در نهایت بر اساس تحلیل تماتیک، مدل نظریه ای پژوهش مبتنی بر لنز نظری شهروندان تبیین شده است، در این گام جمع آوری داده ها تا رسیدن به مرز اشباع نظری ادامه یافته است. از این رو ۲۸ مصاحبه عمیق با شهروندان و مدیران شهری بخش خصوصی و دولتی کلان شهر تبریز انجام شده است. در این پژوهش پرسش ها به صورت آنلاین و حضوری و گروه سنی ۱۸+ سال مدنظر بوده است. مصاحبه در بازه زمانی تابستان ۱۴۰۳ شمسی، انجام شده است. مصاحبه از هر فرد بین ۱۰ تا ۲۰ دقیقه زمان بر بوده است. از آنجاکه در روش تحلیل تماتیک نیاز به انتخاب تعداد دقیق نمونه که نشانگر ویژگی های جمعیت باشند، نمی باشند، تلاش شده است که توزیع برابری از افراد با گروه های سنی و جنسیتی مصاحبه شوند. برپایه (شکل ۵)، می توان چارچوب مفهومی ارزیابی این واکاوی را لحاظ نمود.



شکل ۳: چارچوب مفهومی ارزیابی نقش مدیریت شهری بر ارتقاء کیفیت فضای عمومی باتاکید بر ارسای توسعه اجتماعی و فرهنگی (مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳)

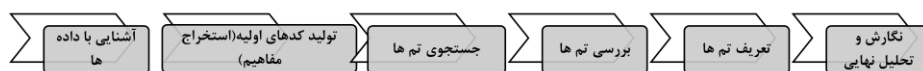
۴- نمونه مطالعه

جهت بررسی عمیق‌تر نقش مدیریت شهری در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی با بازگفت توسعه اجتماعی و فرهنگی، مطالعه موردی بر روی کلان شهر تبریز به عنوان ۴مین کلان شهر پرجمعیت ایران انجام شده است. انتخاب تبریز به عنوان مطالعه موردی به دلیل تنوع فضاهای عمومی موجود در این شهر و همچنین اهمیت آن به عنوان مراکز اصلی جمعیتی و اقتصادی کشور بوده است. در این پژوهش، از روش ترکیبی شامل روش‌های کیفی و کمی استفاده شده است. در بخش کیفی، با استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با ۴۳ نفر از شهروندان، مدیران بخش خصوصی و دولتی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با مدیریت فضاهای عمومی شهری در ارتباط بودند، داده‌ها جمع‌آوری شده است. حجم نمونه در بخش کیفی براساس اصل اشباع نظری تعیین شده است. در بخش کمی، پرسشنامه‌ای با ۳۱۸ پاسخ‌گو توزیع شده است که نمونه آماری آن به صورت تصادفی ساده انتخاب شده است. نمونه آماری پژوهش حاضر از نظر جنسیت، سن و سطح تحصیلات دارای توزیع متنوعی است. ۶۲٫۳ درصد جمعیت پاسخ‌گو را آقایان و ۳۷٫۷ درصد جمعیت را خانم‌ها تشکیل می‌دهند. بیشترین درصد فراوانی یعنی ۳۵٫۸ درصد افراد در گروه سنی بین ۳۱-۴۰ سال قرار داشته‌اند، ۳٫۸ درصد افراد کمتر از ۱۸ سال و بیش از ۶۰ سال هستند، ۳۴ درصد افراد در گروه سنی بین ۵۰-۴۱ و ۱۳٫۲ درصد افراد نیز در گروه سنی بین ۱۹-۳۰ سال جای دارند. میزان تحصیلات بیشتر پاسخ‌گویان یعنی ۴۱٫۵ درصد آن‌ها مقطع کارشناسی ارشد و ۲۲٫۶ درصد افراد در مقطع دکتری بوده است.

۵- بحث و یافته‌ها

۱-۱- یافته‌های کیفی

در این پژوهش، به منظور استخراج مفاهیم پنهان در داده‌های مصاحبه‌ها، از روش تحلیل تماتیک مبتنی بر رویکرد براون و کلارک^۱ (۲۰۰۶)؛ استفاده شده است. در مرحله نخست، داده‌های مصاحبه‌ها به صورت کامل و دقیق مطالعه شده و سپس فرایند کدگذاری به صورت باز را بر روی کل مجموعه داده‌ها اعمال گردید. این فرایند شامل: شناسایی، نام‌گذاری و طبقه‌بندی واحدهای معنایی در متن مصاحبه‌ها بوده است. در ادامه، با انجام مقایسه‌های مستمر بین کدهای استخراج شده، تم‌های اولیه شناسایی و سپس به صورت نظام‌مند بررسی و تعریف شدند برپایه (شکل ۶). این فرایند تکراری و تعاملی، به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا با حرکت مداوم بین داده‌ها و کدها، به درک عمیق‌تری از مفاهیم پنهان در متن دست یابد.



شکل ۶: چارچوب ۶ مرحله‌ای براون و کلارک برای انجام تحلیل تماتیک- (مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳)

^۱ Braun & Clarke

به منظور استخراج الگوها و مفاهیم نهفته در داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌ها، فرایند تحلیل تماتیک به صورت چندمرحله‌ای انجام شد. در این فرایند، داده‌ها به‌طور سیستماتیک کدگذاری شده و سپس کدهای مرتبط با یکدیگر گروه‌بندی شدند تا تم‌های اصلی استخراج گردند. نتایج تحلیل، نقش مدیریت شهری در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری باتأکید بر توسعه اجتماعی-فرهنگی را می‌توان به ۴ دسته اصلی تقسیم کرد: نقش اجرایی، نقش اجتماعی، نقش برنامه‌ریزی و نقش نظارتی راهبردی-برپایه (شکل ۷).



شکل ۴: ابعاد و مؤلفه‌های اثرگذار بر تبیین نقش مدیریت شهری در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری کلان‌شهر تبریز باتأکید بر توسعه اجتماعی-فرهنگی (مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳)

در تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با شهروندان و مدیران شهری، ۴ نقش کلیدی برای مدیریت شهری در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری باتأکید بر توسعه اجتماعی-فرهنگی، شناسایی شد. این نقش‌ها که به‌صورت متقابل و هم‌افزایی عمل می‌کنند، عبارت‌اند از: نقش اجرایی، برنامه‌ریزی، راهبردی/سیاست‌گذاری و تدوین‌کننده و کاتالیزور کیفیت فضاهای عمومی شهری. هر یک از این ابعاد به تفکیک معرفی می‌گردد:

❖ **بعد اجرایی:** مبتنی بر کدگذاری مصاحبه‌های کیفی با شهروندان و مدیران شهری، طراحی منظر شهری، افزایش زیبایی و جذابیت بصری شهرها، ایجاد زیرساخت‌های شهری، ارتقاء دسترسی پذیری مطلوب شهر، مدیریت ترافیک، بهره‌وری بهینه از تسهیلات و خدمات از مهمترین نقش‌های مدیریت شهری در راستای ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی در اجتماع شهری است.

❖ **بعد برنامه‌ریزی مدیریت شهری:** بعد برنامه‌ریزی به نقش هماهنگ‌کنندگی، مدیریت، برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و اجرای عملکردهای شهری و مدیریت شهری دانش‌محور و بین‌رشته‌ای اشاره دارد. در این راستا گروه‌ها و ذی‌نفعان مختلف در راستای دستیابی به هدف مشترک، تضادها را کاهش داده و در مسیر ارتقاء کیفیت فضاهای شهری با تحولات اجتماعی-فرهنگی برنامه‌ریزی می‌کنند.



❖ **بُعد نظارتی-سیاست‌گذاری مدیریت شهری:** مبتنی بر مصاحبه‌های انجام‌شده نظیر نظارت راهبردی، نظارت راهبردی در قانون‌گذاری و اجرای قوانین و سیاست‌گذاری از مهمترین نقش‌های مدیریت شهری معرفی شده است.

❖ **بُعد تدوین‌گر و کاتالیزور کیفیت فضای عمومی شهری:** این بُعد نشان‌گر نقش‌های چون مدیریت زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه، ارتقاء شادی و سرزندگی در جامعه با افزایش زیر ساخت‌های سبز، هم‌بستگی و اعتماد اجتماعی، ارتقاء مشارکت شهروندان در فرایند مدیریت فضای عمومی شهری، همچنین حفظ آرامش شهروندان، حفظ ارزش‌ها، نمادها و میراث ملموس و ناملموس فرهنگی، کیفیت زندگی، کیفیت فضای شهری، رفاه اجتماعی و درنهایت ارتقاء رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری است.

در نتیجه، یافته‌های نظری و کیفی در چارچوب پرسش‌نامه کمی ارزیابی گردید و مؤلفه‌های تبیین‌کننده نقش مدیریت شهری در ابعاد سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرایی، حفاظت و نگهداری، تبیین‌گر و کاتالیزور کیفیت فضای عمومی شهری، و نقش مشارکتی طبقه‌بندی نمود.

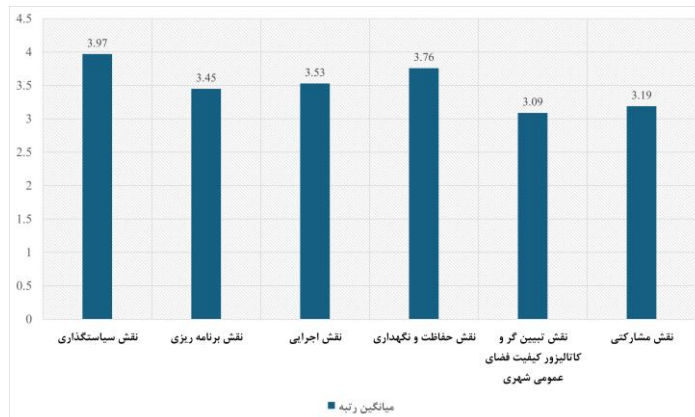
۵-۲- یافته‌های کمی

جهت ارزیابی کمی نقش هر یک از ابعاد شناسایی شده در بخش نظری و کیفی پژوهش، پرسش‌نامه‌ای بسته با مقیاس لیکرت ۵ گزینه‌ای طراحی و اجرا گردید. جامعه آماری این پژوهش را شهروندان و مدیران شهری بخش خصوصی و دولتی ساکن کلان شهر تبریز با نمود اجتماعی و فرهنگی تشکیل می‌دهند. به منظور بررسی روایی و پایایی ابزار اندازه‌گیری، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. این ضریب، میزان هم‌بستگی درونی گویه‌های پرسش‌نامه را نشان می‌دهد و به عبارت دیگر، میزان توافق پاسخ‌های افراد به سوالات مختلف پرسش‌نامه را می‌سنجد (حبیب‌پورگتابی و صفری‌شالی، ۱۳۹۴). چنانچه این مقدار بیش‌تر از ۰/۷ باشد، می‌توان گفت ابزار دارای پایایی بالایی است، مقدار آلفای کرونباخ محاسبه شده برای پرسش‌نامه حاضر برابر با ۰,۹۹۰ بود است که نشان‌دهنده پایایی بسیار بالای ابزار اندازه‌گیری و قابل‌اعتماد بودن داده‌های جمع‌آوری شده است. با توجه به تأیید پایایی ابزار، تحلیل‌های آماری بر روی داده‌ها انجام شد.

۵-۳- آزمون فریدمن/تحلیل واریانس ۲ طرفه

جهت سنجش اهمیت نسبی مؤلفه‌های تبیین‌کننده نقش مدیریت شهری در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی باتأکید بر توسعه اجتماعی و فرهنگی، از آزمون ناپارامتریک فریدمن استفاده شد. این آزمون به پژوهشگران امکان می‌دهد تا بدون فرض توزیع نرمال داده‌ها، تفاوت معناداری بین رتبه‌های اختصاص داده‌شده به مؤلفه‌های مختلف را بررسی کنند (همان). در این پژوهش، از پاسخ‌گویان خواسته شد تا به هر یک از مؤلفه‌ها براساس یک مقیاس رتبه‌ای امتیاز دهند. نتایج آزمون فریدمن نشان داد که تفاوت معناداری بین رتبه‌های اختصاص داده شده به مؤلفه‌های مختلف وجود دارد (مقدار آماره آزمون: ۵۴، ۵۸،

سطح معناداری ۰/۰۰۰). این امر نشان می‌دهد که شهروندان و مدیران شهری اهمیت متفاوتی برای مؤلفه‌های مختلف قائل هستند برپایه (نمودار ۱). در ادامه، به بررسی دقیق‌تر رتبه‌بندی هریک از مؤلفه‌ها پرداخته خواهد شد.



نمودار ۱: سنجش میانگین رتبه نقش‌های اصلی مدیریت شهری در راستای ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری باتأکید بر توسعه اجتماعی و فرهنگی (مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳)

بر اساس نتایج حاصل از آزمون فریدمن، نقش سیاست‌گذاری با کسب بالاترین میانگین رتبه (۳،۹۷)، و پس از آن نقش حفاظت و نگهداری (۳،۷۶)، به عنوان مهمترین ابعاد نقش مدیریت شهری در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی کلان شهر تبریز باتأکید بر توسعه اجتماعی و فرهنگی شناخته شدند برپایه (نمودار ۱). در سطح جزئی‌تر، نتایج تحلیل مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده نقش مدیریت شهری نیز حاوی یافته‌های قابل توجهی است. نتایج نشان می‌دهد که «تأمین رفاه و ارتقاء کیفیت زندگی برای ساکنین محلی»، با میانگین رتبه ۶۴،۸۶ «بهره‌گیری از فرصت‌های توسعه‌های اجتماعی و فرهنگی شهری»، با میانگین رتبه ۶۲،۹۰ «تدوین خط م‌شی‌ها برای حل مسائل فضای شهری»، با میانگین رتبه ۶۱،۲۱ «پشتیبانی و هماهنگی امور سیاست‌گذاری»، با میانگین رتبه ۶۰،۳۲ به ترتیب با کسب بالاترین میانگین رتبه‌ها، از اهمیت بیشتری در نظر پاسخ‌گویان برخوردار بوده‌اند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که شهروندان و مدیران شهری، ارتقاء کیفیت زندگی، توسعه پایدار اجتماعی و فرهنگی و حل مسائل موجود در فضاهای عمومی را از مهمترین اولویت‌های مدیریت شهری در این حوزه می‌دانند. در مقابل، مؤلفه‌هایی همچون «مدیریت دموکراتیک و همه‌شمول فضاهای عمومی شهری»، با میانگین رتبه ۴۱،۳۰، «غلبه بر موانع موجود»، با میانگین ۴۱،۸۶، «آماده‌سازی خدمات و تسهیلات لازم برای پشتیبانی فعالیت‌های مولد کارآمد و اقتصادی»، با میانگین ۴۳،۶۰ و «ارائه راهبردهای خلاقانه در رویارویی با چالش‌های فضای شهری»، با میانگین ۴۳،۹۱، با کسب کمترین میانگین رتبه‌ها، از اولویت کمتری برخوردار بوده‌اند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که اگرچه این مؤلفه‌ها از اهمیت بالایی برخوردار هستند، اما در عمل توجه کمتری به مدیران شهری است. سنجش ارتباط ۲ سویه



بین نقش‌های اصلی مدیریت شهری در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری به منظور سنجش رابطه بین نقش‌های مختلف مدیریت شهری باتأکید بر ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری و یافتن ارتباط همبستگی بین مفاهیم از ضریب همبستگی اسپیرمن برپایه (جدول ۳)، شده است.

جدول ۳: آزمون همبستگی اسپیرمن جهت سنجش ارتباط ۲ سویه بین نقش‌های اصلی مدیریت شهری در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری باتأکید بر توسعه اجتماعی و فرهنگی- (مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳)

تبیین	نقش سیاست‌گذاری	نقش برنامه‌ریزی	نقش اجرایی	نقش حفاظت و نگهداری	نقش تبیین‌گر و کاتالیزور کیفیت فضای عمومی شهری	نقش مشارکتی
نقش سیاست‌گذاری	1					
نقش برنامه‌ریزی	.714**	1				
نقش اجرایی	.617**	.860**	1			
نقش حفاظت و نگهداری	.607**	.868**	.860**	1		
نقش تبیین‌گر و کاتالیزور کیفیت فضای عمومی شهری	.592**	.815**	.835**	.852**	1	
نقش مشارکتی	.539**	.774**	.764**	.785**	.933**	1

**p<0.01 و *p<0.05

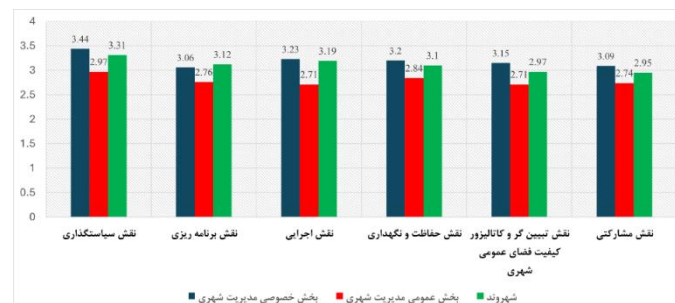
یافته‌های حاصل از تحلیل همبستگی نشان‌دهنده رابطه مستقیم، مثبت و معنادار میان ابعاد و نقش‌های مختلف مدیریت شهری است. نتایج آزمون اسپیرمن، ارتباط بسیار قوی بین نقش برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری به میزان ۰٫۷۱۴، را تأیید می‌کند. این یافته نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری مناسب، پیش‌نیاز برنامه‌ریزی مؤثر بوده و بالعکس، برنامه‌های دقیق، سیاست‌های شهری را تقویت می‌کنند. همچنین، نقش اجرایی نیز ارتباط مستقیمی با هر ۲ نقش مذکور دارد (۰٫۶۱۷ با نقش سیاست‌گذاری ۰٫۸۶۰ با نقش برنامه‌ریزی)، که حاکی از اهمیت اجرای بهینه برنامه‌ها و سیاست‌ها در تحقق اهداف مدیریت شهری است. نتایج نشان می‌دهد که این نقش با تمام ابعاد دیگر مدیریت شهری، باتأکید بر توسعه اجتماعی و فرهنگی ارتباط بسیار قوی و معناداری دارد. این امر تأکید می‌کند که حفظ و نگهداری از فضاهای عمومی، نه تنها برای حفظ کیفیت این فضاها، بلکه برای بهبود کلی عملکرد سیستم مدیریت شهری نیز ضروری است. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که نقش تبیین‌گر و کاتالیزور کیفیت فضای عمومی شهری دارای ارتباط مستقیم، معنادار به میزان ۰٫۵۳۹، با ابعاد سیاست‌گذاری، ارتباط مستقیم، معنادار به میزان ۰٫۸۱۵، با بُعد برنامه‌ریزی، ارتباط مستقیم، معنادار به میزان ۰٫۸۳۵، با بُعد اجرایی، و ارتباط مستقیم، معنادار به میزان ۰٫۸۵۲، با بُعد حفاظت و نگهداری می‌باشد. بدین‌سان، نتایج پژوهش حاکی از آن است که نقش مشارکتی نیز در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی مؤثر است. مشارکت فعال شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای برنامه‌ها، یکی از عوامل کلیدی در بهبود کیفیت زندگی و ارتقاء استانداردهای شهری در تالو تحولات اجتماعی-فرهنگی، است. حفاظت از فضاهای عمومی و منابع طبیعی، به‌طور مستقیم بر کیفیت زندگی شهروندان در اجتماع فرهنگی تأثیر می‌گذارد. همچنین تبیین و کاتالیزوری کیفیت فضای عمومی شهری، به‌طور مستقیم با مشارکت مردمی و سایر ابعاد مدیریت شهری مرتبط است. مقایسه آرای شهروندان و مدیران شهری در

زمینه اهمیت هریک از نقش‌های مدیریت شهری در راستای ارتقاء کیفیت فضاهای شهری براساس آزمون آنوا؛ برپایه (جدول ۴)، ابعاد و نقش‌های مختلف در رابطه با مدیریت شهری، از آزمون تحلیل واریانس (طرفه ANOVA)، استفاده شده است. آزمون آنوا، به‌عنوان تعمیمی از آزمون (T)، برای مقایسه میانگین‌های بیش از ۲ گروه، ابزاری قدرتمند در تحلیل داده‌های کمی به‌شمار می‌آید. با بهره‌گیری از این آزمون، امکان مقایسه آماری دقیق میانگین‌های نگرش ۳ گروه مذکور (شهروندان، مدیران بخش دولتی و مدیران بخش خصوصی)، نسبت به هریک از ابعاد و نقش‌های مدیریت شهری فراهم آمده است.

جدول ۴: آزمون آنوا، مقایسه نقش‌های مدیریت شهری بر ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری باتأکید بر توسعه اجتماعی و فرهنگی (مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳)

Sig.	F	Mean Square	Sum of Squares	نقش‌های مختلف مدیریت شهری	
.000	9.282	5.237	10.475	Between Groups	نقش سیاست‌گذاری
		.564	177.727	Within Groups	
			188.202	Total	
.003	5.962	4.791	9.582	Between Groups	نقش برنامه‌ریزی
		.804	253.138	Within Groups	
			262.720	Total	
.000	9.561	8.994	17.988	Between Groups	نقش اجرایی
		.941	296.339	Within Groups	
			314.328	Total	
.034	3.421	2.987	5.973	Between Groups	نقش حفاظت و نگهداری
		.873	275.026	Within Groups	
			280.999	Total	
.013	4.440	3.577	7.153	Between Groups	نقش تبیین‌گر و کاتالیزور کیفیت فضای عمومی شهری
		.806	253.762	Within Groups	
			260.916	Total	
.050	2.855	2.353	4.706	Between Groups	نقش مشارکتی
		.824	259.635	Within Groups	
			264.341	Total	

براساس نتایج آزمون تحلیل واریانس (طرفه ANOVA)، تفاوت معناداری ($\text{Sig.} < 0.05$)، در ارزیابی اهمیت نقش‌های مختلف مدیریت شهری بین ۳ گروه شهروندان، مدیران بخش خصوصی و مدیران بخش دولتی مشاهده شده است. این یافته نشان‌دهنده آن است که هریک از این ۳ گروه، دیدگاه متمایزی نسبت به اهمیت ابعاد مختلف مدیریت شهری و تحولات اجتماعی-فرهنگی دارند برپایه (نمودار ۲).



نمودار ۲: هم‌سنجی نقش‌های مدیریت شهری بر ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری باتأکید بر توسعه اجتماعی و فرهنگی - (مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳)

یافته‌های آزمون *آنوا* نشان می‌دهد که نقش سیاست‌گذاری به‌عنوان مهمترین عامل در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری از سوی همه گروه‌های شرکت‌کننده (شهروندان، مدیران بخش خصوصی و مدیران بخش دولتی)، مورد تأکید در آرشيو تحولات اجتماعی-فرهنگی، قرار گرفته است. به‌ویژه، مدیران بخش دولتی بیشترین اهمیت را برای این نقش قائل هستند (میانگین ۳,۴۴)، که نشان‌دهنده درک عمیق آن‌ها از نقش کلیدی سیاست‌گذاری در هدایت توسعه شهری است. درمورد نقش برنامه‌ریزی، شهروندان بیشترین اهمیت را برای آن قائل هستند (میانگین ۳,۱۲). این امر حاکی از آن است که شهروندان انتظار دارند تا برنامه‌های توسعه اجتماعی و فرهنگی فضاهای عمومی شهری براساس نیازها و اولویت‌های آن‌ها تدوین و اجرا شود. نتایج همچنین نشان می‌دهد که نقش اجرایی از دیدگاه بخش خصوصی و شهروندان اهمیت بیشتری نسبت به مدیران بخش دولتی دارد. این تفاوت ممکن است به دلیل تفاوت در اولویت‌ها و محدودیت‌های هر گروه باشد. بخش خصوصی و شهروندان (میانگین ۳,۰۳ و ۳,۱۹)، معمولاً به دنبال اجرای سریع و باکیفیت پروژه‌ها هستند، درحالی‌که مدیران بخش دولتی ممکن است با محدودیت‌های بودجه‌ای و بروکراسی اداری مواجه باشند. اهمیت نقش حفاظت و نگهداری از فضاهای عمومی نیز به‌ویژه از سوی بخش خصوصی مورد تأکید قرار گرفته است (میانگین ۳,۲۰). این امر نشان‌دهنده اهمیت حفظ سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در فضاهای عمومی و اطمینان از بهره‌برداری طولانی‌مدت از آن‌ها است. نقش تبیین‌گری و کاتالیزوری نیز از سوی بخش خصوصی بیشترین اهمیت را به‌خود اختصاص داده است (میانگین ۳,۱۵). این نشان می‌دهد که بخش خصوصی به دنبال ایجاد ارتباطات مؤثر با سایر ذی‌نفعان و ایجاد انگیزه برای مشارکت در توسعه اجتماعی و فرهنگی فضاهای عمومی است. درمجموع، نتایج پژوهش بر آن است که اگرچه همه گروه‌ها بر اهمیت سیاست‌گذاری تأکید دارند، اما درمورد نقش سایر عوامل مانند: برنامه‌ریزی، اجرا، حفاظت و نگهداری و تبیین‌گری تفاوت‌هایی در اولویت‌بندی وجود دارد. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده پیچیدگی موضوع مدیریت فضاهای عمومی شهری و لزوم توجه به دیدگاه‌های مختلف در تصمیم‌گیری است.

۶- نتیجه‌گیری

به‌طورخاص، پژوهش موردتبیین باهدف شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های مؤثر بر واکاوی نقش مدیریت شهری در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری کلان شهر تبریز با تأکید بر توسعه اجتماعی و فرهنگی، به بررسی عمیقی از ابعاد مختلف این موضوع پرداخته است. در گام نخست، با تکیه بر مطالعات نظری گسترده و جامع برای ارزیابی نقش مدیریت شهری در این زمینه تدوین گردید. این چارچوب، ضمن شناسایی شکاف‌های موجود در پژوهش‌های پیشین، به ارائه تعریفی دقیق و جامع از مفاهیم کلیدی پرداخته است. در ادامه، با بهره‌گیری از روش‌های ترکیبی شامل مصاحبه‌های عمیق با شهروندان و مدیران شهری و همچنین پیمایش پرسش‌نامه‌ای، داده‌های غنی و متنوعی جمع‌آوری شد. تحلیل داده‌های کیفی به

شناسایی الگوها و تم‌های اصلی در خصوص درک شهروندان از کیفیت فضاهای عمومی و نقش مدیریت شهری در اجتماع منجر شد. همچنین، تحلیل داده‌های کمی به اندازه‌گیری تأثیر عوامل مختلف بر کیفیت ادراک شده فضاهای عمومی در رویارویی با تحولات اجتماعی و فرهنگی پرداخت. پژوهش حاضر باتکیه بر مطالعات پیشین، به بررسی نقش‌های متنوع مدیریت شهری با اهداف پژوهش ارج نهاده طوری که این مطالعات، ضمن شناسایی عوامل مؤثر بر کیفیت فضاهای عمومی، بر اهمیت نقش مدیریت شهری مبتنی بر مطالعات اجتماعی و فرهنگی در این حوزه تأکید کرده‌اند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهند که ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری یک فرایند پیچیده و چندوجهی است که نیازمند توجه هم‌زمان به عنقش اصلی مدیریت شهری به‌مثابه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرا، حفاظت و نگهداری، تدوین استانداردها و کاتالیزورهای کیفیت‌بخشی، و مشارکت راهبردی می‌باشند. نتایج حاصل از تحلیل داده‌های کیفی و کمی حاکی از آن است که این عنقش به‌طور مستقیم و تنگاتنگ با یکدیگر مرتبط هستند و هر یک بر دیگری تأثیرگذارند؛ لذا، برای دستیابی به نتایج مطلوب در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری، ضروری است که مدیریت شهری به‌طور هم‌زمان به تمامی این نقش‌ها در اجتماع توجه کرده و با هماهنگی و همکاری بین بخش‌های مختلف، اقدامات لازم را انجام دهد. همچنین می‌توان برای تبیین این مطالعه برپایه (شکل ۸)، برآیند پژوهش را در نظر گرفت.



شکل ۸: تبیین نقش مدیریت شهری در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری باتأکید بر توسعه اجتماعی و فرهنگی (مورد مطالعه: کلان‌شهر تبریز) (مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳)

تأمل در حاصل نهایی که براساس نظر به‌دست‌آمده از فرایند کدگذاری تماتیک و نتایج حاصل از ۳۱۸ پاسخ‌دهنده به‌دست‌آمده است، نشانگر پیچیدگی فرایند مدیریت فضاهای عمومی شهری در راستای ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری و تأکیدی دوباره بر ضرورت توجه هم‌زمان در مطالعات و جنبش‌های

اجتماعی و فرهنگی به مجموعهٔ بعدی از نقش‌های متنوع مدیریت شهری است. ابعاد و نقش‌های ۶گانهٔ مورد بحث مجموعه‌ای جامع از نقش‌های مختلف مدیریت شهری در راستای ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری و توجه هم‌زمان به مفاهیم مدنظر شهروندان و مدیران بخش عمومی و خصوصی در اجتماع می‌باشد. با توجه به ارتباط ۲ سویه، مستقیم و بالای این نقش‌ها بر یکدیگر توجه به این ویژگی‌ها و نقش‌ها و تلاش برای در نظر گیری هر یک می‌تواند تضمین کنندهٔ ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری باشد. بدین ترتیب حل مسئله مدیریت فضاهای عمومی شهری و کیفیت بخشی به فضاهای عمومی شهری زمانی دست‌یافتنی خواهد بود که در کلان‌شهر تبریز ابتدا آگاهی اجتماعی و فرهنگی لازم نسبت به نقش‌های مختلف؛ سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرایی، حفاظت و نگهداری، تدوین استانداردها و کاتالیزورهای کیفیت بخشی، و مشارکت راهبردی در گام‌های مختلف ایجاد شود و سپس با تحلیل و به کمک شاخص‌های تأیید شده، اولویت و اثرگذاری‌های شنا سایی شدهٔ هر یک از ابعاد ۶گانهٔ مدیریت شهری در کلان‌شهر تبریز بررسی و بازبینی شده و هم‌سو با هدف کیفیت بخشی به فضاهای عمومی شهری در اجتماع اصلاح شوند. طوری که تنوع نقش‌های مدیریت شهری اهمیت به کارگیری از مشارکت شهروندان و نیز لزوم به کارگیری رویکردی کل‌نگر و جامع و همکاری متخصصین و مدیران شهری و شهروندان را روشن می‌کند تا نتیجهٔ نهایی ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری کلان‌شهر تبریز را توأمان با در نظر داشتن تغییرات اجتماعی-فرهنگی، دربرگیرد. یافته‌های پژوهش حاضر بر اهمیت محوری سیاست‌گذاری و حفاظت و نگهداری در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری کلان‌شهر تبریز با تأکید بر توسعهٔ اجتماعی و فرهنگی توجه دارد. به طوری که این نتیجه با مطالعات مورد بحث در این جستار هم‌خوانی دارد و لزوم توجه به سیاست‌های نوین و برنامه‌های نگهداری مستمر را برجسته می‌سازد. باین‌حال، مصاحبه‌ها و تجربیات میدانی نشان‌دهندهٔ کم‌اهمیت شمردن مرحلهٔ حفاظت و نگهداری توسط مدیران شهری بوده که به تدریج منجر به کاهش کیفیت فضاها در اجتماع می‌شود. علاوه بر ۲ مؤلفه اصلی، تأمین رفاه و ارتقاء کیفیت زندگی ساکنین محلی، بهره‌گیری از فرصت‌های توسعهٔ شهری، تدوین خط‌مشی‌های حل مسائل شهری و هماهنگی امور سیاست‌گذاری نیز از اهمیت بالایی برخوردار تشخیص داده شدند. این یافته‌ها حاکی از آن است که ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی مستلزم (رویکرد جامع و چندجانبه است تا تمامی ابعاد اجتماعی-فرهنگی، و اقتصادی-سیاسی را در نظر بگیرد. بدین‌سان، ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که مفاهیمی همچون مدیریت دموکراتیک و فراگیر غلبه بر موانع موجود و ارائهٔ راهبردهای خلاقانه و آماده‌سازی خدمات و تسهیلات لازم در الگوی مدیریت شهری تبریز کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. این امر نشان‌دهندهٔ ضرورت تقویت این ابعاد در جهت ایجاد فضاهای عمومی پویا، پاسخ‌گو و پایدار است. یافته‌های این پژوهش نشان‌دهندهٔ ارتباط متقابل و قوی بین ابعاد و نقش‌های مختلف مدیریت شهری است. این ارتباط به معنای آن است که بهبود (بعد، به‌طور مستقیم بر بهبود سایر ابعاد نیز تأثیرگذار است. این یافته، نوآوری پژوهش حاضر بوده و بر اهمیت نگرش سیستمی به مدیریت شهری تأکید دارد. مشارکت شهروندی به‌عنوان محوری‌ترین عامل

در این ارتباط متقابل شنا سایی شده است. هرچه مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای پروژه‌ها بیشتر باشد، کیفیت فضاهای عمومی شهری نیز بهبود بیشتری خواهد یافت. این پژوهش نشان می‌دهد که برای ارتقاء کیفیت زندگی شهری، باید از ظرفیت‌های موجود در جامعه استفاده شود. مقایسه اهمیت نقش‌های مختلف از دیدگاه گروه‌های مختلف نشان‌دهنده تفاوت‌های قابل توجهی است. مدیران بخش عمومی بر اهمیت سیاست‌گذاری تأکید بیشتری دارند، در حالی که شهروندان به برنامه‌ریزی اهمیت بیشتری می‌دهند. بخش خصوصی نیز بر نقش‌های اجرایی و تبیین‌گری با نمود تحولات اجتماعی-فرهنگی، تأکید دارد. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده نیاز به ایجاد یک گفت‌وگوی مشترک بین همه ذی‌نفعان برای رسیدن به دیدگاه مشترک در مورد اولویت‌ها و راهکارها است.

منابع

- برک‌پور، ناصر. اسدی، ایرج. ۱۳۹۰. *مدیریت و حکمروایی شهری*، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه هنر.
- پاکزاد جهان‌شاه. ۱۳۹۵. *راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران*، چاپ هشتم، تهران: انتشارات شهیدی.
- دبیده، محمد. ۱۴۰۰. *دست‌نویسته‌های از مجموعه آثار معمار دبیده (گستره واکاوی در مدیریت شهری با ابعاد مطالعات اجتماعی و فرهنگی)*، تهران.
- رفیعیان، مجتبی، عسگری، علی، و عسگری زاده، زهرا. ۱۳۸۸. *رضایت‌مندی شهروندان از محیط‌های سکونت‌ی شهری*، فصلنامه علمی پژوهشی-علوم محیطی، دوره ۷، شماره ۱، ۶۸-۵۷. صفری‌شالی، رضا. حبیب‌پورگنابی، کرم. ۱۳۹۴. *راهنمای جامع کاربرد "SPSS" در تحقیقات پیمایشی: (تحلیل داده‌های کمی)*، چاپ ششم، تهران: انتشارات لویه.
- طغرائی، ابوالفضل، رنجبر، احسان. کاظمی، عباس. ۱۴۰۱. *تبیین جایگاه فضای عمومی شهری در دوانگاره مصرف فرهنگی و تولید اجتماعی فضا*، فصلنامه علمی پژوهشی-دانش شهرسازی، دوره ۶ شماره ۲، ۱۳۰-۱۰۱.
- قلندریان گل خطمی، ایمان. ۱۳۹۷. *تبیین مفهوم کیفیت محیط در نو سازی بخش مرکزی کلان شهر مهاباد، شهید، رساله دکتری تخصصی شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران-ایران.*
- Carmona, M. 2010. *Contemporary Public Space, Part Two: Classification*, Journal Of Urban Design, 15(2): 157-173.
- Carmona, M. 2014. *Re-Theorising Contemporary Public Space: A New Narrative And A New Normative*, Journal Of Urbanism: International Research On Placemaking And Urban Sustainability.
- Chien, H. 2024. *10New Forms Of Active Citizen Participation To Regenerate Cities*, Varieties Of Civil Society Across Asia, 2.
- De Magalhães, C., Carmona, M. 2009. *Dimensions And Models Of Contemporary Public Space Management In England*, Journal Of Environmental Planning And Management, 52(1): 111-129.
- Dempsey, N., Burton, M. 2012. *Defining Place-Keeping: The long-Term Management Of Public Spaces*, Urban forestry & urban greening, 11(1): 11-20.
- Dempsey, N., Smith, H., Burton, M. (Eds.). 2014. *Place-Keeping: Open Space Management In Practice*, Routledge.
- Hallanaro, S. 2024. *Creating A Community: Perceptions Of Cooperation Between The Residents Of Rinnekodit Silta And Owners Of K-Market Kivikko*.



- Jeppesen, S., Andersen, J. E., Madsen, P. V. 2006. *Urban Environmental Management In Developing Countries-Land Use*, Environmental Health And Pollution Management-A Review.
- Lara-Hernandez, J. A., Coulter, C. M., Melis, A. 2020. *Temporary Appropriation And Urban Informality: Exploring The Subtle Distinction*, Cities, 99, 102626.
- Low, S. M. 2023. *Why Public Space Matters*, Oxford University Press.
- Madanipour, A. (Ed.). 2010. *Whose Public Space?: International Case Studies In Urban Design And Development*, Routledge.
- Praliya, S., Garg, P. 2019. *Public Space Quality Evaluation: Prerequisite For Public Space Management*, The Journal Of Public Space, 4(1): 93-126.
- Randrup, T. B., Persson, B. 2009. *Public Green Spaces In The Nordic Countries: Development Of A New Strategic Management Regime*, Urban Forestry & Urban Greening, 8(1): 31-40.
- Stevens, Q. 2017. *Public Space As Lived*, In Explorations In Urban Design (pp. 303-312), Routledge.
- Tibbalds, F. (2012). *Making People-Friendly Towns: Improving The Public Environment In Towns And Cities*, Taylor & Francis.
- Tonne, C., Adair, L., Adlakha, D., Anguelovski, I., Belesova, K., Berger, M., Adli, M. 2021. *Defining Pathways To Healthy Sustainable Urban Development*, Environment international, 146: 106236.
- Zamanifard, H., Alizadeh, T., Bosman, C. 2018. *Towards A Framework Of Public Space Governance*, Cities, 78: 155-165.



***The role of lifestyle in the quality of residential architecture
from a socio-cultural point of view (case study: contemporary
houses in Tabriz) ****

Farnaz Asgari¹, Sahar Toofan^{2}, Lida Balilan Asl³*

Abstract

Researchers consider housing to be more than the human need for shelter and believe that it is one of the main components influencing the shape and form of that culture. But since culture is a complex and very general concept, it needs to be expanded to measurable components such as lifestyle. Ignoring cultural and anthropological studies in recent years has caused a decrease in satisfaction and the loss of the cultural identity of housing. The transformation of the lifestyle during different historical periods and the direct relationship between it and the form of housing provides the possibility of studying and investigating the course of its impact on the house in different historical periods. This research seeks to find the role of lifestyle in the quality of housing architecture from the socio-cultural aspect in the contemporary era. The method of this research is descriptive-analytical. The first part of the research is with library studies, literature review, and the second phase, has been obtained by field studies and collection of existing samples in the city of Tabriz, which include houses in the period after the Islamic Revolution. Then, the houses of the post-revolution period, which are divided into 4 periods, have found physical adaptation based on interviews and questionnaires collected through their residents, so that the impact of lifestyle on the physical structure can be determined. The results show that the change of lifestyle has a direct relationship with the body of the house and different socio-cultural factors cause the diversity of lifestyle and consequently the diversity of its architectural form and qualities. The lack of knowledge and sufficient studies in this field has caused that the houses are not suitable for the users' lives in recent years.

Keywords: Lifestyle, housing, socio-cultural factors, contemporary houses in Tabriz.

* This Article Is Extracted From The Doctoral Thesis Of 'Farnaz Asgari, Under The Supervision Of 'Dr. Sahar Toofan', & Advisory Of 'Dr. Lida Balilan Asli'.

¹PhD Student in Architecture, Department Of Architecture & Urban Planning, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

Asgari.farnaz.archi@gmail.com

²Assistant Professor, Department Of Architecture & Urban Planning, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. (Corresponding Author: sahar.toofan@iaut.ac.ir)

³Assistant Professor, Department Of Architecture & Urban Planning, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. Lida_balilan@iaut.ac.ir

نقش سبک زندگی در کیفیت معماری مسکن از بُعد اجتماعی و فرهنگی

(نمونه موردی: خانه‌های معاصر تبریز)*

فرناز عسگری^۱، سحر طوفان^۲، لیدا بلیلان اصل^۳

چکیده

محققان، مسکن را چیزی بیش از نیاز انسان به سرپناه می‌دانند و معتقدند که از جمله مولفه‌های اصلی تاثیرگذار بر شکل و فرم آن فرهنگ است. اما از آنجایی که فرهنگ مفهومی پیچیده و بسیار عام می‌باشد، نیاز است که به مولفه‌هایی قابل سنجش و اندازه‌گیری مانند شیوه زندگی بسط پیدا کند. نادیده انگاشتن مطالعات فرهنگی و مردم‌شناسانه در سال‌های اخیر باعث کاهش رضایتمندی و از بین رفتن هویت فرهنگی مسکن شده است. دگرگونی سبک زندگی در طول دوره‌های تاریخی مختلف و ارتباط مستقیمی که میان آن با شکل و فرم مسکن وجود دارد، امکان مطالعه و بررسی سیر تاثیر آن بر خانه را در دوره‌های مختلف تاریخی فراهم می‌کند. این پژوهش به دنبال یافتن نقش سبک زندگی در کیفیت معماری مسکن از بُعد اجتماعی و فرهنگی در دوران معاصر می‌باشد. روش کار این پژوهش شیوه توصیفی-تحلیلی است که در مرحله اول با مطالعات کتابخانه‌ای، ادبیات موضوع و در مرحله دوم با مطالعات میدانی و برداشت نمونه‌های موجود در شهر تبریز که شامل خانه‌هایی در دوره بعد از انقلاب اسلامی می‌باشد بدست آمده است. سپس خانه‌های دوره بعد از انقلاب که به ۴ دوره تقسیم شده‌اند بر اساس مصاحبه و پرسشنامه‌هایی که از طریق ساکنین آنها جمع‌آوری شده است، انطباق کالبدی پیدا کرده‌اند، تا تاثیر سبک زندگی بر ساختار کالبدی مشخص شود نتایج حاصله نشانگر این هستند که دگرگونی سبک زندگی ارتباط مستقیمی بر کالبد خانه دارد و عوامل مختلف اجتماعی و فرهنگی هم باعث تنوع سبک زندگی و به تبع آن گوناگونی شکل معماری و کیفیات آن می‌باشند. عدم شناخت و مطالعات کافی در این زمینه باعث شده است که در دوره‌های اخیر خانه‌ها متناسب با زندگی کاربران نباشد.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، مسکن، عوامل اجتماعی-فرهنگی، خانه‌های معاصر تبریز.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری فرناز عسگری، به راهنمایی «دکتر سحر طوفان»، و مشاوره «دکتر لیدا بلیلان اصل»، استخراج شده است.

۱ دانشجوی دکتری تخصصی معماری، گروه معماری و شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. Asgari.farnaz.archi@gmail.com

۲ دانشجوی گروه معماری و شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول) sahar.toofan@iaut.ac.ir

۳ دانشیار گروه معماری و شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. Lida_balilan@iaut.ac.ir

۱- مقدمه

به طور کلی شیوه زندگی مجموعه ای کم و بیش جامع و منسجم از عملکردهای روزمره است که فرد آنها را به کار می گیرد تا نیازهای جاری او را برآورده سازد (روحانی و دیگران، ۱۳۸۹). پژوهش در سبک زندگی از آنجا که درباره رفتارها و فعالیت های واقعی است این امکان را فراهم می کند تا تغییراتی را که در طول زمان تحقق یافته اند، مطالعه کرده و به این نکته پی ببریم که میان آنچه نظام ارزشی در گذشته یاد می شد با آنچه امروزه تحقق می یابد چقدر فاصله وجود دارد (زارع و فلاح، ۱۳۹۱، ص ۱۸). شیوه زندگی اغلب بیان روش زندگی مردم توأم با طیف کاملی از ارزش ها، عقاید و فعالیت های اجتماعی است که می توان گفت از الگوهای فرهنگی، رفتاری و عاداتی شکل می گیرد و افراد به طور روزمره آنها را در زندگی خود به کار می برند (یزدان فر و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۲۲).

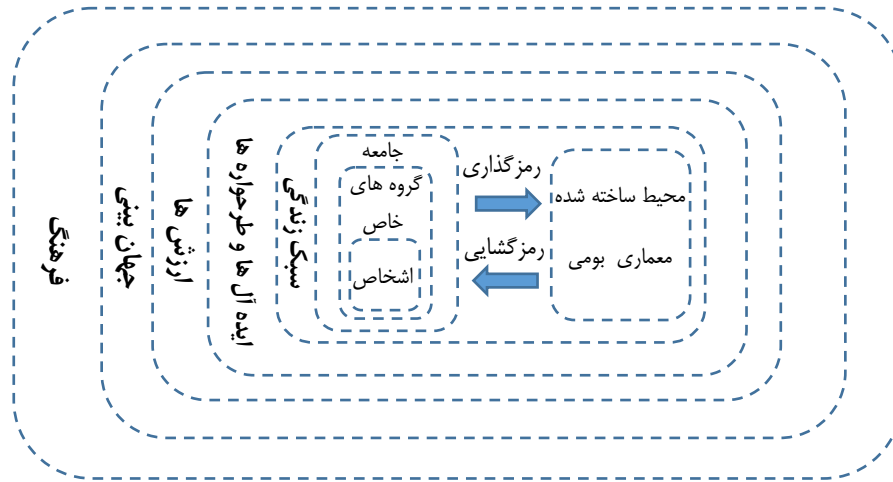
تاریخ، فرهنگ و زندگی روزمره ما همزمان در خانه و مسکن به هم گره خورده اند، چنانکه مسکن تنها برای بقا و زنده ماندن نیست، بلکه الزامات و اقتضائات خود را به تمامیت هستی و شیوه زندگی انسان تحمیل نموده است (فاضلی، ۱۳۸۶، ۱۲). خانه برای اکثر افراد بزرگترین و با ارزش ترین شی شخصی است که به وسیله آن اشخاص میتوانند هویت خود را نشان دهند. این مورد برای آن استفاده می شود که به دیگران نشان داده شود که طبقه اجتماعی، سبک زندگی و سلیقه او چگونه است (دانکن، ۱۹۸۵). جنبه های دیگر فرهنگ که به طور مشخص درباره آنها بحث نکردیم (مانند: تحصیلات، نژاد، قومیت، مذهب و...) تنها زمانی به مسکن مرتبط می شوند که بر سبک زندگی اثر بگذارند، در غیر این صورت تقریباً بی ارتباط با هدف ما می شوند. مهمترین نکته برای توجه در حال حاضر، زمینه مشترک از انتخاب ها در سبک زندگی و طراحی است. به عنوان مثال، محیط ها را به گونه ای به وجود بیاوریم که با انتخاب ها مقابله یا اینکه به آنها جهت دهند.

آسایش تامین کننده نیازهای جسم ماست. آرامش تامین کننده نیازهای روح ماست. عملاً می بینیم که بشر همیشه به دنبال جایی برای سکونت بوده است که فراتر از تامین نیازهای جسمانی او، آرامش اش را هم تامین بکند. اما آرامش چیست؟ یعنی چه چیز محل آرامش است و چه چیز تامین کننده آن؟ انسان اگر در محیطی قرار بگیرد که آن را به جا نیاورد، برایش نا آشنا باشد و به عبارت بهتر تاریک باشد، نمی تواند هیچ چیزی را تشخیص بدهد، به طور کلی باید گفت نمی تواند موقعیت خود را به جا بیاورد. به جا نیاوردن موقعیت، احساس گمگشتگی در انسان ایجاد می کند.

این گمگشتگی بنا بر اینکه تا چه حد شدت دارد، موجب می شود همه آنچه در محیط است به مثابه تهدید تلقی شود. در نتیجه انسان دچار ترس و اضطراب خواهد شد. در فرهنگ های مختلف برای پدید آوردن آرامش، بنا به تمنایی که دارند، کارهای مختلفی انجام می دهند. این است که باعث می شود آداب زیستشان و سبک زندگیشان و در نتیجه معماری آنها با یکدیگر متفاوت باشد. اما نکته اصلی آن است که همه آنها در تمنای آرامش مشترکند. حال این آرامش در معماری سنتی به شیوه ای خاص دیده می شود

که همانا برآمده از فرهنگ است، فرهنگی که تحت تاثیر عوامل مختلفی از جمله اقلیم، وضعیت اقتصادی، الگوهای رفتاری و گرایشهای ذهنی افراد جامعه است.

شکل ۱. ارتباط چند لایه میان فرهنگ و محیط ساخته شده (مأخذ: یافته‌های پژوهشی)



در خانه ایرانی تا اواسط قاجار ایده معماری مبتنی بود بر راه حل‌های متنوع و مختلفی که تا آن زمان برای تامین آسایش و آرامش پیدا کرده بودیم. اما از زمانی فکر غربی وارد حوزه فرهنگی ما می‌شود. ابتدا از طریق کارت پستال‌ها، سفرهای محدود اشراف به اروپا و وارد کردن دستاوردهای آن‌ها. تمام این عوامل به شکل نامحسوسی معماری خانه را دچار تغییرات عمده کرد (مهری و سهیلی، ۱۳۹۹، ص ۱۴).

تا اواخر دوره قاجار همچنان تلاش می‌شد تا سبک زندگی غربی از هاضمه فرهنگی ما عبور کند و این لباس به قد و قواره ما درآید. اما به تدریج، تغییر سبک بدون تلاش برای هضم محصولات وارداتی در حال انجام است. ابتدا طبعا خانه اشراف و متمولین و کسانی که ارتباط بیشتری با دنیای غرب دارند را تحت تاثیر قرار می‌دهد. از آغاز قرن اخیر و مخصوصا در دوره پهلوی دوم این تغییر در سبک زندگی عمومیت پیدا می‌کند و در خانواده‌های متوسط و زیر متوسط هم شاهد حضور عناصر سبک غربی زندگی به مثابه الگوی آسایش در خانه هستیم. تا می‌رسیم به دهه چهل و پس از آن. طی این سیر، آرامش رفته رفته از خانه‌های ما رخت برمی‌بندد.

تا انقلاب مشروطه هنوز آرامش بر آسایش تفوق داشت. اما طی تحولات پس از آن اهمیت آسایش به تدریج شدت می‌یابد، تا جایی که با مفهوم آرامش برابری می‌کند. سپس رفته رفته آسایش اولویت پیدا می‌کند تا آنجا که این مهم‌ترین اصل معماری ایرانی - اسلامی به دست فراموشی سپرده می‌شود. آرامش را کاملا از صحنه خارج می‌کنیم. تسلیم سطره آسایش می‌شویم و اصلا می‌خواهیم به‌وسیله آسایش،

آرامش را به دست آوریم. اما از نیمه قرن اخیر به دلیل تحولات اجتماعی حتی مفهوم آسایش هم در زندگی ما دچار اختلال می‌شود. طوری که امروزه آسایش به امری انضمامی در خانه بدل شده است. یعنی در تعریف از یک خانه می‌گوییم این خانه آسانسور و کف سرامیک و سونا و... دارد. یعنی چیزهایی را برمی‌شمریم که به خانه اضافه می‌شوند تا آسایش را تامین کنند. این‌ها معیارهایی است که بنگاه‌های مشاور املاک آن‌ها را خیلی خوب برای شما برمی‌شمرند.

هدف پژوهش مورد نظر بازگشت به گذشته و یا تکرار آن نیست، سوابق تحقیق در زمینه‌ی موضوع مورد نظر، نشان دهنده‌ی اهمیت موضوع و گستردگی مطالعات انجام شده در این حوزه می‌باشد، اما بیشتر دغدغه‌ی پژوهش‌های مذکور، خوانش و بازخوانی مؤلفه‌ها و شاخص‌های معماری خانه‌های تاریخی ایرانی به خصوص تبریز می‌باشد که عمدتاً در سطح بازخوانی محدود شده‌اند. دگرگونی سبک زندگی در طول دوره‌های تاریخی مختلف و ارتباط مستقیمی که میان آن با شکل و فرم مسکن وجود دارد، امکان مطالعه و بررسی سیر تاثیر آن بر خانه را در دوره‌های مختلف تاریخی را فراهم می‌کند. این پژوهش به دنبال یافتن سیر تغییر سازمان فضایی خانه‌های تبریز از طریق مطالعه سیر تغییر تحول سبک زندگی در دوران بعد از انقلاب اسلامی یعنی از سال ۵۸ به این طرف می‌باشد.

شکل ۲. خانه‌های تبریز، در دوره‌های تاریخی (مأخذ: نگارنده)

خانه‌های تبریز	
دوران جنگ	بعد از انقلاب ۵۸-۶۸
دوران سازندگی	بعد از انقلاب ۶۸-۷۶
دوران اصلاحات	بعد از انقلاب ۷۶-۸۴
دوران معاصر	بعد از انقلاب ۸۴-۱۴۰۰

-سوال پژوهش

تحولات سبک زندگی در طول دوره‌های تاریخی، چه اثری بر تغییر سازمان فضایی خانه‌های تبریز از بعد اجتماعی و فرهنگی در دوران معاصر داشته است؟



۲- چارچوب پژوهش - (مبانی نظری / پیشینه پژوهش)

۱-۲- مبانی نظری

- مسکن و جایگاه آن:

مقوله مسکن، گسترده و پیچیده است و ابعاد متنوعی دارد. از این رو نمی توان تعریف جامع و واحدی از آن ارائه نمود. مسکن به عنوان یک مکان فیزیکی و به عنوان سرپناه نیاز اولیه و اساسی خانوار به حساب می آید. در این سرپناه برخی از نیازهای اولیه خانوار یا فرد تأمین می شود، مانند: خواب، خوراک، استراحت، حفاظت در برابر شرایط جوی و خلاصه شرایط زیست در مقابل طبیعت. البته این مقوله را در همین فصل بیشتر توضیح خواهیم داد.

واژه سکونت مفهوم گسترده تری از مسکن دارد. و منظور از آن مجموعه ای از فعالیت های زیستی خانوار است. فعالیت های زیستی خانوار، در این جا، فعالیت های فردی و جمعی از یک سو و فعالیت های اجتماعی، فرهنگی را از سوی دیگر، دربر می گیرد. مفهوم سکونت گاه، در برابر مسکن محلی است که تمامی خدمات و تسهیلات ضروری برای بهزیستی خانواده را فراهم می سازد. مانند: بهداشت، آموزش، فرهنگ، روابط اجتماعی، بدون توجه به اهمیت و میزان انجام این خدمات.

حال با تأکید بر این که به هر حال مسکن به عنوان یک مقوله اساسی و یک بخش مهم فعالیت باید در قالب هدف ها، برنامه ها و راهبردهای توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور مورد مطالعه قرارگیرد، برداشت ها و برخوردهایی که در این زمینه از مسکن می شود، ارائه می گردد. هدف های کلی اجتماعی که در برنامه ریزی توسعه ملی مطرح می شود، بطور عمده بر منابع و ارزش های هر جامعه مبتنی بوده و در واقع بازتابی از آرمان های اجتماعی به شمار می روند. به عنوان مثال، بالابردن استانداردهای زندگی یکی از عمده ترین هدف ها در هر جامعه بوده و منبعث از آرمان های رشد اجتماعی است.

- سبک زندگی:

در مورد سبک زندگی تعابیر متعددی ارائه شده، به عنوان مثال در یک تعریف «سبک زندگی» راه و روش زندگی است که بیان کننده ی آرمان ها و ارزش های یک فرد یا یک گروه است.

برخی نیز می گویند که سبک های زندگی رفتارهای عادی روزمره اند که در قالب عادت لباس پوشیدن، خوردن، محیط های موردپسند برای تعامل با دیگران خود را نشان می دهند؛ اما این رفتارهای عادی روزمره در پرتو ماهیت متغیر شخص در معرض تغییرند. هر یک از تصمیم های ریز و درشتی که یک فرد روزانه اتخاذ می کند (اینکه چه بپوشد، چه بخورد، در محل کار چگونه رفتار کند، با چه کسی ملاقات کند) به چنین امور عادی کمک می کند. (ایازی، ۱۳۹۹)

همه‌ی گزینه‌های اجتماعی عبارت‌اند از تصمیماتی که نه تنها در مورد نحوه‌ی رفتار، بلکه در هویت هم دخیل‌اند. هر چه محیطی که فرد در آن زندگی می‌کند پسانستی‌تر باشد، به همان میزان دغدغه‌های سبک زندگی در مرکز تشخیص فرد قرار می‌گیرند.

فهم سبک زندگی ابتدا به عنوان شاخصی برای سنجش طبقه‌ی اجتماعی وارد جامعه‌شناسی شد، اما در تحقیقات بعدی امکان ساختن سبک زندگی برای شناخت طبقات مختلف مورد شک و تردید قرار گرفت.

یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در سبک زندگی، نوع معماری و مهندسی منزل و محل سکونت است. امروزه اکثر روان‌شناسان تأکید دارند که نوع معماری منازل تأثیر بسزایی بر روحیات و رفتار انسان‌ها دارد. زیرا بخش عمده‌ای از عمر انسان در منزل سپری می‌شود، به‌خصوص دوران کودکی که هر نقش و نگاری در اطراف و محیط زندگی بر صفحه‌ی ذهن و روح انسان حکاکی می‌شود یا در بزرگسالی، که ساعات و لحظات حساس زندگی — مثل ساعات خلوت و تنهایی، یا شادمانی و ناراحتی معمولاً در خانه و منزل می‌گذرد. بنابراین، معماری و مبلمان خانه در نوع نگاه انسان به هستی و زندگی و نوع رفتار مثبت یا منفی او اثر بسزایی خواهد داشت. اولین بار آلفرد آدلر اتریشی، از روانشناسان بنام قرن گذشته، اصطلاح سبک زندگی را به کار برد و پس از او جامعه‌شناسان بسیاری، به این موضوع که سبک زندگی چیست، علاقه مند شده و بر روی آن تحقیقات گسترده‌ای انجام دادند. به مرور، پژوهشگران پی بردند که چرا هر فرد عادات غذایی، رفتاری و افکار خاص خود را دارد. (بازایی، ۱۴۰۰)

-فرهنگ و مسکن:

محققان مسکن را چیزی بیش از نیاز انسان به سرپناه می‌دانند و معتقدند که از جمله مولفه‌های اصلی تأثیرگذار بر شکل و فرم آن فرهنگ است. اما از آنجایی که فرهنگ مفهومی پیچیده و بسیار عام می‌باشد، نیاز است که به مولفه‌هایی قابل سنجش و اندازه‌گیری مانند شیوه زندگی بسط پیدا کند. نادیده‌انگاشتن مطالعات فرهنگی و مردم‌شناسانه در سالهای اخیر باعث کاهش رضایتمندی و از بین رفتن هویت فرهنگی مسکن شده است. و دگرگونی سبک زندگی در طول دوره‌های تاریخی مختلف و ارتباط مستقیمی که میان آن با شکل و فرم مسکن وجود دارد، امکان مطالعه و بررسی سیر تأثیر آن بر خانه را در دوره‌های مختلف تاریخی فراهم می‌کند. (ایازی، ۱۳۹۹)

نقش خانه به عنوان مهمترین مکان زندگی بشر به منظور فراهم ساختن محیطی سازگار با روش زندگی انسان، بر کسی پوشیده نیست. با این حال در عصر جدید و شیوع سبک ساخت و ساز بی هویت فعلی، کلیه ساخت و سازها در تمامی نقاط کشور به سمت یکسان شدن پیشرفته و به علت نادیده‌انگاشتن کاربران و یا عدم شناخت کافی نسبت به نیازهای آنان، منجر به بروز مشکلاتی چون کاهش رضایتمندی، از بین رفتن هویت فرهنگی و مکانی، دگرگونی در رفتارهای اجتماعی ساکنین شده است. در حالی که



توجه به معماری برخاسته از شیوه زندگی، باورهای جامعه بومی و بستر شهر که طی زمان تحت تاثیر عوامل مکانی و فرهنگی، شکل و محتوای خاصی یافته است، میتواند سبب افزایش رضایتمندی، تعلق به فضا و به طور کلی برآوردن نیازهای واقعی ساکنین شود. (فردانش و دیگران، ۱۳۹۳)

میزان تاثیر سبک زندگی بر طراحی مسکن موضوعی است که از دید پژوهشگران حوزه علوم اجتماعی و طراحان کمتر مورد توجه قرار گرفته است. یافتن تاثیرات تغییرات سبک زندگی بر طراحی میتواند گامی مثبت در ارائه الگویی مناسب برای مسکن معاصر باشد.

آنچه درباره سکونت انسان اهمیت دارد، این است که سکونت انسان در مراتب و یا مقیاس های مختلفی روی می دهد. محیط کالبدی و اجتماعی مسکن که زندگی انسان را در بر میگیرد، از نظر کالبدی و اجتماعی در ترکیب با محیطی کلانتر قرار دارد، که بر محیط کالبدی و اجتماعی مسکن تاثیر میگذارد. این تاثیرات حاصل فرایند ادراکی انسان از محیط خارجی پیرامون [متشکل از محیط اجتماعی و فیزیکی] است. ادراک انسان از پیام ها و معانی محیط کالبدی و اجتماعی کلان و خرد یا به تعبیری، محیط ادراک شده در ذهن انسان تحت فرایندهای شناختی به بروز واکنش ها و رفتارهای مشخص می انجامد (افشاری، ۱۳۹۹)

به عنوان نتیجه گیری کسی نمی تواند فرهنگ را مورد آزمایش قرار دهد، مگر خروجی های آن یا احتمالا اجزا تشکیل دهنده آن را مطالعه کند.

۲-۲- پیشینه پژوهش

جدول ۱. پیشینه پژوهش (مأخذ: نگارنده)

عنوان	سال و محل نشر	نتیجه	مؤلفه های قابل بازخوانی
بررسی تاثیر سبک زندگی در طراحی مسکن معاصر شیراز (امیان پریسا، پروا محمد، کشمیری هادی، ۱۴۰۰)	فصلنامه علمی پژوهشی سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، سال ۱۴۰۰	بین سبک زندگی مردم در دوران معاصر و طراحی معماری مسکن ارتباط وجود دارد. ضریب تعیین تاثیر نیز مشخص کرد که به ترتیب ویژگی های کالبدی، ویژگی های عملکردی، و ویژگی های مفهومی در طراحی مسکن توسط مؤلفه های سبک زندگی تعیین میشوند.	ویژگی های عملکردی، کالبدی و مفهومی در طراحی مسکن
بررسی عوامل مؤثر بر تحول کالبدی خانه و فرهنگ زندگی در یک قرن اخیر ایران، مورد پژوهی: تحولات الگوی خانه در شهر تاریخی لار (محیا حق شناس، پیروز حناچی ۱۳۹۹)	دو فصلنامه معماری ایرانی، ۱۳۹۹	مجموع های از تحولات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی از ابتدای قرن سیزدهم در ایران آغاز شد و اگرچه اغلب سرمشانی خارج از فرهنگ داخلی داشته، پذیرش تدریجی و یا بعضا تحمیل آنها در سبک زندگی مردم، زمینه بروز و ظهور تغییرات کالبدی مسکن در یکصد سال اخیر را به وجود آورد.	مداخلات دولت در نوسازی شهری و ساخت مسکن انبوه، به پشتوانه درآمد نفتی
الزامات کارکردی طراحی مسکن متناسب با تغییر سبک زندگی در دوران بیماری های دنیاگیر (مورد پژوهی: دوران همه گیری کوید)	معماری و شهرسازی پایدار، ۱۴۰۰	تغییرات مبتنی بر نیازها و سبک زندگی، معمولاً در تغییر کاربری و جا به جایی فضاها و بیشتر در فضای اصلی زندگی رخ میدهد. این نیازهای جدید و تغییر سبک زندگی به دلیل تغییر مکان رفتارهای پیشین شامل تفریح، ورزش، کار، خرید و ... به داخل خانه است.	تدوین الزامات کارکردی طراحی مسکن متناسب با تغییر سبک زندگی در دوران بیماری های

دنیایگیر	همچنین عمده خواسته مردم افزایش انعطاف پذیری فضاها به جای افزایش تعداد فضاهاست		۱۹ در تهران)- (احمدرضا کشتکار قلاتی، زهرا السادات اردستانی و الهام پرویزی)
بررسی خانه های دوره های مختلف و انطباق کالبدی	نتایج نشان میدهد که دگرگونی سبک زندگی ارتباط مستقیم و قابل مشاهده ای بر کالبد خانه دارد و عدم شناخت و مطالعات کافی در این زمینه باعث شده است که در دوره های متاخر خانه ها متناسب با زندگی کاربران نباشد.	نشریه علمی معماری اقلیم گرم و خشک. ۱۳۹۹	تأثیر شیوه زندگی بر سازمان فضایی خانه (مطالعه موردی: شهرستان کرمان)- (فهمیم فاریابی، سیدعباس یزدانفر ۱۳۹۹)
تزئینات ورودی از قبیل ستون، نیم ستون، طاقما، حجم، ستوری، روزن و پنجره- سلسله مراتب ورودی	تحولات رخ داده در دوره ی قاجار، در فضاهای ورودی نمود بیشتری پیدا کرده و می توان گفت خانه های تهران دوره قاجار، سبک های گوناگونی در فضا سازی ورودی داشته که هر یک، جلوه هایی از سنت، تجدد یا تلفیقی از آنها را به نمایش گذاشته است.	۱۳۸۹ هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی	جلوه های سنت و تجدد در فضاهای ورودی خانه های تهران دوره قاجار (جماعت و نیستانی ۱۳۸۹)
حیاط- طبیعت	حیاط و به تعبیری طبیعت همواره جایگاه مهمی در طراحی ها داشته، طوری که انتظام سازمان فضایی خانه های تاریخی از فضای باز و حیاط با مرکزیت عناصر طبیعت آغاز گردیده است.	۱۳۸۹ کتاب ماه هنر	بررسی نقش حیاط در سازماندهی خانه های تاریخی: مطالعه موردی خانه های دوره ی قاجار تبریز (بیتی ۱۳۸۹)
استفاده از زیرزمین به طور محدود (غالباً در زیر جبهه ی شمالی)- ترکیب فضای باز، نیمه باز و بسته- ایوان	نقطه ی اوج معماری قاجاریه که انعکاس دهنده ی ویژگی های آن است در معماری خانه ها تجلی می یابد که بسیاری از محققین آن را نقطه اوج معماری خانه های ایرانی در پرداختن به فضا می دانند.	۱۳۸۹ هویت شهر	گونه شناسی خانه دوره قاجار در اصفهان (قاسمی سیجانی و معماریان ۱۳۸۹)
بازخوانی هویت	عناصر هویت ساز در معماری: تکرار الگوهای گذشته، استفاده از نمادها، معماری بومی، تزئینات و پنج اصل معماری ایرانی (مردم واری، پرهیز از بیهودگی، نیارش، درونگرایی و خودبسندگی)	۱۳۸۹ مطالعات هنر اسلامی	عناصر هویت ساز در معماری سنتی خانه های ایرانی (بمانیان، غلامی رستم و رحمت پناه ۱۳۸۹)
تأثیر فرهنگ، سبک و ساختار زندگی در معماری خانه	معماری خانه های دوره ی قاجار در یک انطباق و هماهنگی کامل با فرهنگ و ساختار اجتماعی خانواده بودند	۱۳۹۲ پژوهش های انسان شناسی ایران	معماری و فرهنگ در خانه های اعیانی تهران در دوره قاجار (ارمغان، سلطان زاده و ایرانی بهیمانی ۱۳۹۲)
شفافیت و کاستن از توده حجم و افزودن به فضا	کاستن از توده حجم و افزودن به فضا، افزایش و وسعت زاویه دید در بعد افق، افزایش ارتباط فضایی از نوع بصری در بعد عمود، ارتباط بصری بین محیط و درون، حضور طبیعت در داخل بنا، حضور و عملکرد عناصری چون حیاط و حوض و ارس و ایوان و پله، دعوت کنندگی و شفافیت پلان و شفافیت بصری	۱۳۹۳ پژوهش هنر	شفافیت در معماری خانه های قاجاری تبریز (حیدریان، و غیره ۱۳۹۳)
تناسب و اندازه	با نگاه به شرایط واقعی و الگوی پلان خانه های شیراز، مشخص گردید که طراحان و سازندگان این بناها سعی نموده اند فضاهای مهم خانه را به مقدار حسابی ((گر)) و ((پیمون)) نزدیک کنند.	۱۳۹۵ پژوهش های معماری اسلامی	آزمون دو نظریه پیمون و مستطیل طلایی ایرانی در خانه های دوره قاجار شیراز (ذاکری، و غیره ۱۳۹۵)

Life style, construction, modern constructions	This paper offers a brief enumeration and discussion of the strikingly different environments that are generated as consequences of the diverse architectural practices, techniques and methods carried out by Established (or Cement or Modern) Construction and Earthen Construction	Journal of the HEIA (Home Economics Institute of Australia), 2021	Lifestyle in Modern Construction & Earthen Construction environments (Mark Anthony, Emiliano Martinez)
Living environment, human being, humanizing	offer evidence that some activists have moved to a new, more inclusive method that is considered a starting point for challenging the orientation and purpose of architecture towards an end goal of 'humanizing humans'.	2021, The 8th Biannual International Conference At: bandung	Architecture for Living: Do We Design Architecture for Humans? (Rr. Diah Asih Purwaningrum)
Life, architecture, nature, living systems	The investigation is focused on the analogies between nature and architecture. Apart from other principles that are found in living nature, an interpretation of the so-called 'signs of life', which characterize living systems, in architecture is presented	Bio inspiration & Bio mimetics, 2018	The signs of life in architecture, Petra Gruber, 2018
Life style, marketing, architecture	This study also unveil evidence that by adding more facilities in the marketplace, consumers will become more attracted to visit marketplace. A proposed research framework is configured for future research.	seminar national life style and architecture, 2017	Lifestyle and Architecture: A Consumer Perception Study on Well Designed Marketplace in Indonesia, R. Aswin Rahadi1, Alia Widyarini Hapsariniaty, 2017
Housing, culture, environment	The article presents a framework for examining culture in housing environments. Various relationships are examined and discussed.	Housing and Society, 1998	Using 'culture' in housing design, Rapaport, A. 1998.(
Older people, residential design, freedom	<ul style="list-style-type: none"> • Architecture can contribute to the emancipation process in care for older people. • Residents and caregivers balance freedom with support and safety. • Freedom is enhanced spatially by small-scaleness, generosity and accessibility. • Matching care vision with architecture helps realizing them. • Design facilities as private or collective living to address social dynamics. 	Journal of Aging Studies Volume 41, April 2021, Pages 84-92	How architectural design affords experiences of freedom in residential care for older people

Postmodern life style, architecture, urban environment	The difference of the world-view, paradigm, culture and the lifestyle is one of several factors that has impact on Architecture and Urban environment	Seminar national life style and architecture, 2021 fashion and architecture	The Postmodern lifestyle and the impact to Architecture and Urban environment in Indonesia
Traditional architecture, socio cultural factors, transformation, modern houses	The domestic architecture is the prime reflector of the culture of the people of that region. Many developing countries had witnessed a drastic change in architecture towards the middle of 20th century. With the new development, the existing traditional design approaches were replaced rather than adapting.	International Journal of Research (IJR) Vol-1, Issue-5, Page 526 June 2020	The Impact of Socio-Cultural Factors on the Transformation of the Residential Architecture of Kerala

۳- روش تحقیق

روش کار این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی از نوع هم بستگی با هدف کشف روابط بین متغیرهای اجتماعی و فرهنگی، سبک زندگی با ویژگی های عملکردی، کالبدی و مفهومی در طراحی مسکن است. در مرحله اول با مطالعات کتابخانه ای، ادبیات موضوع و در مرحله دوم با مطالعات میدانی برداشت نمونه های موجود در شهر تبریز که شامل خانه هایی در دوره بعد از انقلاب و یا معاصر می باشد، بدست آمده است. سپس خانه های هر دوره بر اساس مصاحبه و پرسشنامه هایی که از طریق ساکنین آنها جمع آوری شده است، انطباق کالبدی پیدا کرده اند، تا تاثیر سبک زندگی بر ساختار کالبدی مشخص شود. در آخر و به منظور نتیجه گیری از طریق تحلیل نمونه های کالبدی مبتنی بر سبک زندگی، سیر تغییرات تاریخی آنها معلوم می شود.

و مدل کمی تحقیق، که در این راستا برای انتخاب حجم نمونه با توجه به وسعت جامعه مورد مطالعه در گام نخست برای مشخص نمودن جامعه نمونه از تحلیل عاملی استفاده شد، نتایج آزمون تحلیل عاملی مشخص نمود که انتخاب خانه های تاریخی حاصل تعامل چهار مولفه شامل فرهنگ (مذهب)، تاریخ (توسعه شهر در گذر زمان)، منطقه بندی اقتصادی و ساختار کالبدی بافت شهر می باشد. که از بین بیش از ۵۰ خانه تاریخی، ۱۰ خانه به شیوه نمونه گیری خوشه ای به عنوان خانه های نمونه دارای ۴ ویژگی فوق در هر دوره انتخاب شدند. و از بین این ۱۰ خانه، یک خانه به صورت کالبدی مورد بررسی قرار گرفت. جامعه آماری شامل تمامی افراد ساکن شهر تبریز با شناختی هر چند جزئی از معماری و تاریخ تبریز می باشد که با استفاده از فرمول کوکران (جدول مورگان) تعداد ۱۰۰ نفر انتخاب گردید و به همین تعداد ۸۰ پرسشنامه تکمیل گردید.



۴- یافته‌های پژوهش

در این بخش ابتدا به شناخت مختصری از شهر تبریز به لحاظ جغرافیایی و تاریخی پرداخته شده است. سپس دسته بندی تاریخی خانه ها و روش انجام آن مورد تدقیق واقع شده است. پس از آن پلان خانه های هر دوره در جداولی ارائه و تطبیق کارکردها به عنوان شیوه زندگی روزانه با خانه منتخب هر دوره(به عنوان گونه غالب آن دوره) صورت گرفته است.

از آنجایی که تنها منبع برای تعیین سال ساخت حدودی خانه ها در دوره های قاجار و پهلوی اول اسناد و اطلاعات سازمان میراث فرهنگی و مصاحبه با افراد ساکن در خانه ها(در صورت وجود و داشتن اطلاعات) بوده است(در دیگر دوره ها تنها منبع، اطلاعات میدانی بوده است، در ابتدا برای تدوین دوره های تاریخی به آنها استناد شده است. در مراحل بعدی از طریق بازدیدهای میدانی، شامل عکسبرداری و نقشه برداری از خانه ها و بررسی و تطابق گونه ها، عناصر فضایی، انتظام های فضایی، مصالح و سازه و تزئینات و... به دسته بندی دقیق تر تاریخی آنها و شناخت عملکرد فضاها پرداخته شده است.

۴-۱- خانه های معاصر و شیوه زندگی در آنها

خانه های این دوره به دو بخش اوایل انقلاب و دوره دوم خانه های کاملاً معاصر تقسیم بندی می شوند. خانه های دوره اول به دو دسته دوران جنگ یعنی سال های ۵۸-۶۸ و دوران سازندگی یعنی سال های ۶۸-۷۶ می باشد که با قدمتی حدود ۳۰ سال ساخت انتخاب شده اند و به دهه های ۶۰ و ۷۰ هجری شمسی برمی گردند. سازماندهی فضایی و الگوهای ساخت خانه های این دوره تا حد زیادی به دوره قبل از خود(پهلوی دوم) شباهت دارند. از فضاهای بارز خانه های این دوره می توان به هال ، گلخانه(پاسیو) و حیاط خلوت اشاره کرد. در دسته دوم از این دوره که خانه های معاصر هستند، تنوع زیادی در الگو و شیوه های ساخت آنها مشاهده می گردد. که در دو دسته بندی دوران اصلاحات یعنی سالهای ۷۶-۸۴ و دوران معاصر یعنی ۸۵-۱۴۰۰ قابل تقسیم بندی هستند.

- معرفی کلی خانه های دوره اوایل انقلاب (دوران جنگ سالهای ۵۸-۶۸)

جدول ۲. معرفی کلی خانه های دوره اوایل انقلاب (دوران جنگ ، سالهای ۵۸-۶۸) (ماخذ: نگارندگان)

نام خانه	نام محله	شکل کلی بنا	نام خانه	نام محله	شکل کلی بنا
۱	ابراهیم زاده	صدر	۶	علمداری	صدر
۲	تاریوردی	اهراب	۷	افخم	صائب
۳	گلبدایان	لاله زار	۸	سهراب نو	پاستور
۴	زارع	صدر	۹	قائم مقامی	ششگلان
۵	قهرمانی	گلزار	۱۰	لطفی وند	ششگلان

– تطبیق شیوه زندگی با پلان خانه ها (خانه علمداری)

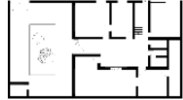
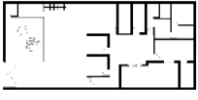
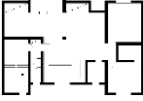
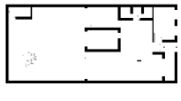


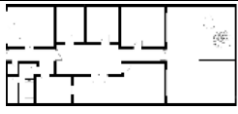
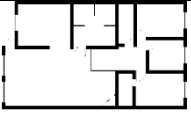

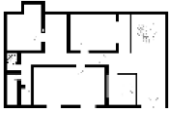
جدول ۳. تطبیق شیوه زندگی با پلان خانه ها در دوره اوایل انقلاب (دوران جنگ ، سالهای ۵۸-۶۸) (ماخذ: نگارندگان)

کاربردها	نام فضا	کاربردها	نام فضا
محل تهیه غذا و شست و شوی ظروف	آشپزخانه و انبار	خوابیدن، غذا خوردن، جمع شدن خانواده و آشنایان نزدیک	اتاق دم دستی (نشیمن)
فضاهای دسترسی	راهرو و دهلیز	خوابیدن و نماز خواندن، برگزاری مراسم	اتاق
فضای شست و شو و رفع حاجت	مستراح و حمام	پذیرایی از مهمان	هال یا پذیرایی
فضای سبز خانه، پهن کردن لباس، خشک کردن مواد خوراکی و محل استراحت در تابستان	حیاط اصلی و خلوت	محل قرار دادن وسایل اضافی	انباری

تعداد طبقات خانه های این دوره به نسبت دوره های قبل، بیشتر مصالح استفاده شده متنوع تر و سازمان فضایی غالبی بر آنها مشاهده نمی گردد.

— معرفی کلی خانه های دوره اوایل انقلاب (دوران سازندگی سالهای ۶۸-۷۶)

جدول ۴. معرفی کلی خانه های دوره اوایل انقلاب (دوران سازندگی ، سالهای ۶۸-۷۶) (ماخذ: نگارندگان)

نام خانه	نام محله	شکل کلی بنا	نام خانه	نام محله	شکل کلی بنا
۱ صابری	صدر		۶ افتخاری	صدر	
۲ روحی	اهراب		۷ نیا پاک	صائب	
۳ خاضری	لاله زار		۸ جابری	پاستور	
۴ الفت نیا	صدر		۹ هاشم زاده	ششگلان	
۵ صادق پور	گلزار		۱۰ دبیح کار	ششگلان	

– تطبیق شیوه زندگی با پلان خانه ها (خانه صابری)

جدول ۵. تطبیق شیوه زندگی با پلان خانه ها در دوره اوایل انقلاب (دوران سازندگی ، سالهای ۶۸-۷۶) (ماخذ: نگارندگان)

			
کاربردها	نام فضا	کاربردها	نام فضا
محل تهیه غذا و شست و شوی ظروف	آشپزخانه و انبار	غذاخوردن، نماز خواندن، خوابیدن	اتاق (نشیمن)
فضاهای دسترسی	راهرو	خوابیدن و نماز خواندن	اتاق
فضای شست و شو و رفع حاجت	دستشویی و حمام	دور همی خانواده، غذاخوردن، نماز خواندن، خوابیدن	هال یا پذیرایی
فضای سبز خانه ، پارک ماشین و محل استراحت در تابستان	حیاط	محل قرار دادن وسایل اضافی و پارک خودرو	انباری و گاراژ

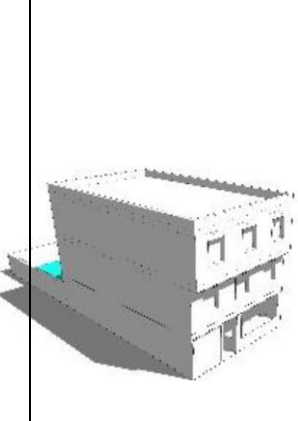


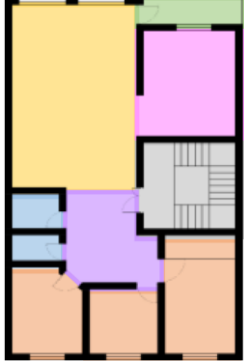
- معرفی کلی خانه های دوره اوایل انقلاب (دوران اصلاحات سال های ۷۶-۸۴)

جدول ۶. معرفی کلی خانه های دوره اوایل انقلاب (دوران اصلاحات، سالهای ۷۶-۸۴) (ماخذ: نگارندگان)

نام خانه	نام محله	شکل کلی بنا	نام خانه	نام محله	شکل کلی بنا
۱	سید عظیمی	زعفرانیه	۶	ذوالفقاری	ولیعصر
۲	قابل نژاد	گلباد	۷	ظهیری	ابوریحان
۳	صاحبی	منظریه	۸	نوتاش	قطران
۴	قانع پور	میرداماد	۹	رنجبر	صایب
۵	تاج بخش	پرواز	۱۰	قربانی	ولیعصر

– تطبیق شیوه زندگی با پلان خانه ها (خانه ظهیری)

جدول ۷. تطبیق شیوه زندگی با پلان خانه ها در دوره اوایل انقلاب (دوران اصلاحات، سالهای ۷۶-۸۴) (ماخذ: نگارندگان)

			
<p>کاربردها</p>	<p>نام فضا</p>	<p>کاربردها</p>	<p>نام فضا</p>
<p>دسترسی به طبقات بالایی</p>	<p>راه پله</p>	<p>خوابیدن، نماز خواندن، انجام فعالیت کاری و شخصی</p>	<p>اتاق</p>
<p>فضاهای دسترسی</p>	<p>راهرو و دهلیز</p>	<p>پذیرایی از مهمان، دور همی خانواده، خواب در برخی مواقع صرف غذا</p>	<p>پذیرایی</p>
<p>فضای شست و شو و رفع حاجت</p>	<p>دستشویی و حمام</p>	<p>فضای تقسیم و قراردادن مبلم مانند کمد</p>	<p>هال</p>
<p>فضای سبز خانه، پهن کردن رخت ها، قراردادن گل و گیاه</p>	<p>حیاط اصلی و تراس</p>	<p>محل تهیه غذا، صرف صبحانه دور هم جمع شدن خانم ها</p>	<p>آشپزخانه</p>

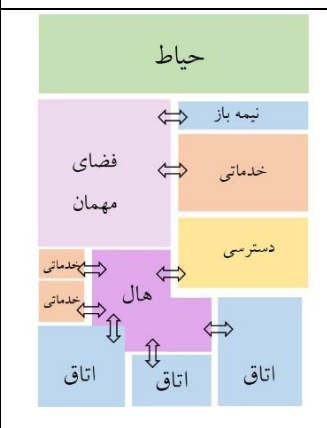
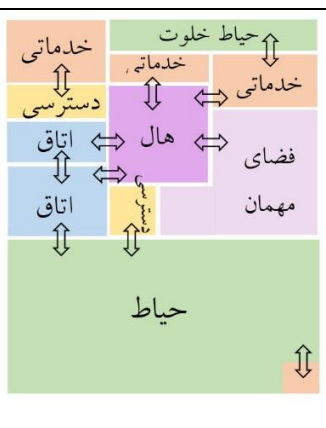
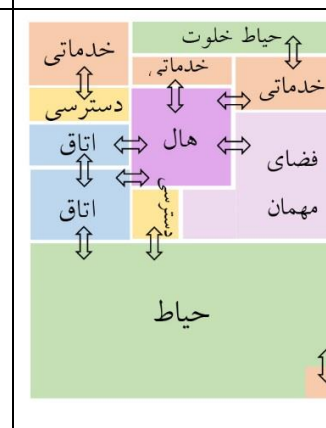
– نتیجه گیری

در این بخش تغییرات شیوه زندگی از دوره بعد از انقلاب تا معاصر که موثر بر الگوی کالبدی و به تبع عملکرد فضایی و فعالیتهای وابسته به کالبد خانه می باشند توضیح داده شده اند. نتایج بیانگر آن است که عنصر حیاط به عنوان فضایی باز که در خانه های اوایل انقلاب و حتی پیش از آن دارای نقشی کارکردی بوده است به مرور زمان در کالبد خانه ها کم رنگ تر شده است و به تدریج جای خود را با فضاهای نیمه باز (ایوان) و بسته (مانند هال) عوض کرده است. همچنین سیر سلسله مراتب فضایی خانه ها کم عمق تر و تنوع فضایی پاسخگو به نیازهای گوناگون کاربران آنچنان که در خانه های دوره های اولیه مشاهده می گردد، از بین رفته است. هرچند نقش تغییر سبک زندگی در موارد بیان شده کاملاً محسوس است اما در یک جمع بندی کلی می توان گفت خانه های متاخر مانند خانه های پیش از خود منطبق با خواست ها و نیازهای کاربران نمی باشند.

۴-۲- سیر تغییر کالبدی الگوی پلان

الگوی پلان در دوره بعد از انقلاب یعنی دوران جنگ که امتداد دوران پهلوی دوم می باشد، مبتنی بر حیاط است و جهت گیری و دسترسی سایر فضاها از این فضا است الگویی شبیه به صورت سیستم حیاط مرکزی خانه های قاجار ولی قرارگیری حیاط در بخش جنوبی یا شمالی. در دوره سازندگی اگرچه باز هم الگوی حیاط قابل مشاهده می باشد، اما الگوی غالب خانه ها مبتنی بر فضای هال است که هم وظیفه ایجاد دسترسی به سایر فضاها و هم کارکرد دیگری مانند جایی برای نشستن، استراحت کردن، غذاخوردن و مانند اینها دارد. در دوران اصلاحات و معاصر خانه ها دارای محوریت خاصی مانند دوره های ماقبل نمی باشند ولی ارتباطات عمودی مانند راه پله ها مهمترین مرکز تقسیم پلان می باشند. و در فضای داخلی خانه ها، سلسله مراتب فضای از بین رفته و ذون عمومی و خصوصی که ممکن است در ۲ اشکوب یا دو محدوده ایجاد شده باشند، ایجاد کننده این موضوع می باشند.

جدول ۸: سیر تغییر کالبدی الگو و گونه های پلان (ماخذ: نگارندگان)

دوران اصلاحات و معاصر	دوران سازندگی	دوران جنگ
		
<p>مرکزگرا با محوریت راه پله در کل ساختمان و هال در فضای داخل</p>	<p>مرکزگرا با محوریت هال</p>	<p>مرکزگرا با محوریت حیاط</p>

۳-۴-تطور سلسله مراتب فضایی خانه ها

در همه دوره ها شروع دسترسی به خانه از فضای کاملاً عمومی (کوچه/خیابان) تا فضای کاملاً خصوصی (اتاق) در نظر گرفته شده است. همانگونه که از دیاگرام های زیر معلوم است، از اواخر دوره پهلوی دوم و دوران بعد از انقلاب سیر تنوع فضایی به مرور کمتر شده و امکان دسترسی بی واسطه تر از فضای عمومی به خصوصی ایجاد گشته است. در جدول زیر ابتدا دیاگرام های این سلسله مراتب فضایی ترسیم گشته است و سپس این سیر دسترسی فضایی بر روی پلان خانه منتخب هر دوره نشان داده شده است.

جدول ۹: تطور سلسله مراتب فضایی خانه ها (ماخذ: نگارندگان)

دوران اصلاحات و معاصر	دوران سازندگی	دوران جنگ
<div style="text-align: center;"> </div>	<div style="text-align: center;"> </div>	<div style="text-align: center;"> </div>

۴-۴-۱ اهمیت فضا

در انتها به منظور جمع بندی و مقایسه اهمیت فضا از نظر شیوه زندگی و کارکرد، فضای کالبدی و ذهنیت ساکنین در دوره های مختلف ضمن جدول ذیل ارائه شده است. در یک بیان کلی می توان گفت که در دوره جنگ حیات، در دوره سازندگی ایوان و در دوره اصلاحات معاصر فضای حال با اهمیت ترین فضاهای خانه است. شاید بتوان گفت سیر تغییر اهمیت فضا از فضای باز و چند عملکردی حیات به فضای نیمه باز و چند عملکردی ایوان و در نهایت فضای بسته و چند عملکردی حال می باشد.

جدول ۹: تطور سلسله مراتب فضایی خانه ها (ماخذ: نگارندگان)

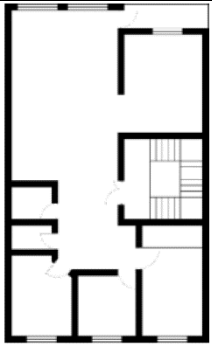


ساکنین	کالبدی	شیوه زندگی و کارکرد	اهمیت فضا
			دوره تاریخی
حیات	حیات	اتاق، حیات، آشپزخانه	دوران جنگ
ایوان	اتاق، ایوان، حیات	اتاق، حیات، آشپزخانه	دوران سازندگی
حال	حال	حال، پذیرایی، اتاق	دوران اصلاحات و معاصر

تاثیر متقابل تغییرات الگوهای کالبدی خانه و شیوه زندگی در دوره های تاریخی هدف اصلی این پژوهش است. در این راستا تغییرات صورت گرفته در کالبد و شیوه زندگی به صورت عینی در شهر تبریز بررسی و در نهایت این شیوه سکونت در ساختار کالبدی مسکن در ابعاد معیشتی، فرهنگی، اجتماعی و زیستی به شرح زیر تجلی یافته است.

۴-۵-۵ بعد فرهنگی

برگزاری مراسم مذهبی و قومی مانند مراسم عزاداری، عروسی، ختم، آئینی به دلیل ارتباطات قویتر خانوادگی و قومی دارای وجه غالبتری در خانه های دوره پیش از انقلاب و حتی خانه های دوره اوایل انقلاب بوده است. در خانه های متاخر و معاصر این بعد کم رنگ تر شده و فضاهای حیات و مهمانخانه که در دوره های پیشین عهده دار وجه کالبدی این رویدادها بودند، نقش خود را در خانه های معاصر از دست داده اند.

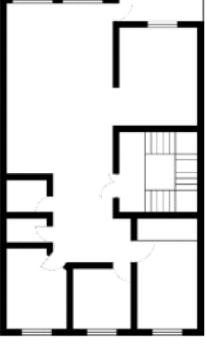
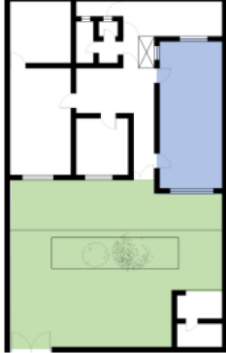
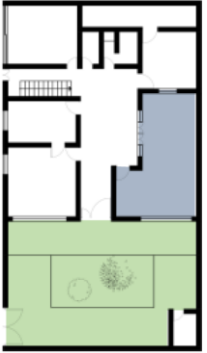
جدول ۱۰: بررسی کالبدی بعد فرهنگی در دوره های مختلف تاریخی (ماخذ: نگارندگان)

فرهنگی			بعد
برگزاری مراسم قومی و مذهبی			کارکرد
دوره اصلاحات و معاصر	دوران سازندگی	دوران جنگ	دوره
خانه ظهیری	خانه صابری	خانه علمداری	خانه
			فضا
خارج از فضای خانه در مساجد و تالارها	حیاط / فضای مهمان	حیاط / مهمانخانه	

۴-۵- بعد اجتماعی

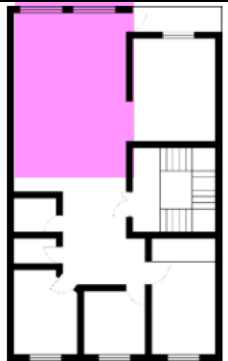
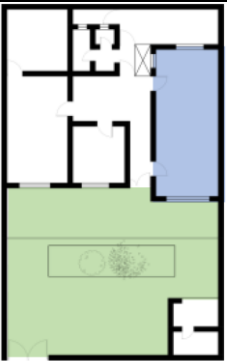

ارتباط با همسایگان به دلیل تغییر شیوه زندگی در خانه های متاخر دارای وجه کالبدی کم رنگ تری است. به طوری که در خانه های اوایل انقلاب شاهد آن هستیم که این ارتباط روی کالبد هر خانه به تنهایی و بافت همسایگی که شامل چند خانه که همسایه بوده اند و ارتباط قویتری نسبت به خانه های موجود در همان بافت داشته اند، تاثیرگذار بوده است. به طور مثال در خانه های سنتی هر چندخانه به دلیل همجواری با هم و بافت ارگانیک و در هم تنیده ای که با هم داشته اند، ارتباط با همسایگان هم در بیرون خانه و هم درون خانه و در فضای ورودی، حیاط، مهمانخانه، اتفاق می افتاده است.

جدول ۱۱: بررسی کالبدی بعد اجتماعی (ارتباط با همسایگان) در دوره های مختلف تاریخی (ماخذ: نگارندگان)

اجتماعی			بعد
ارتباط با همسایگان			کارکرد
دوره اصلاحات و معاصر	دوران سازندگی	دوران جنگ	دوره
خانه ظهیری	خانه صابری	خانه علمداری	خانه
			فضا
	حیاط / فضای مهمان	حیاط / مهمانخانه	



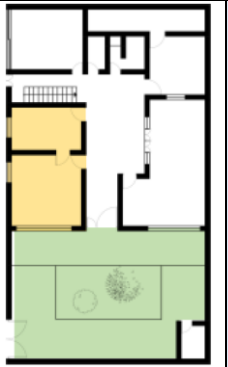
پذیرایی از مهمان به دلیل نوع ارتباطات فرهنگی مردم کشور ما در همه دوره های تاریخی وجه خود را در خانه ها حفظ کرده است، اما فضای کالبدی که در زمان گذشته مهمانخانه و در زمان حال پذیرایی نام گرفته است به لحاظ کالبدی از نظر ابعاد، تزئینات، محل قرارگیری در خانه و کارکرد دچار دگرگونی شده است. در زمان گذشته فضای مهمانخانه دارای عملکردهای متنوعی از قبیل پذیرایی از مهمان، خواب، صرف غذا، دورهمی های خانوادگی و فامیلی، برگزاری برخی از آئینها بوده است، اما در زمان حاضر این تنوع کارکرد به طور قابل ملاحظه ای کاهش یافته است.

جدول ۱۲. بررسی کالبدی بعد اجتماعی (پذیرایی از مهمان) در دوره های مختلف تاریخی (ماخذ: نگارندگان)

اجتماعی			بعد
پذیرایی از مهمان			کارکرد
دوره اصلاحات و معاصر	دوران سازندگی	دوران جنگ	دوره
خانه ظهیری	خانه صابری	خانه علمداری	خانه
			فضا
پذیرایی	حیاط / فضای مهمان	حیاط / مهمانخانه	

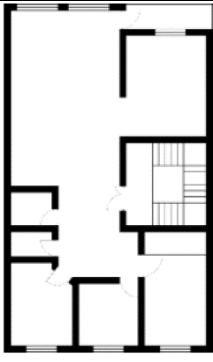

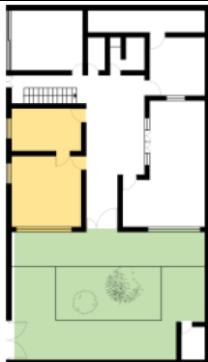
بازی کودکان در خانه های اوایل انقلاب از همان دوران بچگی با هم سن و سالان خود در محیط اطراف خانه (کوچه و معبر) و فضای داخل خانه، شامل حیاط و اتاقها شکل می‌گرفته است. اما در زمان حال این ارتباطات در صورت وجود، بیرون از فضای خانه صورت می‌پذیرد و در داخل خانه مانند دوران گذشته شاهد استفاده از فضای یادشده برای این امر مانند گذشته نیستیم.

جدول ۱۳. بررسی کالبدی بعد اجتماعی (بازی کودکان) در دوره های مختلف تاریخی (ماخذ: نگارندگان)

اجتماعی			بعد
بازی کودکان			کارکرد
دوره اصلاحات و معاصر	دوران سازندگی	دوران جنگ	دوره
خانه ظهیری	خانه صابری	خانه علمداری	خانه
			فضا
اتاق	حیاط / اتاق	حیاط / اتاق	

اوقات فراغت و بازی های دسته جمعی نیز مانند موارد پیشین آنچنان که در دوره های قبل شاهد آن بودیم، جایگاه خود را حفظ نکرده اند و از آنجا که گرایش به فردگرایی میان اعضای خانواده و به همان نسبت میان اعضای فامیل و آشنایان و دوستان زیاد شده است، قرارگاه های رفتاری که این نوع فعالیت در گذشته در آن صورت می گرفته است، دیگر تشکیل نمی شود. در خانه های دوره اوایل انقلاب به طور مثال شاهد آن هستیم که بعد از ظهرهای تابستان خانواده ها تخت هایی چوبی را در حیاط قرار می دادند و تا شب هنگام دور هم جمع می شدند و همین دور هم جمع شدن ها باعث انجام بازی و سرگرمی های گروهی می شد. هرچند که در آن دوره بعضی خانواده ها اوقاتی را بیرون از خانه برای فراغت سپری می کردند، اما به نسبت گذارندن آن زمان در خانه بسیار کم بوده است. به طوری که می توان گفت که زمان حال با دوران گذشته از نظر سپری کردن اوقات فراغت و بازی های دسته جمعی در داخل و بیرون از خانه نسبتی معکوس وجود دارد.

جدول ۱۴. بررسی کالبدی بعد اجتماعی (اوقات فراغت و بازی) در دوره های مختلف تاریخی (ماخذ: نگارندگان)

اجتماعی			بعد
بازی کودکان			کارکرد
دوره اصلاحات و معاصر	دوران سازندگی	دوران جنگ	دوره
خانه ظهیری	خانه صابری	خانه علمداری	خانه
			فضا
	حیاط / اتاق	حیاط / اتاق	

منابع

- ابراهیمی، غلامرضا. ۱۳۹۶. *بازتاب فرهنگ غرب در تحول سبک زندگی و معماری خانه های اواخر قاجار* *شهر همدان*، فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر، دوره ۱۴، شماره ۴، ۳۸-۲۹.
- ارمغان، مریم، سلطانه، حسین. ایرانی بهبهانی، هما. ۱۳۹۲. *معماری و فرهنگ در خانه های اعیانی تهران در دوره قاجار*، پژوهش های انسان شناسی ایران، دوره ۳، شماره ۱؛ (پیاپی ۵)، ۲۹-۵۰.
- اسمعیلی، حسین. عمرانی، بهروز. ۱۳۹۳. *تاریخ و معماری خانه های تبریز قدیم*، انتشارات فروزش، چاپ سوم.
- اقا لطفی، آزاده. عیسی حجت. ۱۳۹۷. *بررسی تاثیر پذیری مفهوم خانه از تحولات کالبدی آن در دوران معاصر در شهر تهران*، نشریه علمی پژوهشی هنر های زیبا، دوره ۲۳، شماره ۴، ۴۱-۵۴.
- بازایی، محمد و دیگران. ۱۳۹۹. *بررسی تغییرات سبک زندگی و تأثیرات آن بر کالبد معماری و پیکره بندی فضایی خانه های بومی (مطالعه موردی: خانه های بومی دوره قاجار و پهلوی شیراز)*، فصلنامه علمی پژوهشی - جغرافیا (برنامه نویسی منطقه ای)، سال یازدهم، شماره ۲؛ ۴۵-۵۸.
- بیته، حامد. ۱۳۸۹. *بررسی نقش حیات در سازماندهی خانه های تاریخی: مطالعه موردی خانه های دوره ی قاجار تبریز*، کتاب ماه هنر، شماره ۱۴۷: ۵۸-۶۴.
- حق جو، امیر و دیگران. ۱۳۹۸. *سیر تحول اندام های اصلی خانه های تبریز از دوره قاجار تا دوره پهلوی دوم*، فصلنامه علمی پژوهشی - معماری و شهرسازی صفا، دوره ۹، شماره ۱۷؛ (پیاپی ۲۰)، ۱۲۵-۱۴۷.
- یزدانفر، سید عباس. ضرابی الحسینی، مهسا. ۱۳۹۴. *تاثیر تسویه زندگی بر سازمان فضایی خانه در شهرستان ارومیه*. نشریه علمی پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، دوره ۳، شماره ۴، ۴۵-۶۱.
- Benedikter Roland, Juergensmeyer M, Anhe H., (2011), *Lifestyle, the Sage Encyclopedia of Global Studies*.
- Lawrence Roderic, (1987), *Housing, Dwellings and Homes*, John Wiley & Sons Inc.
- Lawrence Roderick, (1995), *Deciphering Home: An Integrative*, Benjamin and Stea.
- Lee Hyun-Jeong, (2005), *Influence of Lifestyle on Housing Preferences of Multifamily Housing Residents*, Dissertation Submitted to the Faculty of the Virginia Polytechnic Institute and State University in Partial Fulfillment of the Requirements.
- Kim, Yoonjin. 2013. "*Recovering sensory pleasure through spatial experience*." Cincinnati University.
- Pallasamaa, Juhani. 2012. "*The eyes of the skin: Architecture of the Senses*." West Sussex: John Wiley and sons.
- Pallasmaa, Juhani. 2009. "*The thinking hand: Existential and embodied wisdom in architecture*." New York: Wiley.
- Rapoport Amos, (1980), *Cross Cultural Aspect of Environmental Design*, New York.
- Sobchak, Vivian. 1992. *The Address of the Eye, A phenomenology of film experience*. New Jersey: Princeton University Press.
- Thomas Vonderbrink, David. 2007. "*Architectural phenomenology: towards a design methodology of person and place*." Miami University.
- Yorgancioglu, derya. 2004. "*Steven Holl: a translation of phenomenological philosophy into the realm of architecture*." Middle East University, September.
- Zumthor, peter. 2006. *Atmospheres*. Basel: birkhauser.



The Contributive Effect of Teacher – Student Interaction in Language Learning and Academic Achievement: Investigating Self – Regulated Learning Strategies in Social – Cultural Domain

Nafiseh Asadzadeh Maleki¹

Abstract

To investigate the contributive effect of teacher-student interaction in EFL learners' academic achievement, the researcher employed a correlational research design. The main purpose of the current study was to survey the effects of using self-regulated learning strategies in social-cultural domain. In this study the learners' interaction with their teachers were considered as the direct influential factor in their academic growth while their self-regulation played a mediated role in academic achievement. A sample of 218 EFL learners (male = 102 and female = 116), with an age range of 18 to 45, was drawn with the aid of a prior sample size calculator for the structural equation models from 645 students. They were enrolled at Islamic Azad University, Tabriz Branch. In order to obtain the required data, teacher-student interaction questionnaire, self-regulated learning questionnaire, and learners' GPA were utilized. The data were analyzed using path analysis and correlational analysis methods via utilizing Lisrel software. The structural equation model (SEM) hypothesis testing procedure exposed that the teacher-student interaction directly and significantly influenced learners' academic accomplishments ($r=.45$). Equally, the obtained results designated that the effect of the teacher-student interaction on EFL learners' academic achievement is mediated by the impacts of SRL ($r=.47$). Congruently, the obtained consequences specified that the theorized model fits the data. The causal contribution of social factors, consisting of the teacher-student interaction and SRL, to EFL learners' academic achievement was validated. The discoveries of this research have required material writers and developers, counselors, and teachers to seriously pay attention to learners' academic growth through using strategies such as increasing the amount of their interaction with the teacher and self-regulated learning.

Keywords: academic achievement, correlational research design, self-regulated learning, structural equation model, teacher-student interaction.

¹Assistant professor in TESL, English Department, Faculty of Humanities, Malekan Branch, Islamic Azad University, Malekan, Iran.

nafiseh.asadzadeh@iau.ac.ir

تأثیر تعامل معلم و زبان آموز در پیشرفت تحصیلی و یادگیری زبان: بررسی

شیوه های خودتنظیمی در بستر تغییرات اجتماعی - فرهنگی

نفیسه اسدزاده ملکی^۲

چکیده

مقاله حاضر با هدف بررسی تعامل بین معلم و زبان آموزان که نقش مهمی در یادگیری و موفقیت تحصیلی آنها در مطالعه زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجی دارد، انجام شده است. به این منظور راهکارهای یادگیری خودتنظیمی و تاثیر غیرمستقیم آن در بستر تغییرات اجتماعی - فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته است. نمونه‌ای متشکل از ۲۱۸ زبان آموز (۱۰۲ مرد و ۱۱۶ زن) از میان ۶۴۵ زبان آموز انتخاب شده‌اند. این افراد بین دامنه سنی ۱۸ الی ۴۵ و از بین دانشجویان رشته زبان انگلیسی دانشگاه آزاد تبریز انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌های یادگیری خودتنظیمی و تعامل بین معلم و دانش آموز و هم چنین از معدل آنها استفاده شد و داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از آزمون‌های همبستگی و تحلیل عاملی بررسی و تحلیل شدند. روش آزمون فرضیه مدل معادلات ساختاری نشان داد که رابطه بین معلم و زبان آموز به صورت مستقیم و چشمگیری بر روی پیشرفت تحصیلی آنها تأثیر می‌گذارد ($r=0,45$). به علاوه، نتایج به دست آمده نشانگر این بود که تأثیر رابطه بین تعامل معلم و زبان آموز در پیشرفت زبان آموزان به واسطه تأثیر یادگیری خودتنظیمی انجام شده است ($r=0,47$). مشارکت سببی عوامل اجتماعی که شامل تعامل بین معلم و زبان آموز و یادگیری خودتنظیمی است در پیشرفت تحصیلی آنها اثبات شد. این نتایج ضرورت توجه جدی برنامه‌ریزان آموزشی، مشاوران، و معلمان به موضوع پیشرفت تحصیلی فراگیران با استفاده از راهکارهایی چون افزایش میزان تعامل و یادگیری خودتنظیمی را نشان می‌دهد. **واژگان کلیدی:** پیشرفت تحصیلی، طرح پژوهشی همبستگی، یادگیری خودمحور، مدل معادلات ساختاری، تعامل معلم و زبان آموز

nafiseh.asadzadeh@iau.ac.ir^۲ استادیار گروه زبان انگلیسی، واحد ملکان، دانشگاه آزاد اسلامی، ملکان، ایران.

۱-مقدمه

مهارت یا پیشرفت دانش‌آموزان در دنیای امروزی که از لحاظ اجتماعی و فرهنگی در حال تغییر است به عنوان یک نگرانی حیاتی برای سازمان‌های آموزشی و دولت‌هایی که برای پیشرفت اقتصاد جهانی ارزش قائل هستند در نظر گرفته شده است (Ryan & Brown, 2005). اصطلاح "پیشرفت تحصیلی" به عنوان دانش قابل مشاهده فراگیران در مهارت‌های درسی مختلف با استفاده از آزمون‌ها و متغیرهای قابل اعتماد تعریف شده است (Joe, Kpolovie, & Iderima, 2014). این موضوع نشان دهنده این است که عملکرد تحصیلی با توانایی تحصیلی فراگیران متفاوت است. این امر ناشی از تغییرات مداوم در عملکرد فرد در زمینه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی و در نتیجه تجربیات وی است و نیاز به حفظ دانش و انتخاب بخش‌های ضروری آن بدون در نظر گرفتن منبع اطلاعات دارد. نتایج سایر تحقیقات بر این نکته تأکید دارد که پیشرفت تحصیلی زبان‌آموزان دارای پیچیدگی‌های خاص خود است (Abrantes, Seabra, & Lages, 2020). محققان اثبات کرده‌اند که پیشرفت تحصیلی فراگیران تحت تأثیر مهارت‌های شناختی و مهارت‌های شخصی غیرشناختی مانند انگیزه (Guay, Ratelle, Roy, & Litalien, 2015) و عوامل موقعیتی اجتماعی و فرهنگی قرار دارد (رضازاده و توکلی، ۲۰۰۹). تحقیقات مرتبط نشان می‌دهد که توجه بیش از حد به شناخت عوامل غیرشناختی -انگیزشی مانند عوامل یادگیری خودتنظیمی فراگیران و عوامل موقعیتی مانند میزان تعامل در کلاس در توانایی یادگیری فراگیران برای دستیابی به نمرات بالاتر اهمیت بسیاری دارد (Guay et al., 2015). تحقیقات بسیاری به منظور بررسی ابعاد شناختی پیشرفت تحصیلی ارائه شده است (Khalaila, 2014; Veas, Castejón, Miñano, & Gilar-Corbí, 2019; Wolf, Nagy, Helm, & Moller, 2018). اما به جرأت می‌توان گفت که هیچ نظریه جامعی تمام موارد پیچیده مرتبط با پیشرفت تحصیلی زبان‌آموزان را بررسی نکرده است.

یکی از مهمترین شاخص‌های برجسته در محیط یادگیری مفهوم رابطه بین معلم و دانش‌آموز است. این نوع رابطه که به عنوان مشارکت در مدرسه و انگیزه تحصیلی تلقی می‌شود پایه و اساس چهارچوب اجتماعی که یادگیری در آن رخ می‌دهد را تشکیل می‌دهد (Hughes & Chen, 2018; Roorda, Koomen, Spilt, & Oort, 2011). تشکیل رابطه میان معلم و دانش‌آموز نه تنها تحت تأثیر تعدادی از متغیرها مانند جنسیت، موقعیت اجتماعی فرد، و شرایط فرهنگی وی است، بلکه به نوبه خود می‌تواند بر روی نتایج تحصیلی و رفتار دانش‌آموزان نیز تأثیر بگذارد. هاگز و چن (2018: 278) معتقد هستند که رابطه دلسوزانه و تشویق‌کننده‌ای که بین معلمان و دانش‌آموزان وجود دارد در نهایت "حس تعلق به مدرسه" را ترغیب می‌کند این حس دانش‌آموزان را به "مشارکت همکارانه در فعالیت‌های کلاسی" تشویق میکند (Hughes & Chen, 2018).

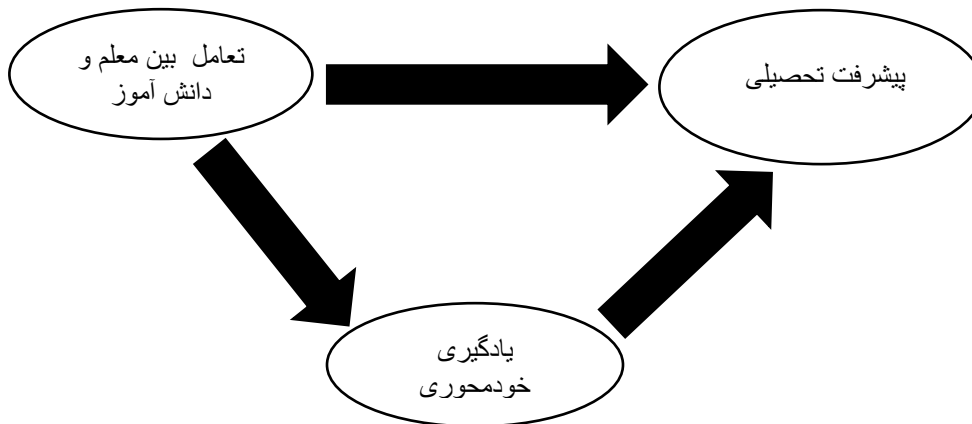
به طور کلی پیشرفت تحصیلی به عنوان دستیابی به یک نتیجه خاص در یک تکلیف یا کار، آزمون، موضوع و یا یک سطح تحصیلی تعریف می شود که به طور معمول از طریق میانگین نمرات محاسبه می شود (Richardson, Abraham, & Bond, 2019). هدف اصلی فرایند آموزشی دیگر محدود به ارائه دانش و علم به دانش آموزان نیست، بلکه هدف آن افزایش توانایی تفکر و قدرت تجزیه و تحلیل آنها و ارائه مهارت های ذهنی بالاتر به منظور افزایش کارآمدی آنها برای مقابله با اطلاعات و دانش در حال توسعه امروزی است. به همین دلیل ضروری است عمیقاً به یک سیستم آموزشی جامعی بیندیشیم که تفسیرها، کاربردها و مدل های را برای دانش آموزان فراهم می آورد تا بتوانند با چالش های اجتماعی و فرهنگی عصر حاضر روبرو شوند (Alotaibi, Tohmaz, & Jabak, 2017). از میان مدل های حیاتی و مهمی که در این زمینه توسعه یافته اند، یادگیری خودتنظیمی به دلیل اینکه عامل اصلی و تعیین کننده در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان می باشد، توجه زیادی به خود جلب کرده است (Gilliam & Shahar, 2006). به گفته پنتریچ (2016: 435)، یادگیری خودتنظیمی یعنی "یک فرایند فعال و سازنده که در آن فراگیران باید اهدافی برای یادگیری خود تعیین کنند و سپس تلاش می کنند تا شناخت و انگیزه و رفتار خود را که بر اساس اهداف و ویژگی های زمینه ای اجتماعی و فرهنگی به دست آمده کنترل و تنظیم کنند (Pintrich, 2016). زیمرن (1989) استناد کرده است که ارتباط بین پیشرفت تحصیلی و یادگیری خود تنظیمی از بعد اجتماعی - شناختی بررسی شده که به موجب آن یادگیری خودتنظیمی از طریق تعامل سه گانه بین سه ویژگی مهم یعنی مشاهده خود، قضاوت خود و دانش تعریف شده است. نکته حائز اهمیت این است که یادگیری صرفاً یک ویژگی ثابت نیست بلکه می توان آن را با هدف دستیابی به نتایج مؤثر تحصیلی بهبود و دستیابی به یک موقعیت اجتماعی و فرهنگی برتر تحت تأثیر قرار داد (Zimmerman, 1989). نتایج به دست آمده از بسیاری از تحقیقات انجام شده نشان می دهد که یادگیری خود تنظیمی ارتباط مثبتی با پیشرفت تحصیلی دارد (Richardson et al., 2019; Fadlelmula, Cakiroglu, & Sungur, 2021; Farajollahi & Moenikia, 2018).

شانک و گرین (2017) پیشنهاد کردند که علاوه بر مهارت ها و توانایی های دانش آموزان متغیرهای دیگری نیز مانند یادگیری خودتنظیمی در متفاوت بودن پیشرفت های تحصیلی آنها نقش دارد، آنها در استدلالی بیان کردند که دانش آموزانی که حقیقتاً خودمحور هستند دارای انگیزه درونی فوق العاده ای بوده به همین دلیل به طور کامل آمادگی لازم برای اعمال قدرت و توانایی های خود را در جامعه داشته و می توانند نسبت به سایر دانش آموزان استعداد و توانایی های خود را به مدت طولانی تر حفظ کنند (Schunk & Greene, 2017). همچنین، الخطیب در یک مورد مشابه (2020) نشان داد که یادگیری خودتنظیمی به عنوان یک عامل پیش بینی کننده مهم و اساسی در رشد تحصیلی دانشجویان دانشگاهی محسوب می شود (Al Khatib, 2020).

علاوه بر این دیبیتو و بمبنوتی (2019) نشان دادند که وجود یک رابطه پیش‌بینی شده بین یادگیری خودمحور و پیشرفت تحصیلی برای دانشجویان رشته علوم ضروری است (DiBenedetto & Bembenu, 2019). در این راستا، پنگ (2012) تحقیقاتی را به منظور بررسی ارتباط بین یادگیری خودتنظیمی و پیشرفت تحصیلی انجام داد. نتایج نشان داد که یادگیری خودتنظیمی، استراتژی شناختی و اضطراب پیش‌بینی کننده های مهمی در پیشرفت تحصیلی بوده و این نوع یادگیری منجر به افزایش رضایت شخصی و شوق تحصیلی شده و در نتیجه پیشرفت تحصیلی آنها را تقویت می کند (Peng, 2012). اخیراً، محمد و ابوبکر (2020) ارتباط بین پیشرفت تحصیلی و یادگیری خود تنظیمی را بین ۳۶۴ دانشجوی کارشناسی در مالزی بررسی کردند. نتایج نشان داد که ارتباط قابل توجهی بین یادگیری خود تنظیمی و پیشرفت تحصیلی وجود دارد و مفهوم یادگیری خودتنظیمی نقش مهمی در پیش‌بینی عملکرد تحصیلی در سطح‌های بالاتر ایفا می کند (Muhammad & Abu Bakar, 2020). فابریز، دیگنات و اوینک، پورچ، و باتنر (2014: 239) نشان دادند که "یادگیری خودتنظیمی یک مهارت کلیدی برای دانشجویان دانشگاهی است و آنها باید از مزایای یادگیری خودتنظیمی برای افزایش انگیزه خود آگاه شوند" (Fabriz, Dignath, Poarch, & Buttner, 2014).

علی رغم اینکه مدل مفهومی یادگیری خودتنظیمی در سال‌های اخیر به عنوان یک عامل پیش‌بینی کننده غیر مستقیم در پیشرفت تحصیلی در نظر گرفته می‌شود، ایزنبرگ، ولینت و اگوم (2017) استدلالی را بیان کردند که بر اساس آن پیشرفت تحصیلی به طور غیرمستقیم تحت تأثیر عواملی چون کنترل احساسات و میزان تلاش فرد در ایجاد ارتباط با دیگران قرار دارد به این دلیل فراگیرانی که دارای توانایی بالایی در کنترل احساسات خود هستند در روابط خود با سایرین موفق تر بوده و به راحتی می‌توانند موقعیت اجتماعی خود را در جامعه حفظ کنند (Eisenberg, Valiente, & Eggum, 2017). این فراگیران به دلیل توانایی کنترل احساسات خود رفتار بهتری در کلاس خواهند داشت و تعامل مطلوبی با معلمان و همکلاسی‌های خود نیز برقرار خواهند کرد و از بعد فرهنگی نیز در زمره افرادی با سطح فرهنگی و اجتماعی بالا قرار خواهند گرفت (Rudasill & Rimm – Kaufman, 2009). این مسئله بر مشارکت فراگیران در کلاس و میزان لذت بردن در انجام تکالیف نیز تأثیر می‌گذارد (Eisenberg et al., 2017). تعامل معلم با فراگیران و رفتار آنها در کلاس میزان انگیزه تحصیلی آنها را تعیین می‌کند (Ames, 1992). ایجاد یک محیط مثبت در مدارس بستگی به توجه معلم به نیاز فراگیران دارد و بر اساس دیدگاه روابط عینی، معلمان کارآمد به فراگیران خود اعتماد دارند و حس ارزشمند بودن را در آنها افزایش می‌دهند (Cashdan, 1988). توجه به نیازهای فراگیران این امکان را برای معلم فراهم می‌کند که یک محیط یادگیری قابل اعتماد ایجاد کند و به فراگیران کمک می‌کند تا نگرانی و نظرات خود را بیان کنند. در نتیجه، یادگیری اکتشافی فراگیران و پیشرفت تحصیلی آنها به دلیل انگیزه درونی

و یادگیری خودتنظیمی به طور قابل توجهی افزایش می‌یابد. معلمان کارآمد قادر به ایجاد پیوندهای امنی با فراگیران بوده و ارتباط آنها را بهبود می‌بخشند (Rudasill & Rimm – Kaufman, 2009). این معلمان از فضای عاطفی فراگیران محافظت کرده و آنها را تشویق می‌کنند تا مناسب بودن اطلاعات و موارد آموزشی که برای آموزش آنها به کار می‌رود را بررسی کرده و فرآیند یادگیری را برای آنها تسهیل کنند. هرچند، با وجود اثرات مثبت این متغیرها بر روی پیشرفت تحصیلی زبان‌آموزان، تحقیقات و مطالعات معدودی به بررسی نقشهای پیش‌بینی کننده این عوامل در رشد تحصیلی دانش‌آموزان پرداخته اند. بنابراین، مطالعه حاضر قصد دارد میزان تأثیرات واقعی و مؤثر این متغیرها را شناسایی کرده و نقش واسطه‌ای یادگیری خودتنظیمی را در این خصوص بررسی کند. بر این اساس اهداف اصلی مطالعه حاضر عبارت است از: الف) درک میزان تأثیر تعامل بین معلم و دانش‌آموز و یادگیری خودتنظیمی بر روی پیشرفت تحصیلی زبان‌آموزان و ب) تعیین میزان نقش واسطه‌ای یادگیری خودتنظیمی در پیشرفت تحصیلی فراگیران. به این منظور، از تکنیک مدل سازی معادلات ساختاری برای بررسی مدل فرضی استفاده شده که در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱. مدل فرضی مدل سازی معادلات ساختاری

به طور کلی، محقق در این مطالعه به بررسی میزان تأثیر مدل فرضی ارائه شده بر روی پیشرفت تحصیلی زبان‌آموزان با استفاده از مدل معادلات ساختاری (SEM) به منظور ایجاد یک مدل پیشرفته تحصیلی پرداخته است. بر این اساس، فرضیه‌های زیر مطرح شده است:

فرضیه ۱: تعامل بین معلم و زبان‌آموز تأثیر مستقیمی بر روی پیشرفت تحصیلی زبان‌آموزان دارد.
فرضیه ۲: یادگیری خودتنظیمی زبان‌آموزان تأثیر مستقیمی بر روی پیشرفت زبانی آنها دارد.
فرضیه ۳: تأثیر تعامل بین معلم و دانش‌آموز بر زبان‌آموزان به واسطه یادگیری خودتنظیمی انجام می‌شود.

۲- روش

برای مشاهده نقش مشارکتی تعامل بین معلم و زبان‌آموز و یادگیری خودتنظیمی بر روی پیشرفت تحصیلی زبان‌آموزان، از یک محاسبه گر اندازه‌گیری نمونه در مدل معادلات ساختاری (نسخه ۴،۰) استفاده شد. بر اساس نتایج به دست آمده، ۲۱۸ زبان‌آموز (۱۰۲ مرد و ۱۱۶ زن) در محدوده سنی ۱۸ الی ۴۵ به عنوان نمونه مطالعه انتخاب شدند. شرکت‌کنندگان از میان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز در رشته زبان انگلیسی انتخاب شده و زبان مادری تمام شرکت‌کنندگان ترکی آذری بود. به منظور بررسی فرضیه‌های پژوهشی پیشنهاد شده، ۵ ابزارسنجش مورد استفاده قرار گرفت:

الف) پرسشنامه یادگیری خودتنظیمی (SRQ) که توسط میلر و براون در سال ۱۹۹۱ تنظیم شده است. این پرسشنامه شامل ۶۳ سوال با ۵ گزینه در مقیاس لیکرت بوده و محدوده این گزینه‌ها شامل کاملاً موافق تا کاملاً مخالف تهیه شده است. پرسشنامه حاضر از درجه اعتبار مطلوبی برخوردار است ($r=0.85$) و هفت زیرمجموعه اصلی را بررسی می‌کند: درک، ارزیابی، تحریک، جستجو، برنامه‌ریزی، اجرا و بررسی.
ب) پرسشنامه مرتبط به تعامل معلم (QTI) (طراحی شده توسط وابلز و لوی، ۲۰۰۶): این پرسشنامه، ابزاری جهت برآورد بینش معلمان توسط فراگیران مطابق با مدل دوبعدی لری و ۸ زیرمجموعه آن است که شامل رهبری، سخت‌گیری، عدم قطعیت، مسئولیت/آزادی، کمک/دوستی درک شدن، نارضایتی و توییح شدن می‌باشد. درجه اعتبار این پرسشنامه توسط دن بروک، بروکمانز و وبلز (۲۰۰۶) بررسی شده و میزان اعتبار آن در حد مطلوب گزارش شده است ($r=0.81$).

ج) معدل نمرات دانش‌آموزان (GPA) که برای سنجش پیشرفت زبان‌آموزان استفاده می‌شود و زبان‌آموزان معدل خود را شخصاً گزارش کرده‌اند. در سیستم آموزشی ایران دامنه نمرات دانش‌آموزان از ۰ (بدترین نمره) تا ۲۰ (بهترین نمره) متغیر است.

وقتی پایه و اساس روش انجام تحقیق حاضر مشخص شد، اطلاعات مورد نیاز برای بررسی سؤالات مطرح شده در طول سال تحصیلی ۲۰۲۴ جمع‌آوری شد. در ابتدای امر، پس از طی اصول و تشریفات اداری و دانشگاهی، محققان مجوزهای لازم را برای انجام پروژه دریافت کردند. در بدو انجام آزمایش، محققان توضیح مختصری در مورد اهداف و اهمیت مطالعه به فراگیران ارائه دادند. همچنین محققان فرآیند و روش‌های تکمیل پرسشنامه نیز را برای فراگیران توضیح دادند. سپس محققان پرسشنامه‌ها را در زمان از قبل مشخص شده در

بین زبان آموزان رشته زبان انگلیسی توزیع کردند. از شرکت‌کنندگان خواسته شد هر سؤال را بر اساس دستورالعمل ارائه شده در بالای پرسشنامه پاسخ دهند. برای به دست آوردن پاسخ‌هایی با درجه اطمینان و اعتبار بالا، هر عبارت با صدای بلند و رسا برای فراگیران خواند شد و از آنها خواسته شد تا گزینه انتخابی خود را علامت بزنند. در طول فرآیند به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شده بود که نظرات آنها در دسترس عموم قرار نخواهد گرفت. شرکت‌کنندگان ملزم شدند تا اطلاعات شخصی مربوط به خود از جمله سن، جنسیت، مقطع تحصیلی و معدل را بنویسند. به دلیل اینکه معیار پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان بر اساس معدل آنها سنجیده می‌شد، محققان از فراگیران خواستند تا معدل خود را به صورت دقیق بنویسند. تمامی پرسشنامه‌های تکمیل شده به صورت کامپیوتری کدگذاری شده سپس از نرم‌افزار اسپس اس اس (SPSS 22.0) و لیزرل LISREL (8.80) برای سنجش مدل فرضی پیشنهادی استفاده شد.

۳- نتایج

به منظور بررسی قابلیت اطمینان و اعتبار متغیرهای مورد سنجش، از روش تحلیل عاملی تاییدی برای ارزیابی داده‌ها در بستر نرم افزار لیزرل استفاده شد. هم چنین مدل معادلات ساختاری متغیرهای مشاهده شده و متغیرهای پنهان مطالعه بررسی شدند. چولگی و کشیدگی متغیرها و رابطه همبستگی بین متغیرها به شرح زیر در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱. چولگی و کشیدگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
معدل	۱۷/۳۴	۱/۶۴	-۰/۵۹	-۰/۴۰
یادگیری خود-تنظیمی	۲۰۳/۴۴	۴۲/۷۶	-۰/۸۰	۰/۱۷
تعامل معلم-دانش آموز	۲۱۲,۹۷	۴۰,۰۹	-۰,۵۹	۰,۷۶

بر اساس نتایج به دست آمده در جدول ۱، توزیع پیشرفت تحصیلی، چولگی منفی (-۰/۵۹) و کشیدگی منفی (-۰/۴۰) را نشان داد. چولگی معیارهای استفاده شده برای سنجش یادگیری خود تنظیمی (-۰/۸۰) و کشیدگی این اندازه‌گیری (۰/۱۷) بود. به همین ترتیب سنجش تعامل بین معلم و دانش‌آموز چولگی منفی (-۰/۵۹) با کشیدگی مثبت (۰/۷۶) را نشان داد. با این حال، بر اساس گفته‌های فینی و دیاستفانو (2006)، به طور کلی، در بررسی متغیرهای یک تحقیق چولگی و کشیدگی مطلوب نخواهد بود مگر اینکه مقدار چولگی

بیش از ۲ و مقدار کشیدگی بیش از ۷ نباشد (Finney & DiStefano, 2006). در این مطالعه چولگی و کشیدگی توزیع تمام معیارها در محدوده قابل قبول و نرمال قرار دارد. به منظور تعیین رابطه بین متغیرهای مورد مطالعه، جدول ۲ آمار مربوط به همبستگی بین متغیرها را ارائه میدهد.

جدول ۲. آمار همبستگی بین متغیرها

شماره	متغیر	۱	۲	۳
۱	معدل	۱		
۲	یادگیری خود تنظیمی	۰,۴۷**	۱	
۳	تعامل بین معلم و دانش آموز	۰,۴۵**	۰,۴۷**	۱

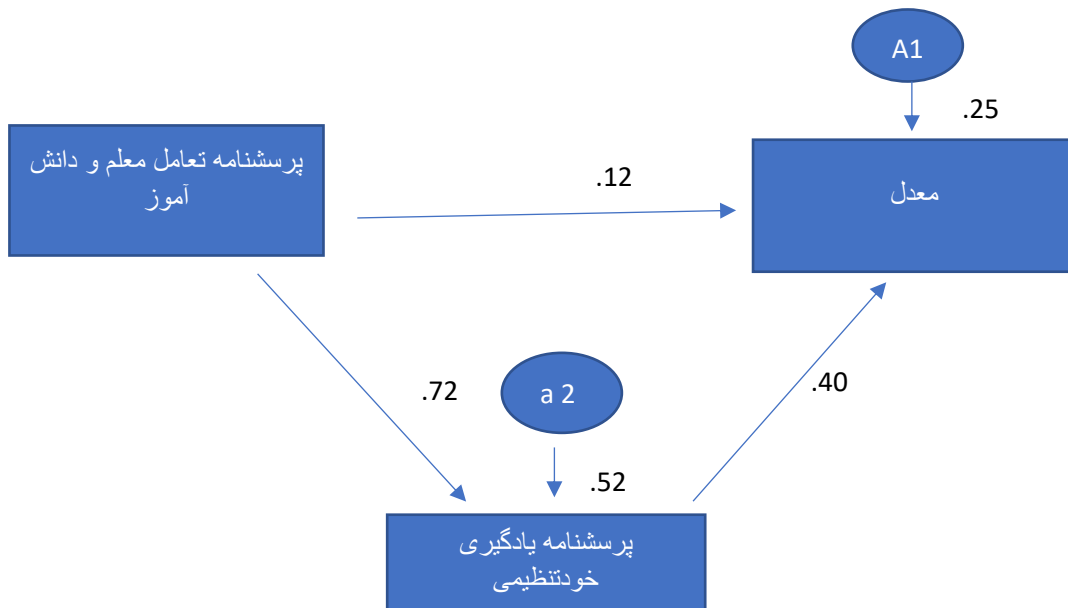
همانطور که در جدول ۲ نشان داده شده، رابطه معنادار بین پیشرفت تحصیلی زبان آموزان و یادگیری خود تنظیمی تأیید شد. در پرسشنامه یادگیری خود تنظیمی ارزش p ($p=0/47$) کمتر از مقدار قابل قبول ارزش p است. بنابراین همبستگی مثبت و معناداری بین پیشرفت تحصیلی و یادگیری خودتنظیمی وجود دارد ($p=0/45$ ، $p>0/01$). بنابراین می توان نتیجه گرفت که یادگیری خودتنظیمی زبان آموزان و رابطه بین زبان آموزان و معلم ارتباط همگامی با پیشرفت تحصیلی آنها دارد. نتایج به دست آمده در جدول ۲، ضریب همبستگی تعامل بین معلم و زبان آموز و یادگیری خودتنظیمی را نشان داده است. تعامل بین معلم و دانش آموز به طور چشمگیر و معناداری با یادگیری خودتنظیمی ارتباط دارد به عبارت دیگر با افزایش میزان تعامل بین معلم و زبان آموز، نمرات مربوط به یادگیری خودتنظیمی زبان آموزان نیز افزایش می یابد ($p>0/01$ ، $p=0/47$). به منظور ارزیابی اعتبار متغیرهای مورد سنجش و تناسب و احتمال درستی مدل پیشنهادی از تحلیل عاملی تاییدی و از تمامی شاخص های سنجش تناسب داده ها با مدل به کار گرفته شده استفاده شده است. این شاخص ها شامل شاخص تناسب مطلق (Hu & Bentler, 1999)، شاخص نیکوی برازش (GFI)، شاخص اشتیاق نیکویی برازش (AGFI)، شاخص ریشه میانگین مربعات استاندارد شده (SRMR)، شاخص تناسب مقایسه ای (CFI)، شاخص برازش هنجاردار (NFI)، شاخص برازش غیر هنجاردار (NNFI)، شاخص تناسب پارسیمانی خی مربع/درجه آزادی (X^2/df)، شاخص تناسب تعدیل شده پارسیمانی (PNFI)، و ریشه میانگین مربعات خطای تقریب یک شاخص تعدیل شده (RMSEA) است که در جدول ۳ به طور کامل نشان داده شده است.

جدول ۳. شاخص برازش مدل داده ها

شاخص برازش مطلق			
شاخص	GFI	AGFI	SRMR
ارزش	۰,۱	۰,۹۵	۰/۰۴
محدوده	>۰/۹۵	>۰/۹۵	< ۰/۰۵
قابل قبول			
شاخص برازش مقایسه ای			
شاخص	CFI	NFI	NNFI
ارزش	۰,۹۷	۰,۹۸	۰/۹۹
محدوده	>۰/۹۵	>۰/۹۵	> ۰/۹۵
قابل قبول			
شاخص تناسب پارسیمانی			
شاخص	X2/df	PNFI	RMSEA
ارزش	۱,۳۱	۰,۶۲	۰/۰۶
محدوده	۱-۳	> ۰/۰۶	< ۰/۰۹
قابل قبول			

همانطور که در جدول ۳ نشان داده شده است شاخص GFI مدل ارائه شده (۰/۱) بوده و AGFI آن برابر با (۰/۹۵) و شاخص SRMR مساوی با ۰/۰۴ می باشد. همه این معیارهای شاخص برازش مطلق در محدوده استاندارد قرار گرفته و نشان می دهند که مدل پردازش پیشنهادی مدل خوبی برای پردازش داده ها بوده است (Whittaker & Schumacker, 2010). شاخص NFI این مدل برابر با ۰/۹۸ بوده و شاخص NNFI آن ارزش ۰/۹۹ را نشان می دهد که در محدوده شاخصی قابل قبول یعنی ۰/۹۵ قرار دارد. شاخص CFI مدل

عملیاتی مساوی با $0/97$ و شاخص RMSEA آن برابر با $0/06$ است. ارزش CFI مدل ارایه شده برابر با $0/97$ بوده که در محدوده استاندارد شاخص مذکور و یا بالاتر قرار دارد و نشان می دهد که این مدل با داده‌ها مطابقت دارد (Whittaker & Schumacker 2010). همچنین، نسبت χ^2 مربع تقسیم بر درجه آزادی برابر با $(31/1)$ بود. بر طبق نظریه مک ایوار و کارمینز (1981)، نسبت χ^2 مربع تقسیم بر درجه آزادی بین ۱-۳ نشان دهنده تناسب مطلوب و سازگاری کامل مدل ارایه شده با داده‌ها است. به منظور بررسی تأثیر هر یک از متغیرهای مورد سنجش بر روی ساختار نهفته و ضریب جهت‌دار بین آنها از نرم افزار لیزرل استفاده شد که در شکل ۲ به طور کامل نشان داده شده است. علاوه بر این، در تایید نتایج نشان داده شده در شکل ۲، جدول شماره ۴ تأثیر مستقیم و غیرمستقیم هر متغیر بر روی پیشرفت تحصیلی را نشان می دهد.



شکل ۲. مدل معادلات ساختاری

جدول ۴. تاثیر مستقیم و غیر مستقیم متغیرها بر پیشرفت تحصیلی

مسیر	تاثیر مستقیم	تاثیر غیر مستقیم	تاثیر کلی	R 2
برای رسیدن به پیشرفت تحصیلی				۰/۳۲
یادگیری خودتنظیمی	۰/۴۰***	-	۰/۴۰***	
تعامل معلم و دانش آموز	۰/۱۲***	۰/۱۷**	۰/۲۹***	
به یادگیری خودتنظیمی از				۰/۳۵
تعامل معلم و دانش آموز	۰/۷۲***	-	۰/۷۲***	

همانطور که در جدول ۴ نشان داده شده، یادگیری خودتنظیمی زبان آموزان نقش پیش‌بینی کننده معناداری بر پیشرفت تحصیلی آنها دارد ($\beta=0/40$, $p=0/01$). همچنین، میزان تعامل بین معلم و زبان آموز نیز می‌تواند به عنوان یک عامل پیش‌بینی کننده مثبت و معنادار در تخمین پیشرفت تحصیلی زبان آموزان در نظر گرفته شود ($\beta=0/12$, $p=0/01$). نتایج به دست آمده، فرضیه‌های اول و دوم را تأیید کرده و ادعا می‌کند که تعامل بین معلم و زبان آموز و یادگیری خودتنظیمی بر روی پیشرفت تحصیلی زبان آموزان تأثیر مثبتی دارد. به عبارت دیگر، زبان آموزان با افزایش میزان تعامل خود با معلم به عنوان عامل مستقیم و با استفاده از مهارت یادگیری خودتنظیمی به عنوان عامل واسطه‌گر، خواهند توانست پیشرفت قابل توجهی داشته و در یادگیری خود موفق تر عمل کنند.

۴- بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی مطالعه حاضر، بررسی نقش مؤثر تعامل بین معلم و زبان آموز در ارتقاء پیشرفت تحصیلی زبان آموزان و همچنین بررسی استفاده از شیوه‌های یادگیری خودتنظیمی به عنوان یک واسطه در رابطه بین تعامل معلم و زبان آموز و پیشرفت تحصیلی در بستر تغییرات فرهنگی و اجتماعی بود. به این منظور، از تکنیک مدل سازی معادلات ساختاری استفاده شد. نتایج به دست آمده نشانگر این بود که تعامل بین معلم و زبان آموز به عنوان یک عامل اجتماعی تأثیر مستقیم و مثبتی بر پیشرفت تحصیلی فراگیران دارد. همچنین تأیید شد که یادگیری خودتنظیمی نقش پیش‌بینی کننده‌ای در بهبود پیشرفت آن‌ها ایفا می‌کند. همین‌طور، نتایج نشان داد

که یادگیری خودتنظیمی نقش واسطه در رابطه معنادار بین تعامل معلم و زبان آموز و پیشرفت تحصیلی آنها دارد. بنابراین، منطقی است ادعا کنیم که هر دو متغیر یعنی تعامل بین معلم و زبان آموز و یادگیری خودتنظیمی به طور قابل توجهی بر پیشرفت تحصیلی فراگیران تأثیر می گذارند. بر اساس فرضیه های ارائه شده، نتایج این مطالعه با نتایج مطالعه دنت و وایتهد (2019) تطابق و همخوانی دارد. این مطالعه از یک طراحی متا-تحلیلی استفاده کرد تا ارتباط بین ابعاد مختلف یادگیری خودتنظیمی و پیشرفت تحصیلی در طول دوران کودکی و نوجوانی را تعیین کند. یافته ها نشانگر این بودند که ارتباط بین یادگیری خودتنظیمی و موفقیت تحصیلی به طور قابل توجهی بالا بوده است (Dent & Whitehead, 2019)

به طور کلی، یافته های مطالعه حاضر، نظریات برادبنت و پون (2015) را تأیید می کند. محققان روش هایی که فراگیران از استراتژی های خودتنظیمی برای بهبود عملکرد تحصیلی شان در تعاملات آنلاین استفاده می کردند را مورد بررسی قرار دادند. بررسی داده های مرتبط از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴ نشانگر این بود که استفاده از استراتژی های یادگیری خودتنظیمی با پیشرفت تحصیلی در تعاملات آنلاین دانش آموزان ارتباط قابل توجهی دارد. از میان ۱۲ استراتژی شناسایی شده، استراتژی های توضیح و شفاف سازی، سازماندهی و مرور ارتباط ضعیفی با پیشرفت تحصیلی داشتند. با این حال، ارتباط مثبت و قوی تری بین فراشناخت، ثبات تلاش، مدیریت زمان، تفکر انتقادی و موفقیت تحصیلی مشاهده شد. علاوه بر این، با وجود نقش عدم اطمینان از استراتژی یادگیری با همسالان (به دلیل عبور از صفر)، این استراتژی تأثیر نسبتاً مثبتی بر پیشرفت تحصیلی داشت (Broadbent & Poon, 2015). با این حال، نتایج مطالعه حاضر با نتایج مطالعه چتین (2022) همخوانی ندارد. در بخش آموزش کودکان ابتدایی، پژوهشگر از یک طراحی پیش بینی کننده برای بررسی ارتباط بین انگیزه تحصیلی، یادگیری خودتنظیمی و میانگین نمرات دانشجویان استفاده کرد. شرکت کنندگان این مطالعه شامل ۱۶۶ دانشجو بودند که در رشته آموزش کودکان ابتدایی در دانشگاه جورجیا ساوتن، ایالات متحده آمریکا تحصیل می کردند. پژوهشگر از مقیاس انگیزه تحصیلی (Vallerand et al., 1992) و مقیاس یادگیری خودتنظیمی تحصیلی (Meidani & Sharifi, 2015) برای جمع آوری داده های مطالعه استفاده کرد. نتایج مطالعه نشان داد که هیچ همبستگی قابل توجهی بین متغیرهای مذکور وجود ندارد. به طور دقیق، انگیزه تحصیلی و یادگیری خودتنظیمی نتوانستند میانگین نمرات دانشجویان را پیش بینی کنند (Çetin, 2022). مشابه مطالعه حاضر، نوتا، سرسی و زیمرمن (2014) بر روی رابطه بین استراتژی های یادگیری خود تنظیمی دانش آموزان دبیرستان ایتالیایی و موفقیت تحصیلی آینده آنها و انتخاب آنها برای ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر تمرکز کردند. پژوهشگران از یک برنامه مصاحبه یادگیری خودتنظیمی برای جمع آوری داده ها استفاده کردند. بر اساس نتایج، استراتژی های سازمانی و تحول گرایانه از گروه استراتژی های شناختی به صورت

قابل توجهی موفقیت دانش‌آموزان را در دبیرستان و نمرات آزمون آن‌ها را در دانشگاه پیش‌بینی کرد. علاوه بر این، استراتژی پیامدهای وابسته به خود از گروه استراتژی‌های انگیزشی نیز به‌طور معناداری نمرات دیپلم دانش‌آموزان در دبیرستان و تصمیم‌گیری آن‌ها در مورد تحصیلات دانشگاهی را پیش‌بینی کرد (Nota, Soresi, & Zimmerman, 2014).

نتایج این مطالعه مشابه نتایج مطالعه دنت و کئونکا (2019) است. پژوهشگران ارتباط بین پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مقاطع ابتدایی و متوسطه و دو مؤلفه اصلی یادگیری خودتنظیمی را بررسی کردند آنها با استفاده از روش فراتحلیلی به بررسی نتایج مطالعات قبلی در مورد فرآیندهای فراشناختی یادگیری خودتنظیمی و استراتژیهای شناختی به‌کاررفته توسط فراگیران پرداختند. میانگین همبستگی‌های به دست آمده بر اساس معیارهای مشخص از جمله نوع سنجش پیشرفت تحصیلی، موضوع، معیار یادگیری، سطح تحصیلی، فرآیند یا استراتژی خاص و نوع یادگیری خودتنظیمی بود. آزمون‌های بعدی به بررسی ماهیت این تغییرات پرداختند و فرضیه‌های ارایه شده را تأیید کردند (Dent & Koenka, 2019).

یافته‌های این مطالعه مشابه نتایج مطالعه‌ای است که توسط نیتفلد، شورز و هافمن (2020) انجام شده است. محققان تأثیر یادگیری خودتنظیمی و جنسیت را بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان مورد بررسی قرار دادند. بر اساس نتایج، عوامل یادگیری خودتنظیمی به‌طور قابل توجهی عملکرد فراگیران را در انجام بازی پیش‌بینی کردند. علاوه بر این، هرچند که پیشرفت‌های یادگیری محتوایی برای یادگیرندگان مرد و زن برابر بود، اما یادگیرندگان مرد در استفاده از ابزارهای شناختی برای مقابله با مسئله مذکور بهتر عمل کردند. در نهایت، اعتماد به نفس بیش از حد در زمینه قضاوت‌های نظارتی به‌طور قابل توجهی عملکرد شرکت‌کنندگان مرد را در بازی پیش‌بینی کرد (Nietfeld, Shores, & Hoffmann, 2020). نتایج به دست آمده در این مطالعه، نتایج آزمایشات پینتریچ و دی گروت (1990) را تأیید کرد. این پژوهشگران بر روی همبستگی‌های بین یادگیری خودتنظیمی، جهت‌گیری انگیزشی و موفقیت تحصیلی تمرکز کردند. شرکت‌کنندگان این مطالعه شامل ۱۷۳ دانش‌آموز دبیرستانی از کلاس‌های زبان انگلیسی و علوم بودند. نتایج نشان داد که اضطراب در امتحان، خودکارآمدی و یادگیری خودتنظیمی به‌طور قابل توجهی پیشرفت تحصیلی را پیش‌بینی کردند (Pintrich & De Groot, 1990).

علاوه بر این، یافته‌های این مطالعه نتایج بررسی احمد (2018) را تأیید می‌کند. محقق تلاش کرد تا روابط بین گرایش به هدف، یادگیری خودتنظیمی و پیشرفت تحصیلی را بررسی کند. شرکت‌کنندگان این مطالعه شامل ۴۰ دانش‌آموز دوره متوسطه بودند که در یک دوره آنلاین علوم ثبت‌نام کرده بودند. از پرسشنامه

استراتژی‌های انگیزشی برای یادگیری و نمرات نهایی شرکت‌کنندگان به عنوان بخشی از جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. بر اساس نتایج، همبستگی‌های مثبت قابل توجهی بین متغیرهای مذکور وجود داشت (Ahmad, 2018). به همین ترتیب، ایس، هان و پاردو (2017) به بررسی چگونگی تحقیق در مورد ارتباط بین مهارت‌های یادگیری خودتنظیمی و معیارهای قابل مشاهده در کلاس‌های آنلاین پرداختند تا بتوانند توانایی‌های پیشرفت و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را تقویت کنند و هدف آن‌ها ارائه مستندات از طراحی روش تدریس همچنین تکالیف آموزشی بود. این مطالعه موردی نشان داد که تفاوت در نمره نهایی دانشجویان برای این دوره زمانی بهتر توضیح داده می‌شود که مسائل ناشی از هر دو روش مورد توجه قرار گیرد. نتایج به پتانسیل استفاده ترکیبی از داده‌های خودگزارشی و مشاهده داده‌ها برای درک جامع‌تری از یادگیری مؤثر دانشجویان دانشگاهی اشاره می‌کند (Ellis, Han, Pardo, 2017). با توجه به ارتباط بین یادگیری خودتنظیمی و تعامل بین معلم و زبان‌آموز، نتایج این مطالعه، نتایج تحقیق آزدودو، دیاس، سالگادو، گیمارائس، لیما و باربوسا (2022) را تأیید می‌کند. محققان به بررسی ارتباط بین یادگیری خودتنظیمی و تصورات زبان‌آموزان از رفتار معلمانشان پرداختند. شرکت‌کنندگان شامل ۶۲۵ دانش‌آموز بودند که با استفاده از دو استراتژی یادگیری شخصی (QIPBasic) و آرشپو هنر عمومی تعاملی (IPAAr) در یک دوره آموزشی اجباری شرکت کرده و آموزش‌های لازم را دریافت کردند. بر اساس نتایج، در رابطه با رهبری، روابط کمک‌کننده/دوستانه و درک، ارتباط مثبت و معنادار بین تعامل معلم و زبان‌آموز و یادگیری خودتنظیمی یافت شد (Azevedo, Dias, Salgado, Guimarães, & Lima, 2021). در همین راستا، الوتیبی، طهماز و جابک (۲۰۱۷) رابطه بین یادگیری خودتنظیمی و موفقیت تحصیلی در دانشگاه ملک سعود را بررسی کردند. در این مطالعه، ۳۵۶ دانشجو به عنوان نمونه مطالعه انتخاب شدند. نمرات دانشجویان در مهارت‌های زبان انگلیسی و ریاضیات برای ارزیابی موفقیت تحصیلی آن‌ها مورد استفاده قرار گرفت. نتایج به دست آمده مشخص کرد که رابطه بین یادگیری خودتنظیمی فراگیران و موفقیت تحصیلی دانشجویان مثبت و معنادار است. به همین ترتیب، الگوهای یادگیری خودمحور، به‌ویژه تعیین هدف و برنامه‌ریزی، به‌طور قطعی با پیشرفت تحصیلی مرتبط بودند (Alotaibi, Tohmaz, & Jabak, 2017).

به طور کلی یافته‌های مطالعه حاضر، نظریه پری و رحیم (2016) که مبنی بر تأثیرگذاری ماهیت تعامل معلم و زبان‌آموز بر یادگیری خودتنظیمی فراگیران است را تأیید می‌کند. نتایج نشان‌دهنده اهمیت بالای حمایت معلم در کلاس درس بود که بر اساس همبستگی معنادار بین متغیرهای مربوطه به دست آمد است. به طور خلاصه، با توجه به نتایج فوق، می‌توان استنباط کرد که پیشرفت تحصیلی یادگیرندگان تحت تأثیر مثبت تعامل بین معلم و زبان‌آموز و یادگیری خودتنظیمی است. به همین ترتیب، در رابطه بین موفقیت تحصیلی و تعامل معلم و زبان‌آموز، تأثیر معنادار یادگیری خودتنظیمی در تقویت این رابطه نیز تأیید شد (Perry & ...)

(Rahim, 2016). رویکردهای منحصر به فرد مفهومی و روش‌شناختی این تحقیق، چندین پیامد نظری اصلی را در ارتباط با متغیرهای مذکور ارایه کرده است. مطالعه حاضر، با استناد به دیدگاه‌ها و نظریات مختلف علمی، چارچوب مفهومی را در ارتباط با رابطه معنادار پیشرفت تحصیلی و تعامل بین معلم و زبان‌آموز ارایه می‌دهد. بسیاری از پژوهشگران قبلی تأثیرات مثبت روابط بین معلم و دانش‌آموز را در بهبود موفقیت‌های دانش‌آموزان شبیه‌سازی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که معلمان برتر دارای ویژگی رهبری فوق‌العاده هستند. مدل معادلات ساختاری استفاده شده در این مطالعه نشان‌دهنده تأثیر قدرت تعامل معلم و دانش‌آموز بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان است. این مدل آماری تأثیر رابطه معلم-دانش‌آموز در سطح فردی و رابطه آن با یادگیری خودتنظیمی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را بررسی کرده است. نتایج این مطالعه درک عمیقی از مکانیسم‌هایی که موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان را تحریک می‌کنند، ارائه داد و نشان داد که پیشرفت دانش‌آموزان نیازمند ترکیبی از حمایت نزدیک معلم، معلمانی که از روش‌های آموزشی مناسب استفاده می‌کنند، داشتن ارتباط مثبت، میزان بالای علاقه، یادگیری خودتنظیمی، و ایجاد کلاسی با ریسک تحصیلی کمتر است.

نظریه‌ی زیمرمن (2000) به عنوان جامع‌ترین نظریه در تحقیقات انجام شده در این زمینه شناخته شده است (Zimmerman, 2000). به عنوان مثال، پرلز، مرگت-کولمان، ونده، اشمیتز و بوخبایندر (2009) از این نظریه برای انجام تحقیق خود برای بررسی تأثیر آموزش معلمان آلمانی بر افزایش مهارت‌های یادگیری خودتنظیمی خودشان و دانش‌آموزانشان استفاده کردند. نتایج نشان می‌دهد که دانش‌آموزان توانایی خودمحوری دارند و آموزش می‌تواند به طور موفقیت‌آمیزی از توانایی معلم در ایجاد محیط‌های کلاسی که یادگیری خودتنظیمی را تقویت می‌کنند، حمایت کند. این مطالعه نقش پیش‌بینی‌کننده مشارکتی یادگیری خودتنظیمی و همچنین نقش واسطه‌ای آن در تعامل معلم و دانش‌آموز و ارتباط موفقیت تحصیلی را بررسی کرد. یافته‌ها نشان داد که تأثیر مثبت و معناداری، به صورت فردی و مشترک، در ارتقاء موفقیت تحصیلی زبان‌آموزان وجود دارد (Perels, Merget, Wende, Schmitz, & Buchbinder, 2009).

میزان استفاده دانش‌آموزان از مهارت یادگیری خودتنظیمی و نگرش مثبت آن‌ها نسبت به استفاده از این مهارت به نظر می‌رسد که با مفاهیم تعامل معلم و دانش‌آموز و پیشرفت تحصیلی همبستگی مثبت دارد. دانش‌آموزان باید فرصت داشته باشند تا با همکلاسی‌های خود ارتباط برقرار کنند و معلمان باید آن‌ها را تشویق کنند تا نگرش خود را ابراز کرده و پذیرای افکار جدید باشند، به دانش‌آموزان فرصت پرسیدن سوالات را بدهند و میزان بحث کلاسی را افزایش دهند. با توجه به فرآیند تعامل معلم و دانش‌آموز، مارزانو و توت (2013: 9) هشدار دادند که "روابط را به شانس واگذار نکنید". این محققان معتقد هستند که با استفاده از روش‌های

تعاملی، معلمان نیروهای پویا و فعال کلاس‌های خود را تشویق کرده و رابطه بین معلم و دانش‌آموز را قوی تر می‌کنند و در نهایت حداکثر میزان یادگیری دانش‌آموزان را فراهم خواهند نمود.

یافته‌های این مطالعه فرضیه تأثیر مثبت تعامل بین معلم و دانش‌آموز بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را اثبات کرد. بنابراین، این یافته‌ها اهمیت ارتباط مؤثر در فرآیند یادگیری را برجسته کرده که این امر در نهایت، منجر به تسهیل یادگیری، تشویق تعاملات دانش‌آموزان و مشارکت آن‌ها در ساخت دانش می‌شود. بر این اساس، ایجاد هدفمند یک محیط یادگیری تعاملی بین معلم و دانش‌آموز، مشارکت تحصیلی دانش‌آموزان را بهبود می‌بخشد. به همین ترتیب، این مطالعه اهمیت یادگیری خودتنظیمی را در بهبود پیشرفت تحصیلی زبان‌آموزان برجسته کرده است. با توجه به سه دهه تحقیق، این مطالعه به دنبال پاسخ به این سوال بود که آیا این ساختار، به طور مستقیم و غیرمستقیم، بر موفقیت دانش‌آموزان تأثیر دارد. انجام این کار، دیدگاهی نو از چگونگی تعدیل این عامل در رابطه بین موفقیت تحصیلی و تعامل معلم و دانش‌آموز ارائه می‌دهد. یافته‌های این مطالعه می‌تواند در پر کردن خلاء نظری و عملی که در زمینه تعامل بین معلم و دانش‌آموزان و یادگیری خودتنظیمی وجود دارد به کار آید. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده به بررسی هر چه بیشتر عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی و هم چنین نتایج این سازه در زندگی فراگیران و به طور کلی گروه‌های مختلف آموزشی در جامعه پرداخته شود. سیستم آموزشی باید در مدارس محیطی را فراهم کند تا دانش‌آموزان و دبیران به راحتی و آزادانه بتوانند در مورد موضوعات مختلف گفتگو کرده و فرصت اظهار نظر و بیان دیدگاه‌های خود را داشته باشند. هم چنین پیشنهاد می‌شود که مطالب آموزشی به گونه‌ای طراحی و تدوین شوند که باعث برانگیختن حس کنجکاوی فراگیران شده و ذهن آن‌ها را به چالش بکشند.

همانند هر پژوهش علمی دیگر، مطالعه حاضر نیز دارای محدودیت‌هایی در اجرا بوده است، یکی از این محدودیت‌ها، صرفاً استفاده از پرسشنامه به عنوان ابزار جمع‌آوری اطلاعات می‌باشد و پاسخ‌دهی جامعه آماری پژوهش بر اساس خود اظهاری بوده است. محدودیت دیگر محدود شدن جامعه آماری پژوهش به دانشجویان رشته آموزش زبان انگلیسی دانشگاه آزاد تبریز بود.

References

- Abrantes, José Luís. Cláudia, Seabra. Luís Filipe, Lages. 2020. *Pedagogical affect, student interest, and learning performance*. Journal of Business Research, 60(9): 960-964.
- Ahmad, Shafiq. 2018. *Relationship of academic SE to self-regulated learning, SI, test anxiety and academic achievement*. International journal of education, 4(1): 12.-25

- Al Khatib, Saleh Ahmed. 2020. *Meta-cognitive self-regulated learning and motivational beliefs as predictors of college students' performance*. International journal for research in Education, 27(8): 57-71.
- Alotaibi, Khaled. Tohmaz, Riyad. Jabak, Omar. 2017. *The relationship between self-regulated learning and academic achievement for a sample of community college students at King Saud University*. Education Journal, 6(1): 28-37.
- Ames, Carole. 1992. *Achievement goals and the classroom motivational climate*. Student perceptions in the classroom, 1: 327-348.
- Azevedo, Ângela Sa. Dias, Paulo Cesar. Salgado, Ana. Guimarães, Teresa. Lima, Isabel. 2021. *Teacher-student relationship and self-regulated learning in Portuguese compulsory education*. Paidéia (Ribeirão Preto), 22(52): 197-206.
- Broadbent, Jaclyn. Poon, Walter L. 2015. *Self-regulated learning strategies & academic achievement in online higher education learning environments: A systematic review*. The Internet and Higher Education, 27: 1-13.
- Cashdan, Sheldon. 1988. *Object relations therapy: Using the relationship*. WW Norton & Co.
- Çetin, Baris. 2022. *Academic motivation and approaches to learning in predicting college students' academic achievement: Findings from Turkish and US samples*. Journal of College Teaching & Learning (TLC), 12(2): 141-150.
- Dent, Amy L. Koenka, Alison C. 2019. *The relation between self-regulated learning and academic achievement across childhood and adolescence: A meta-analysis*. Educational Psychology Review, 28(3): 425-474.
- Dent, Mike. Whitehead, Stephen. 2019. *Managing professional identities: Knowledge, performativities and the new professional*. Routledge:New York.
- DiBenedetto, Maria K. Bembenuddy, Hefer. 2019. *Within the Pipeline: Self-Regulated Learning and Academic Achievement among College Students in Science Courses*. Online Submission.
- Eisenberg, Nancy. Valiente, Carlos. Eggum, Natalie D. 2017. *Self-regulation and school readiness*. Early education and development, 21(5): 681-698.
- Ellis, Robert A. Han, Feifei. Pardo, Abelardo. 2017. *Improving Learning Analytics-Combining Observational and Self-Report Data on Student Learning*. Journal of Educational Technology & Society, (3) 20: 158-169.
- Fabrizz, Sabine. Dignath-van Ewijk, Charlotte. Poarch, Gregory. Büttner, Gerhard. 2014. *Fostering self-monitoring of university students by means of a standardized learning journal—a longitudinal study with process analyses*. European Journal of Psychology of Education, 29(2): 239-255.

- Fadlelmula, Fatma Kayan Cakiroglu, Erdinc. Sungur, Semra. 2021. *Developing a structural model on the relationship among motivational beliefs, self-regulated learning strategies, and achievement in mathematics*. International journal of science and mathematics education, 13(6): 1355- 1375.
- Farajollahi, Mehran. Moenikia, Mahdi. 2018. *The study of relation between students support services and distance students' academic achievement*. Procedia-Social and Behavioral Sciences, 2(2): 4451-4456.
- Finney, Sara J. DiStefano, Christine. 2006. *Non-normal and categorical data in structural equation modeling*. Structural equation modeling: A second course, 10(6): 269-314.
- Gilliam, Walter S. Shahr, Golan. 2006. *Preschool and child care expulsion and suspension: Rates and predictors in one state*. Infants & Young Children, 19(3): 228-245.
- Guay, Frederic. Ratelle, Catherine F. Roy, Amelie. Litalien, David. 2015. *Academic self-concept, autonomous academic motivation, and academic achievement: Mediating and additive effects*. Learning and Individual Differences, 20(6): 644-653.
- Hu, Li-tze. Bentler, Peter M. 1999. *Cutoff criteria for fit indexes in covariance structure analysis: Conventional criteria versus new alternatives*. Structural equation modeling: a multidisciplinary journal, (1)6: 1-55.
- Hughes, Jan N. Chen, Qi. 2018. *Reciprocal effects of student-teacher and student-peer relatedness: Effects on academic self-efficacy*. Journal of applied developmental psychology, 32(5): 278-287.
- Joe, Andy Igho. Kpolovie, Peter James. Osonwa, Kalu Eke. Iderima, Chris E. 2014. *Modes of admission and academic performance in Nigerian Universities*. Merit Research Journal of Education and Review, 2(9): 203-230.
- Khalaila, Rabia. 2014. *Simulation in nursing education: an evaluation of students' outcomes at their first clinical practice combined with simulations*. Nurse education today, 34(2): 252-258.
- Marzano, Robert J. Toth, Michael D. 2013. *Teacher evaluation that makes a difference: A new model for teacher growth and student achievement*. Alexandria, VA: ASCD
- McIver, John. Carmines, Edward G. 1981. *Unidimensional scaling*. Newbury Park, CA: Sage.
- Meidani, Zahra. Sharifi, Mahshid. 2015. *Structure Relationship between Self-Imaginary and Meta-Cognition Beliefs with Self-Regulatory Learning in Pre-University Girl Students in Rasht City*. Procedia-Social and Behavioral Sciences, 185: 365-373.
- Muhammad, Auwalu Shuaibu. Abu Bakar, N. 2020. *Relationship of self-regulated learning and academic achievement among universiti sultan zainalabidin (UNISZA) undergraduate*

students. Paper presented at the International Conference on Empowering Islamic Civilization in the 21st Century.

-Nietfeld, John L. Shores, Lucy R. Hoffmann, Kristin F. 2020. *Self-regulation and gender within a game-based learning environment*. Journal of Educational Psychology, 106(4): 961-973.

-Nota, Laura. Soresi, Salvatore. Zimmerman, Barry J. 2014. *Self-regulation and academic achievement and resilience: A longitudinal study*. International journal of educational research, 41(3): 198-215.

-Peng, Mike W. 2012. *The global strategy of emerging multinationals from China*. Global Strategy Journal, 2(2): 97-107.

-Perels, Franziska. Merget-Kullmann, Miriam.,Wende, Milena. Schmitz, Bernhard. Buchbinder, Carla. 2009. *Improving self-regulated learning of preschool children: Evaluation of training for kindergarten teachers*. British Journal of Educational Psychology, 79(2): 311-327.

-Perry, Nancy E. Rahim, Aamed. 2016. *Studying Self-Regulated Learning in Classrooms: University of British Columbia, Vancouver, Canada Handbook of self-regulation of learning and performance*. New York: Routledge: 136-150.

-Pintrich, Paul R. 2016. *Multiple goals, multiple pathways: The role of goal orientation in learning and achievement*. Journal of educational psychology, 92(3): 544.-555.

-Pintrich, Paul R. De Groot, Elisabeth V. 1990. *Motivational and self-regulated learning components of classroom academic performance*. Journal of educational psychology, 82(1): 33-40.

-Richardson, Michelle. Abraham, Charles. Bond, Rod. 2019. *Psychological correlates of university students' academic performance: A systematic review and meta-analysis*. Psychological bulletin, 138(2): 353.-387.

-Roorda, Debora L. Koomen, Helma MY. Spilt, Jantine L. Oort, Frans J. 2011. *The influence of affective teacher-student relationships on students' school engagement and achievement: A meta-analytic approach*. Review of educational research, 81(4): 493-529.

-Rudasill, Kathleen Moritz. Rimm-Kaufman, Sara E. 2009. *Teacher-child relationship quality: The roles of child temperament and teacher-child interactions*. Early Childhood Research Quarterly, 24(2): 107-120.

-Ryan, Joseph J. Brown, Kristina I. 2005. *Enhancing the clinical utility of the WASI: Reliabilities of discrepancy scores and supplemental tables for profile analysis*. Journal of Psychoeducational Assessment, 23(2): 140-145.

- Schunk, Dale H. Greene, Jeffrey A. 2017. *Historical, contemporary, and future perspectives on self-regulated learning and performance. In Handbook of self-regulation of learning and performance.* New York: Routledge.
- Vallerand, Robert J. Pelletier, Luc G. Blais, Marc R. Briere, Nathalie M. Senecal, Caroline. Vallieres, Evelyne F. 1992. *The Academic Motivation Scale: A measure of intrinsic, extrinsic, and amotivation in education.* Educational and psychological measurement, 52(4): 1003-1017.
- Veas, Alejandro. Castejón, Juan-Luis. Miñano, Pablo. Gilar-Corbí, Raquel. 2019. *Actitudes en la adolescencia inicial y rendimiento académico: el rol mediacional del autoconcepto académico.* Revista de Psicodidáctica, 24(1): 71-77.
- Whittaker, Tiffany A. Schumacker, Randall A. 2022. *A beginner's guide to structural equation modeling.* Routledge.
- Wolff, Fabian. Nagy, Nicole. Helm, Friederike. Möller, Jens. 2018. *Testing the internal/external frame of reference model of academic achievement and academic self-concept with open self-concept reports.* Learning and Instruction, 55: 58-66.
- Zimmerman, Barry J. 1989. *A social cognitive view of self-regulated academic learning.* Journal of educational psychology, 81(3): 329.-339.
- Zimmerman, Barry J. 2000. *Attaining self-regulation. A Social cognitive perspective.* In M. Boekaerts, P. R. Pintrich & M. Zeidner (Eds.), Handbook of self-regulation. San Diego, CA: Academic Press: 13-39



Investigating the quality of the Social Security Organization's policymaking on changes in the lifestyle of social security retirees

Mohammad Ashineh¹, Taha Abdollahpournoghaddam²

(Received Date: 2025/01/21 - Accepted Date: 2025/02/22)

Abstract

This article aims to investigate the impact of the quality of the Social Security Organization's policymaking on the lifestyle of its retirees in Mahabad city, and it has been researched based on environmental, economic, social, political, health, personal security, life expectancy, housing, and other services, which are the most important factors that can provide a healthy life for the elderly and retirees. The statistical population of this study is all the main retirees of the Social Security Organization in Mahabad city, which is a total of 1817 people. The sample size was estimated to be 317 people using the Cochran formula and was selected using a stratified random sampling method. The data collection tool includes a researcher's questionnaire in relation to the aforementioned research, which was estimated after assessing the validity and reliability of the questionnaire by obtaining the opinions of respected professors and determining the Cronbach's alpha coefficient. After collecting and classifying the information, the questionnaire was analyzed using descriptive and inferential statistics using SPSS and PLS software. The results show that the quality of the Social Security Organization's policymaking has a direct impact on changes in the lifestyle of that organization's retirees in Mahabad city.

Keywords: Retirement, Social Security Organization, Policymaking, Lifestyle, Aging.

¹ . PhD in Sociology, Economic and Development Orientation
abdollahpour1356@gmail.com

² . PhD in Sociology, Economic and Development Orientation
m.ashineh48@yahoo.com

بررسی کیفیت سیاست‌گذاری سازمان تأمین اجتماعی بر تغییرات سبک زندگی بازنشستگان تأمین اجتماعی

طه عبدالله پورمقدم^۱، محمد آشینه^۲

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۴)

چکیده

این مقاله با هدف بررسی تأثیر کیفیت سیاست‌گذاری سازمان تأمین اجتماعی بر سبک زندگی بازنشستگان آن سازمان در شهرستان مهاباد انجام گرفته است و بر اساس معیارهای زیست محیطی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، بهداشتی، امنیت شخصی، امید به زندگی، مسکن و دیگر خدمات که مهمترین فاکتورهایی هستند که می‌توانند زندگی سالم برای سالمندان و بازنشسته‌ها فراهم کنند مورد پژوهش قرار گرفته است.

جامعه آماری این پژوهش کلیه بازنشستگان اصلی سازمان تأمین اجتماعی در شهرستان مهاباد که جمعاً ۱۸۱۷ نفر بوده می‌باشد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران به تعداد ۳۱۷ نفر برآورد و به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات شامل پرسشنامه محقق در رابطه با پژوهش مذکور می‌باشد که پس از سنجش روایی و پایایی صورتی با اخذ نظرات اساتید محترم و تعیین ضریب آلفای کرونباخ برآورد شد. پرسش‌نامه پس از جمع‌آوری و آمار و طبقه‌بندی اطلاعات با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی به وسیله نرم‌افزار SPSS و PLS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصله مبین آن است که کیفیت سیاست‌گذاری سازمان تأمین اجتماعی بر تغییرات سبک زندگی بازنشستگان آن سازمان در شهرستان مهاباد تأثیر مستقیم دارد.

واژگان کلیدی: بازنشستگی، سازمان تأمین اجتماعی، سیاست‌گذاری، سبک زندگی، سالمندی.

^۱. دکترای جامعه‌شناسی گرایش اقتصادی و توسعه

abdollahpour1356@gmail.com

^۲. دکترای جامعه‌شناسی گرایش اقتصادی و توسعه

m.ashineh48@yahoo.com

۱- مقدمه

جامعه بشری در مسیر حرکت خود با پدیده‌های طبیعی و غیر طبیعی گوناگونی مواجه است که بخشی از آن مربوط به طبیعت انسان و بخش دیگر مربوط به حوادث طبیعی، عملکرد نظام‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و یا عملکرد خود افراد است. این حوادث و پدیده‌ها یکی از عمده‌ترین عوامل تلاش انسان برای بدست آوردن وضعیت اجتماعی و زیستی مبتنی بر امنیت بیشتر در مقاطع مختلف زندگی مخصوصاً در دوره سوم که دوره کاهش توانایی‌های می‌باشد بوده است.

کلیه افراد شاغل که از مزایای بیمه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند با بازنشستگی آشنا هستند و می‌دانند روزی بدان مرحله خواهند رسید. در گذشته به مسئله بازنشستگی توجه نمی‌شد و فرد تا توان کار کردن داشت به خدمت گرفته می‌شد و بعد از اینکه نیروی کار و توان جسمی او به تحلیل می‌رفت به خویشاوندان خود یا مؤسسات خیریه وابسته بود. با شروع انقلاب صنعتی و بزرگ شدن سازمانها و کارگاهها از نظر سرمایه و نیروی کار و نیز توسعه استخدامهای دولتی، تمرکز نیروهای کارگری تحت تشکیلات اتحادیه‌های و سندیکاهای کارگری گسترش پیدا کرد.

در این دوران خواسته‌های کارگران روز به روز بیشتر شد و امکان اعتصاب و حرکت‌های کارگری بوجود آمد. ایجاد بیمه‌های اجتماعی، صندوق بازنشستگی، قوانین کار، حداقل دستمزد و غیره ابزارهای این حرکتها و خواسته‌ها بودند. نحوه و کیفیت گذراندن دوران بازنشستگی باید یکی از اولویت‌ها و دغدغه‌های سازمان‌های اجتماعی باشد. پس تعریف ما از شیوه گذراندن و سبک زندگی بازنشسته‌های سازمان تأمین اجتماعی به این شکل باشد که بتوانیم گزارشی از شیوه زندگی فرد، خانواده یا اجتماع بدهیم و با این توضیح سبک زندگی در دوران بازنشستگی و سالمندی عبارت است از نحوه گذراندن این دوران بر اساس یک سری از متغیرهایی که در زندگی بازنشستگان وجود می‌آید از جمله امید به زندگی، فراغت، بیماری، موقعیت اجتماعی و وضعیت روحی ناشی از ناتوانی انجام برخی از امور گذشته و بسیاری موارد دیگر.

سازمان تأمین اجتماعی یکی از اصلی‌ترین مراکز عدالت اجتماعی در ایران است و نتایج محاسبات بیانگر آن است که سازمان تأمین اجتماعی مسئول اعمال سیاست‌هایی در جهت پایداری و امتداد ارائه خدمات به بیمه‌شدگان و بازنشستگان است، با توجه به رشد فزاینده بازنشستگان به واسطه رشد صندوق و افزایش امید به زندگی، لزوم توجه به سرمایه‌گذاری سازمان تأمین اجتماعی از اهم فعالیت‌های این نهاد خواهد بود.

در این پژوهش نیز بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی به عنوان گروهی از بیمه‌شدگان در فضای جوامع جدید واجد سبک زندگی و تغییراتی مبتنی بر سیاست‌گذاری‌های سازمانی هستند که در چهار بخش اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و خدمات درمانی مورد بررسی قرار می‌گیرند به عبارتی دیگر این سؤال مطرح است که، تأثیر کیفیت سیاست‌گذاری تأمین اجتماعی بر تغییرات سبک زندگی بازنشستگان چگونه بوده است؟

۲- چارچوب پژوهش - (مبانی نظری / پیشینه پژوهش)

۱-۲- مبانی نظری

بازنشستگی و سالمندی مرحله خاصی از زندگی انسان است. بازنشستگی از پدیده‌های است که با توسعه اجتماعی - صنعتی عصر حاضر دارای اهمیت بیشتر شده و در قرن اخیر با توجه به پیشرفت‌های اجتماعی - اقتصادی، بهداشتی و درمانی نقش و اهمیت اجتماعی آن در جامعه افزون‌تر از هر زمان دیگر شده است. در بحث تبیین نظری بازنشستگی، باید با دیدی تلفیقی، پیامدهای کژکارکردی از دیدگاه کارکردگرایی دورکیم^۱ و ساختارگرایی مرتن، آسیب‌شناسی مارکس، آسیب‌شناسی در نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی، نظریه کش متقابل نمادین، نظریه محرومیت نسبی و نظریه نیازها، انتظارات و کامروایی نیازها مورد استفاده قرار گیرد تا بتوان همه مسایل مربوط به بازنشستگی به عنوان یک پدیده اجتماعی مورد تحلیل قرار دهیم و در بخش بعدی بصورت موردی مفاهیم نظری مربوطه مطرح می‌شود. ریچارد تیت‌موس^۲ (۱۹۷۴) سیاست اجتماعی را اینگونه تعریف می‌کند: در سیاست اجتماعی، ما به بررسی سلسله‌ای از نیازها و کشش‌های اجتماعی سازمان‌های مربوطه به آن می‌پردازیم که از گذشته به نام خدمات اجتماعی یا سیستم رفاه اجتماعی معروف بوده‌اند و از طریق آنها سعی می‌شده، نیازها برآورده شوند. این حیطة پیچیده از زندگی اجتماعی غیر از آن چیزی است که ما آن را بازار آزاد یا مکانیسم قیمت و امکان سودآوری می‌نامیم (۲۰: ۱۹۷۴ و Titmuss به نقل از موسوی).

در واقع تیت‌موس می‌خواهد با تخصیص منابع محدود به تعدادی از نیازهای اجتماعی اصیل اشاره می‌کند. هر چند کشوری مختلف در عمل بایکدیگر متفاوت هستند، اما همه‌ی آنها به بهداشت و درمان، مسکن، تعلیم و تربیت و حفظ درآمدها طی دوره‌های بازنشستگی، بیکاری و قطع درآمد و حمایت‌های همه جانبه و دغدغه خدمات اجتماعی فردی است، نیاز دارند. سیاست اجتماعی باید همیشه سودمند، انسان دوستانه و در جهت پیشرفت باشد. کینز و بوربیچ معتقدند در دنیای که دست خوش تحولات دائم و همیشگی است، توجه دولت به رفاه در آینده بیشتر به سمت جزئیات تکنیکی - فنی و اجرایی خواهد بود تا یافتن یک مدل سازمانی برای خود رفاه (موسوی، ۱۳۸۸: ۲۰۹).

برای مارکسیست‌ها، سیاست‌های اجتماعی در سیستم اقتصادی و اجتماعی سرمایه‌ای تعریف می‌شود و برای نئولیبرال‌ها در بازارهای آزاد اقتصادی، سیاست‌های اجتماعی در هر دو مورد دارای مشکل هستند زیرا از یک طرف نمایانگر تضادهای طبقات جامعه هستند و از طرف دیگر، بیهودگی تلاش برای کنترل آزاد نیروی بازار را به خاطر می‌آورند (موسوی، ۱۳۸۸: ۲۰۹).

برنامه‌های سیاست اجتماعی دارای اهداف متنوعی مانند: مبارزه با فقر، محافظت افراد در برابر حوادث ناگوار (بیمه)، باز توزیع (امکانات)، ارائه الگوهای قومی در زمینه‌هایی چون کنترل تورم، قانون کار و... هستند.

¹ Dorkaim

² Richard Titmuss



مهم‌ترین تهدیدات مربوط به برنامه‌های اجتماعی می‌تواند مواردی مانند: بیکاری، بیماری، ناتوانی، از دست دادن منابع، از دست دادن ثروت و نیاز به مراقبت باشد. (روزنر، ۲۰۰۳: ۶-۵ به نقل از سعیدی و تاج الدین، ۱۳۸۸: ۲۹). سیاست‌گذاری اجتماعی امری عینی و عملی است که خارج از محیط دانشگاه و توسط دولت پیاده می‌شود و به مواردی چون تأمین اجتماعی، آموزش و مراقبت‌های اجتماعی و... اشاره دارد (سعیدی و تاج الدین، ۱۳۸۸: ۲۹).

برخی سیاست‌گذاری اجتماعی را «مداخله عامدانه‌ای» می‌دانند که دولت برای رسیدن به اهداف رفاهی با توزیع مجدد منابع در میان شهروندان انجام می‌دهد. تأمین اجتماعی، سیاست‌های بهداشتی و درمانی، نظام‌های مراقبت اجتماعی، محیط زیست، مسکن، آینده نظام اجتماعی جرم و مجازات حتی سیاست‌های مربوط به کار اشتغال همه این موارد در سیاست‌گذاری اجتماعی بررسی شده و درباره آنها تصمیم‌گیری می‌شود (هزار جریبی و صفری شالی، ۱۳۹۱: ۱۵۶-۱۵۷).

سازمان بین‌المللی کار^۱، تأمین اجتماعی^۲ را به معنای حمایتی می‌داند که جامعه از طریق اتخاذ معیارهای عمومی برای رویارویی با شرایط اضطراری اقتصادی و اجتماعی - که موجب کاهش شدید یا قطع درآمد افراد می‌شود- از اعضای جامعه خود به عمل می‌آورد. اصطلاح تأمین اجتماعی، در چارچوب اساسنامه اتحادیه بین‌المللی تأمین اجتماعی^۳، به معنی هر طرح یا برنامه‌ای است که به دست قوه‌ی مقننه یا هر ترتیب اجباری دیگر، اعضای جامعه را در مقابل بروز حوادث ناشی از اشتغال، بیماری‌های ناشی از شغل، حاملگی، بیماری، نقص عضو، پیری، بازنشستگی، بازماندگی و مرگ از طریق پرداخت‌های نقدی یا جنسی حمایت می‌کند (یزدانی، ۱۳۸۲، ۴۷ به نقل از سعیدی و تاج الدین).

در عصر حاضر، تأمین اجتماعی و جنبه‌های حمایتی آن به عنوان یک حق اجتماعی برای هر یک از افراد جامعه و یک تکلیف قانونی برای دولت‌ها شناخته شده است و تمام جوامع، هر یک از افراد جامعه و یک تکلیف قانونی برای دولت‌ها شناخته شده است و تمام جوامع صرف نظر از نوع نظام اقتصادی، سیاسی یا اجتماعی آن را به عنوان یک ضرورت تاریخی تلقی کرده‌اند. همچنین نظام تأمین اجتماعی دارای سه راهبرد کلان امور بیمه‌ای، امور حمایتی و امور امدادی است. راهبرد امور بیمه‌ای، مبتنی بر اشتغال افراد بیمه شده برای پرداخت مستمرهای بازنشستگی، از کار افتادگی، بازماندگان، بیکاری و پرداخت هزینه‌های بیماری و زایمان است. منابع این بخش، براساس دریافت سهمی از دستمزد شاغلان، سهم کارفرمایان و همچنین سهم دولت شکل می‌گیرد. راهبرد امور حمایتی، شامل مساعدت‌های اجتماعی به اقشار فقیر و آسیب پذیر جامعه و خدمات اجتماعی، دربرگیرنده‌ی خدمات توانبخشی به معلولان و حمایت از خانواده‌های بی‌سرپرست و بدسرپرست است. منابع این بخش، از بودجه عمومی (یارانه‌ها) و مشارکت‌های مردمی تأمین می‌شود. راهبرد

¹ - ILO

² - social security

³ - ISSA

امور امدادی، شامل امداد در خصوص حوادث غیر مترقبه طبیعی همچون سیل، زلزله و حوادث غیر طبیعی همچون جنگ است (پناهی، ۱۳۸۵: ۷، ۷۵ به نقل از سعیدی و تاج الدین).

بین سیاست اجتماعی با «رفاه اجتماعی» ارتباطی دو سویه و از لحاظ منطق صوری به صورت رابطه عموم و خصوص من وجه است. به این مفهوم که گرچه عمده جهت‌گیری سیاست‌های اجتماعی می‌تواند و باید به تقویت «رفاه اجتماعی» منجر شود. و در کنار آن برخی سیاست‌های غیر مرتبط با سیاست اجتماعی مانند سیاست خارجی یا سیاست دفاعی می‌تواند به افزایش یا کاهش رفاه اجتماعی منجر شود که مورد فوق در قالب سیاست‌های اجتماعی جای نمی‌گیرد.

اما وجه اشتراک این دو را می‌توان در همزاد بودن و هم جهت بودن آنها دانست که وجه غالب هر دو به شمار می‌آید. امری که پس از تحولات اقتصادی و اجتماعی ناشی از انقلاب صنعتی و رنسانس و ایجاد حق رأی و توجه به دموکراسی در صحنه اجتماعی - سیاسی پدیدار شد (یزدانی، ۱۳۸۲: ۴۴ به نقل هزار جریبی و صفری شالی). کلمه کیفیت از لغت لاتین qual به معنی چیزی و چه و quality به مفهوم چگونگی استخراج شده است و qual از نظر لغوی به معنی چگونگی زندگی است و دربرگیرنده تفاوت‌های آن است که برای هر فرد منحصر به فرد بوده و بادیگران متفاوت است (مولدون، ۱۹۹۸: ۵۴۵-۵۴۲ به نقل از غفاری و امید) کیفیت زندگی^۱ مفهوم جدیدی نیست. این مفهوم سابقه در فلسفه یونان دارد و ارسطو در بحث از شادکامی^۲ بدان اشاره کرده است. جواناهاج^۳ (۱۹۹۴) از نظریه پردازان این حوزه با تأکید بر خصلت و هویت فردی و اجتماعی انسان و ارزش‌های فردی و اجتماعی، کیفیت زندگی را به لحاظ فلسفی نتیجه سنتز میان مطلوبیت‌گرایی و اگزیستانسیالیسم می‌داند و آمارتیا سن^۴ از منظر نقد قاعده «بیشترین فایده برای بیشترین افراد» که اساس نظریه مطلوبیت‌گرایی است، کیفیت زندگی را با قابلیت‌های کارکردی افراد مرتبط می‌داند و بر این باور است که بدون برخورداری از قابلیت‌هایی چون سلامت، روابط اجتماعی، عزت نفس و مشارکت در امور مختلف، انسان نمی‌تواند از مزایا و منافی که قاعده مذکور آنها را بدیهی می‌شمارد، بهره مند شود (غفاری و امید، ۱۳۹۰: ۳ و ۲).

چارلوک^۵ (۲۰۰۴) کیفیت زندگی را همان بهزیستی^۶ توصیف کرده است و کارسون^۷ (۲۰۰۰) آن را مترادف با رفاه^۸ تلقی می‌کند؛ برخی هم اعتقاد دارند که مفهوم کیفیت زندگی با میزان سلامت افراد مرتبط است (آندرسون^۹، ۲۰۰۰ به نقل از غفاری و امید). لیو^{۱۰} (۱۹۷۶) سه رویکرد را در بررسی مفهوم کیفیت زندگی

¹ - Quality of life

² - Happiness

³ - Joanna Hodge

⁴ - Amartya Sen

⁵ - Schabek

⁶ - Well - being

⁷ - Carlson

⁸ - Welfare

⁹ - Anderson

¹⁰ - Liu

ارائه می‌دهد: رویکرد اول، کیفیت زندگی براساس عناصر تشکیل دهنده آن مانند شادکامی، رضایتمندی، ثروت، سبک زندگی و... تعریف می‌کند

در رویکرد دوم، تعریف کیفیت زندگی از طریق بکارگیری شاخص‌های عینی و ذهنی اجتماعی مانند تولید ناخالص داخلی، بهداشت، شاخص رفاه، شاخص آموزش و... صورت می‌گیرد و در رویکرد سوم، کیفیت زندگی و توجه به زمینه‌ها و شرایطی که در آن، سطح کیفیت زندگی تعیین می‌شود، تعریف می‌گردد (غفاری و امیدی، ۱۳۹۰: ۳-۴). در مجموع کیفیت زندگی را می‌توان در قالب مفهومی پیچیده و چند بعدی شناخت که تحت تأثیر مولفه‌هایی چون زمان و مکان، ارزش‌های فردی و اجتماعی قرار دارد. از این رو معانی گوناگونی برای افراد و گروه‌های مختلف برآن مرتبط است. برخی آن را به عنوان قابلیت زیست پذیری یک ناحیه، برخی دیگر به عنوان اندازه ای برای میزان جذابیت و برخی به عنوان رفاه عمومی، بهزیستی اجتماعی، شادکامی، رضایتمندی و مواردی از این دست تعبیر کرده‌اند.

اصولا کیفیت زندگی در رابطه با شرایط جمعیت در یک مقیاس جغرافیایی خاص (شهر، منطقه، بخش و...) است که هم متکی بر شاخص‌های ذهنی یا کیفی و هم متکی بر شاخص‌های عینی یا کمی می‌باشد. (کوکبی، ۱۳۸۶: ۸۶ به نقل از غفاری و امیدی). مولفه‌های امنیت اقتصادی- اجتماعی، همبستگی اجتماعی، ادغام اجتماعی و توانمندسازی اجتماعی می‌شوند که می‌توانند در سنجش کیفیت زندگی در مقیاس فرا فردی در حوزه‌های محلی، شهری، روستایی، منطقه ای و ملی مورد استفاده قرار گیرند. به صورت کلی شاخص‌های کیفیت زندگی در چهار مولفه قابل طرح هستند:

الف) مولفه امنیت اقتصادی اجتماعی

این مولفه در قالب پنج حوزه‌ی مالی، مسکن و محیط، بهداشت و درمان، شغل و آموزش مورد توجه قرار گرفته‌اند و زیر حوزه‌ها و شاخص‌های مربوط به آن تعیین شده‌اند. عمده تأکید در این مولفه بر ابعاد «داشتن» و «برخوردار» می‌باشد.

ب) مولفه همبستگی اجتماعی

این مولفه بیشتر ابعاد ارتباطی را پوشش می‌دهد که چهار حوزه اعتماد، هنجارها و ارزش‌ها، شبکه‌ها و هویت را شامل می‌شود و در چهار حوزه، کم و کیف رابطه، نقش محوری و مرکزی را دارد. به عبارت دیگر این مولفه سهم سازه سرمایه اجتماعی را به وضوح در کیفیت زندگی نشان می‌دهد.

ج) مولفه ادغام اجتماعی

این مولفه با ترکیب حوزه حقوق با برخی از این شاخص‌های دو حوزه امکانات مالی و همبستگی مطرح شده است که حوزه‌های حقوق شهروندی، بازار کار، دسترسی به خدمات و شبکه‌های اجتماعی را شامل می‌شود.

د) مولفه‌های توانمندسازی اجتماعی

در قالب این مولفه در قیاس با مولفه‌های قبلی توجه به قابلیت‌ها و امکان و فرمت بهره‌گیری از امکانات مورد توجه بیشتری واقع شده است (غفاری و امیدی، ۱۳۹۰: ۷۰-۷۱).

محققانی مانند ماسام (۲۰۰۲) در کارهای پژوهشی خود نشان دادند که در امر سیاست‌گذاری مربوط به کیفیت زندگی دولت نقش اصلی دارد به همین دلیل رعایت پنج اصل در برنامه ریزی‌های اجتماعی با هدف بهبود کیفیت زندگی دولت‌ها مد نظر قرار دهند. این پنج اصل که شرایط لازم و کافی برای ایجاد جامعه ای کامل، که در آن کیفیت زندگی برای همگان تضمین شده است را شامل می‌شود، عبارتند از:

- ۱- امنیت
- ۲- وابستگی متقابل: اعضا جامعه این امر را بپذیرند که اعتماد به دیگران یک تعهد اجتماعی است.
- ۳- انصاف و برابری: روابط اجتماعی و اقتصادی می‌بایست به وسیله اصولی که به کارایی و اثر بخشی نیز توجه دارند، هدایت شوند
- ۴- مشارکت و همکاری: به کارگیری شیوه‌هایی برای هویت سازی و ایجاد احساس تعلق از طریق فرصت دادن به شهروندان برای ایفای نقش معنادار در فرایند تصمیم‌گیری
- ۵- تکرر: احترام به تفاوت‌ها، موجب ارتقاء جامعه می‌شود و به آن منزلت می‌بخشد (غفاری و امیدی، ۱۳۹۰: ۱۰۲-۱۰۳).

در شرح مفهوم «سبک زندگی» که یکی از مطرح‌ترین معانی در علوم انسانی معاصر است، میشل سوبل مفصل‌ترین متن را در ۱۹۸۱ نگاشت و در آن پس از ذکر تعاریف گوناگون به این نکته رسید که هنوز توافقی بر این مفهوم حاصل نشده است اما در عین حال دانش پژوهان علوم مختلف هر یک در حوزه دانش خویش تعریف برای آن ارائه نموده‌اند. اما نخستین تعریف سبک زندگی به سالهای دهه ۱۹۲۰ باز می‌گردد؛ زمانی که ماکس وبر بر جامعه‌شناسی واندکی پس از وی آلفرد آدلر^۱ روان‌شناس این عبارت را بر ساخته و معرفی نمودند.

براساس اعتقاد آدلر هر کس برای خود سبک زندگی دارد که البته کما بیش به سبک زندگی دیگران شبیه است اما کاملاً مشابه و همسان نیست، سبک زندگی نوعی منشأ درونی در فرد است و بر خاسته از نخستین سالهای کودکی اوست و الزاماً موروثی یا حتی زاده محیط نیست. از نظر آدلر در کنار ریشه‌های فردیت، سبک زندگی، خالق مجموعه ای از رفتارهای ویژه است؛ رفتارهایی ناشی از تفکر، هیجانات، عواطف، ... که بازتاب هویت فرد است (خادمیان، ۱۳۹۰: ۱۷-۱۶). مفهوم سبک زندگی را وبر جامعه‌شناس در تشریح «گروه منزلتی» خویش آن را به کار بست. در واقع وبر نخستین کسی است که از شیوه‌های (غالب) زندگی^۲ یا سبک زندگی^۳ به مثابه یکی از سه دترمینان یا عامل تعیین کننده قشرهای اجتماعی سخن می‌گوید (Thyra و ۱۹۹۶). از نظر وبر مهمترین عوامل در تشخیص لایه‌های اجتماعی عبارتند از:

- الف) روش زندگی فردی و به طور اخص نوع شغل انتخابی از سوی شخص
 ب) کارزمای موروثی که ناشی از منزلت خانوادگی است

¹ - Alfred Adler

² - Mode of life

³ - style of life

ج) اعتبار سیاسی یا اقتدار که به عنوان امتیاز انحصاری توسط گروه‌های متمایز به دست می‌آید به این ترتیب از نظر وبر سبک زندگی پیوستگی بسیار نزدیکی با نوع اشتغال فرد دارد و از طریق تحصیلات رسمی اکتساب می‌شود و می‌تواند بر همگان میسر شود (خادمیان، ۱۳۹۰: ۱۷).

گیدنز که در میان متاخرین بیش از دیگران دغدغه هویت انسان در جهان مدرن را دارد، بر آن است که «سبک زندگی» را می‌توان به مجموعه‌ای کم و بیش جامع از عملکردها تعبیر کرد که فرد آنها را به کار می‌گیرد، چون نه فقط نیازهای جاری او را بر می‌آورند بلکه روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است، در برابر دیگران متجسم می‌سازد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۲۰ به نقل از خادمیان). زیمل می‌گوید: سبک زندگی تجسم تلاش انسان است برای یافتن ارزش‌های بنیادی خود در فرهنگ عینی‌اش و شناساندن آن به دیگران؛ به سخن دیگر، انسان برای معنای مورد نظر خود (فردیت برتر)، شکل (صورت)‌های رفتاری را برمی‌گزیند. زیمل، توان چنین‌گزینشی را «سلیقه» و این اشکال به هم مرتبط را «سبک زندگی می‌نامد.» (زیمل، ۱۹۰۸ به نقل از خادمیان). وبلن در جایی، سبک زندگی را الگوی رفتار جمعی می‌داند. این رفتارها از جنس رسوم و عادات اجتماعی و روش‌های فکری هستند (وبلن ۱۸۹۹) و در جایی دیگر، سبک زندگی فرد را تجلی رفتارهای ساز و کار روحی، عادات فکری و معرفت او قلمداد می‌کند. (وبلن، ۱۹۱۹ به نقل از خادمیان).

بورديو، سبک زندگی را چنین توصیف می‌کند: «سبک بیشترین توانایی را برای ارائه ویژگی‌هایی دارد که همه فعالیت‌ها را در خود خلاصه کرده است.» (بورديو، ۱۹۴۸ به نقل از خادمیان). او سبک زندگی را فعالیت‌های نظام مندی می‌داند که ذوق و سلیقه فرد ناشی می‌شوند و بیشتر جنبه‌ی عینی و خارجی دارند و در عین حال به صورت نمادین به فرد هویت می‌بخشند و میان اقشار مختلف اجتماعی تمایز ایجاد می‌کنند (کاویانی، ۱۳۹۲: ۳۴).

اگر سبک زندگی را به رغم بورديو معیارهای تمایز و تشخیص فرض کنیم (Bourdieu و ۱۹۸۴) و یا اعتقاد گیدنز «شیوه متفاوت زندگی» (گیدنز و ۱۳۷۸) در نظر بگیریم، در هر دو صورت سبک زندگی روش الگومند مصرف و درک و ارزش‌گذاری فرهنگ مادی و غیر مادی است (چاوشیان، ۱۳۸۴: ۴۵). در بعد مادی، شاخص‌های عینی در سنجش سبک زندگی به کار می‌آیند و عبارتند از اشیاء و رفتارهای مصرفی که برای واحدهای اندازه‌گیری نیز دارند. «زمان، پول، تخصص یا کارایی» شاخص‌های سبک زندگی مادی، و الگوهای مصرف اشیاء و رفتارهای فراغتی شاخص‌های سبک زندگی غیر مادی هستند. بدین ترتیب در الگوهای مصرف، آنچه در سبک زندگی مادی اهمیت دارد، قدرت خرید است و در سبک زندگی غیر مادی، توانایی تشخیص و ارزش‌گذاری اهمیت ویژه می‌یابد. در اندیشه ولزوتیگرت که در ۱۹۷۹ طرح شد، سبک زندگی از طریق شاخص‌هایی چون فعالیت‌ها، علایق و عقاید (AIO) سنجش می‌شود. میچل در ۱۹۸۳ برای اندازه‌گیری تأکید به تحول ارزش‌ها را پیشنهاد می‌کند (گونترویس، ۱۳۸۱: ۵۳۴) که بعدها توسط داگاس‌هالت این روش که ارزش و سبک زندگی (VALS) نام دارد در تحقیقات تجربی به کار گرفته می‌شود.

Holt (۱۹۹۷) این روش مربوط به ارزش‌های مستولی بر زندگی اجتماعی افراد در محیط فرهنگی آنان است.

دیوید چینی، سطح یا ظاهر، خود و حساسیت را شاخص‌های سبک زندگی می‌داند (چینی، ۱۳۷۸)، آلفرد آدلر روان‌شناس بر احساسات و افکار تأکید می‌ورزد و ویلیام لیزر شاخص سبک زندگی را با عناصر بازار پژوهی معرفی می‌کند (۱۹۹۶ و Thyra) (خادمیان، ۱۳۹۰: ۲۶-۲۷). مطالعه سبک‌های زندگی برای هر گونه سیاست‌گذاری واقع بینانه و هدفمند ضروری است. «هر گونه سیاست اجتماعی که به تغییر و مدیریت اجتماعی توجه دارد باید متوجه منظومه خاص و سلسله مراتب معنادار چشم اندازهای سبک زندگی باشد» (چینی، ۱۹۹۶: ۶۱ به نقل از فاضلی). منطق این گزاره چینی را می‌توان در ارتباط تنگاتنگ سبک زندگی با ساختارهای اجتماعی و چالش‌ها و فرصت‌های مهیا شده از سوی ساختار برای افراد، پی آمد سبک زندگی برای آن‌ها و خصوصاً توان بالقوه سبک زندگی برای ایجاد تغییرات در نظام اجتماعی و پی آمدهای اجتماعی رفتارهایی که سازنده سبک‌های زندگی هستند جستجو کرد. به هر حال تحلیل سبک زندگی در زمینه‌هایی که با عدالت اجتماعی ربط دارد یا مستلزم هزینه کردن از سوی دولت است، ابزاری کارآمد برای تنظیم سیاست‌ها و ارتقای برنامه ریزی در جهت تحقق عدالت اجتماعی و ایجاد جامعه ای منعطف‌تر و زیباتر است (فاضلی، ۱۳۸۲: ۱۵۷).

در زمینه سبک زندگی بهداشتی، انسجام در انجام دادن مجموعه ای از رفتارهای مرتبط با بهداشت و سلامتی، جوهره تعریف سبک زندگی بهداشتی است.

اصطلاح سبک زندگی در پزشکی، دال بر استفاده از مواد نظیر الکل، سیگار یا انواع خاصی از غذاهاست که برای سلامتی فرد مضر هستند (۱۰: ۲۰۰۰ و veal). ابل این تعریف و شاخص‌های ارائه شده در آن را به انجام فعالیت‌های ورزشی و بهره‌گیری از خدمات پزشکی نیز بسط می‌دهد (۹۰۲: ۱۹۹۱ و Abel). کوکرهام تصمیم‌گیری درباره مصرف غذا، ورزش کردن، مراعات بهداشت فردی، مقابله با استرس، استعمال سیگار، مصرف الکل و مواد مخدر، بستن کمربند ایمنی، مسواک زدن و انجام دادن معاینات دوره ای پزشکی را اجزاء سبک زندگی بهداشتی می‌خواند. (۴۱۹: ۱۹۹۹ و Cockerhametal). رابطه بین سبک زندگی و مخصوصاً رضایت از زندگی با وضعیت سلامت به خوبی به اثبات رسیده است (اوکان و دیگران، ۱۹۸۴؛ راتوتر اوهمپل، ۱۹۸۴؛ کندی و دیگران، ۱۹۹۱).

عموما فقر سلامت با کیفیت پایین زندگی همراه است. یکی از ذهنیات منفی که همواره در مورد سالمندی وجود داشته بیماری و ناتوانی سالمندان است. بیماری در این دوره منابعی از درد و رنج را برای سالمند به ارمغان می‌آورد و باعث کاهش و از دست دادن بسیاری از خصوصیات از جمله استقلال، اعتماد به نفس، تحرک، تعامل و مشارکت اجتماعی آنان می‌شود. گرچه بیماری و ناتوانی با افزایش سن پیشرفت می‌کند اما سالمندانی هم وجود دارد که بیماری و ناتوانی را در دوران بازنشستگی خود تجربه نمی‌کنند (بوند و کورنر، ۱۳۸۹: ۷۰). یکی از معیارهای توسعه سلامت سالمندان افزایش امید به زندگی آنهاست. گرچه اطلاعات اخیر

نشان می‌دهد، افزایش امید به زندگی، کاهش بیماری و ناتوانی سالمندان را در پی ندارد (کمیته تحقیقات پزشکی، ۱۹۹۴) اما بر مبنای یک نظریه خوش بینانه ابتلا و ناخوشی تنها محدود به ماه‌های آخر زندگی می‌شود. زیرا پیشرفت‌های پزشکی و توسعه رفاه ناتوانی‌های سالمندان را به تأخیر می‌اندازد، بنابراین قسمت عمده بیماری‌ها در دوره نسبتاً کوتاه اواخر زندگی روی می‌دهد (بوند و کورنر، ۱۳۸۹: ۷۱).

الگوهای سبک زندگی ما ایرانیان را بیشتر متعهد به امر اجتماعی و فرهنگی می‌کند تا متعهد به امر سیاسی و اقتصادی به عبارت دیگر بشر امروز بیشتر مدعی ساماندهی و مدیریت جامعه به لحاظ اجتماعی و فرهنگی است تا انتظام جامعه به لحاظ سیاسی و اقتصادی. بنابراین اساساً سبک زندگی شیوه‌های بیان کننده تمایزهای اجتماعی و فرهنگی است. یادآور می‌شود این شیوه در جامعه ایرانی متأثر از چهار عنصر طبقه، نسل، جنسیت و شهری بودن است، این چهار عنصر نیز با هم تلفیق و در هم تنیده می‌باشند؛ بدین معنی که این طور نیست که دوران طبقاتی بودن جامعه ایرانی تمام شده و یا نسلی بودن تنها ویژگی این جامعه می‌باشد (حاجیان، ۱۳۹۱: ۳۰-۳۱).

انسان مدرن ایرانی به دنبال تمایز است، تمایزهایی که تنها جنبه طبقاتی ندارد بلکه دیگر انواع تمایز را به همراه خود دارد، اینک تمایزهایی طبقاتی بین روستایی و شهری نیست. با نگاهی به شناسنامه‌های افراد می‌توان فهمید که چقدر آدم‌ها پسوند اسم‌هایشان را حذف کرده‌اند.

یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های سبک‌های زندگی جامعه ایرانی «تکثر» آن است یعنی ما در یک وضعیت تکثر گونه‌ای در حوزه عمل اجتماعی روبرو هستیم که شمارش انواع سبک‌های زندگی در آن میسر نیست، همچنین در طول تاریخ معاصر سعی در سرکوب طبقه متوسط و حذف سبک‌های جدید زندگی داشته‌ایم، بدین دلیل است که ویژگی دوم سبک زندگی ایرانی در «سایه بودن» آن است لذا فعال سازی طبقه متوسط، سبک‌های جدید در زندگی وارد می‌شود و در مقابل با محدود کردن جامعه به لحاظ طبقاتی و تقلیل جامعه آن به دو طبقه متمول و فقیر سبک زندگی در سایه قرار گرفته است و گسترش می‌یابد (حاجیان، ۱۳۹۱: ۳۲). بعضی از سبک‌های زندگی ما ساز و کار دینی و برخی دیگر ساختار خانوادگی همچنین بعضی از سبک‌های زندگی فرا طبقاتی و برخی دیگر متعلق به گروه‌های اجتماعی خاصی است. این موارد انواع گوناگون سبک‌ها و صورت‌های زندگی در ایران است (حاجیان، ۱۳۹۱: ۳۲) به عنوان مثال برای نحوه گذران اوقات فراغت در دوران سالمندی روش‌های متفاوتی است و احترام و نگهداری از سالمندان و بازنشستگان ریشه در باورهای دینی و ارزشی که برای خانواده قایل هستیم دارد.

۲-۲- پیشینه پژوهش

در مطالعه‌ی علیزاده اقدم در رساله دکترا با هدف سبک زندگی سلامت محور شهروندان تبریز امیدها و بیم‌ها در دانشگاه اصفهان سال ۱۳۸۷ در یک نگاه دقیق به سبک زندگی سلامت محور به عنوان پدیده‌ای چند علتی و چند دلالتی به الگوهای جمعی رفتار مربوط می‌شود و متغیرهای مستقل چون جنس، طبقه، وضعیت تاهل و اشتغال و بازنشسته بر آن تاثیر می‌گذارد و اشکال متفاوت سرمایه انسانی (اجتماعی، اقتصادی

و فرهنگی) با سبک زندگی سلامت محور شهروندان رابطه معناداری وجود دارد وضعیت اشتغال به عنوان یک متغیر اسمی در شش حالت (شاغل رسمی، شاغل غیر رسمی، بیکار، محصل یا دانشجو و بازنشسته) مطرح شده است و سبک زندگی متغیری در سطح فاصله‌ای می‌باشد. براساس نتایج کمترین میانگین سبک زندگی سلامت محور برای بیکاران و بیشترین میانگین سبک زندگی سلامت محور برای بازنشسته‌ها بوده است. شناخت ویژگیهای اجتماعی و فرهنگی بازنشستگان و مسائل و مشکلات آنها، وضعیت اجتماعی و فرهنگی بازنشستگان استان تهران، موضوع مقاله سید عبدالحسین ثابت در سال ۱۳۸۷ می‌باشد که، به بالا بودن هزینه‌های زندگی، عدم استفاده از تجربه بازنشستگان، بالا بودن بار تکفل خانواده، اشتغال به مشاغل که شأن بازنشستگان نیست، کمبود امکانات ورزشی و سرگرمی، ناکارآمدی کانون‌های بازنشستگی عمده‌ترین مسائل و مشکلات بازنشستگان ذکر گردیده است. مشکلات اجتماعی - اقتصادی هیأت علمی بازنشسته دانشگاه تهران با بررسی وضعیت معیشتی اعضای هیأت علمی بازنشسته دانشگاه تهران موضوع مقاله میثم موسایی در سال ۱۳۸۳ است. وی در این مقاله به این نتیجه رسید که برای جبران کاهش قدرت خرید این افراد در طول دو دهه اخیر باید دریافتی آنان حداقل دو و نیم برابر افزایش یابد (موسایی، ۱۳۸۳). پایان نامه ای تحت عنوان «بررسی تغییرات نحوه گذران اوقات فراغت در خانواده‌های شهر تهران طی سه نسل» نوشته منوچهر اشرف‌الکتابی (۱۳۷۹) در مقطع کارشناسی ارشد با بهره‌گیری از دیدگاه کارکردگرایی پارسنز و نظریه کنش ارادی و قشربندی اجتماعی، به تبیین نحوه گذران اوقات فراغت در خانواده‌های شهر تهران می‌پردازد. فرضیات که این پایان نامه در پی پاسخ گویی به آنهاست متمرکز بر سه متغیر عوامل شخصی، عوامل اجتماعی - اقتصادی و عوامل فرهنگی است.

مطالعه‌ای دیگری با عنوان «وضعیت فعالیت‌های اجتماعی و نحوه گذران اوقات فراغت در سالمندان ایران و سوئد» که توسط باقر مداح انجام شده است. نتیجه بدست آمده از این پژوهش این است که فراوانی و نوع فعالیت‌های اجتماعی در ایام فراغت در میان افراد مختلف به دلیل تفاوت‌های فرهنگی و محیطی متفاوت است.

۳- روش تحقیق

روش پیمایشی کارآمدترین شیوه‌ای است که می‌تواند با لحاظ کردن تاثیر مجموعه‌ای از متغیرها بر ای هریک از موارد به نتایج تعمیمی دست یافت. از این روش برای تحقق و برجسته سازی ویژگی‌های تعمیم‌گرایانه سبک زندگی استفاده و در این روش سعی شده تا با شناسایی و استفاده از ماتریس متغیرهای که در شکل‌گیری سبک زندگی بازنشسته‌ها موثرند و بر هم تاثیر می‌گذارند به تفکیک نظریه درچارچوب نظری و شناسایی افراد در هریک از مقولات پرداخته‌ایم. تکنیک جمع آوری داده‌ها پرسش نامه در قالب طیف گاتمن بوده است. جامعه آماری (واحد تحلیل) در پژوهش حاضر افراد بازنشسته سازمان تامین اجتماعی در شهرستان مهاباد انتخاب شده است که شامل ۱۸۱۷ نفر (۱۵۶ نفر مرد و ۱۶۱ نفر زن) می‌باشد. حجم نمونه

با استفاده از فرمول کوکران به تعداد ۳۱۷ نفر برآورد و انتخاب نمونه به طور تصادفی و از بین بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی مهاباد انجام گردید. در این پژوهش برای توصیف نظرات نمونه آماری در رابطه با سؤالات، از جدول‌های توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌های مربوط استفاده گردید. سپس در بخش دوم فرضیه‌های تحقیق براساس نتایج به دست آمده از بررسی سؤالات، با استفاده از آمار استنباطی مورد آزمون قرار گرفته تا رد یا تأیید شود. به این صورت که جهت بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده شده است و برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از مدل معادلات ساختاری تحت نرم‌افزار PLS استفاده شده است.

۴- یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از تحلیل یافته‌ها نشان داد که از تعداد ۳۱۷ بازنشسته مورد بررسی، ۷۴ درصد مرد و ۲۶ درصد زن بودند که ۷۴/۴ درصد را افراد متأهل و ۱۰/۴ درصد را افراد مجرد، ۱۱ درصد را افراد همسر فوت شده و ۱/۴ درصد را افراد مطلقه تشکیل می‌داد. همچنین نتایج نشان داد که ۳۵/۶ درصد افراد نمونه زیردپلم، ۲۴/۶ درصد دپلم هستند و ۸/۸ درصد دارای مدرک فوق دپلم، ۲۷/۸ درصد دارای مدرک لیسانس، ۱/۹ درصد دارای مدرک فوق لیسانس و ۱/۳ درصد دارای مدرک دکتری هستند. ۶۹/۷ درصد دارای منزل شخصی، ۸/۵ درصد منزل اجاره‌ای، ۸/۲ درصد رهنی و ۱۳/۶ درصد از آنان دارای منزل رهنی و اجاره‌ای می‌باشند.

۴/۷ درصد در سن ۴۲ تا ۴۵ سالی، ۱۹/۹ درصد بین ۴۶ تا ۵۰ سال، ۲۷/۸ درصد بین ۵۱ تا ۵۵ سال، ۲۷/۱ درصد بین ۵۶ تا ۶۰ سال و ۲۰/۵ درصد بالای ۶۱ سالگی بازنشست شده‌اند. ۹/۵ درصد وضعیت مستمری خویش را کمتر از ۶۰۵۰۰۰۰ ریال، ۲۹/۳ درصد بین ۶۰۵۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰ ریال، ۳۶/۹ درصد بین ۱۰۰۰۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰۰۰۰ ریال، ۱۱/۷ درصد بین ۱۵۰۰۰۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال و ۱۲/۶ درصد بالای ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال اعلام کرده بودند. با توجه به موارد فوق و داده‌های حاصل از پرسش نامه نتایج عملیاتی فرضیه‌ها این تحقیق بصورت زیر می‌باشد.

در این مطالعه از مدل یابی معادله ساختاری جهت سنجش مدل استفاده شد. مدل یابی معادله ساختاری یک رویکرد جامع برای آزمون فرضیه‌هایی درباره روابط متغیرهای آشکار (مشاهده شده) و پنهان (نهفته یا مکنون) است و در آن به بررسی نقش میانجی پرداخته می‌شود که در این مطالعه از نسخه ۴ نرم‌افزار Smart PLS و روش حداقل مربعات جزئی^۱ استفاده شد. در ادامه، ابتدا شاخص‌های مدل اندازه‌گیری و ساختاری برای بررسی و نهایی‌سازی مدل تحقیق ارائه شده است و سپس فرضیه‌های تحقیق مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. در ابتدا برای آزمون مدل اندازه‌گیری پایایی و اعتبار ابزار اندازه‌گیری بررسی شد و سپس مدل ساختاری مورد آزمایش قرار گرفت. برای بررسی پایایی سازه‌ها سه معیار پیشنهاد شده است که عبارتند از: ۱- قابلیت اعتماد

^۱ Partial Least Squares

هریک از گویه‌ها، ۲- قابلیت اعتماد ترکیبی هریک از سازه‌ها و ۳- متوسط واریانس استخراج‌شده^۱. در مورد قابلیت اعتماد هریک از گویه‌ها، بار عاملی ۰/۵ و بیشتر هر گویه در تحلیل عاملی تاییدی نشانگر سازه خوب تعریف شده است. همچنین بار عاملی گویه‌ها باید حداقل در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار باشند. مقادیر قابل‌پذیرش آلفای کرونباخ و قابلیت اعتماد ترکیبی^۲ باید ۰/۷ یا بیشتر باشند در واقع مقادیر متوسط واریانس استخراج‌شده، ۰/۵ توصیه شده است. در جدول (۱) بارهای عاملی، قابلیت اعتماد ترکیبی، متوسط واریانس استخراج‌شده و ضریب آلفای هریک از سازه‌ها ارائه شده است. مقادیر این جدول‌ها نشان‌دهنده روایی و پایایی کافی و مناسب سازه‌ها بود.

جدول ۱: شاخص‌های سازه‌های مورد مطالعه

سازه	بعد/گویه	بارعاملی	t-Value	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	AVE
سیاست‌گذاری فرهنگی	T1	۰/۶۳۸	۱۰/۶۹	۰/۷۱۴	۰/۸۲۴	۰/۵۴۲
	T2	۰/۶۸۶	۱۵/۵۷			
	T3	۰/۸۱۲	۲۶/۹۳			
	T4	۰/۷۹۶	۲۵/۵۹			
سیاست‌گذاری اجتماعی	T5	۰/۵۷۳	۷/۵۷	۰/۶۸۸	۰/۸۱۲	۰/۵۲۲
	T6	۰/۷۶۵	۲۲/۵۸			
	T7	۰/۷۷۶	۲۲/۲۲			
	T8	۰/۷۵۶	۲۱/۲۳			
سیاست‌گذاری اقتصادی	T9	۰/۷۲۸	۱۵/۲۴	۰/۷۳۷	۰/۸۲۵	۰/۵۵۹
	T10	۰/۸۰۵	۳۰/۶۷			
	T11	۰/۷۳۴	۱۹/۸۵			
	T12	۰/۷۲۱	۱۴/۵۴			
سیاست‌گذاری سلامت	T13	۰/۶۷۳	۱۴/۰۱	۰/۷۴۷	۰/۸۴۰	۰/۵۷۰
	T14	۰/۷۱۰	۱۵/۸۴			
	T15	۰/۸۱۰	۲۲/۷۰			
	T16	۰/۸۱۵	۳۴/۸۱			
تغییرات سبک زندگی	بیگانگی	۰/۷۷۱	۱۹/۲۹	۰/۸۲۵	۰/۸۸۲	۰/۶۰۱
	ستیز یا خانواده	۰/۸۲۷	۳۳/۵۸			
	ستیز یا جامعه	۰/۷۶۹	۱۷/۴۳			
	اضطراب	۰/۷۹۱	۱۹/۶۸			
	کیفیت زندگی	۰/۷۱۱	۱۶/۶۶			

در خصوص بارهای عاملی، از آنجایی که بار عاملی همه‌ی مؤلفه‌ها و گویه‌ها بالای ۰/۵ بود ($t > 1/96$) value)، لذا تمامی ابعاد وارد تحلیل شد که نشان از تأیید پایایی کافی و مناسب سازه‌های پژوهش است. برای ارزیابی روایی یا افتراقی سازه‌ها، از معیار فورنل و لارکر^۳ و معیار روایی یگانه-دوگانه^۴ استفاده شد. بر اساس معیار فورنل و لارکر، جذر میانگین واریانس استخراج‌شده^۵ یک سازه باید بیشتر از همبستگی

¹ AVE² ρ_c ³ Fornell & Larcker⁴ HTMT (Heterotrait-Monotrait Ratio)⁵ AVE

آن سازه با سایر سازه‌ها باشد. این نشان می‌دهد که همبستگی آن سازه با نشانگرهای خود بیشتر از همبستگی‌اش با سازه‌های دیگر است. این نتایج در جدول زیر گزارش شده است.

جدول ۲: ماتریس همبستگی و جذر میانگین واریانس استخراج شده هر یک از متغیرهای پژوهش

شماره	متغیر	۱	۲	۳	۴	۵
۱	سیاست‌گذاری فرهنگی	۰/۷۳۶				
۲	سیاست‌گذاری اجتماعی	۰/۳۱۴	۰/۷۲۲			
۳	سیاست‌گذاری اقتصادی	۰/۲۵۲	۰/۶۴۹	۰/۷۴۸		
۴	سیاست‌گذاری سلامت	۰/۲۶۰	۰/۶۸۸	۰/۷۳۴	۰/۷۵۵	
۵	تغییرات سبک زندگی	۰/۵۳۶	۰/۶۴۷	۰/۶۵۵	۰/۶۷۸	۰/۷۷۵

توجه: اعداد روی قطر ماتریس همبستگی جذر میانگین واریانس استخراج شده می‌باشند. با توجه به جدول ۲ جذر میانگین واریانس استخراج شده تمامی متغیرهای پژوهش بیشتر از همبستگی آن‌ها با متغیرهای دیگر بود. بنابراین معیار اول بررسی روایی واگرا متغیرهای پژوهش برقرار است. همچنین مطابق داده‌های جدول ۳ در خصوص معیار روایی یگانه-دوگانه مشاهده می‌شود که کلیه ضرایب از ۰/۸۵ کمتر هستند لذا معیار سوم روایی واگرای متغیرهای تحقیق نیز برقرار است.

جدول ۳: ضرایب HTMT در ارزیابی روایی واگرا

شماره	متغیر	۱	۲	۳	۴	۵
۱	سیاست‌گذاری فرهنگی					
۲	سیاست‌گذاری اجتماعی	۰/۴۲۵				
۳	سیاست‌گذاری اقتصادی	۰/۳۵۸	۰/۸۴۰			
۴	سیاست‌گذاری سلامت	۰/۳۵۸	۰/۸۴۶	۰/۸۴۸		
۵	تغییرات سبک زندگی	۰/۶۸۳	۰/۸۳۴	۰/۷۹۶	۰/۸۳۸	

همان طوریکه مشاهده شد در بخش اندازه‌گیری، تمامی شاخص‌ها در حد مطلوب هستند و این به آن معناست که روابط مناسبی بین سازه‌ها و شاخص‌های آنها برقرار است.

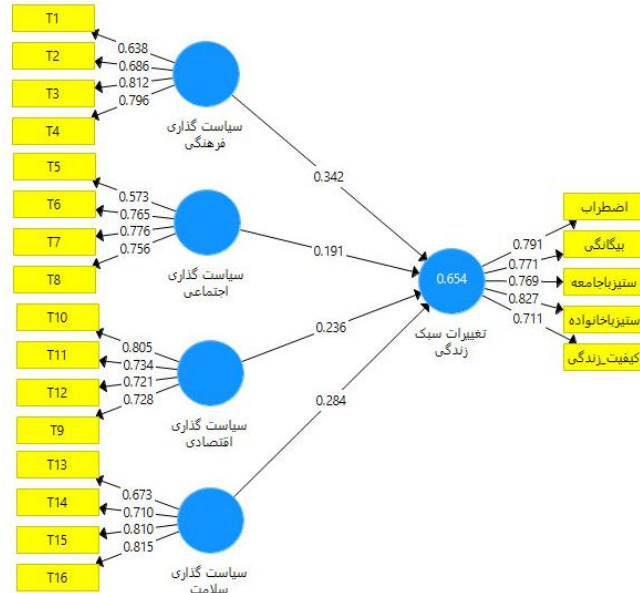
آزمون الگوی ساختاری پژوهش در روش حداقل مربعات جزئی^۱ از طریق بررسی ضرایب مسیر (بارهای عاملی) و مقادیر ضریب تعیین^۲، ضریب/ستون-گیر^۳ و با استفاده از روش بازنمونه‌گیری^۴ (با ۵۰۰ زیر نمونه) برای محاسبه مقادیر آماره t امکان‌پذیر است. با توجه به شکل ۲، ضریب تأثیر مؤلفه‌های کیفیت سیاست‌گذاری سازمان تامین اجتماعی بر تغییرات سبک زندگی بازنشستگان تامین اجتماعی معنی دار است. در مدل ۱، عدد داخل دایره، واریانس تبیین شده متغیر تغییرات سبک زندگی است که برابر با ۰/۶۵۴ به دست آمد. بدین معنی که ۶۵ درصد تغییرات سبک زندگی بازنشستگان تامین اجتماعی توسط تغییرات در کیفیت سیاست‌گذاری سازمان تامین اجتماعی توضیح داده می‌شود.

^۱ Partial Least Squares (PLS)

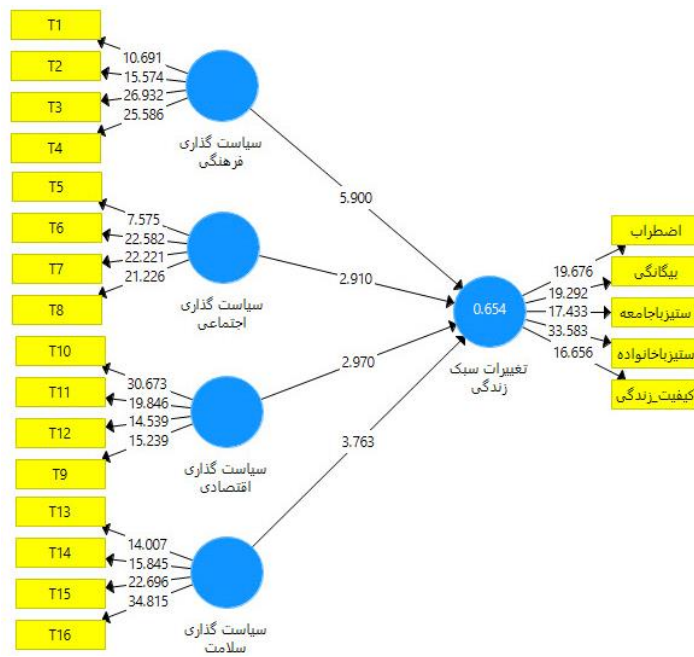
^۲ R²

^۳ Q2 Stone – Giesser

^۴ Bootstrapping



شکل ۱: اندازه گیری مدل در حالت استاندارد



شکل ۲: اندازه گیری مدل در حالت معنی دار

در ادامه جهت برازش مدل کلی از معیار نیکویی برازش^۱، شاخص ریشه میانگین مربعات باقیمانده استاندارد^۲ و مقدار شاخص تناسب به‌هنگار^۳ استفاده شد. یافته‌های مربوط به شاخص‌های برازش مدل حاکی از آن بود که شاخص ریشه میانگین مربعات باقیمانده استاندارد برابر ۰/۰۸۳ برآورد شد و مقدار شاخص تناسب به‌هنگار نیز برابر با ۰/۹۴۵ برآورد گردید. در خصوص معیار نیکویی برازش سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵، ۰/۳۶ به‌عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی معرفی شده است. این معیار از طریق فرمول زیر محاسبه شد:

$$GOF = \sqrt{\text{communalities} \times R^2} = \sqrt{0.559 \times 0.654} = 0.605$$

جدول ۴: معیار GOF

متغیرها	Communality	R Square	Q ²
سیاست‌گذاری فرهنگی	۰/۵۴۲	-	-
سیاست‌گذاری اجتماعی	۰/۵۲۲	-	-
سیاست‌گذاری اقتصادی	۰/۵۵۹	-	-
سیاست‌گذاری سلامت	۰/۵۷۰	-	-
تغییرات سبک زندگی	۰/۶۰۱	۰/۶۵۴	۰/۳۶۵
مجموع	۲/۷۹۴	۰/۶۵۴	-
میانگین	۰/۵۵۹	۰/۶۵۴	-

مطابق جدول، نتیجه ۰/۶۰۵ برازش قوی مدل را نشان می‌دهد. همچنین در مورد Q² سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ مقادیر ضعیف، متوسط و قوی قدرت پیش‌بینی مدل در مورد سازه‌های درون‌زا را نشان می‌دهد. بنابراین نتایج جدول شماره ۴ نشان از قدرت پیش‌بینی مناسب مدل تحقیق دارد و برازش مناسب مدل ساختاری را تأیید می‌سازد. ضریب معناداری و نتایج روابط مطرح‌شده در مدل تحقیق در جدول (۶) ارائه شده است.

جدول ۵: بررسی معناداری ضرایب تأثیر برآورده شده مدل تحقیق

رابطه مورد بررسی	ضریب تأثیر برآورده شده	t- Value	سطح معناداری	نتیجه
سیاست‌گذاری فرهنگی -> تغییرات سبک زندگی	۰/۳۴۲	۵/۹۰	≤۰/۰۰۱	تأیید
سیاست‌گذاری اجتماعی -> تغییرات سبک زندگی	۰/۱۹۱	۲/۹۱	۰/۰۰۴	تأیید
سیاست‌گذاری اقتصادی -> تغییرات سبک زندگی	۰/۲۳۶	۲/۹۷	۰/۰۰۳	تأیید
سیاست‌گذاری سلامت -> تغییرات سبک زندگی	۰/۲۸۴	۳/۷۶	≤۰/۰۰۱	تأیید

توجه به یافته‌های جدول (۵) و نیز از آنجایی که عدد معنی‌داری مسیر مابین کلیه متغیرها، بزرگ‌تر از ۱/۹۶ بود، از این رو روابط فوق مورد تأیید قرار می‌گیرد. پس با اطمینان ۹۵ صدم می‌توان ادعا کرد که کیفیت

¹ Goodness of Fit (GOF)

² SRMR

³ NFI

سیاست‌گذاری سازمان تامین اجتماعی (فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سلامت) بر تغییرات سبک زندگی بازنشستگان تامین اجتماعی تأثیر مثبت و معنی داری دارد ($P \leq 0/05$).

نتایج حاصل از تحقیق در خصوص فرضیه اول مبنی بر "به نظر می‌رسد که بین سیاست‌گذاری فرهنگی در سازمان تامین اجتماعی و تغییرات سبک زندگی بازنشستگان رابطه مستقیم وجود دارد" نشان داد که بین سیاست‌گذاری فرهنگی در سازمان تامین اجتماعی و تغییرات سبک زندگی بازنشستگان شهرستان مهاباد رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($P \leq 0/001$). داده‌های مربوط به این فرضیه با نظریه ماسام قابل تبیین است: به نظر ماسام، تأمین کالای عمومی و بهبود کیفیت زندگی اساساً پیامد شکل‌گیری دولت مدنی است یعنی «اگر اقدامات عمومی و خصوصی بتواند تأمین و بهبود همه عناصر فرهنگ و همچنین بهداشت، آموزش و رفاه عمومی را به گونه‌ای نظم دهد که موجب رشد و بهبود مدنیت گردد، آنگاه دولت مدنی ظاهر می‌شود و در پی آن کیفیت زندگی بی‌تردید بهبود می‌یابد» (ماسام، ۲۰۰۲: ۱۶۵). چاوشیان (۱۳۸۱) در مطالعه سبک زندگی و هویت اجتماعی: "مصرف و انتخاب‌های ذوقی به عنوان شالوده‌ی تمایز و تشابه اجتماعی در دوره‌ی مدرنیته متأخر" به بررسی مفهوم سبک زندگی از منظر مطالعات فرهنگی پرداخته است. نتایج تحقیقات وی که در بستر فرهنگی انسان ایرانی بدست آمده است در همبستگی با نتایج این تحقیق می‌باشد به عبارت دیگر چاوشیان نشان می‌دهد عوامل فرهنگی مثل دینداری و سرمایه فرهنگی بر سبک زندگی افراد تأثیرگذار می‌باشد که اهمیت دوباره "فرهنگ" در تحلیل مسائل اجتماعی را ثابت می‌کند.

نتایج حاصل از تحقیق در راستای فرضیه دوم مبنی بر "به نظر می‌رسد که بین سیاست‌گذاری اجتماعی در سازمان تامین اجتماعی و تغییرات سبک زندگی بازنشستگان رابطه مستقیم وجود دارد" نشان داد که بین سیاست‌گذاری اجتماعی در سازمان تامین اجتماعی و تغییرات سبک زندگی بازنشستگان شهرستان مهاباد رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($P \leq 0/05$). در کل نتایج به دست آمده در این پژوهش را می‌توان بر اساس نظریه محیط اجتماعی تبیین کرد. بر اساس این نظریه، رفتار دوران پیری به برخی شرایط اجتماعی و بیولوژیکی بستگی دارد. همچنین سه عامل مهم سلامتی، اوضاع مالی، وجود پشتیبانان اجتماعی - همسر، خانواده و روابط اجتماعی - در این زمینه نقش اساسی دارند. نتایج بررسی رابطه بین حمایت اجتماعی و سلامت در پژوهش سیف زاده (۱۳۸۵) نشان می‌دهد که سالمندان برخوردار از حمایت اجتماعی بهتر از سلامت روانی بیشتری نیز بهره‌مند هستند. نتیجه تحقیق علی زاده اقدام و همکاران (۱۳۹۱) نیز تا حدودی با نتیجه فرضیه فوق همخوانی دارد. آنها نیز در تحقیق خود تحت عنوان «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با کیفیت زندگی بازنشستگان دانشگاه تبریز» نتیجه گرفتند که بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن با کیفیت زندگی بازنشستگان رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد بطوریکه نتایج نشان داد ابعاد سرمایه اجتماعی (انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی) ۳۲ درصد واریانس کیفیت زندگی (متغیر وابسته) را تبیین کرده‌اند. بنابراین، سرمایه اجتماعی و ابعاد آن یک پیش‌بینی کننده خوب برای تبیین کیفیت زندگی بازنشستگان دانشگاه تبریز می‌باشند. لازم به ذکر است وضعیت اجتماعی بازنشستگان با حجم و گستره اندازه

خانواده، در ترتیب بندی درآمد خانواده موثر است پس نتایج عملی این فرضیه و تحقیقات مرتبط با آن نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری سازمان تامین اجتماعی در ارتباط با وضعیت اجتماعی بازنشستگان چند بعدی باشد.

نتایج حاصل از تحقیق در خصوص فرضیه سوم مبنی بر " به نظر می‌رسد که بین سیاست‌گذاری اقتصادی در سازمان تامین اجتماعی و تغییرات سبک زندگی بازنشستگان رابطه مستقیم وجود دارد" نشان داد که بین سیاست‌گذاری اقتصادی در سازمان تامین اجتماعی و تغییرات سبک زندگی بازنشستگان شهرستان مهاباد رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($P \leq 0.05$). نتیجه این فرضیه با نتیجه تحقیق منوچهرآبادی و همکاران (۱۳۹۶) تحت عنوان « بررسی تاثیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده بر سبک زندگی » همخوانی دارد. در راستای تبیین فرضیه فوق، کالینز معتقد است که به عقیده مارکس، شرایط مادی دخیل در کسب درآمد معیشت در جامعه نوین تعیین کننده اصلی سبک زندگی شخص به شمار می‌روند (جورج ریتزر، ۱۳۸۴: ۱۷۲ و ۱۷۱). به عقیده صاحب نظران نظریه تقابل، علل اصلی تفاوت‌ها در میان اعضا و گروه‌های اجتماعی در نتیجه توزیع نابرابر امکانات و فرصت‌های نابرابر در زندگی اجتماعی به وجود می‌آیند.

نتایج حاصل از تحقیق در خصوص فرضیه چهارم مبنی بر " به نظر می‌رسد که بین سیاست‌گذاری خدمات درمانی و سلامت در سازمان تامین اجتماعی و تغییرات سبک زندگی بازنشستگان رابطه مستقیم وجود دارد" نشان داد که بین سیاست‌گذاری خدمات درمانی و سلامت در سازمان تامین اجتماعی و تغییرات سبک زندگی بازنشستگان شهرستان مهاباد رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($P \leq 0.001$). مطالعات نه تنها نشان دهنده ارتباط نحوه زندگی و موقعیت اجتماعی سالمندان با ناتوانی است بلکه نشان می‌دهند که میزان ارتباط اجتماعی و شبکه‌های حمایتی سالمندان اثر زیادی بر سلامت و توانایی آنها در زندگی روزمره دارد (کارل^۱ و همکاران، ۲۰۰۲؛ اورارد^۲ و همکاران، ۲۰۰۰؛ ووگت^۳ و همکاران، ۱۹۹۲ و میکائیل^۴ و همکاران، ۱۹۹۹). در زمینه سبک زندگی بهداشتی، انسجام در انجام دادن مجموعه ای از رفتارهای مرتبط با بهداشت و سلامتی، جوهره تعریف سبک زندگی بهداشتی است. کوکرهام تصمیم‌گیری درباره مصرف غذا، ورزش کردن، مراعات بهداشت فردی، مقابله با استرس، استعمال سیگار، مصرف الکل و مواد مخدر، بستن کمربند ایمنی، مسواک زدن و انجام دادن معاینات دوره ای پزشکی را اجزاء سبک زندگی بهداشتی می‌خواند. (۲۰۰۴ Cockerham ,

بنابراین هر اندازه میزان سیاست‌گذاری خدمات درمانی و سلامت در سازمان تامین اجتماعی بیشتر باشد به همان میزان نیز به تغییرات سبک زندگی بازنشستگان در راستای ایجاد ذهنیت و اعتماد و احساس آرامش مربوط به دوره سالمندی و بازنشستگی افزوده خواهد شد پس داده‌های این تحقیق و تحقیقات مشابه مرتبط

1. Karel
2. Everard
3. Vogt
4. Michael

به صورت عملی گویای این موضوع هستند که سیاست‌گذاری‌های حوزه سلامت و درمان در نظر پرسش‌شدگان نه تنها یک وظیفه سازمانی بلکه نوعی امید به زندگی محسوب می‌شود.

۵- نتیجه‌گیری

در گذشته به مسئله بازنشستگی توجه نمی‌شد و فرد تا توان کار کردن داشت به خدمت گرفته می‌شد و بعد از اینکه نیروی کار و توان جسمی او به تحلیل می‌رفت به خویشاوندان خود یا مؤسسات خیریه وابسته بود. با شروع انقلاب صنعتی و بزرگ شدن سازمانها و کارگاه‌ها از نظر سرمایه و نیروی کار و نیز توسعه استخدامهای دولتی، تمرکز نیروهای کارگری تحت تشکیلات اتحادیه‌های و سندیکاهای کارگری گسترش پیدا کرد. این رشد نهادی و معطوف به آینده زمینه شکل‌گیری نهادی حمایت‌کننده بنام سازمان تامین اجتماعی را در دوره مدرن ایجاد کرد. با توجه به رشد فزاینده بازنشستگان به واسطه رشد صندوق و افزایش امید به زندگی، لزوم توجه به سرمایه‌گذاری سازمان تامین اجتماعی از اهم فعالیت‌های این نهاد خواهد بود. لازم است در نظر داشته باشیم بازنشستگی و سالمندی و سبک زندگی حاکم بر این دوره عبارت است از نحوه گذراندن این دوران بر اساس یک سری از متغیرهایی که در زندگی بازنشستگان بوجود می‌آید از جمله امید به زندگی، فراغت، بیماری، موقعیت اجتماعی و وضعیت روحی ناشی از ناتوانی انجام برخی از امور گذشته و بسیاری موارد دیگر. این پژوهش نیز با هدف بررسی تاثیر کیفیت سیاست‌گذاری سازمان تامین اجتماعی بر سبک زندگی بازنشستگان آن سازمان در شهرستان مهاباد انجام گرفته است. در این پژوهش نیز بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی به عنوان گروهی از بیمه‌شدگان در فضای جوامع جدید واجد سبک زندگی و تغییراتی مبتنی بر سیاست‌گذاری‌های سازمانی هستند که در چهار بخش اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و خدمات درمانی مورد بررسی قرار گرفتند. سبک زندگی نوعی منشأ درونی در فرد است به عبارت دیگر تامین اجتماعی در صدد است بواسطه سیاست‌گذاری اجتماعی که امری عینی و توسط دولت پیاده می‌شود از طریق عمل به مواردی چون تامین اجتماعی، آموزش و مراقبت‌های اجتماعی آن را سامان‌دهی نماید. نتایج بدست آمده از داده‌های آماری در مورد هر چهار فرضیه این تحقیق نشان می‌دهد که بین سیاست‌گذاری‌های اجتماعی سازمان و چهار مولفه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و خدمات درمانی و سلامت ارتباط معناداری وجود دارد. هرچند سطح این ارتباط به یک صورت نمی‌باشد. در این بین ارتباط سیاست‌گذاری‌های اجتماعی حدود ۱۵ درصد و سیاست‌های درمانی حدود ۱۱ درصد قابل توجه‌تر هستند. پس داده‌های این تحقیق و تحقیقات مشابه مرتبط به صورت عملی این موضوع را بیان می‌کنند که سیاست‌گذاری‌های حوزه سلامت و درمان و حوزه اجتماعی در نظر پرسش‌شدگان نه تنها یک وظیفه سازمانی بلکه نوعی امید به زندگی محسوب می‌شود. و هر دو مولفه در چارچوب تحولات دوره نوین واجد عوامل تأثیرگذار بیرونی بیشتر هستند و اگر در سیاست‌گذاری‌های سازمان مورد توجه قرار گیرند سطح رضایت بازنشستگان افزایش چشم‌گیر خواهد بود. هرچند می‌توان گفت این ارتباط بین این دو مولفه - اجتماعی و

سلامت - در نظر پرسش شوندگان به نوعی با وضعیت معیشت خانوار و تورم از یک طرف و با تحولات انگاره‌ها، هنجارها و ارزش‌های در بدنه نوین اجتماعی هم مرتبط است. بنابراین، می‌توان پیشنهاد داد با توجه به داده‌های این تحقیق ضروری است سازمان در تنظیم و تدوین رئوس سیاست‌گذاری‌های خود به نسبت به این دو حوزه توجه خاص داشته باشد.

منابع

- بوند، جان و کورنر، لین. ۱۳۸۹. *کیفیت زندگی و سالمندان*. ترجمه‌ی محقق کمال سیدحسین. تهران: نشر دانه
- ثابت، عبدالحسین. ۱۳۷۸. *بررسی وضعیت اجتماعی و فرهنگی بازنشستگان استان تهران*. تهران: سازمان بازنشستگی کشوری
- چاوشیان، حسن. ۱۳۸۱. *سبک زندگی و هویت اجتماعی: مصرف و انتخاب‌های ذوقی به عنوان ثالوده‌ی تمایز و تشابه اجتماعی در دوره مدرنیته متاخر*. پایان نامه دکتری جامعه‌شناسی نظری فرهنگی. دانشگاه تهران
- حاجیانی، ابراهیم. ۱۳۹۱. *الگوهای سبک زندگی ایرانیان*. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک
- خادمیان، طلیعه. ۱۳۹۰. *سبک زندگی و مصرف فرهنگی*. تهران: جهان کتاب
- ریتزر، جورج. ۱۳۸۴. *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه‌ی ثلاثی محسن، تهران: علمی
- سعیدی، محمدرضا و تاج‌الدین، محمد باقر. ۱۳۹۲. *برنامه ریزی اجتماعی*. تهران: نشر علوم اجتماعی
- سیف زاده، علی. ۱۳۸۵. *مشخصه‌های اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و سلامت روانی در کهنسالی، (مورد شناسی شهر آذرشهر)*. فصلنامه جمعیت شماره ۶۳-۶۴، صص ۱۶۲-۱۲۷
- علی زاده اقدم، محمدباقر؛ سلطانی بهرام، سعید و علی زاده اقدم، رسول. ۱۳۹۱. *فرایند مدیریت توسعه، دوره ۲۶*، شماره ۳، پیاپی ۸۵، پاییز ۹۲.
- غفاری، غلامرضا و امیدی، رضا. ۱۳۹۰. *کیفیت زندگی شاخص توسعه اجتماعی*. تهران: شیرازه
- فاضلی، محمد. ۱۳۸۲. *مصرف و سبک زندگی*. قم: صبح صادق
- کاویانی، محمد. ۱۳۹۲. *سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- موسایی، میثم. ۱۳۸۳. *آثار اجتماعی و روحی بازنشستگی اعضای هیات علمی دانشگاه تهران*. فصل نامه علمی پژوهشی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، دوره ۸، شماره ۳۶، صص ۱۵۷ - ۱۸۰
- موسوی، میر طاهر. و محمدی، محمد علی. ۱۳۸۸. مفاهیم و نظریه‌های رفاه اجتماعی. تهران: نشر دانه
- منوچهرآبادی، افشین؛ هاشمی، محمود؛ ۱۳۹۶، بررسی تاثیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده بر سبک زندگی (مطالعه موردی جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهرستان دشتستان) مجله: امنیت انتظامی دریایی «پاییز ۱۳۹۶ - شماره ۳۰» 19صفحه - از ۶۱ تا ۷۹
- هزار جریبی، جعفر. و صفری شالی، رضا. ۱۳۹۱. *آنانومی رفاه اجتماعی*. تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ
- Cockerham, W. C. (۲۰۰۴). *The Sociology of Health Behavior and Health Lifestyle*, London: Prentice Hall College.
- Everard K, Lach H, Fisher E, Baum M. (2000). *Relationship of activity and social support to the functional health of older adults*. gerontol B Psychol Sci Soc Sci. 4(55):208-12.

-Karel, M.J., Ogland-Hand, S., & Gatz, M. (2002). *Assessing and treating Late -life depression: a casebook and resource guide*. New York: basic books.

- Michael Y, Colditz G, Coakley E, Kawachi L. (1999). *Health behaviors, social networks, and healthy aging: cross- sectional evindance from the Nurses' health study Qual Life Res.* 8(8):711-22.

- Vogt T, Mullooly J, Ernst D, Pope C, Hollis J. (1992). *Social networks as predictors of ischemic heart disease, cancer, stroke and hypertension: Incidence, survival and mortali. Clini Epidemiol.* 45:659-66.